



جهان آخرت

رویدادهای بزرگ و کوچک قیامت و تحولات پس از آن

برگرفته از قرآن و سنت

ترجمه: محمد حنیف حسین زائی

وبسایت رسمی دکتر محمد العریفی

www.Arefe.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهان آخرت

رویدادهای بزرگ و کوچک قیامت و

تحولات پس از آن

نویسنده: دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

مترجم: محمد حنیف حسین زائی

ناشر: سایت فارسی دکتر محمد العریفی

Arefe.com/fa

Her&

داستان

بارها برایم تماس گرفت؛ اما من به علت تراکم کارها در پاسخ تماسهایش موفق نشدم. مرتب به موبایلم sms می داد. لذا برایش تماس گرفتم، ابتدا آرام به نظر می رسید، اما صدا و زمزمه اش از اندوه درونی عمیقی حکایت داشت. با آرامی از من پرسید: جناب شیخ! مسیرمان پس از مرگ، به کجا خواهد انجامید؟ گفتم: شگفتا! می میریم، وانگهی زنده می شویم، سپس محشور خواهیم شد و از آن پس به دیدار الله خواهیم شتافت و ...

سخناتم را قطع نمود و با استرس گفت: باورم نمیشه! باورم نمیشه! از شیوة سخنانش دریافتم که این جوان به خواندن برخی کتابها و مقالات روی آورده یا به برخی سایتها در انترنت دسترسی داشته است که امر را بر وی مشتبه ساخته و او را از مسیر منحرف کرده اند، یا چه بسا با افراد لائیک خیال گفتگوهایی داشته و چون از دانش و علم تهی بوده، مغلوب افکار آنان گشته است.

لذا به وی گفتم: فرزندم! چرا باور نمی کنی؟ گفت: جناب شیخ! وارد برخی از سایتهایی شده ام که در مورد زندگانی دنیا و آخرت بحث می کنند و با افرادی در این موضوع گفتگو کرده ام، لذا به باورهایی که بر آنها تربیت شده و بزرگ شده ام، از قبیل: بهشت، دوزخ، پل صراط، حساب، کیفر و... به اندیشه فرو رفته ام که اینها چه باورهایی هستند؟

گفتم: فرزندم! آرام باش، و در موضوعی به بحث و گفتگو به پرداز که در مورد آن عِلْم و اِگْهِي داری. چنان که خداوند می فرماید: **(وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ)**، [الإسراء: ۳۶]، «از چیزی دنباله روی مکن که از آن ناآگاهی.»

چه بسا افرادی در موضوعی به بحث و مناقشه پرداخته اند که در آن فن و موضوع، علم و آگاهی نداشته و در نتیجه دچار سردرگمی و استرس قرار گرفته و کار بر آنان مشتبه گشته و در نتیجه در تیررس افرادی قرار گرفته اند که آنان قصد گمراهی و تخریب فکر و اندیشه اش را داشته اند.

فرزندم! عقیده و باور توحید، اصل و اساس آفرینش ماست و روان آدمی جز با آن به آرامش دست پیدا نمی کند، از این رو می بینی که گروندگان به دین اسلام، رو به افزایش اند نه کاهش، و علاوه بر عامه مردم، در میان

آنان اساتید دانشگاهها، مخترعین بزرگ، سفرا و وزیران به چشم می‌خورند!

چه چیزی باعث شده که این افراد به دینی گرایش پیدا کنند که اهل آن به بهشت، دوزخ، حساب و کیفر معتقدند؟ بدون این که کسی آنان را وادار به این کار نموده یا آنان را به دریافت جزا و پاداشی در قبال ورودشان به این دین بفریباند؟!

قطعا این چیزی جز توحید و فطرت، و آرامش روان و راحتی درون و اطمینان قلب نخواهد بود.

خداوند هم ما را از یک جنس، یعنی از پدرمان آدم آفریده، سپس مادرمان را پدید آورده و پس از آن سایر انسانها را از این دو نفر پراکنده ساخته است، تا این جهان را آباد کنیم، با مردم خوشرفتاری کنیم، و زندگی ای شاد و خرم داشته باشیم، و باز بمیریم و دوباره زنده شویم، مورد حساب و کتاب قرار گیریم، و در این مورد دلایلی در حد کافی از عقل و نقل وجود دارد.

جوان، با توجه تمام به سخنانم گوش فرا می‌داد تا جایی که در اثر سکوت مُفرطش، گمان بردم که تلفنش را خاموش کرده و به دنبال کارش رفته است، از این رو، هر چند بار، به وی می‌گفتم: گوش می‌دهی؟ درسته؟ او نیز با آرامش تام گوش می‌داد و غرق در اندیشه هایش بود!

لذا من متوجه شدم که او و امثال وی به کتابی نیاز دارند که در مورد رویدادهای قیامت سخن گفته و در عین حال با زبان روز سخن بگوید، از این رو به نگارش این کتاب که در پیش روی تان است، (جهان آخرت) اقدام نمودم.

از الله می‌خواهم که آن رو سودمند، مفید و خالصانه در جهت رضای خود قرار دهد. آمین.

محمد بن عبدالرحمن العریفی
استاد دانشگاه ملک سعود ریاض
دکتر در عقیده و ادیان
عضو اتحادیه علمای جهان اسلام
عضو سازمان جهانی رسانه های اسلامی
عضو هیئت عالی رشد و ترقی بشری
۹ ذوالحجه ۱۴۳۲ هـ .

جهان آخرت ... چرا؟

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على
اشرف الانبياء والمرسلين، وعلى آله الطيبين، و
اصحابه الغر الميامين، و من تبعهم باحسان الى
يوم الدين، وبعد:

همة اديان اتفاق دارند مبنى بر اين كه
انسانها مى ميرند و سپس براى روزى كه جزا و
پاداش اعمالشان را بيايند، برانگيخته مى شوند؛
در آن روز ستمكار، كيفر ستمگرى و نيكوكار،
پاداش نيكوكارى اش را دريافت مى كند.
بنابراين، زندگى دنيا پايان مسير نيست.

خداوند مى فرمايد: (أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ

الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَارِ)، [ص: ۲۸]، «آيا (با حكمت و
عدالت ما سازگار است) كسانى را كه ايمان مى
آورند و كارهاى شايسته انجام مى دهند، همچون
تباهكاران (و فساد پيشگان در زمين) به شمار
آوريم؟ و يا اين كه پرهيزگاران را با بزهكاران
برابر داريم؟»

و نيز مى فرمايد: (قُلْ يَلَىٰ وَرَئِي لَتُدْعَثُنَّ ثُمَّ
لَتُنْبَذُونَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ)، [التغابن:

۷]، «كافران مى پندارند كه هرگز زنده و
برانگيخته نخواهند گرديد! بگو: چنين نيست كه
مى پنداريد، به پروردگارم سوگند! زنده و
برانگيخته خواهيد شد، و سپس از آن چيزهايى كه
مى كرده ايد با خبرتان خواهند كرد. و اين كار
براى خدا ساده و آسان است.»

از اين جهت، ايمان به روز آخرت، يكي از
اركان ايمان است و هر كس بعث و حساب را تكذيب
نمايد، او به خداوند بزرگ كافر شده است.

خداوند مى فرمايد: (الَّذِينَ يَصِدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ)، [الأعراف:

۴۵]، «همان كسانى كه (مردمان را) از راه خدا
باز مى داشتند، و (بر راستاى خداشناسى سدها و
مانعها ايجاد مى كردند، و در دلهاى مردمان
شكها و گمانها مى انداختند تا آنان را منحرف

جهان آخرت

سازند و بدیشان) راه خدا را کج و نادرست نشان دهند، و آنانی که به آخرت کفر می ورزیدند (و به جهان دیگر ایمان نداشتند).»

بنابراین،

- ایمان به آخرت یعنی چه؟
- مرگ چیست؟
- در قبر چه اتفاقی می افتد؟
- حوض و میزان چه هستند؟
- پل صراط و نامه اعمال یعنی چه؟
- ویژگی های بهشت و دوزخ کدامند؟
- شگفتی های آخرت چه اموری خواهند بود؟ در آن روز، انسانها چه وضعیتی خواهند داشت؟
- چه زمانی در آخرت پروردگاران را رؤیت خواهیم کرد؟

با ما باش تا به مقصد جهان آخرت همسفر شویم

چرا به روز آخرت ایمان داشته باشیم؟
خواست خداوند چنین بوده است که پس از زندگی دنیا، جهان دیگری باشد، از رویدادهای آن به ما خبر داده و با وقوعش ما را موعظه کرده و بر ما واجب گردانیده که به آن ایمان داشته و خود را برای آن روز آماده کنیم.

زیرا یادآوری روز آخرت، انسان را وادار به انجام اعمال و کردار نیک و پسندیده کرده و استرس و دلهره درونی را از آدمی سلب می نماید و او را از انجام ستمگری و غلبه بر ضعفا و مستمندان برحذر می دارد.

چنان که خداوند می فرماید: **(نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ)**، [الأنبياء: ۴۷]،

«و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی شود، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می سازیم (و سزا و جزای آن را می دهیم) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم.»

و در آیه دیگری فرموده است: **(وَأَعَدَّتِ الْجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَدِيمِ وَقَدْ خَابَ مِنْ حَمَلِ ظُلْمًا)**، [طه: ۱۱۱]،
«(در آن روز همه) چهره ها در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می کنند و کرنش می برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر (دنیای خود) را بر دوش کشد، ناامید (از لطف خدا و بی بهره از نجات و ثواب) می گردد.»

آن حضرت ﷺ در حدیثی می فرماید: هر کس بر برادرش ستمی روا داشته، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشته، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش درهم یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشته باشد، به عوض ستمش از آن برداشته می شود و اگر

عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بر وی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می شود.^۱

ایمان به رستاخیز، از فساد و الحاد نیز جلوگیری می کند، اما کسی که به رستاخیز ایمان ندارد، از انجام اعمال زشت و منکر باز نمی آید؛ چنان که خداوند فرموده است: **﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كَبُون﴾**، [المؤمنون: ۷۴]، «کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه (راست) منحرف هستند.»

همچنین ایمان به روز رستاخیز، اخلاق آدمی را زیبا نموده و در برابر مصایب و سختی ها او را وادار به صبر و شکیبایی می نماید و بر آنچه از دست داده است، حسرت نمی خورد؛ چون می داند که در برابر آن، در روز رستاخیز پاداش بزرگی را دریافت می کند.

^۱ - صحیح بخاری. یکی از موارد رحمت و مهربانی خداوند بر بندگان این است که در میان اختلاف کنندگان صلح و آشتی برقرار می کند تا ستمگر مورد عفو قرار گرفته و ستم دیده راضی شود. چنان که حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: ما در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که ناگهان آن حضرت صلی الله علیه و آله به خنده آمد تا جایی که دندانهای پیشینش ظاهر گردید. اصحاب پرسید: یا رسول الله! برای چه می خندید: فرمود: دو نفر از امت من در پیشگاه خداوند به زانو افتاده اند و یکی از آن دو نفر می گوید: خدایا! حقم را از برادرم بگیر. خداوند می فرماید: حق برادرت را که در حقش ستم کرده ای، بده. او جواب می دهد: خدایا! از نیکبهایم چیزی باقی نمانده است، برادرت می گوید: خدایا! از گناهانم بر دوش او بگذار! در این هنگام چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله از اشک جاری شدند و فرمود: آن روز، روزی است که مردم نیاز دارند تا گناهان دیگران بر دوش آنان گذاشته شود.

آن گاه خداوند به صاحب حق می گوید: چشمانت را بالا بگیر و نگاه کن، او نگاهش را به بالا می اندازد و می گوید: خدایا! کاخهایی از طلا می بینم که با مروارید آراسته شده اند، خدایا! این کاخها متعلق به کدام پیامبر، یا کدام راستگو و یا کدام شهید هستند؟ الله می گوید: اینها متعلق به کسی هستند که قیمت آنها را بپردازد. آن فرد می گوید: خدایا! چه کسی می تواند قیمت اینها را بپردازد؟ الله می گوید: تو می توانی! او جواب می دهد: به چه چیزی؟ می گوید: با بخشیدنت از برادرت. آن گاه او می گوید: خدایا! برادرم را بخشیدم. الله می گوید: حالا دست برادرت را بگیر و او را وارد بهشت گردان. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از خدا بترسید و صلح و آشتی را در میانتان برقرار نمایید؛ زیرا الله در روز رستاخیز در میان مؤمنان صلح و آشتی می کند.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «مسلمان، دچار هیچ گونه گرفتاری و مصیبتی نمی شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می بخشد. حتی خاری که به پایش می خلد.»^۱ کسی که به روز رستاخیز ایمان داشته باشد، به گناه و جنایتش اعتراف می کند و می خواهد تا خود را از آن پاک گرداند. صحابه بزرگوار الگوی نیکویی در برابر محاسبه و طهارت نفس بودند. داستان

ماعز، یکی از یاران پیامبر ﷺ بود که شیطان به قلبش وسوسه انداخت و او را به کنیز یکی از انصار فریب داد، لذا با او خلوت نموده و شیطان شخص سوم آنان قرار گرفت و هر کدام را برای دیگری مزین نمود تا این که مرتکب زنا شدند. وقتی ماعز از این جنایت فارغ شد و شیطان از او کنار رفت، گریه نموده و خود را مورد ملامت و سرزنش قرار داد و از عذاب الله ترسید و دنیا به رویش تنگ آمد تا جایی که تنفر و انزجار آن گناه قلبش را می آزرده؛ لذا به نزد طبیب دلها آمد و در برابرش ایستاده و از گرمای آنچه احساس می کرد، فریاد زده و گفت:

یا رسول الله! دورتر^۲ زنا کرده است، مرا پاک گردان. آن حضرت ﷺ به او توجه نکرد. باز از جهتی دیگر آمد و گفت: یا رسول الله! مرا پاک گردان. پیامبر ﷺ فرمود: «وای بر تو! برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن.»

راوی می گوید: ماعز اندکی دور شد و دو مرتبه آمد و عرض نمود: یا رسول الله! مرا پاک گردان. باز رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو برگرد و از الله آمرزش بخواه و توبه کن.» باز او مقدار اندکی دور رفت و بار چهارم همان جمله را تکرار فرمود.

^۱ - بخاری.

^۲ - منظور از دورتر خودش است که در لحظه ارتکاب گناه، از خوف و ترس الله بسیار دور بوده و فاصله داشته است.

تا این که رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا وی دیوانه است؟» مردم جواب دادند که وی دیوانه نیست. پرسید: «آیا شراب نوشیده است؟» آن گاه مردی برخاست و دهانش را بویید، و بوی شرابی از وی استشمام نکرد، آن گاه فرمود: «آیا تو زنا کرده ای؟» گفت: آری. پرسید: آیا می دانی زنا یعنی چه؟ گفت: بله، با زنی چنان عمل حرامی را انجام داده ام که فرد با زنش از راه حلال آن عمل را انجام می دهد.

آن حضرت ﷺ فرمود: با این سخت چه می خواهی؟ گفت: می خواهم پاکم گردانی. آن حضرت ﷺ دستور داد تا رجمش کند و در نتیجه جان داد.

چون از نماز و دفنش فارغ شدند، رسول خدا ﷺ با برخی از یارانش، از کنار محل وی رد شد، از دو نفر از یارانش شنید که در مورد وی اظهار نظر نموده و می گویند: به این نگاه کنید، خداوند رازش را پنهان نموده بود، اما خودش آن را فاش کرد تا این که مانند سگها سنگسار گردید.

آن حضرت ﷺ اندکی خاموش شد تا این که از کنار الاغ مرده ای رد شد که تپش آفتاب آن را سوخته و باد کرده بود تا جایی که پایش بلند شده بود.

آن حضرت ﷺ فرمود: آن دو نفر کجایند؟ آن دو جواب دادند که ما حاضریم. فرمود: فرود آیید و از لاشه این الاغ بخورید! آن دو گفتند: یا رسول الله! خدا تو را ببخشد، چه کسی می تواند از این الاغ بخورد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: آنچه را که الان شما در مورد برادران گفتید: از خوردن لاشه این الاغ سخت تر بود، او چنان توبه ای کرده است که اگر در میان کل امت تقسیم شود، همه را کفایت می کند. سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، او اینک در نهرهای بهشت فرو می رود.

پس خوشا به حال ماعز، آری، او زنا کرد و پرده ای که بین او و خداوند بود را درید، اما وقتی از گناه فارغ شد، لذت آن از بین رفت و حسرتش باقی ماند، ولی چنان توبه ای کرد که اگر

در میان کل امت تقسیم گردد، همه را کفایت می کند.

در پایان...

ایمان به الله و روز قیامت، انسان را وادار می کند تا امانت را حفاظت نموده و او را از ریا باز می دارد، چنان که خداوند می فرماید: **(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاقَامِ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ عَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ)**، [التوبة: ۱۸]، «تنها کسی حق دارد مساجد خدا را (با تعمیر یا عبادت) آبادان سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را چنان که باید بخواند و زکات را بدهد و جز از خدا نترسد. امید است چنین کسانی از زمره راه یافتگان باشند.»

روشنگری...

ایمان به روز رستاخیز،
مایه آرامش دنیا
و سعادت آخرت است.

قیامت

قیامت، به دو چیز اطلاق می‌گردد: یکی آن که پیش روی ماست و ما آن را می‌بینیم. دوم آن که یک بار اتفاق می‌افتد و همه موجودات را به وحشت می‌اندازد.

بنابراین، قیامت بر دو نوع است: قیامت صغری و قیامت کبری.

قیامت صغری

قیامت صغری، یک قیامت و رستاخیز ویژه ای است، زیرا هر کس بمیرد، قیامتش برپا می‌شود.

چنان که مغیره بن شعبه گفته است: می‌گویند: قیامت، قیامت، قطعاً قیامت هر کس، مرگ اوست.

قیامت صغری آن است که حضرت عایشه در حدیثی آن را بیان کرده است: افرادی خشن از بادیه

نشینان نزد نبی اکرم ﷺ می‌آمدند و می‌پرسیدند: قیامت کی برپا می‌شود؟ رسول خدا ﷺ با نگاه

کردن به کوچکترین آنها می‌فرمود: «اگر این شخص، زنده بماند، قبل از این که پیر شود، قیامت شما

برایتان برپا خواهد شد».

یعنی قبل از این که این کوچکترین فرد از شما پیر شود، همگی شما می‌میرید و این کوچک از میان شما آخرین فردی خواهد بود که می‌میرد.

قیامت کبری

قیامت کبری، رستاخیز عمومی است و با آن زندگی دنیا پایان می‌یابد و خداوند بندگان را

برای حساب و جزا و بهشت و دوزخ زنده می‌گرداند.

خداوند در قرآن کریم، از هر دو قیامت صغری و کبری یاد نموده و می‌فرماید: **(ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ * ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشُرَهُ)** ، [عبس: ۲۱، ۲۲] ، «بعد او را می‌میراند و وارد گورش می‌گرداند. * سپس هر وقت خواست او را زنده می‌گرداند.»

مراد از (اَمَاتَهُ) قیامت صغری است.
و مراد از اَنْشَرَهُ (بعث و نشور برای قیامت
کبری است.
اینک ما از قیامت صغری، یعنی مرگ سخن می
گوییم.

درگوشی...

هر کس خود را برای قیامت صغری آماده کند،
قیامت کبری برایش آسان می شود.

قیامت صغری

قیامت صغری، یعنی مرگ و جدا شدن روح از جسد است و همه موجودات به آن می‌رسند و موجودات در این مورد اخبار و اسراری دارند و زمان احتضار، مایه پند و اندرز است.

- پس وضعیت مردم در وقت احتضار چگونه خواهد بود؟
- داستانهای افراد افتاده در کام مرگ چگونه است؟
- علامات حسن خاتمه و سوء خاتمه چیست؟
- حقیقت روح چیست؟

این مرگ است
گفته اند که داود، وزیری گرانمایه داشت و
چون وفات کرد، وزیر سلیمان قرار گرفت.
روزی سلیمان به اتفاق وزیرش، چاشتگاه در
مجلسش نشسته بود که مردی وارد شد و سلام گفت.
آن مرد با سلیمان سخن گفت و با تندی به آن
وزیر نگاه می کرد. وزیر سراسیمه شد و سخت
ترسید.

وقتی آن مرد بیرون شد، وزیر به سلیمان گفت:
این مرد که اینک از نزد تو بیرون رفت، چه کسی
بود؟ سوگند به الله که منظری هولناک داشت و مرا
ترسانید! سلیمان گفت: این ملک الموت بود که
خود را به صورت انسان در آورده بود و نزد من
آمده بود.

وزیر سراسیمه شد و به گریه افتاد و گفت: ای
پیامبر خدا! به خاطر خدا از تو می خواهم تا به
باد دستور دهی تا مرا به مکان دور دستی ببرد،
دستور بده تا مرا به هند ببرد.

سلیمان به باد دستور داد تا او را به
هندوستان ببرد.

روز بعد ملک الموت به نزد سلیمان آمد تا مثل
همیشه به سلیمان سلام گوید. سلیمان پرسید:
دیروز دوست مرا ترساندی، چرا با تندی به او
نگاه کردی؟

گفت: دیروز چاشتگاه، من به نزد تو آمدم و
خداوند دستور داده بود که بعد از ظهر، جان او
را در هند بگیرم و از این که به نزد تو بود،
تعجب کردم. سلیمان پرسید: آن گاه چکار کردی؟
گفت: چون بعد از ظهر به هند رفتم، او را آنجا
دیدم که منتظرم است، لذا جانش را گرفتم.

آری، مرگ بزرگترین تحدی و مبارزه طلبی از
جانب الله است که مخلوقات را به چالش کشیده و به
مبارزه می طلبد.

﴿قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَذَرُكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، [جمعه: ۸]، «بگو: قطعاً مرگی که

از آن می‌گریزید، سرانجام با شما رویاروی می‌گردد و شما را در می‌یابد، بعد از آن به سوی کسی برگردانده می‌شوید که از پنهان و آشکار آگاه است، و شما را از آنچه کرده اید باخبر می‌گرداند.»

پادشاهان و امراء، دربانان و وزیران، بزرگان و افتادگان، ثروتمندان و فقیران، حتی فرشتگان با عظمت و شیاطین و جنیان، حیوانات و پرندگان، همگی ناتوان گشته اند تا در برابر این تحدی و چالش مقاومت کنند.

(قُلْ فَادِرْءِ وَا عَنِ أَنْفُسِكُمْ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)، [آل عمران: ۱۶۸]، «بگو: پس مرگ را از خود پدور دارید اگر راست می‌گویید.»
(أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ)، [النساء: ۷۸]، «هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد، اگر چه در برجهای محکم و استوار جایگزین باشید.»

کجایند لشکریان و سربازان؟ کجایند پادشاهان و جاه و مرتبه شان؟

کجایند فرمان روایان فارس و حاکمان روم؟
 کجایند رهبران؟ کجایند تجار و بازرگانان؟
 کجایند طبیبان و پزشکان؟

اتی علی الکل امر لا	حتی قضا فکان
مرد له	القوم ما کانوا
و صار ما کان من	کما حکى عن خیال
ملک و من ملک	الطیف و سنان

«بر همگان چنان امری آمده است که باز گشتی ندارد، تا جایی که گویا چنان داوری کردند که قبلا وجودی نداشته اند.»
 «و ملک و پادشاهی چنان می ماند که فرد خواب آلود از خیال و گمان سخن می گوید.»

آغاز...

مرگ، دروازه ورود به جهان آخرت است.

لحظه های احتضار و در افتادن در کام مرگ
لحظة احتضار و بیرون آمدن روح، شگفت انگیز
است، همه موجودات به دام آن گرفتار می شوند.
چه زندگی های با صفایی که مرگ آنها را تیره
کرده است!

چه قدمهایی که تلاش کرده اند، اما مرگ آنها
را ناکام گذاشته است!
آیا پدران و نیاکان را در نوردیده است؟
آیا دوستان را نربوده و رشته دوستی را قطع
نکرده است؟
آیا زنان را بیوه و کودکان را یتیم نکرده
است؟

مردم به هنگام احتضار و بیرون آمدن روح،
صحنه های شگفت انگیزی را تجربه کرده اند!
مرگ پیامبرمان، محمد ﷺ

پس از آن که رسول خدا ﷺ از حجة الوداع
بازگشت، روز به روز بیماری اش شدت می گرفت، و
وی با جملاتی که بر زبان می آورد و نگاه هایی
که می انداخت، جهان را وداع می گفت.
وقتی تب آن حضرت ﷺ شدید شد و به ترک دنیا
یقین پیدا کرد، می خواست با مردم خداحافظی
کند. بنابراین، سرش را بست و به فضل بن عباس
دستور داد تا مردم را گرد آورد. مردم جمع شدند
و آن حضرت ﷺ با کمک فضل به مسجد تشریف برده و
بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند
فرمود:

«اما بعد، ای مردم! من دارم از میان شما می
روم و پس از این شما مرا در این جا نمی بینید.
آگاه باشید، هر کسی را که من بر پشتش تازیانه
زدم، این پشت من است و از آن قصاص بگیرد، و
اگر مال کسی را برداشته ام، این مال من است،
از آن بردارد و اگر آبروی کسی را ریخته ام، پس
این آبرویم است و عوض خویش را بگیرد. کسی
نگوید که من از کینه و عداوت می ترسم، زیرا
کینه و بغض از شأن و اخلاق بدور است. همانا

محبوبترین شما نزد من کسی است که حقش را دریافت نماید، اگر حقی بر من دارد یا حلالم کند؛ زیرا من می‌خواهم در حالی نزد خداوند بازگردم که بر کسی ستم نکرده باشم.^۱»

بیماری وفات رسول الله ﷺ

روز به روز بیماری و شدت تب، جسم آن حضرت ﷺ را ضعیفتر و رنجورتر می‌کرد، اما با این حال بر خود فشار می‌آورد و به مسجد می‌آمد و نماز را برای مردم برگزار می‌کرد. تا این که روز جمعه نماز مغرب را برای مردم اقامه کرد و وارد خانه اش شد، در حالی که شدت بیماری به اوج خود رسیده بود. لذا برایش رختخوابی پهن نمودند و آن حضرت ﷺ بر روی آن خوابید.

رسول خدا ﷺ پیوسته بر همین رختخواب قرار داشتند تا این که بیماری او را بسیار ضعیف و رنجور کرده و بیماری وفاتش شدت یافته بود. مردم برای نماز عشا جمع شده بودند و منتظر امامشان بودند تا آن حضرت ﷺ به مسجد تشریف بیاورد و برایشان نماز را اقامه کند. در حالی که شدت بیماری پیامبر ﷺ را در هم شکسته بود. تلاش کرد تا از رختخوابش بلند شود، اما نتوانست و از رفتن به مسجد تاخیر کرد. برخی از مردم صدا می‌کردند: نماز است، نماز است.

پیامبر ﷺ صدای آنان را شنید و از اطرافیانش پرسید: آیا مردم نماز خوانده اند؟ آنان پاسخ دادند: خیر، یا رسول الله! آنان منتظر شمایند. نگاه کرد و دید که حرارت بدنش نمی‌گذارد تا از رختخواب بر خیزد. فرمود: طشت آبی برایم بیاورید. طشت آب آوردند. و از آن بر بدن آن حضرت ﷺ آب می‌ریختند.

و هنگامی که بدنش سرد شد با دستش اشاره نمود که کافی است و آنان نیز توقف کردند. چون مقداری احساس نشاط می‌کرد، خواست بلند شود، که دچار

^۱ - معجم الکبیر طبرانی و مسند ابویعلی.

بی‌هوشی شد. وقتی به هوش آمد، فرمود: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: خیر، آنان منتظر شما هستند.

رسول الله ﷺ دوباره آب خواست و غسل نمود و آنان بر آن حضرت ﷺ آب می ریختند تا این که مقداری احساس نشاط و شادابی نمود. اما وقتی خواست بلند شود، برای بار دوم، بی‌هوش شد. چند لحظه بعد، وقتی به هوش آمد، اولین سوالی که پرسید: آیا مردم نماز خواندند؟ گفتید: خیر، آنها منتظر شما هستند. و مردم هم برای نماز عشا در مسجد، منتظر آن حضرت ﷺ بودند. فرمود: طشت آبی بیاورید. و آب سرد را بر بدنش می ریختند تا این که آب فراوان ریختند. و چون می خواست بر خیزد، باز هم بی هوش شد، در حالی که خانواده اش به او نگاه می کردند و قلبهایشان دچار اضطراب و دیدگان‌شان اشکبار بود و مردم در مسجد در انتظار و مشتاق دیدار امامشان بودند. با تکبیر او تکبیر گویند و همراه او به رکوع و سجده بروند. حال آن که پیامبر بی هوش بود.

اندکی بعد آن حضرت ﷺ به هوش آمد و پرسید: آیا مردم نماز خوانده اند؟ گفتند: خیر، یا رسول الله! آنان در انتظار شما به سر می برند. در حالی که شدت بیماری بدنش را در هم شکسته بود.

آری، بیماری بدن مبارکش را سخت رنجور گردانیده بود در حالی که با همین بدن دین خدا را یاری رسانده و برای رب العالمین جهاد کرده بود. بدنی که لذت عبادت و سختی روزگار را چشیده بود. بدنی که پاهایش از شدت قیام و ایستادن در نماز شکاف برداشته و چشمهایش از خوف خداوند گریه کرده و در راه خدا مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود و تشنه و گرسنه شده بود.

وقتی حال و وضعش را دید، کسی را نزد ابوبکرؓ فرستاد تا نماز را برگزار کند. بلال برای نماز اقامه گفت و ابوبکر در محراب پیامبر ﷺ جلو رفت تا نماز را برگزار نماید در حالی که از شدت

ناراحتی و گریه، مردم صدای ابوبکر را نمی شنیدند و با این وصف نماز عشا به پایان رسید. باز مردم برای نماز فجر و دیگر نمازها جمع می شدند، و ابوبکر چند روزی نماز را برای آنان برگزار می کرد و رسول خدا ﷺ همچنان در رختخوابش قرار داشت.

نماز جماعت

چون نماز ظهر یا عصر روز دوشنبه فرا رسید، مقداری نشاط به آن حضرت ﷺ دست یافته بود، لذا از عباس و علی خواست تا به کمک آن دو به مسجد بروند.

لذا در حالی که پاهایش بر زمین کش می خورد، با کمک آن دو به راه افتاد و پرده ای که بین او و مسجد بود را بالا گرفت و مردم را دید که نماز را اقامه نموده و مشغول نمازند.

یارانش را دید که در صفها ایستاده و نماز می گزارند. به آنان نگاه می کرد در حالی که آنان با چهره ها و بدنهایی پاکیزه در برابر الله ایستاده اند. مدتهای مدیدی را با این برگزیدگان و نخبگان به نماز ایستاده، و با آنان جهاد کرده و همنشین بوده است. چقدر از شبها را او با آنان پاس داشته و بیدار مانده اند و چقدر از روزها را که به اتفاق هم روزه گرفته اند و چه بسیار با هم در برابر سختیها ایستادگی کرده و شکیبا مانده اند و با وی خالصانه به دعا و زاری پرداخته اند و چه بسیار برای یاری دین خدا از اهل و برادرانشان جدا شده اند و وطن و دوستانشان را رها کرده اند! برخی به دیار باقی شتافته و عده ای در انتظار آن بسر می برند، ولی در آنان هیچ تغیر و دگرگونی صورت نپذیرفته است.

اینک آن روز فرا رسیده که آنان را رها می کند و به دیار ابدی می شتابد، چه بسیار آنان را برای این سفر تشویق نموده است!

وقتی آنان را مشغول نماز دید، خوشش آمد و تبسم بر لبانش نشست، تا حدی که چهره اش بسان پاره ای از ماه قرار گرفت، آن گاه پرده را پایین آورد و به رختخوابش باز گشت. در این هنگام فرشته مرگ از آسمان فرود آمد تا پاکترین و مطهرترین روحی که آفریده شده است را قبض نماید.

سکرات موت پیامبر ﷺ
سکرات موت آن حضرت ﷺ آغاز و روح با جسد دچار کشمکش شدند.

حضرت ام المومنین عایشه می گوید:
رسول خدا ﷺ را در آخرین لحظات عمرش دیدم، در حالی که ظرف آبی، پیش رو داشت و دستهایش را وارد آن ظرف می کرد و به صورتش می کشید، و در آن حال می گفت: «لا اله الا الله، همانا مرگ، سختیها دارد». فاطمه در آنجا حضور داشت و گریه می کرد و می گفت: وای بر مصیبت پدرم! آن حضرت ﷺ رو به فاطمه کرد و فرمود: «مصیبتی از امروز به بعد به سراغ پدرت نخواهد آمد.» من نیز بر چهره اش دست می کشیدم و برای بهبودی اش دعا می کردم. رسول خدا ﷺ می گفت: «نه بلکه من همراهی رفیق اعلی، همراهی جبرائیل، میکائیل و اسرافیل را می خواهم.»

آن گاه وقتی نفسش به تنگی آمد و سکرات مرگ سخت گردید، جملاتی را بر زبان آورد و با آن جملات دنیا را وداع گفت. سخنانی را که برایش اهمیت داشت بر زبان آورد و از شرک برحذر داشت و

فرمود:
لَعْنُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ.^۱ «خداوند یهود و نصارا را لعنت کند، آنان قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند.»

«اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». ^۱ «خداوند بر قومی که قبور انبیای خود را مساجد قرار داده اند، سخت خشمگین شده است.» و نیز از آخرین جملاتی که بر زبان آورد این بود که فرمود: «الصلاة، الصلاة، و ما ملکت ایمانکم»، نماز را برپا دارید، نماز نماز را برپا دارید، و بر زیر دستانتان رحم کنید.» آن گاه دنیا را وداع گفت. مادر و پدر و جانم فدای او باد.

آری، سرور رسولان و امام متقیان و حبیب رب العالمین در حالی از دنیا رحلت فرمود که بر هیچ کسی ستمی روا نداشته بود، و کسی را با جمله ای نرنجانده بود، در حالی از دنیا رفت که خود را با مال حرام، غیبت و گناه آلوده نکرده بود. بلکه مردم را به سوی الله فرا می خواند و امیدوار رحمت پروردگارش می کرد و مردم را به نماز و عبادت خداوند فرا می خواند و از شرک و بت پرستی نهی می کرد.

خداوند در توصیف پیامبرمان چه زیبا فرموده است: (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ)، [التوبه: ۱۲۸]، «بی گمان پیغمبری، از خود شما (انسانها) به سويتان آمده است. هر گونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می آید. به شما عشق می ورزد و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.»

وفات سیدنا عمرؓ

با هم به مدینه منوره می رویم تا با خلیفه راشد، حضرت عمرؓ دیدار کنیم، کسی که دین خدا را یاری نمود و به خاطر الله جهاد کرد. کسی که آتشکده مجوسیان را خاموش کرد، کینه اش در دل کفار نشست. ابولؤلؤ مجوسی که از بردگان و

^۱- موطأ مالک (۲/ ۲۴۱).

نجاران و آهنگران مدینه بود و سنگ آسیا درست می کرد، از همه بیشتر کینه به دل شد. این کافر به دنبال فرصتی می گشت تا انتقامش را از عمرؓ بگیرد. روزی حضرت عمرؓ او را در مسیر راه دید. از وی پرسید: شنیده ام که گفته ای اگر بخواهم آسیابی درست می کنم که با باد کار می کند؟ آن برده با چهره ای ترش به عمر نگاه کرد و گفت: برایت چنان آسیابی درست می کنم که اهل مغرب و مشرق از آن باخبر شوند. آن گاه سیدنا عمر به یارانش نگاه کرد و گفت: این برده مرا به مرگ تهدید می کند.

لذا آن برده به راه افتاد و شمشیری دو لبه درست کرد که از هر جهت که ضربه بزند، طرف را به قتل می رساند و نیز آن شمشیر را زهرآگین نمود که یا با ضربه شمشیر کشته شود یا در اثر نفوذ سمها جان دهد.

آن گاه در تاریکی شب آمد و برای کشتن عمر خود را در یکی از گوشه های مسجد پنهان کرد. او پیوسته خود را در آنجا پنهان کرده بود که ناگاه عمر وارد مسجد شد و مردم را برای نماز فجر متنبه سازد.

اقامة نماز گفته شد و عمر برای امامت جلو رفت و تکبیر گفت. وقتی قراءت را شروع کرد، مجوسی به وی هجوم آورد و در مدت کوتاهی سه ضربه را به وی وارد کرد، ضربه اول به سینه و ضربه دوم به پهلو و ضربه سوم به زیر نافش اصابت کرد. عمر فریاد برآورد و نقش زمین گشت، در حالی که این آیه را تکرار می کرد: **(كُلُّ شَيْءٍ قَدْرًا مَّقْدُورٌ)**، [الأحزاب: ۳۸]، «و فرمان خدا همواره روی حساب و برنامه دقیقی است و باید به مرحله اجرا در آید.»

عبدالرحمن بن عوف جلو رفت و نماز مردم را کامل کرد، اما برده مجوسی با شمشیرش صفوف مسلمانان را درهم می کوبید تا راهش را برای فرار هموار کند، که در نتیجه سیزده نفر ضربه خورده و هفت نفر آنان جان دادند.

آن گاه شمشیرش را بالا گرفت که هر کسی نزدیک بیاید او را نیز مورد هجوم و ضربه قرار دهد. ناگاه فردی به وی نزدیک شد و چادر کلفتی را بر وی انداخت، برده مجوسی سراسیمه شد و چون متوجه گردید که دستگیر شده است، ضربه ای را بر خود وارد کرد و خونش فواره زد و مُرد.

عمر در حالی که بیهوش شده بود، به خانه اش منتقل گردید در حالی که مردم گریه می کردند و به دنبالش راه می رفتند. نزدیک به طلوع خورشید حضرت عمر به هوش آمد.

آیا مردم نماز خواندند؟

وقتی عمر به هوش آمد، به اطرافیانش نگاهی انداخت و نخستین سوالی که از آنان پرسید، گفت: آیا مردم نماز خواندند؟ جواب دادند: بله یا امیرالمؤمنین. گفت: الحمدلله، اسلامی بدون نماز وجود ندارد.

آن گاه آب خواست و وضو گرفت و خواست برخیزد و نماز بخواند، اما نتوانست. آن گاه دست پسرش، عبدالله را گرفت تا بر او تکیه داده و نماز بخواند، اما خون از بدنش جاری شد.

عبدالله می گوید: به خدا سوگند من دستم را بر زخمش قرار دادم، اما شکاف زخم عمیق تر بود، لذا زخمهایش را با پارچه ای بست و نماز صبح را خواند، سپس فرمود:

ای ابن عباس! ببین چه کسی مرا به قتل رساند؟ ابن عباس جواب داد: برده مجوسی ترا مورد هجوم قرار داد و جمعی از صحابه را نیز مورد حمله قرار داد و آن گاه خودش را نیز به قتل رساند. عمر گفت: خدا را سپاسگزارم که قاتل من فردی است که در حضور خدا، حتی با يك سجده ای که برای خدا انجام داده باشد، نمی‌تواند با من طرح دعوا نماید

پزشک آمد تا جراحتهای عمر را معاینه کند، و بنگرد که آیا ضربه ها به معده و روده هایش اصابت کرده یا خیر؟ وقتی حضرت عمر آب نوشید، آبها از زخم زیر نافش بیرون آمدند، پزشک گمان برد که شاید اینها خون باشند که بیرون می

آیند، لذا شیر خواست، وقتی عمر شیرها را سر کشد، شیرها از زخم زیر نافش بیرون آمدند. پزشک پی برد که ضربه های شمشیر بدن وی را پاره کرده و شکمش هیچ غذا و آبی را نگه نمی دارد.

لذا رو به عمر کرد و گفت: یا امیر المومنین! وصیت بفرمایید؛ زیرا به گمانم امروز یا فردا مرگ به سراغت خواهد آمد. عمر با کمال نیروی ایمانی گفت: راست می گویی و اگر چیزی جز این می گفتمی سخنت را باور نمی کردم.

سپس گفت: سوگند به الله، اگر تمام دنیا مال من می بود، از هول و هراس ایستادن در برابر الله، آن را فدیة می دادم.

تعریف و مدح ابن عباس از حضرت عمر وقتی ابن عباس سخنان متواضعانه عمر را شنید که مشتاق و علاقمند دیدار خداوند است، گفت: اگر چه این را گفتمی، خداوند به تو جزای نیکو دهد، آیا رسول خدا ﷺ دعا ننموده بود، که خداوند دین و مسلمانان را وقتی که در مکه می ترسیدند، توسط تو عزت بخشد، و وقتی که اسلام آوردی، سلامت مایة عزت بود، و با اسلام تو، رسول خدا ﷺ و اصحابش آشکار گردیدند، و به سوی مدینه هجرت نمودی، و هجرت مایة فتح بود، بعد از آن از هیچ معرکه ای که رسول خدا ﷺ در نبرد مشرکین در روز فلان و فلان شرك ورزید، غایب نگردیدی. بعد از آن رسول خدا ﷺ در حالی وفات نمود که از تو راضی بود، و بعد از وی خلیفه رسول خدا ﷺ را با رأی و نظرت یاری و مساعدت نمودی، و با کسی که روی آورده بود، کسی را که روی گردانیده بود زدی، طوری که مردم به خوشی و ناخوشی داخل اسلام گردیدند. بعد از آن خلیفه در حالی درگذشت که از تو راضی بود. بعد از آن به شکل بهتری بر مردم والی شدی، و خداوند توسط تو شهرها را آباد نمود. و توسط تو اموال را جمع کرد، و توسط تو دشمن را نابود ساخت، و خداوند توسط تو بر هر خانواده توسعه در دین و فراخی در رزق

شان آورد، و بعد از آن خاتمه ات را با شهادت گردانید، و این برایت مبارك باشد!

آن گاه عمر گفت: به خدا سوگند، مغرور کسی است که او را فریب می دهید، بعد از آن گفت: ای عبدالله! آیا روز قیامت نزد خداوند برایم شهادت می دهی؟ گفت: بلی، عمر رضی الله عنه گفت: بار خدایا، ستایش از آن توست. آن گاه مردم دسته دسته می آمدند و او را مورد ستایش قرار داده و با او خداحافظی می کردند.

نصیحت بر بستر مرگ

در این هنگام جوانی به نزد حضرت عمر رضی الله عنه آمد و گفت: شادمان باش ای عمر! همراه و یار رسول الله بودی و سپس امارت را به دست گرفتی و عدالت کردی و سپس به شهادت رسیدی. عمر گفت: آرزویم این است که نیکی ها و بدی هایم برابر باشند، نه اجری داشته باشم و نه گناهی.

وقتی آن جوان برخاست و رفت، ازار شلوارش بر زمین آویزان بود، فرمود: این جوان را به نزد من بازگردانید، جوان بازگشت و حضرت عمر رضی الله عنه از باب نصیحت و خیرخواهی به وی گفت: ازارت را بالا بزن، زیرا این کار برای نظافت لباست زیباتر و برای تقوا و خداترسی پروردگارت بهتر است.

آن گاه درد عمر رضی الله عنه شدت یافت و گاه گاه بی هوش می شد. ابن عمر رضی الله عنه می گوید: پدرم بی هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم، وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، باز دوباره بی هوش شد و من سرش را بر زانویم گذاشتم و وقتی به هوش آمد، گفت: سرم را بر زمین بگذار، من گفت: پدرجان! مگر زمین با سرم یکسان نیستند؟ گفت: چهره ام را بر خاک بینداز، شاید خداوند بر من رحم کند و هر گاه جان دادم، زود مرا به قبرم ببرید، زیرا اگر این کار برایم خیر است، مرا بدانجا می برید و اگر بد است مرا از گردنهایتان پایین می گذارید.

آن گاه گفت: وای بر عمر، وای بر مادر عمر، اگر مورد عفو و بخشش قرار نگیرد.

آن گاه نفسش به تنگی افتاد و حالت احتضار و سکرات برایش شدت گرفت و در این هنگام روحش پرواز نمود و در کنار دو یارش، رسول الله ﷺ و ابوبکرؓ دفن گردید.

آری، عمرؓ دنیا را به درود گفت، اما در حقیقت فردی مانند او نمرده است. به انجام عمل نیک و رفع درجات مبادرت ورزید، قراءت قرآن و گریه هایش از ترس خداوند، در قبر همدم و رفیق او هستند، نمازهایش یار و همدم او می شوند و جهادش درجات او را بالا می برد، اندکی خود را در دنیا خسته کرد، اما در آخرت مدتهای طولانی استراحت می کند.

رسول خدا ﷺ حضرت عمرؓ را از جمله ده نفری قرار داده که به آنان مژده بهشت رسیده است. پیامبر ﷺ در حدیثی می گوید: «خواب دیدم که در بهشت هستم. در آنجا چشمم به زنی افتاد که کنار قصری، وضو می گرفت. پرسیدم: این قصر، مال چه کسی است؟ (فرشتگان) گفتند: از آن عمر بن خطابؓ است. بیاد غیرت عمر افتادم. پس پشت کردم و رفتم». عمرؓ با شنیدن این سخنان، به گریه افتاد و گفت: ای رسول خدا! آیا در مورد تو هم به غیرت می آیم؟! ابوبکرهؓ

حضرت ابوبکرهؓ بیمار بود و بیماری اش شدت گرفت، خانواده اش گفتند: طبیب می آوریم، اما او انکار کرد و چون فرشتگان مرگ بر بالینش حاضر شدند، فریاد برآورد، کجاست طبیبتان؟ اگر راست می گوید: اینها را بر گرداند!

عامر بن زبیرؓ

عامر بن زبیرؓ بر رختخواب مرگ قرار داشت و آخرین لحظه های عمرش را سپری می کرد و خانواده اش در پیرامون او گریه می کردند، در این هنگام صدای مؤذن را شنید که برای نماز مغرب اذان می گفت، در حالی که روحش به حنجره رسیده بود و در وضعیتی سخت و دشوار قرار داشت، به اطرافیانش گفت: دستم را بگیرید. گفتند: کجا می روی؟ گفت:

به مسجد. آنان گفتند: با این که تو در این وضعیت قرار داری به مسجد می روی؟ گفت: بله، سبحان الله، صدای مؤذن را بشنوم و او را اجابت نکنم. دستم را بگیرید، آن گاه دو نفر او را گرفتند و به مسجد بردند، یک رکعت با امام خواند و در سجده جان داد.

آری، وی در سجده جان داد، پس هر کس نماز بخواند و بر اطاعت پروردگارش صبر نماید، خداوند خاتمه اش را به خیر می کند.

عبدالرحمن بن اسود^{رضی الله عنه}

نیکان به هنگام مرگ و جدایی از اعمال صالح، حسرت می خوردند و آرزو می کردند تا زندگی شان طولانی می شد و توشه بیشتری را بر گرفته و حسنات و نیکی های افزونتری را برای خود اندوخته می کردند.

عبدالرحمن بن اسود^{رضی الله عنه} در حالت احتضار گریه می کرد، گفتند: چرا گریه می کنی، در حالی که تو عبادت فراوان اندوخته ای، و زهد و تقوا داشته ای و در برابر الله خاشع و فروتنی کرده ای؟ گفت: به الله سوگند! من در فراق نماز و روزه گریه می کنم، لذا پیوسته قرآن می خواند تا این که جان داد.

یزید الرقاشی

وقتی مرگش فرا رسید، به گریه افتاده و می گفت: ای یزید! اگر بمیری چه کسی برای نماز می خواند و روزه می گیرد؟ و چه کسی برای گناهانت آمرزش می خواهد؟ آن گاه شهادتین را بر زبان آورد و جان داد.

از الله می خواهیم تا خاتمه مان را به خیر بگرداند. آمین.

اندرز...
(الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)، [النحل: ۳۲]

«(پرهیزگاران،) همانهایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که پاکیزه و شادان هستند. (فرشتگان) می گویند: درودتان باد! (در امان خدایید) به خاطر کارهایی که می کرده اید به بهشت در آیید.»

اندرزهایشان به هنگام احتضار مرگ برای بزرگ و کوچک تفاوتی قایل نمی شود، همانگونه که بین پادشاه و وزیر، بازرگان و امیر امتیازی قایل نخواهد بود. پادشاهان به هنگام مرگ و احتضار اندرزهایی داشته اند.

هارون الرشید

وی کسی بود که در زمین حکمرانی نموده و کره خاکی را از سرباز و نظامی پُر کرده بود، کسی که سرش را بالا گرفته و به ابرها نگاه می کرد و آنها را چنین خطاب می کرد:

در هند بباری یا در چین، یا در هر جایی که خواسته باشی، هر جایی که بباری سوگند به الله! هر جا که بباری، در مملکت من باریده ای.

روزی هارون الرشید برای شکار به بیابان رفت و با مردی ملاقات کرد که به آن بهلول می گفتند. هارون گفت: مرا پندی ده.

گفت: ای هارون! پدران و نیاکانت از زمان رسول الله تا پدرت کجا رفته اند؟ هارون گفت: مرده اند. بهلول گفت: کاخهایشان کجاست؟ هارون گفت: این است کاخهایشان. بهلول پرسید: قبرهایشان کجاست؟ گفت: این است قبرهایشان.

بهلول گفت: این قصرهایشان است و این قبرهایشان، پس این قصرهایشان چه سودی برای قبرهایشان داشته است؟

هارون گفت: راست گفتم. هنوز هم به اندرزهایت ادامه بده. بهلول گفت:

اما قصورک فی الدنيا واسعة

فلیت

قبرک بعد الموت یتسع

«کاخهایت در دنیا فراخ و وسیع هستند، ولی ای کاش که قبرت پس از مرگ نیز فراخ می شد.» در این هنگام هارون به گریه افتاد و گفت: هنوز هم به اندرزهایت ادامه بده. بهلول گفت:

هب انک ملکت
کنوز کسری ألیس
القبر غاية کل
حی

وعمرت سنین فکان
ماذا
و تسأل بعده عن
کل هذا

«گیرم که تو مالک گنجهای کسری شده و عمر طولانی ای را بسر برده باشی»
«ولی آیا سرانجام هر موجود زنده ای به سوی قبر نخواهد بود و آیا از همه این امور مورد بازخواست قرار نخواهی گرفت؟»
هارون الرشید گفت: بله.

آن گاه هارون از شکار بازگشت و بیمار شد و بر رختخوابش افتاد و چند روزی نگذشت و مرگ به سراغش آمد. وقتی در حالت احتضار قرار گرفت و سکرات مرگ را مشاهده می کرد، فریاد برآورد و به فرماندهان و نگهبانانش گفت: لشکر مرا گرد آورید.

همه لشکریانش با شمشیرها و زره هایشان گرد آمدند، آن قدر زیاد بودند و قابل حصر و شمار نبودند و همگی تحت قیادت و فرماندهی او قرار داشتند. وقتی چشمش به آنها افتاد، گریه کرد و گفت: ای کسی که مُلک و پادشاهی اش زوال پذیر نیست، بر کسی که پادشاهی اش تمام شد، رحم کن.
آن گاه پیوسته گریه می کرد تا این که جان باخت. وقتی این خلیفه که پادشاهی دنیا را در اختیار داشت، وفات کرد و در حفره کوچکی گذاشته شد، وزیرانش با او همراه نشدند و همنشینانش با او همنشین نشدند، غذایی با او دفن نکردند، و رختخوابی برایش پهن نکردند و پادشاهی و دارایی اش او را بی نیاز نکرد.

عبدالملک بن مروان

وقتی مرگ خلیفه، عبدالملک بن مروان فرا رسید، از شدت سکرات بی هوش می شد و نفسهایش به تنگی افتاد، دستور داد تا پنجره های اتاقش را باز کنند. از پنجره کاخش، مرد فقیر و غسالی را در مغازه اش مشاهده کرد که لباسها را می شست و بر دیوار می گذاشت تا خشک شوند.

در این هنگام عبدالملک به گریه افتاد و گفت: ای کاش من غسالی می بودم، ای کاش من نجاری می بودم، ای کاش من حمالی می بودم، ای کاش چیزی از امیر المؤمنین نصیب نمی شد و آن گاه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

آری، به خانه هایی منتقل شدند که در آن خدمتگزارانی نیست که آنان را خدمت کنند، و اهل و خانواده ای نیست که آنان را گرامی دارند، و وزیرانی نیست که با آنان همنشینی و شب نشینی کنند.

به خانه هایی منتقل شدند که همنشینان اعمال و طرف حسابشان، صحیفه هایشان خواهد بود.

(و ما ربك بظلامٍ لِّدعبيدٍ)، [فصلت: ۴۶]، «و

پروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی کند.»
دسته ای دیگر از بندگان وجود دارند که خداوند به آنان رزق و روزی فراوان عطا نموده و صحت و تندرستی به آنان بخشیده است، اما از آماده گیری غفلت ورزیده اند تا این که ناگهان مرگ به سراغشان آمده و جمعشان را متفرق نموده و آنان را بر عمل زشتشان گرفته است. و چون در آستانه مرگ قرار گرفته اند، آرزو کرده اند تا به دنیا باز گردند، آن هم نه برای تجارت و ثروت اندوزی، یا برای ملاقات با اهل و خانواده، بلکه برای اصلاح احوال و اوضاع خود و خشنود گرداندن خدای مقتدر و متعال، اما الله حکم فرموده است که هرگز آنان به زندگی باز نخواهند گشت.

انواع دیگری از حالت‌های احتضار

این ها گروه نافرمانان و گناهکاران، و انبوه غافلان و تباهکاران اند، کسانی که حب دنیا بر آنان سیطره انداخته است، لذا سکرات مرگ برایشان عذاب و پر هول و هراس بوده و میان آنان و آفریدگار جلیل فاصله انداخته است.

قرطبی آورده است که یکی از این افراد که به دنیای خود مشغول بوده و طول آرزوها او را فریفته است، وقتی در حالت احتضار قرار می گیرد و جانکندن برایش سخت می گردد، فرزندانش به دور او گرد می آیند تا با او خداحافظی نموده و می

گویند: بگو: لا إله إلا الله. اما وی فریاد می زند و ناله می کند. دوباره آنان کلمه لا إله إلا الله را تکرار می کنند، ولی او فریاد می زند و می گوید: فلان منزل را این گونه درست کنید و در فلان باغ این درخت را بکارید و از فلان مغازه این چیز را بردارید، و پیوسته چنین می گوید تا این که جان می دهد.

آری، مُرد و باغ و مغازه را رها کرد تا وارثانش از آنها بهره ببرند و حسرتش برای او باقی بماند.

داستان فرد می خوار

ابن قیم می گوید: مردی که همنشین شراب خواران بود در حالت احتضار قرار گرفت، و چون زمان جدا شدن روح از جسدش فرار رسید، یکی از اطرافیانش به او نزدیک شد و گفت: فلانی! بگو: لا إله إلا الله.

اما چهره اش متغیر شده و رنگش عوض و زبانش سنگین شد. باز دوستش کلمه را تکرار نمود و گفت: ای فلان! بگو: لا إله إلا الله. اما او نگاهی انداخت و گفت: فلانی! نه... نه... اول تو بنوش سپس من من نوشم، اول تو بنوش سپس من من نوشم، و پیوسته این جمله را تکرار می کرد تا این که جان را به آفریدگارش سپرد!

محمد بن مغیث فردی فاسق و شراب خوار بود و پیوسته عمرش را در می خانه بسر می برد. وقتی بیمار شد و لحظه مرگش فرا رسید و توانایی اش سُست گردید، یکی از اطرافیانش از وی پرسید: آیا رمقی در بدنت مانده است؟ آیا می توانی بر پاهایت بایستی؟ گفت: آری، اگر بخواهم می توانم تا می خانه بروم! آن فرد گفت: پناه بر خدا! کاش می گفتی: می توانم تا به مسجد بروم! آن گاه آن مرد به گریه افتاد و گفت: این بر من غالب شده است، نصیب هر فردی از روزگار آن چیزی

است که بر آن عادت کرده است و من هرگز عادت نداشته ام که به مسجد بروم.^۱

ابن ابی رواد می گوید: مردی، مرگش فرا رسید، اطرافیانش کلمة **لا إله إلا الله** را به او تلقین می کردند، اما بین او و گفتن این کلمه حایل شد و گفتن آن بر زبانش سنگین گردید، آنان کلمه را تکرار می کردند و او را به یاد الله می انداختند، چون نفسهایش به شماره افتاد، فریاد بر آورد و گفت: **من به لا إله إلا الله** کافرَم و آنگاه فریادی زد و مُرد.

می گوید: وقتی او را دفن کردیم، در مورد او از اهلش پرسیدم، آنان گفتند: وی شراب خوار بوده است.^۲

از سوء خاتمه به الله، و بلکه از مادر خباثتها و سرچشمه نارواییها و زشتیها به الله پناه می بریم، چرا که هر کسی در دنیا شراب بنوشد، در آخرت از آن محروم می گردد و هر کس در دنیا شراب بنوشد، بر الله است تا او را از **طینة الخبال** بنوشاند. گفتند: یا رسول الله! **طینة الخبال** چیست؟ فرمود: «عرق و عصارة دوزخیان».^۳

مگر این که قبل از مرگش توبه کند و خداوند او را ببخشد.

اما آنان که گرفتار موسیقی هستند، به هنگام مرگ گرفتار بلا و مصیبت خواهند شد.

بی نمازان

بی نمازان، جنایتکارن بزرگ و دست یاران شیطان هستند، فرق میان کفر و اسلام، نماز است، و وضعیت بی نمازان به هنگام مرگ سخت و رسوا کننده خواهد بود.

ابن قیم می گوید: یکی از گناهکاران در حالت احتضار قرار گرفت، اطرافیانش داد و فریاد سر داده و او را به یاد الله می انداختند و کلمة **لا إله إلا الله** را به او تلقین می کردند. اما او اشک

^۱ - همان.

^۲ - همان.

^۳ - صحیح مسلم.

می ریخت و چون بیرون آمدن روحش فرا رسید، با صدای بلند فریاد بر آورد و گفت: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بگویم؟ **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** چه سودی برایم خواهد داشت؟! یاد ندارم که یک بار برای الله نماز بخوانم، آن گاه جان سپرد.^۱

آیا جایز هست که انسان به خاطر ضرر جانی یا مالی که به وی رسیده است، آرزوی مرگ کند؟ برای چنین فردی جایز نیست که آرزوی مرگ کند، چون او نمی داند که شاید به دنبال این سختی وی، آسانی ای باشد؟ بلکه مناسب است تا دعای مأثوری که از آن حضرت^{علیه السلام} نقل شده است را بر زبان آورد.

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} فرمود: «هیچ يك از شما به خاطر مصیبتی که به آن گرفتار می شود، آرزوی مرگ نکند. اما اگر چاره ای جز این ندارد، بگوید: خدایا! تا زمانی که زندگی به نفع من است، مرا زنده نگه دار و هنگامی که مرگ به نفع من است مرا بمیران.»

و نیز فرمود: «هیچ يك از شما آرزوی مرگ نکند و قبل از فرا رسیدن آن، برای آمدنش دعا نکند؛ زیرا هر گاه انسان بمیرد، عملش قطع می شود و عمر انسان چیزی جز خیر به وی نمی افزاید.»^۲

بیان ...

عمل انسان، نیک یا بد، در خاتمه نیک یا بد وی تأثیر دارد...

^۱ - الجواب الكافی.

^۲ - بخاری.

ایمان به مرگ

هر کس در مرگ بیندیشد، متوجه می‌گردد که این جامی بسیار بزرگ است که بر هر کس که ایستاده یا در حرکت است، دور می‌زند و بندگان را از زندگی دنیا به بهشت یا دوزخ می‌برد!

و ای کاش که مرگ فقط محروم گردانیدن و جدایی اجسام و فراموش کردن زیباترین شبها و روزها می‌بود، که در این صورت مرگ مشکل بزرگی بشمار نمی‌آمد، اما مرگ دروازه ای است که هر فرد در آن وارد می‌شود و مصیبت بزرگ آن است که پس از مرگ روی می‌دهد:

(فِي جَنّاتٍ وَنَهْرٍ) [القمر: ۵۴]، «در باغها و نهرها» **(فِي ضَلالٍ سَعيرٍ)** [القمر: ۲۴]، «در گمراهی و عذاب»

مقتضای عدالت خداوند این است که اغلب، خاتمه بنده بر چیزی خواهد بود که بر آن زیسته و زندگی کرده است، پس هر کس در زندگی اش به ذکر و نماز و صدقه و روزه اشتغال داشته است، خاتمه اش با نیکی‌ها خواهد بود، و هر کس از اعمال خیر، روی برتافته و اعراض نموده است، بیم آن می‌رود که خاتمه بدی داشته باشد!

مرگ چیست؟

مرگ یگانه چیزی است که موجودات، اعم از جن، انس و حیوان آن را می‌فهمند و نیازی به تعریف طولانی و شرح و تفصیل ندارد.

بنابراین، تعریف مرگ به طور خلاصه، جدا شدن روح از جسد است.

همچنین روح با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه با جدا شدن از جسم، یا در نعمت بسر می‌برد یا مورد عذاب و شکنجه قرار می‌گیرد و گاهی این نعمت و عذاب مخصوص روح می‌شود و گاهی روح و جسد هر دو مورد انعام و اکرام یا عذاب و شکنجه قرار می‌گیرند.

ایمان داشتن به مرگ، متضمن ایمان داشتن به این است که نابودی همه مخلوقات، امری قطعی و یقینی است و هر نفسی باید طعم مرگ را به چشد.

خداوند می فرماید: **(كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ)** ، [القصص: ۸۸] ، «همه چیز جز ذات او فانی و نابود می شود.»

و نیز فرموده است: **(كُلُّ مَعْلُومٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ)** [الرحمن: ۲۶] ، «همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می گردند. * و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و بس.»
و نیز فرموده است: **(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ)** ، [آل عمران: ۱۸۵] ، «هرکسی مزه مرگ ار می چشد.»
ابن عباس می گوید: رسول خدا فرمود:
«خدایا! به عزت پناه می برم که معبودی غیر از تو نیست، تو ذاتی هستی که نمی میری و جن و انس می میرند.»
مرگ به فرشته مرگ سپرده شده است.
«ملک الموت» فرشته مرگ کیست؟

هر یکی از فرشتگان خدای رحمن، وظیفه ای دارد که خداوند به او سپرده است، چنان که جبرئیل، مأمور آوردن وحی و میکائیل، فرشته مأمور باران و اسرافیل، مسئول دمیدن در صور است و برخی مأمور کوهها و برخی دیگر مأمور مرگ هستند.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: **(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ)** [السجده: ۱۱] ، «بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می آید و) جان شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید.»

برای فرشته مرگ همکارانی وجود دارد. خداوند در این مورد فرموده است: **(إِذْ جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرطُونَ)** ، [الأنعام: ۶۱] ، «و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما جان او را می گیرند، و کوتاهی نمی کنند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «آن گاه فرشته مرگ علیه السلام می آید و بر بالینش می نشیند...»^۱
هیچ گاه فرشته مرگ، روح آدمی را قبل از فرا رسیدن آن قبض نمی کند. لذا هر کدام اجل مشخصی دارد که باید آن را به پایان برساند، نه به آن اضافه می گردد و نه از آن کم می شود.
خداوند می فرماید: **(وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّجَلًّا)**، [آل عمران: ۱۴۵]، «و هیچ کسی را نسزد که بمیرد مگر به فرمان خدا و خداوند وقت آن را دقیقاً در مدت مشخص و محدودی ثبت و ضبط کرده است.»

این اجل انسان زمانی نوشته و ثبت می گردد که انسان در شکم مادرش قرار گرفته است، آن گونه که در حدیث آمده است:

«نطفة هر يك از شما مدت چهل روز در رحم مادر، جمع می شود. سپس تا چهل روز دیگر، به شکل خون بسته در می آید. و بعد از چهل روز دیگر، به پاره گوشتی، تبدیل می شود. آن گاه، خداوند، فرشته ای را می فرستد و او را به نوشتن چهار چیز، مأمور می کند. و می گوید: عمل، رزق، اجل و شقاوت یا سعادتش را بنویس.»

هیچ کس نمی داند اجلش کجا فرا می رسد
خداوند می فرماید: **(وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)** [لقمان: ۳۴]، «و هیچ کسی نمی داند فردا چه چیز فراچنگ می آورد، و هیچ کسی نمی داند که در کدام سرزمینی می میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه خداوند تبارک و تعالی بخواهد بنده ای را در جایی قبض روح کند، در آنجا برایش نیازی پیدا می کند.»^۲
و این یک امری ملموس و قابل مشاهده است، چقدر انسان نام شهری را می شنود، ولی فکر نمی کند که روزی بدانجا برود، اما خداوند در ازل

^۱ - مسند احمد با سند صحیح.

^۲ - مسند احمد با سند صحیح.

مقدر نموده است که در آنجا بمیرد، لذا وقتی زمان مرگش فرا می رسد، به خاطر علاج، تجارت یا کاری دیگر او را بدانجا می برد و در آنجا روحش را قبض می کند.

یادآوری مرگ

آن حضرت علیه السلام فرمود: «هضم کننده لذتها - یعنی مرگ - را به کثرت یاد کنید.»^۱

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله دستش را بر شا نه ام گذاشت و فرمود: «در دنیا مانند مسافر و یا رهگذر، زندگی کن.»

راوی می گوید: ابن عمر رضی الله عنهما می گفت: هنگامی که شب شد، منتظر صبح نباش. و هنگامی که صبح شد، منتظر شب نباش. و از وقت صحت، برای زمان بیماری، بهره برداری کن. همچنین در دوران زندگی، برای مرگ ات، آمادگی کن.^۲
آیا ناگوار دانستن مرگ، به معنای ناگوار دانستن دیدار با خداست؟

حضرت عایشه رضی الله عنها در این مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید.

آن حضرت علیه السلام چنین پاسخ دادند: «هر کس دیدار با خدا را دوست داشته باشد، خداوند نیز دیدار با او را نیز می پسندد، و هر کس دیدار با الله را ناگوار بداند، خداوند نیز دیدار با او را ناگوار می داند. عایشه رضی الله عنها می گوید: من گفتم: یا رسول الله! منظور ناگوار دانستن مرگ است؟ همه ما مرگ را ناگوار می دانیم و آن را نمی پسندیم! آن حضرت علیه السلام فرمود: این گونه نیست، بلکه هر گاه مومن به رحمت، بهشت و خشنودی الله مژده داده شود، مشتاق دیدار و لقای الله می شود و هر گاه فرد کافر به عذاب و ناراضی الله مژده داده شود، دیدار الله را ناگوار می داند.»^۳

^۱ - ترمذی، نسایی و ابن ماجه با سند صحیح.

^۲ - بخاری.

^۳ - صحیح مسلم.

واقعیّت... .

بسیاری به فرا رسیدن مرگ یقین دارند،
اما آنان که برای آن خود را آماده می کنند،
اندک اند.

آمادگی برای مرگ

باید بنده خود را قبل از فرا رسیدن مرگ آماده کند، زیرا تردیدی نیست که مرگ بر ما فرود می آید و بر بزرگ و کوچک هجوم می آورد و بنده را مهلت نمی دهد و فرصتی برایش فراهم نمی کند تا حال و وضعش را بهتر کند.

بنابراین،

• انسان چگونه خود را برای مرگ آماده می کند؟

• اعمال سودمند پس از مرگ کدامند؟

درآمد

توبه و عمل صالح راهی است برای اصلاح فرد پس از مرگ.

خداوند می فرماید: ﴿لَا تُفْسِدُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولُ بِلَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْتَقُ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ * وَلَئِن يُّؤَخَّرِ اللَّهُ نَفْسًا إِذْ جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ ، [المنافقون: ۱۰، ۱۱]،

«و از چیزهایی که به شما داده ایم بزدل و بخشش و صدقه و احسان کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما در رسد و بگوید: پروردگارا! چه می شود اگر مدت کمی مرا به تأخیر اندازی و زنده ام بگذاری تا احسان و صدقه بدهم و در نتیجه از زمره صالحان و خوبان شوم؟! * خداوند هرگز مرگ کسی را به تأخیر نمی اندازد هنگامی که اجلش فرا رسیده باشد. خداوند کاملاً آگاه از کارهایی است که انجام می دهید»

رسول خدا ﷺ فرمود: «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بدان، جوانی را قبل از پیری، سلامتی را قبل از بیماری، توانگری را قبل از فقر، فراغت را قبل از کار و زندگی را قبل از مرگ»^۱

اعمالی که پس از مرگ نیز سودآور خواهند بود

^۱ - روایت مستدرک حاکم با سند صحیح.

تلاش کردن در تربیت فرزندان، تا افراد نیک و صالحی ببار آیند و پس از مرگش برای او دعا کنند و نیز کوشش در فراگیری علوم مفید و سودمند و نشر کردن آن و صدقات جاریه که رسول خدا ﷺ همگی این موارد را در این حدیث جمع آوری نموده است:

«هر گاه انسان بمیرد، عمل او جز از سه چیز قطع می گردد: صدقه جاریه، علمی که مفید و سودمند باشد، و فرزند نیک که پس از مرگش برای او دعای خیر کند.»^۱

یکی از صدقات جاریه که پس از مرگ، به فرد مسلمان ملحق می گردد، چیزی است که در این حدیث وارد شده است:

«یکی از اعمال که پس از مرگ، به مؤمن ملحق می گردد، علمی است که آن را به دیگران آموخته و نشرش کرده است، یا فرزند صالح و نیکی که آن را برجا گذاشته است، یا قرآن کریمی که آن را به ارث گذاشته است، یا مسجدی ساخته و یا ساختمانی که آن را برای مسافران بنا نموده است، یا نهری را روان ساخته، و یا صدقه ای که آن را در حیات و صحتش بیرون آورده است، که پس از مرگش به وی ملحق می شود.»^۲

نوشتن وصیت نامه

یکی دیگر از مواردی که انسان خود را برای مرگ آماده می کند، نوشتن وصیت نامه است، و سنت است که انسان توصیه کند تا بخشی از مالش را صدقه نماید، چنان که برخی از صحابه به یک سوم و برخی دیگر به چهارم مالشان توصیه نموده اند و رسول خدا فرموده است:

«خداوند این اجازه را به شما داده است که به هنگام مرگتان به یک سوم اموالتان توصیه نمایید تا آن را صدقه کنید و به اعمال نیکتان افزوده گردد.»^۳

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - سنن ابن ماجه با سند حسن.

^۳ - سنن ابن ماجه با سند حسن.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «مَا حَقَّ أَمْرِي مُسْلِمٍ، لَهُ شَيْءٌ يَرِيدُ أَنْ يُوَصِّيَ فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ، إِلَّا وَوَصِيَّتَهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ»، «برای مسلمان روا نیست که قصد وصیتی داشته باشد و دو شب بیشتر بخوابد، مگر این که وصیتش را بنویسد و آن را در نزد خود نگه دارد.»

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: از زمانی که این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیده ام، هیچ شبی بر من نگذشته است، مگر این که وصیت نامه خودم را نوشته و نزد خود نگه داشته ام.^۲
رابطه مرگ با روح

علما در مورد روح که در بدن انسان قرار دارد، اختلاف دارند. روح موجودی سبک و زنده است که در اعضای بدن مانند خون در رگها و روغن در زیتون جریان دارد، و حیات بدن به آن وابسته است، و نیز روح و نفس یک چیز و مسکن آنان بدن است، و هر گاه روح از بدن جدا شود، زندگی آدمی بسر می رسد.

روح مخلوق است، اما با جدا شدن از جسم نمی میرد، و مرگ ارواح به منزله جدایی و بیرون آمدن آنها از اجساد است، اما نابود نمی شوند، بلکه پس از، از بین رفتن جسد باقی می مانند و یا در نعمت و یا عذاب بسر می برند.

حقیقت...

هر کس دیدار الله را بپسندد، الله نیز دیدار او را می پسندد،
و هر کس دیدار الله را ناگوار بداند، الله نیز دیدار او را ناگوار می داند.

^۱ - صحیح مسلم .
^۲ - رواه الجماعة .

احکام میت

امروزه با گسترش دانش و پیشرفت علوم پزشکی، نشانه‌ها و علائم مرگ برای حاضران روشن گشته و به مرگش یقین می‌کنند.

اما گاهی انسان بدور از پزشک و دستگاہهای پزشکی می‌میرد، بنابراین، لازم است تا انسان نشانه‌های مرگ را بشناسد تا فرد مرده با کسی که بی‌هوش شده است، متمایز گردد.

بنابراین، مرگ، احکام شرعی و مسائل فقهی ویژه‌ای دارد که بر مسلمان دانستن این مسائل و علائم و کیفیت غسل و دفن لازم است.

بنابراین،

- علائم مرگ کدامند؟
 - غسل و کفن میت چگونه است؟
 - کیفیت نماز و دفن میت چگونه است؟
- نشانه‌های مرگ

مرگ نشانه‌هایی دارد که بر میت ظاهر می‌گردند و برخی از آنها عبارتند از:

- خیره شدن چشمها، گویا چشم به بالای خود نگاه می‌کند که چیزی به دور رفته است.
 - کج شدن بینی به راست یا چپ.
 - سست شدن فک پایین در اثر سست شدن اعضای بدن در اغلب.
 - سرد شدن جسم در اغلب.
 - سکون قلب و باز ماندن ضربات آن.
- بنابراین، هرگاه این علامات یا پاره‌ای از آنها ظاهر گردید، دلیل بر مرگ بوده و وقوع آن نزدیک است.

بردن جنازه به سوی قبرستان

مستحب است که جنازه را زود تجهیز نموده و به قبرستان ببرند. رسول الله ﷺ فرمود: «هنگامی که جنازه آماده می‌شود و مردان آن را بر روی شانه

هایشان می گذارند، اگر شخص نیکی باشد، می گوید: مرا زودتر ببرید. اگر شخص ناصالحي باشد، به فغان و ناله در می آید و می گوید: وای بر من، مرا کجا می برید؟ این آه و فغانش را بجز انسان، هر چیز دیگر می شنود. و اگر انسانها آن را بشنوند، بیهوش می افتند»^۱.

همچنین سنت است که میت را زود تجهیز نموده و به دفنش اقدام نمایند. چنان که رسول خدا فرمود: «در تجهیز و تدفین جنازه شتاب کنید، زیرا اگر نیک است، پس او را به سوی خیر می برید و اگر غیر از این است، پس چیز بدی را از گردنهایتان پایین می گذارید»^۲. سه چیز میت را همراهی می کنند

انسان در زندگی اش به برخی امور اهمیت داده و اهتمام می ورزد، از قبیل: جمع مال، خرید اثاث و کالا، به دست آوردن ماشینهای خوب، منزل و مسکن مرفه. همچنین به زن، فرزند و خانواده توجه خاصی مبذول می دارد و به کارش نیز اهمیت می دهد، چه کار خوبی باشد یا کار بدی.

اما هر گاه انسان بمیرد، سه چیز او را همراهی می کند، اموالش از قبیل: ماشین و... خانواده اش از قبیل برادران و فرزندان، و عملش، اعم از این که نیک بوده است یا بد. وقتی او را دفن می کنند، دو مورد باز می گردند و یکی با او می ماند.

آری، اهل و خانواده و مال و دوستان باز می گردند و عمل با او باقی می ماند و در قبر با او داخل می شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز میت را همراهی می کند، آن گاه دو تا باز می گردند و یکی باقی می ماند: اهل، مال و عمل او را همراهی می کنند و آن گاه اهل و مال باز می گردند و عمل باقی می ماند»^۳.

۱- صحیح بخاری.

۲- صحیح مسلم.

۳- صحیح مسلم.

همین که روح میت از بدن جدا می شود، از حیات دنیا به حیات برزخی منتقل می شود.
بنابراین، حیات برزخی یعنی چه؟ اوضاع و احوال ساکنان قبور چگونه است؟
به یاری الله در صفحات آینده در این مورد بحث خواهیم کرد.

وقفه...

ای دریغایا...
ما در دنیا به اموری اهمیت می دهیم که از ما پشت می کنند
و از آنچه در قبر با ما همراه می شود، غفلت می ورزیم.

عالم برزخ

برزخ حد فاصل میان دو چیز را می گویند، چنان که خداوند در مورد دریای شور و شیرین فرموده است: **﴿يَذُحُّهَا بَرَزَخٌ لَا يَبْغِيَان﴾**، [الرحمن: ۲۰]، «یعنی بین دریای شور و شیرین حایلی قرار دادیم که با هم مخلوط نشوند.»

بنابراین، عالم برزخ حایلی است که بین دنیا و جهان آخرت فاصله انداخته است و فاصله میان مرگ انسان تا زنده شدن را برزخ می نامند، اعم از این که در قبر دفن شود یا سوخته شود یا در دریا غرق شود و یا درنده ای او را بخوردیا ...

پس هر کس بمیرد، او در عالم برزخ قرار دارد و تا روزی که مردگان زنده می شوند در این عالم بسر می برد. خداوند می فرماید: **﴿تَتَّبِعُونَ فِيهَا النَّفْسَ الَّتِي حَرَسْنَا فِي الْأَرْضِ وَمَنْ حَرَسْنَاهَا فِي الْأَرْضِ وَنَحْنُ أَكْفَرُ﴾**، [المؤمنون: ۹۹، ۱۰۰]،

«و زمانی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد، می گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گرانید. * تا این که کار شایسته ای بکنم و فرصتهایی را که از دست داده ام جبران نمایم. نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می راند. در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می شوند»

قبر

قبر، منزل و مسکن انسان است که تا روز قیامت در آن بسر می برد، و از زمانی که فرزند آدم، برادرش را کُشت و او را در زمین دفن کرد، انسان با قبر آشنا شده است.

نیکان به هنگام زیارت قبور پند و اندرز می گیرند و چشمانشان اشکبار شده و دلهایشان نرم و فروتن می گردد؛ زیرا می دانند که روزی در آن سکونت خواهند کرد.

بنابراین،

- قبر یعنی چه؟
- حال انسان در آن چگونه خواهد بود؟

• چرا پیامبر ﷺ به ما دستور داده است تا به زیارت قبور برویم؟

داستان

عمر بن عبدالعزیز در تشییع جنازه یکی از بستگانش حضور یافت و پس از آن که میت را دفن کردند، رو به مردم کرد و گفت:

ای مردم! قبر مرا صدا زد و گفت: ای عمر بن عبدالعزیز! آیا از من نمی‌پرسی با دوستان چگونه رفتار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کفن‌ها را دریدم، بدن‌ها را پاره کردم، خون‌ها را مکیدم و گوشت‌ها را خوردم.

آیا نمی‌پرسی با پیوندها و مفصل‌های بدن چکار کردم؟ گفتم: بلی، گفت: کف دست‌ها را از بازوها و بازوها را از عضدها و عضدها را از شانه‌ها، و مفاصل ران‌ها و زانوها و ساق‌ها و قدم‌ها را از همدیگر جدا کردم!

آن گاه عمر بن عبدالعزیز به گریه افتاد و گفت: آگاه باشید، همانا بقای دنیا اندک است و جوانی اش پیر می‌شود و زنده اش می‌میرد، بنابراین، مغرور و فریب خورده کسی است که به دنیا دچار غرور و فریب شود.

کجایند ساکنان زمین که مدائن و شهرها را بنا کردند، خاک با اجساد آنان و کرم‌ها با بندها و استخوان‌هایشان چه کردند، آنان در دنیا بر تخت‌های گسترده، فرش‌های منظم بسر می‌بردند، خدمتگزاران، آنان را خدمت کرده و اهل و خانواده گرامی‌شان می‌داشتند! وقتی از کنار آنان می‌گذری آنان را صدا بزنی، ببین قبرهایشان چقدر با خانه‌هایشان نزدیک است، از ثروتمندشان بپرس که از سرمایه اش چه مانده است و از فقیر بپرس از فقرش چه مانده است؟!

از زبان‌هایشان بپرس که با آن سخن می‌گفتند، و از چشمانشان که با آن به اشیای دیدنی و لذتها می‌نگریستند، و از پوست‌های نازک، چهره‌های زیبا و بدن‌های نرم‌شان بپرس که کرم‌ها با آنها چکار کردند؟ رنگ‌های زیبا نابود شده،

گوشتها خورده شده، چهره ها خاک گشته، محاسن از بین رفته، گردنها شکسته شده، اعضا ظاهر شده و مفاصل درهم شکسته اند.

خدمتگزاران و بردگانشان کجایند؟ سرمایه ها و گنجهایشان کجایند؟ سوگند به الله که برایشان فرشی نگسترانیدند و بالشت و متکایی تدارک ندیدند! آیا آنان در منازل تنهایی و دشتهای زیر زمین بسر نمی برند؟ آیا شب و روزشان یکسان نیست؟ آیا بین آنان و عمل فاصله ایجاد نشده است؟ و آیا از دوستان و خانواده هایشان جدا نشده اند؟ زنانشان شوهر کردند، فرزندانشان در کوچه ها دور می زنند، و خویشاوندان زمینها و سرمایه شان را تقسیم کردند! قبر برخی از آنان بی نهایت فراخ و وسیع گشته و در نعمتها و لذتها بسر می برند.

آنگاه عمر به گریه افتاد و گفت: ای کسی که فردا در قبر بسر می بری! چه چیزی از دنیا تو را فریب داده است؟ کجایند پینه های لباسهایت؟ کجایند خوشبوها و عطریات! با سختی های روزگار چگونه ای؟ ای وای! کرمها اول کدام یک از دو گونه ات را از بین می برد؟ ای وای! از آن چیزی که ملک الموت برای بیرون بردن من از دنیا با من برخورد می کند و نامه پروردگارم را برایم می آورد؟!

آن گاه به سختی گریست و به خانه اش بازگشت و پس از یک هفته وفات کرد. خدایش رحمت کند.

اندرز...

قبر خانه توست...

خواه آبادش کنی یا رهایش کنی.

حال انسان در قبر
قبر محل حوادث است، پیامبرمان ﷺ از خبر داده
است، تا خود را آماده سازیم، و وضعیت مردم در
اثر حالت‌های گوناگونشان در دنیا متفاوت خواهد
بود...

رسول خدا ﷺ احوال میت، بیرون آمدن روح، حضور
فرشتگان، چگونه دروازه های بهشت به روی مؤمنین
باز می شود و به روی غیر مؤمنان بسته می شود
و... همه این موارد را با تفصیل بیان نموده
است.

بنابراین،

- تفاوت مؤمن با غیر مؤمن چیست؟
- روح با جسد چه ارتباطی دارد؟

حال مؤمن

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: ما به همراه رسول
خدا ﷺ برای تشییع جنازه ای بیرون رفتیم، آن
حضرت ﷺ در کنار قبر نشست، ما نیز در اطراف آن
نشستیم، گویا بر سرمان پرندگان نشسته اند و
پیامبر ﷺ او را در لحد می گذاشت.

آن حضرت ﷺ فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه
ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می
بریم. باز فرمود: «از عذاب قبر به خدا پناه
ببرید». ما گفتیم: از عذاب قبر به الله پناه می
بریم. مرتبه سوم فرمود: «از عذاب قبر به خدا
پناه ببرید» و ما گفتیم: از عذاب قبر به الله
پناه می بریم.

آن گاه فرمود: «همانا وقتی بنده مؤمن از
دنیا جدا شده و رهسپار آخرت می گردد، فرشتگانی
سفید رو، گویا چهره هایشان بسان خورشید می
درخشد، به نزد او فرود می آیند، و با خود از
کفن‌ها و خوشبوهای بهشت همراه دارند و دور از
وی می نشینند (و منتظر بیرون آمدن روح او می
شوند.)

آن گاه فرشته مرگ می آید و بر بالینش می نشیند و می گوید: ای روح پاکیزه! بیرون بیا! به طرف مغفرت و خوشنودی الله بیرون بیا. آن گاه روح بیرون می آید و مانند قطره ای که از مشکیزه روان می گردد، روان می شود.^۱ آن گاه فرشته مرگ آن را بر می دارد ولی آن فرشتگان به اندازه یک چشم به هم زدن مجال نمی دهند و آن روح را از او می گیرند و در آن کفنهای و خوشبها قرار می دهند و مانند خوشبوترین خوشبویی که در زمین یافته شده است، از آن بیرون می آید.

سفری به آسمان

در ادامه آن حضرت علیه السلام فرمود: آن را بالا می برند، و از کنار هر گروهی از فرشتگان که عبور می کنند، آنها می پرسند: ای چه خوشبویی ای است؟ آنان می گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او با بهترین نامهایش که در دنیا او را نام می بردند، یاد می کنند تا این که به آسمان اول می رسند، و اجازه ورود می خواهند و دروازه آسمان اول برایش گشوده می شود و مقربان هر آسمان وی را تشییع می کنند تا این که به آسمان هفتم می رسد و خداوند می فرماید: نامه بنده ام را در علین بنویسید و سپس او را به زمین بازگردانید؛ زیرا من آنها را از زمین آفریدم و دوباره آنها را به آن باز می گردانم و سپس بار دیگر از آنجا بیرونشان می کنم.

آن گاه دومرتبه روحش در جسد وی باز می گردد و دو فرشته به نزد او می آیند و او را می نشانند و از او می پرسند؟ پروردگار تو کیست؟ می گوید: پروردگار من الله است. می پرسند؟ دین تو چیست؟ می گوید: دین من اسلام است. می پرسند: این فردی که به سوی شما مبعوث گردید، که بود؟ می گوید: رسول الله. می پرسند: علمت چیست؟ می گوید: کتاب خدا را خواندم و به آن ایمان آوردم و تصدیقش کردم.

^۱ - یعنی با کمال نرمی و آرامش و سکونت و احترام بیرون می آید.

آن گاه منادی ای از آسمان ندا می دهد: بنده ام راست گفت، برایش در بهشت فرش بگسترانید و از لباسهای بهشت او را بپوشانید و دروازه ای از بهشت را به رویش بگشایید.

آن گاه از نسیم و خوشبویی بهشت به او می رسد و تا آخرین نگاه چشم در قبرش وسعت داده می شود و مردی خوب صورت، خوش لباس و خوشبو به نزد وی می آید و می گوید: مژده بگیر به چیزی که تو را شادمان می گرداند. این همان روزی است که به تو وعده داده می شد! می پرسد: تو کیستی، زیرا سیمایت از خیر حکایت دارد؟ می گوید: من عمل نیک تو هستم، به خدا سوگند! تو در انجام طاعات و نیکیها می شتافتی و در معصیت و نافرمانی الله کُند بودی. پس الله به تو جزای خیر داد. آری، به او می گوید: من عمل نیک تو هستم، مگر عمل نیک وی چه بود؟

اعمال نیک او عبارت بودند از: نماز و روزه، نیکوکاری و صدقه، گریه و خوف الله، حج و عمره، قرائت قرآن و محبت الله، سحر خیزی و خواندن نماز شب برای الله، روزه گرفتن در روزها و ترس از خدای جبار، نیک رفتاری با والدین و تحصیل علم، دعوت الی الله و جهاد فی سبیل الله، اینها بودند اعمال نیک او.

وقتی مؤمن این سیمای زیبا و نورانی را می بیند که او را مژده می دهد و شادمان می گرداند و به پیرامونش می نگرد و می بیند که قبرش فراخ گشته و رختخوابهای بهشت در آن گسترده شده است، به لباسهایش می نگرد که از بهشت برایش تدارک دیده شده اند، می داند که این نعمتها در برابر آنچه در بهشت در انتظار او هستند، ناچیز و حقیرند، لذا می گوید: خدایا! قیامت را برپا کن تا به اهل و خانواده ام باز گردم.

حال کافر و گناهکار

آن گاه آن حضرت ﷺ فرمود: همانا وقتی بنده کافر و فاسق از دنیا جدا می شود و راهی آخرت

می گردد، فرشتگانی سیاه رنگ که با خود لباسهایی خشن دارند، فرود می آیند و با فاصله دوری از وی می نشینند.

آن گاه فرشته مرگ بر بالینش می نشیند و می گوید: ای روح خبیث! به سمت خشم و ناراضی الله بیرون بیا، و آن در جسدش متفرق می شود. سپس آن را مانند آهنی که از پشمهای خیس شده می کشند، روحش را از بدنش بیرون می آورند، در این هنگام همه فرشتگانی که در بین زمین و آسمان قرار دارند و فرشتگان آسمان او را نفرین می کنند.

آن گاه فرشته مرگ او را می گیرد و بلافاصله آنان او را از دست وی می گیرند و او را در آن پارچه های خشن قرار می دهند و روح بسان بدبو ترین حیوان مرده ای که بر روی زمین بوده است، از جسد بیرون می آید و او را بالا می برند و بر هیچ جمعی از فرشتگان عبور نمی کنند، مگر اینکه آنان می گویند: این روح خبیث و ناپاک چیست؟ آنان می گویند: این فلانی فرزند فلانی است و از او به بدترین نامی که در دنیا داشته است، اسم می برند تا این که به آسمان دنیا می رسند و می خواهند تا دروازه آسمان را به رویشان بکشایند، اما دروازه برایشان گشوده نمی شود. **إِنَّ كِبَاحَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا تَلَاوتِ فَرَمُودَ: (لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ)، [الأعراف: ٤٠]، «درهای آسمان بر روی آنان باز نمی گردد و به بهشت وارد نمی شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد»**

آن گاه خداوند می فرماید: نامه اش را در «سجین» پایین ترین طبقه زمین بنویسد. در این هنگام روحش به سختی پایین انداخته می شود. در این هنگام رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: **(وَمِنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنْ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ)، [الحج: ٣١]، «کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان**

داده است) و پرندگان (تکّه های بدن) او را می ربایند، یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می کند.»

آن گاه دوباره روحش به جسد باز می گردد و دو فرشته به نزد او می آیند و او را می نشانند و از او می پرسند: پروردگارت کیست؟ او می گوید: های، های، نمی دانم، آنان می پرسند: دینت چیست؟ می گوید: های، های، نمی دانم! باز می پرسند: این مردی که به سوی شما مبعوث گردید، کیست؟ می گوید: های، های، نمی دانم! آنان می گویند: ندانستی و از حق هم پیروی نکردی!

آن گاه فرشته ای از آسمان ندا می دهد و می گوید: دروغ می گوید، پس برایش فرشی از آتش بگسترانید و دروازه ای از آتش برویش بگشایید، آن گاه از گرما و سوزش آتش به او می رسد و چنان قبرش تنگ می گردد که پهلوهایش شکسته و درهم فرو می روند و آن گاه مردی زشت رو و بدبو، با لباسهایی پلید و زشت به نزد او می آید و می گوید: مژده باد تو را به آن روزی که وعده داده شده ای و تو را ناراحت می کند، تو در اطاعت الله کُند و در معصیت و نافرمانی الله چالاک بودی، و خداوند تو را بدترین جزا داد. می پرسد: تو کیستی؟ زیرا چهره ات از شر و بدی حکایت دارد؟ می گوید: من عمل بد تو هستم.

آری، می گوید: من عمل زشت تو هستم! مگر عمل بدش چه بود؟

عمل بد وی شرک، سوگند به غیر الله، طواف قبور، نوشیدن شراب، زنا و فحشاء، ربا، گوش دادن به موسیقی بود، او در برابر افراد خیر خواه متکبر، و بر رب العالمین جسور و بی باک بود!

در این لحظه بنده حسرت می خورد، ولی آیا حسرت خوردن دردش را درمان می کند؟! سخت نادم و پشیمان می گردد و آیا ریختن اشک برایش سودمند خواهد بود؟! چرا آن گاه که به محرمات می نگرستی و مرتکب فحشا و منکر می شدی، اشک نمی ریختی؟ چقدر تو را نصیحت کردند که از شرمگاهت حفاظت کن، چشم و

گوشت را حفظ کن؟! اینک گریه بکنی یا خیر، از عذاب رهایی نخواهی یافت. **إِذْ لَوْ هَيَّأْتُمْ صَبْرًا وَ لَا تُصِیْرُوا سَوَاءً عَلَیْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تُعْمَلُونَ**، [الطور: ۱۶]، «به آتش وارد شوید و بدان بسوزید، چه شکیبایی هم کنید و چه بیتابی، به حال شما تفاوتی نمی کند. چرا که تنها برابر کارهایی که خودتان کرده اید کیفر داده می شوید.»

در این هنگام این بنده مسکین متوجه می گردد که آنچه پس از قبر با آن برخورد می کند، سختتر و شدیدتر خواهد بود.

آن حضرت علیه السلام فرمود: «وی می گوید: خدایا! قیامت را برپا نکن، آن گاه فردی لال، کر و کور بر قبرش گماشته می شود که چکشی در دست دارد که اگر کوهی را با آن بزند، خاک می شود، با آن چکش چنان ضربه ای به او می زند که به خاک تبدیل می شود، باز دو مرتبه خداوند او را به همان حالت اولی باز می گردند و سپس ضربه ای دیگر بر او وارد می کند که در اثر آن صدا و ناله ای بر می آورد که جز جن و انس، همه موجودات آن را می شنوند.»^۱

وضعیت مردم در قبرهایشان این گونه خواهد بود و وقتی مؤمن از آن با خبر می شود، خود را آماده می کند و به آن ایمان می آورد و آرزو می کند که قبرش باغی از باغهای بهشت گردد، لذا بیشتر به انجام کارهای نیک مبادرت می ورزد.

دعا...

خدایا! قبرهایمان را باغی از باغهای بهشت بگردان،
و ما را از گودالی های آتش نجات بده.

رابطه روح و جسد
عذاب قبر و نعمتهای آن حقیقتی انکار ناپذیر
است که همه بندگان آن را خواهند دید، چه در
قبر دفن شود یا خیر.
بنابراین،

- آیا عذاب قبر به روح مربوط است یا جسد؟
- محل استقرار ارواح کجاست؟
- ارواح مؤمنین و ارواح کفار کجا خواهند بود؟

درآمد

جز خداوند کسی از حقیقت و طبیعت روح خیر ندارد؛ چنان که خداوند می فرماید: **لَوْ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)**، [الإسراء: ۸۵]، «از تو (ای محمد) در باره روح می پرسند (که چیست). بگو: روی چیزی است که تنها پروردگام از آن آگاه است و جز دانش اندکی به شما داده نشده است»
عذاب یا نعمتهای قبر به روح مربوط می شوند، چه پس از دفن با جسد متصل باشد یا خیر، مانند این که جسد بسوزد یا پاره پاره گردد. لذا روح، یا عذاب خواهد دید و یا در نعمت خواهد بود، بدون این که نیازی به جسد داشته باشد، از این رو، این روح است که نعمت یا عذاب را احساس می کند.

محل استقرار ارواح کجاست؟

پاسخ: محل استقرار مردم پس از مرگ متفاوت خواهد بود، چنان که برخی در بهشت و برخی در دوزخ و برخی در زمین و برخی در جایی دیگر خواهند بود.

ارواح انبیا

ارواح انبیا در حیات برزخی با رفیق اعلی، یعنی در اعلی علین خواهد بود، چنان که رسول خدا ﷺ در شب معراج با آنها ملاقات فرموده و روح حضرت آدم در آسمان اول، یحیی و عیسی در آسمان دوم، یوسف در آسمان سوم، ادریس در آسمان

چهارم، هارون در آسمان پنجم، موسی در آسمان ششم و حضرت ابراهیم در آسمان هفتم بود.^۱

ارواح شهدا

اما ارواح شهدا در زمان حیات برزخی در شکم پرندگان سبز خواهد بود.

از رسول خدا ﷺ در مورد این آیه سوال شد: **وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**، [آل عمران: ۱۶۹]، «و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می شود.»

آن حضرت ﷺ فرمود: «ارواح آنها در شکم پرندگان سبز رنگ خواهند بود که در چراغهایی که بر عرش آویزان هستند، قرار دارند و از هر جای بهشت که بخواهند، می چرند و سپس به آن قندیلها و چراغها باز می گردند. خداوند به سوی آنها توجه نموده و می فرماید: آیا چیزی می خواهید و به چیزی اشتها دارید؟ می گویند: چه چیزی اشتها بکنیم در حالی که ما از هر جای بهشت می چریم؟ خداوند تا سه بار سؤالش را تکرار می کند و وقتی می بینند که خداوند آنها را رها نمی کند تا از او چیزی نخواهند، می گویند: خدایا! می خواهیم به اجسادمان بازگردیم و بار دیگر در راه تو کشته شویم. وقتی بینند که خواسته ای ندارند، رها می شوند.»^۲

تفصیل احوال شهدا

جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه، پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله در حیات برزخی خود، دو بال دارد و همراه فرشتگان در بهشت پرواز می کند.

جعفر رضی الله عنه برادر علی رضی الله عنه است، او و همسرش جزء مسلمانان نخستین اسلام به شمار می روند. عمرش از بیست و یک سال تجاوز نکرده بود که آزارها و شکنجه های گوناگونی را در مکه متحمل گردید. آن حضرت صلی الله علیه و آله به او اجازه داد تا به حبشه هجرت کند.

^۱ - این مطلب در صحیحین مذکور است.

^۲ - صحیح مسلم.

جعفر علیه السلام با این که در مکه در نزد قومش، فردی دارای جاه و منزلت بود، با خانواده اش به سرزمینی دور دست و نا آشنا، سرزمینی که او را نمی شناخت، و قبایلی که او آنها را نمی شناختند، و زبانی که با آن آشنا نبود و آن را نمی فهمید، هجرت کرد. سه سال در حبشه ماند و آن گاه در میان شان شایع گردید که مردم قریش اسلام را پذیرفته اند، لذا با خانواده اش به حبشه باز گشت، اما متوجه گردید که قریش اسلام نیاورده اند و هنوز بر کفر خویش قرار دارند، لذا دو مرتبه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به حبشه باز گرداند. او به حبشه باز گشت و هفت سال خود را کامل گردانید.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خیبر را فتح کرد، فردی را به حبشه فرستاد تا آنان را خبر دهد که به مدینه باز گردند. وقتی وارد مدینه شدند، آن حضرت صلی الله علیه و آله با دیدن جعفر علیه السلام سخت شادمان گردید. در روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پیشانی اش را بوسید و او را آغوش کرد و فرمود: «نمی دانم از کدام امر شادمان ترم، از فتح خیبر یا بازگشت جعفر؟» حضرت جعفر علیه السلام شباهت زیادی با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، چنان که به جعفر می فرمود: «تو به سیرت و صورت من شباهت دارد.»^۱

رفتن جعفر به غزوة موه

هنوز جعفر علیه السلام به خوبی در مدینه استقرار نیافته بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که روم لشکر بزرگی را برای نبرد با مسلمانان آماده کرده است.

لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری را برای رویارویی رومیان آماده کرد و زید بن حارثه رضی الله عنه را امیر لشکر قرار داد و فرمود: اگر وی شهید شد، جعفر علیه السلام را امیر خود قرار دهید و اگر جعفر علیه السلام شهید شد، عبدالله بن رواحه رضی الله عنه را امیر خود سازید.

^۱ - مسند احمد و روایانش نیز ثقه هستند. همچنین این روایت در طبقات ابن سعد نیز آمده است.

لشکری سه هزار نفری آماده شد و با رسول خدا ﷺ خداحافظی نموده و رهسپار گردیدند.

مسلمانان به موته رسیدند و در رویارویی لشکر روم که صد هزار جنگجو بودند، قرار گرفتند. نبرد درگرفت و زید بن حارثه ﷺ پرچم را به دست گرفت و شهید شد، آن گاه جعفر ﷺ آن را به دست راست خود گرفت و وارد معرکه شد و چون نبرد به اوج خود رسید، در حالی که این اشعار را می سرود، از اسبش پایین آمد:

يا حبذا الجنة واقترابها
وبارد شرابها
والروم روم قد دنا عذابها
بعيدة انسابها

«چه خوب است بهشت و نزدیک شدن به آن، نوشیدنی آن پاک و گوارا است.»
«روم، روم است و عذابش نزدیک شده است و آنان کافرند و از نسبهای دری هستند»
بر من لازم است که هر گاه با آنان برخورد کنم، آنان را مورد ضربه و هجوم قرار دهم.»

بنابراین، همچنان که جعفر ﷺ پرچم را به دست راست گرفته بود، با شمشیرش می جنگید تا این که از طرف رومیان ضربه ای به دست راستش وارد گردید و دستش قطع گردید، بلافاصله پرچم را با دست چپ گرفت و دست چپش نیز قطع گردید، آنگاه پرچم را با بازوهایش گرفت، و در حالی که سی سال از عمرش گذشته بود، شهید شد.

عبدالله بن عمر ﷺ می گوید: جعفر ﷺ را در حالی که شهید شده بود، دیدم که نود ضربه شمشیر، نیزه و تیر بر پیکرش وجود داشت و به خدا سوگند که یک ضربه بر پشتش نداشت. آن گاه عبدالله بن رواحه ﷺ پرچم را به دست گرفت و او نیز شهید شد. در این هنگام خالد بن ولید پرچم را برداشت و لشکر را به عقب نشینی وادار کرد.
خبر شهدا در مدینه

این داستان مجاهدین موته بود، اما داستان مدینه را حضرت انس رضی الله عنه این گونه بازگو می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزد ما آمد و بالای منبر تشریف برد و فرمود: «آیا شما را از لشکر مجاهدین خبر ندهم؟» ما گفتیم: بله، فرمود: «پرچم را زید به دست گرفت و شهید شد، برایش آمرزش بخواهید.» ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. باز فرمود: «پرچم را جعفر بدست گرفت و او نیز شهید شد، برایش آمرزش بخواهید.» باز ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. سپس فرمود: «پرچم را عبدالله بن رواحه بدست گرفت و او نیز شهید شد، برایش آمرزش بخواهید.» ما گفتیم: خدایا! او را ببخش و بر او رحم کن. پیامبر نیز برای آنها آمرزش طلبید و آن گاه از منبر پایین آمد و به خانه جعفر رفت.

اسما دختر عمیس، همسر جعفر می گوید: من فرزندانم را شسته و سرهایشان را روغن زده و آردم را خمیر کرده و منتظر آمدن جعفر بودم که ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل ما تشریف آورد و فرمود: «فرزندانم را برایم صدا بزن.» اسما می گوید: آنها را در حالی که مانند جوجه بودند، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم و وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدند، برای رسیدن به نزد وی از همدیگر سبقت می گرفتند و خود را به وی آویزان کرده و او را می بوسیدند. و آن حضرت صلی الله علیه و آله پیوسته بر سر آنان دست می کشید و گریه می کرد.

اسما می گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر از طرف جعفر خبری به تو رسیده است؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله خاموش ماند. باز من گفتم: مگر از طرف جعفر خبری به تو رسیده است؟ فرمود: جعفر شهید شده است. من گفتم: فرزندان جعفر یتیم شدند، فرزندان جعفر یتیم شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا برایشان از فقر می ترسی؟ من در دنیا و آخرت دوست و یاور آنها هستم. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنجا بیرون آمد و

فرمود: «باید زنان گریه کننده برای جعفر گریه کنند.»^۱

آن گاه رسول خدا ﷺ به خانه اش باز گشت و فرمود: «برای آل جعفر غذایی درست کنید؛ زیرا برایشان مصیبتی رسیده است که آنان را به خود مشغول ساخته است.»^۲

آری، جعفر شهید شد و از اهل و مالش جدا شد، اما وارد بهشتی گردید که پهنای آن به اندازه آسمان و زمین است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «جعفر را در بهشت دیدم که بالهایی آلوده به خون داشت و با آنها همراه با فرشتگان پرواز می کرد.»^۳

حمزه نیز این گونه است

رسول خدا ﷺ، سید الشهداء، حمزه بن عبدالمطلب را در حیات برزخی دید که بر تختی تکیه زنده است. آن حضرت ﷺ فرود: «دیشب وارد بهشت شدم و به آن نگریستم و جعفر را دیدم که در بهشت پرواز می کند و حمزه بر تختی تکیه زنده است.»^۴

برخی از ارواح شهیدان در بهشت
برخی از ارواح شهدا در خیمه ای سبز رنگ در
بهشت بسر می برند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «شهیدان بر کناره نهری در بهشت در زیر خیمه ای سبز رنگ قرار دارند و صبح و شام روزی شان از بهشت به آنان می رسد.»^۵

ارواح مؤمنان غیر شهدا

رسول خدا ﷺ فرمود: «روح مؤمن از درخت بهشت می خورد تا این که خداوند در روز قیامت او را به جسدش باز گرداند.»^۶

^۱ - الاستیعاب لابن عبدالبر. ۱/۲۴۳.

^۲ - مسند احمد و سنن ترمذی با سند صحیح.

^۳ - معجم الاوسط طبرانی و مستدرک حاکم با سند صحیح.

^۴ - مستدرک حاکم با سند صحیح.

^۵ - مسند احمد و صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم. حاکم گفته است: این حدیث به شرط شیخین صحیح است.

^۶ - سنن نسائی و ابن ماجه با سند صحیح.

بنابراین، ارواح مؤمنین در حیات برزخی بسان پرندگانی خواهد شد که از درختان بهشت می‌خورند.

آیا ارواح مؤمنان همدیگر را در بهشت می‌بینند

آری، در بهشت ارواح مؤمنان همدیگر را ملاقات می‌کنند و به زیارت یکدیگر می‌روند و با همدیگر سخن می‌گویند. رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی مؤمن در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان با تکه پارچه‌ای از ابریشم نرم و سفید به نزد او حاضر می‌شوند و می‌گویند: در حالی که خشنود هستی و از تو نیز خشنود گشته‌اند، به سوی روح و ریحان و پروردگاری که عصبانی نیست، بیرون بیا.»^۱

آن‌گاه با حالت خوشبوترین عطر از جسد بیرون می‌آید و فرشتگان او را دست به دست می‌گیرند تا این‌که به دروازه آسمان می‌رسند و اهل آسمان می‌گویند: این خوشبوترین بویی که از زمین آورده‌اید، چیست؟ آن‌گاه ارواح مؤمنان را می‌آورند که با دیدن او شادمانتر می‌گردند بسان از کسی که عزیزش از سفر باز گردد. آنان از او می‌پرسند: فلانی فرزند فلانی چه شد؟ فلانی چه شد؟ باز با همدیگر می‌گویند: او را بگذارید؛ زیرا او هنوز در اندوه و رنج دنیا بسر می‌برد.^۲ و وقتی او می‌گوید: مگر او به نزد شما نیامده است: آنان می‌گویند: او را به گودال دوزخ برده‌اند.

اما وقتی کافر در حالت احتضار قرار می‌گیرد، فرشتگان عذاب با پارچه‌هایی خشن و درشت می‌

^۱ - در این جمله به وی مژده داده شده است، یعنی با بهترین شیوه و آسانترین راه به دیدار پروردگارت بیرون بیا.

^۲ - یعنی او را رها کنید تا مقداری از غم و اندوه دنیا استراحت کند آن‌گاه آنچه را که از او می‌خواهید به شما پاسخ می‌دهد. خلاصه این‌که ارواح مؤمنان از کسی که تازه به نزد آنها می‌رود، از دوستانی که در دنیا داشته‌اند می‌پرسند که چه شدند و حال و وضع آنان چگونه بوده است؟ او نیز می‌گوید: فلانی قبل از من مرده است، مگر به نزد شما در بهشت نیامده است؟ آنان می‌گویند: او را به دوزخ برده‌اند.

آیند و به او می گویند: درحالی که ناراضی و از تو ناراض شده اند، به سوی عذاب الهی بیرون بیا. ^۱ آن گاه روحش بسان بدبوترین حیوان مرده ای بیرون می آید و پس از آن او را به دروازه های زمین می آورند. آنان می گویند: این چه بوی بدی است؟ تا این که او را به نزد ارواح کفار می آورند. ^۲»

آری، ارواح نیکان با هم ملاقات می کنند و همدیگر را می شناسند.
شهادا

پروردگاریان در مورد شهدا چنین می فرماید:
وَلَا جَسَدٍ لِّلَّذِينَ قَتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٍ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فِرْحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ يُسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يُسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ، [آل عمران: ۱۶۹ - ۱۷۱]،

«و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می شود * آنان شادمانند از آنچه خداوند به فضل و کرم خود بدیشان داده است، خوشحالند به خاطر کسانی که بعد از آنان مانده اند و بدیشان نپیوسته اند. این است که ترس و هراسی بر ایشان نیست و آنان اندوهگین نخواهند شد. * شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که او بدیشان روا دیده است، و خوشوقت و مسرورند از این که (می بینند) خداوند اجر و پاداش مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی دهد.»

این آیات فضیلت و کرامت شهدا را به تصویر کشیده و فضل و احسانی را که خداوند بر آنان

^۱ - یعنی فرشتگان پارچه های سخت و خشن از دوزخ با خود دارند و از روی زجر و تعذیب به او می گویند: به سوی عذاب الهی بیرون بیا.

^۲ - سنن نسائی. آلبانی نیز این حدیث را صحیح دانسته است. یعنی روح کافر و فاسق با حالت بوی بدی بیرون می آید تا جایی که فرشتگان می گویند: این چه بوی بدی است؟ و آن را به آسمان نمی برند، چون دروازه های آسمان به روی وی باز نمی شود، بلکه او را به دروازه های پایین زمین می برند

ارزانی داشته است را به نمایش گذاشته است و در ضمن بازماندگان آنان را تسلیت نموده و آنان را به صبر و شکیبایی فرا می خواند و آنان را آماده می کند تا خود را برای جهاد فی سبیل الله و کشته شدن آماده کنند.

بنابراین، تفسیر آیه این گونه است: **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ** یعنی آنان که در جهاد با دشمنان خدا برای اعلاى دین خدا کشته می شوند، و هدفشان اعلاى کلمه الله است.

(أَمْوَاتًا) یعنی گمان نبری که آنان مردند و نابود شدند، و لذت دنیا و بهره بردن از لذایذ آن را از دست دادند؛ بلکه اینک آنان زنده اند و در نزد پروردگارشان در دارالکرامه بسر می برند.

(عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) یعنی در درجات عالی از انواع نعمتها بهره می برند:

(فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ) به این وضعی که در آن بر می برند، شادمان هستند و به خاطر نعمتهای فراوان، نیکو و با عظمت، چشمانشان خنک و روانشان فرخنده است.

وقتی نعمتهای و شادمانی شان کامل شد؛ خداوند وضعیت آنان را چنین بیان کرد: **وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ** یعنی همدیگر را مژده می دهند به حضور برادرانشان که زنده اند و هنوز به آنان نپیوسته اند و آنچه را که آنان دریافت کرده اند، آنها نیز به آن خواهند رسید.

(الْأَخَوُفُ عَمَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) و آنان در نزد پروردگارشان بیم آن را نخواهند داشت که نعمتهایشان به پایان برسد و نگران نسل و فرزندانیشان نیستند که آنان را در دنیا رها کردند.

در آخر آیات خداوند آنان را این گونه توصیف می نماید:

(يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ)، یعنی: «شاد و خوشحالند به خاطر نعمتی که خدا بدانان داده است و فضل و کرمی که

او بدیشان روا دیده است ، و خوشوقت و مسرورند
از این که (می بینند) خداوند اجر و پاداش
مؤمنان را ضایع نکرده و هدر نمی دهد.»
از خدا می خواهیم ما را سعادت‌مند زنده نگه
داشته و مرگمان را با شهادت بگرداند و ما را
با پرهیزگاران محشور داشته و با پیامبران
همراه بگرداند.

نتیجه...

نعمت و عذاب قبر بر روح خواهد بود،
اما جسم با آن مشارکت خواهد داشت.

دلایل عذاب و نعمت قبر
قبر، نخستین منزلگاه آخرت است و برای کسی که عملش را نیکو بگرداند و برای دیدار الهی آماده باشد، محل سرور و شادمانی خواهد بود. و برای کسی که عملش را بد نموده و در اطاعت و فرمانبرداری از پروردگارش کوتاهی و غفلت نماید، محل تاریکی و وحشت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «قبر، نخستین منزل آخرت است، اگر بنده از آنجا نجات یافت، سفر پس از آن آسانتر خواهد بود، و اگر از آن رهایی نیافت، مسیر پس از آن سخت تر خواهد بود.»^۱
بنابراین،

- دلایل آنچه در قبر روی می دهد، چیست؟
- سوال در قبر از چه زمانی آغاز می گردد؟
- آیا مردگان متوجه زیارت زندگان خواهند شد یا خیر؟

درآمد

ایمان به عذاب و نعمتهای قبر از جمله ایمان به غیب، و از اصول ایمان است و دلایل فراوانی در قرآن و احادیث پیامبر وجود دارند که بر اثبات عذاب و نعمت قبر دلالت دارند.

دلایل عذاب و نعمت قبر

خداوند در مورد آل فرعون می فرماید: ﴿الْبَارِعِرْ ضُونَ عَلِيْهَآ غَدُوْا وَّ عَشِيْرًا وَّ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ اَدْخِلُوْا الْفِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ﴾، [غافر: ۴۶]، «و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می شود (خدا به فرشتگان دستور می دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید.»

^۱ - سنن ترمذی، ابن ماجه و حاکم با سند صحیح.

بنابراین، آنان صبح و شام بر آتش عرضه خواهند شد، آن گاه پس از برپایی قیامت به عذاب جهنم عرضه خواهند شد.

و نیز خداوند فرموده است: **(سَدْعَدْبِهِمْ مَوْتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابِ عَظِيمٍ)** [توبه: ۱۰۱]، «ایشان را دو بار عذاب می دهیم. سپس (در آخرت) روانه عذاب بزرگی می گردند.»

بنابراین، عذاب اول بر کافران و منافقان در دنیاست که خداوند آنان را غمگین و اندوهگین و سازد و عذاب دوم در قبر خواهد بود و آنگهی پس از برپایی و فرا رسیدن قیامت، به عذاب بزرگ دوزخ برگردانده می شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده ای را در قبرش می گذارند و دوستانش بر می گردند و می روند، میت صدای پاهایشان را می شنود.»^۱
در ادامه همین حدیث آمده است که وقتی از کافر و منافق می پرسند: درباره این شخص، یعنی محمد ﷺ چه می گفتی؟ او می گوید:

من چیزی نمی دانم. هر چه مردم می گفتند، من نیز می گفتم. به او می گویند: تو ندانستی و نه سعی کردی که بدانی. سپس، با پتکی آهنی، ضربه محکمی بر فرق سرش، می کوبند. آنگاه، چنان فریادی سر می دهد که بجز انسانها و جن ها، همه مخلوقات اطراف او، فریادش را می شنوند.»^۲

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اگر بیم آن نبود که شما مردگان خویش را دفن نمی کردید، از الله می خواستم تا عذاب قبری را که من می شنوم، شما را بشنواند.»^۳

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - یعنی خداوند قدرت شنیدن صدای مردگان را به پیامبر داده بود، لذا خواست دعا کند تا آنچه از عذاب مردگان را که می شنود، به امتش بشنواند تا مایه عبرت و اندرز آنان شود، اما از این امر بیمناک شد که مردم از ترس عذاب قبر همدیگر را پس از مرگ دفن نکنند.

^۴ - صحیح مسلم.

آن حضرت ﷺ در دعاهایش این گونه می فرمود:
«وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۱ خدایا از عذاب قبر
 به تو پناه می برم.

و نیز فرمود: «عذاب قبر حق است».^۲
 چه کسانی از نعمتهای قبر برخوردار می شوند؟
 نعمتهای قبر از آن مؤمنین خواهند شد. خداوند

می فرماید:
**(الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ
 عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)**، [النحل:
 ۳۲]، «همانهایی که (به هنگام مرگ) فرشتگان
 جانشان را می گیرند در حالی که پاکیزه (از کفر
 و معاصی) و شادان (از رویارویی با پروردگار)
 هستند. می گویند: درودتان باد! (در امان
 خدایید و از امروز به ناراحتی و بلایی دچار نمی
 آید و) به خاطر کارهایی که می کرده اید به
 بهشت در آید.»

و نیز رسول خدا فرموده اند: «هنگامی که بنده
 ای را در قبرش می گذارند و دوستانش بر می
 گردند و می روند...»

در ادامه آمده است: «دو فرشته نزد او می
 آیند، او را می نشانند و از وی می پرسند:
 درباره این شخص، یعنی محمد ﷺ چه می گفتی؟ جواب
 می دهد: من گواهی می دهم که محمد ﷺ بنده خدا و
 رسول اوست. فرشته ها می گویند: به جایگاه خود
 در روزگ نگاه کن. خداوند آن را برای تو با
 جایی در بهشت، عوض کرده است».^۳

همچنین رسول خدا ﷺ در احادیث بیان کرده است
 که مؤمن به سؤالات فرشتگان پاسخ می دهد: «آن
 گاه منادی ای از آسمان ندا می دهد: بنده ام
 راست گفت، برایش فرشی را از بهشت پهن کنی و
 دروازه ای از بهشت برایش بگشایی و او را از
 لباسهای بهشتی لباس بپوشانید، آن گاه از

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

۳- متفق علیه، یعنی اگر الله را نافرمانی می کردی، خداوند جاییت را
 در دوزخ قرار می داد، ولی اینک تو را در بهشت جای داده است.

خوشبویی بهشت به مشامش می رسد و قبرش تا انتهای چشمش وسیع می شود.^۱

چه افرادی در قبر عذاب می بینند؟

خداوند نافرمانان و گردنکشان را به عذاب قبر تهدید کرده است و در حقیقت عذاب قبر، از آن کافران است، اما مؤمنان نافرمان نیز به سبب گناهایی که مرتکب شده اند، نیز در قبر عذاب می بینند.

ابن عباس^{رضی الله عنهما} می گوید: رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} از کنار دو قبر عبور کرد و فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می شوند اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلی، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی کرد و دیگری، سخن چینی می نمود». آنگاه، رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} شاخه تر درختی خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت. از رسول الله^{صلی الله علیه و آله} پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد».^۲

آیا گذاشتن شاخه تر از عذاب قبر نجات می دهد؟

پاسخ: خیر، زیرا این کاری که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} انجام داد، این از ویژگی های آن حضرت^{صلی الله علیه و آله} بود، چون پیامبر^{صلی الله علیه و آله} فرمود: «امیدوارم که خداوند با شفاعت من در عذاب آنها تخفیف بیاورد.»

و نیز کسی که پس از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} شاخه ای می گذارد، گویا خود را تزکیه می کند، زیرا او در چه جایگاهی قرار دارد که خداوند به وسیله او از عذاب بندگان بکاهد؟

^۱ - ابوداود.

^۲ - متفق علیه.

و نیز رسول خدا ﷺ زمانی بر قبر آنها، آن شاخه را گذاشت که از عذاب آنان باخبر گردید، اما اینک چه کسی می داند که صاحب قبر عذاب می بیند؟

چه زمانی در قبر از میت سوال آغاز می شود؟

جواب: زمانی که میت را دفن کنند و از دفن او فارغ شوند، آن گاه روحش به جسد وی باز می گردد و سؤال و پرسش از وی آغاز می شود. چنان که حضرت عثمان رضی الله عنه گفت: «هر گاه رسول خدا ﷺ از دفن میت فارغ می شد، در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: برای برادرستان آمرزش بخواهید و برایش دعای ثابت قدمی بخواهید؛ زیرا اینک وی مورد سوال قرار می گیرد.»^۱

آیا مردم صدای عذاب قبر را می شنوند؟

پاسخ: جن و انس نمی توانند صدای عذاب قبر را بشنوند. چنان که رسول خدا ﷺ در مورد کافر فرمود: «چنان فریادی می زنند که جز جن و انس همة موجودات صدایش را می شنوند.»^۲

البته حیوانات صدای عذاب قبر را می شنوند.

در روایت آمده است که دو پیرزن از پیرزنان یهود نزد عایشه رضی الله عنها آمدند و با او در مورد عذاب قبر سخن گفتند، وقتی رسول خدا ﷺ به خانه تشریف آورد، عایشه رضی الله عنها از وی در مورد عذاب قبر پرسید. آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «آن دو راست گفتند: آنان در قبر چنان عذاب می بینند که حیوانات صدای آن را می شنوند.»^۳

آیا مرده صدای زندگان را می شنود؟

پاسخ: اهل علم در این مورد اختلاف نظر دارند، اما قول راجح این است که صدای آنان را نمی شنود. چنان که خداوند فرموده است: **(و ما**

^۱ - ابوداود و حاکم با سند صحیح.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - متفق علیه.

أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ، [فاطر: ۲۲]، «و تو نمی توانی مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانی.»

اما وقتی او را دفن می کنند، صدای کفشهایشان را می شنود. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هنگامی که بنده ای را در قبرش می گذارند و دوستانش بر می گردند و می روند، میت صدای پاهایشان را می شنود.»^۱

آیا مرده به گریه اهلش عذاب م بیند؟

جواب، آری، چون رسول خدا ﷺ فرمود: «برای هر میتی که نوحه خوانده شود، به سبب آن نوحه، عذاب داده می شود.»^۲

اصل این است که میت به خاطر اعمالش مورد محاسبه قرار گرفته و عذاب می بیند یا از نعمت برخوردار می شود، پس چگونه در حدیث آمده است که میت به سبب عمل دیگران عذاب می بیند؟

جواب: در زمان جاهلیت مرسوم بود که هر گاه کسی نزدیک بود، بمیرد، توصیه می کرد که برایم نوحه بخوانید و گریبانان را پاره کنید، تا برای مردم ثابت گردد که او نزد آنها محبوب بوده و دوست داشتند زنده می بود.

چنان که یکی به هنگام مرگش به همسرش این گونه توصیه کرد:

**إِذَا مِتُّ فَاكِينِي بَمَا أَنَا أَهْلُهُ
عَلَى الْجَيْبِ يَا ابْنَةَ مَعْبِدٍ^۳ وَ شُقِّي**

یعنی: ای دختر معبد! هر گاه من مردم چنان برایم گریه کن که شایسته من است و برایم گریبانان را پاره کن.

دیگری نیز گفته است:

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - به نقل از مشکاة المصابیح، ۹۶۶/۵.

إِذَا مَتَّ فَاَبْكِيَنِي بَثْنَتِيْنَ لَا يُقْل كَذِبَتِ وُشْرَ الْبَاكِیَاتِ كَذُوْبَهَا

«هر گاه مُردم، دو سال کامل برایم گریه کن، اما باز هم دروغ می گویی، و بدترین زنان گریه کننده، دروغگوترین آنهايند.»

پس اگر مسلمان چنان عملی را که اهل جاهلیت انجام می دادند، مرتکب شود، عملش معصیتی بشمار می رود و به خاطر آن در قبر عذاب می بیند.

برخی در تشریح این حدیث چنین گفته اند:

زمانی میت عذاب می بیند که از عادت آنان خبر داشته باشد که آنان بر او گریه می کنند و گریبانشان را پاره می کنند و قبلا آنها را دیده است که بر مردگان خود چنین کرده اند و در عین حال آنان را قبل از مرگش از این کار باز ندارد، در این صورت عذاب می بیند.

و نیز برخی این گونه گفته اند که میت در اثر کار آنان دردمند شده و متاثر می شود.

از خداوند می خواهیم که رحمت و خشنودی خود را شامل حال ما بگرداند. آمین.

باور...

عذاب و نعمت قبر از جمله امور غیبی ای هستند

که ایمان آوردن به آن لازم است،

اگر چه با حواس پنجگانه ما درک نشود.

^۱ - الأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ مِنْ أَشْعَارِ الْمُتَقَدِّمِينَ وَالْجَاهِلِيَّيْنَ وَالْمُخْضَرِّمِينَ (ص: ۴۷)

احوال مردم در عالم برزخ و حیات برزخی

عالم برزخ به مدت زمان بین مرگ و برانگیخته شدن و زنده شدن انسان می گویند، اعم از این که در قبر دفن شود، یا خیر و این شامل همه جنیان و انسیانی می شود که می میرند.

حیات برزخی بر اساس اعمال بندگان متفاوت و گوناگون خواهد بود، و رسول خدا ﷺ ما را از این حالت‌های گوناگون خبر داده است.

بنابراین،

- احوال مردم در قبر چگونه خواهد بود؟
- انواع نعمتها و عذابها در قبر چگونه اند؟
- آیا پیامبر ﷺ در این مورد چیزی را دیده اند؟

درآمد

پیامبر ﷺ از روی هوی و هوس سخن نمی گوید، بلکه همه سخنانش از وحی الهی نشأت می گیرند، و در سخنانش ما را از رویدادهایی که در عالم برزخ اتفاق می افتند و بلکه خود آنها را مشاهده کرده، خبر داده است، یکی از آن اتفاقات، عذابهایی است که انسان در قبر می بیند.

رحمت و مهربانی خداوند بر خشم و غضبش سبقت برده است؛ زیرا او بسیار آمرزنده، مهربان و سخی است، اما به هنگام خشم، جبار خواهد بود و کسی جز خودش نمی تواند خشمش را فروکش نماید.

پیامبر ﷺ از روی هشدار و یادآوری، ما را از برخی عذابها که در قبر روی می دهند، با خبر ساخته است، چنان که برخی از آنها را در خواب دیده است، برای ما بازگو نموده است، زیرا خواب انبیا، نوعی وحی به شمار می رود و خواب پیامبران راست و حقیقت است.

سمره بن جندب رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله پس از نمازها، رو به طرف مردم می کرد و می پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» اگر کسی خوابی دیده بود، بیان می کرد. و رسول الله صلی الله علیه و آله آن طور که خدا می خواست، آن را تعبیر می کرد. روزی، رسول الله صلی الله علیه و آله حسب عادت پرسید: «آیا دیشب، کسی از شما خوابی دیده است؟» گفتیم: خیر، ما خوابی ندیده ایم.

آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ولی من دیشب، خواب دیدم که دو نفر نزد من آمدند، دستم را گرفتند و مرا به طرف سرزمین مقدس بردند. در آنجا، یک شخص نشسته و شخص دیگری ایستاده و قلبی در دست داشت. شخص ایستاده، قلب را در یک طرف دهان شخص نشسته، فرو می برد و تا پشت سر او می کشید و بعد، آن را در طرف دیگر دهانش قرار می داد و تا پشت سر او می کشید. در این فاصله، طرف اول دهانش درست می شد. و مرد ایستاده دوباره همان کارش را تکرار می کرد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: برویم جلوتر.

به راهمان ادامه دادیم تا اینکه به شخصی رسیدیم که به پشت، خوابیده است و شخص دیگری کنارش ایستاده و تخته سنگی را که در دست دارد، بر سرش می کوبد. و آن سنگ می غلتد و دور می افتد. و تا وقتی که آن شخص سنگ را می آورد، سرشکسته، دوباره به حالت اول برمی گردد و آن شخص، مجدداً آن سر را با سنگ می کوبد و این عمل همچنان تکرار می شود. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: جلوتر برویم.

براه خود ادامه دادیم تا اینکه کنار خندقی که مانند تنور بود، رسیدیم. دهانه آن، تنگ و داخلش بسیار وسیع بود. و در زیر آن، آتشی افروخته شده بود. عده ای از زنان و مردان لخت و برهنه در آن خندق، بودند. هنگامی که آتش زبانه می کشید، آنها بالا می آمدند به طوری که نزدیک بود از دهانه خندق، بیرون بیایند. و هنگامی که آتش فروکش می کرد، داخل خندق فرو می

رفتند. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

سپس، براه افتادیم تا اینکه به نهری از خون رسیدیم و شخصی را دیدیم که در وسط نهر، ایستاده و شخصی دیگر، کنار نهر ایستاده است. و مقداری سنگ، پیش رویش قرار دارد. مردی که وسط نهر بود، براه می افتاد و می خواست بیرون بیاید. اما شخصی که بیرون نهر بود، سنگی در دهانش می کوبید و او را به وسط نهر برمی گرداند. و این کار همچنان تکرار می شد. پرسیدم: این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راهمان ادامه دادیم تا این که به مردی بسیار بدشکل و بدقیافه رسیدیم و او آتشی را روشن می کرد و برای آن هیزم جمع می کرد و پیوسته در این کار و زحمت بود و لحظه ای توقف نمی کرد. پرسیدم این چیست؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

به راه خویش ادامه دادیم تا اینکه به باغی بسیار سرسبز و شاداب رسیدیم که در آن، درخت بسیار بزرگی وجود داشت. و در زیر آن، یک پیرمرد و چند کودک نشسته بودند. آن دو نفر، مرا بالای درخت، به ساختمانی بردند که هرگز ساختمانی به زیبایی آن، ندیده بودم.

عده ای پیرمرد، جوان، زن و کودک در آن ساختمان زندگی می کردند. سپس، مرا از آن ساختمان، بیرون کردند و به ساختمانی دیگر بردند که از ساختمان اول، بسیار بهتر و زیباتر بود. در این ساختمان هم، تعدادی پیرمرد و جوان زندگی می کردند. گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: به راهت ادامه بده.

باز به راهمان ادامه دادیم، تا این که به درخت بزرگی رسیدیم، که مانند آن درخت بزرگ و زیبا ندیده بودم، آنان گفتند: بالای این درخت برو و ما بالای آن رفتیم، آن گاه به شهری بسیار زیبا رسیدیم، که از طلا و نقره درست شده بود، به دروازه آن وارد شدیم و اجازه ورود خواستیم و آنان در را برای ما گشودند، افرادی را دیدیم

که نصف چهره هایشان بسیار زیبا و خوبصورت بود و نصف چهره هایشان بسیار بد قیافه و بد شکل بود، آن دو نفر گفتند: بروید و خود را در این نهر بیندازید، در آنجا نهری روان بود که آبش بسیار سفید و شفاف بود، آنان خود را در آن نهر انداختند و باز گشتند در حالی که آن قیافه بدشان عوض شده بود و بسیار خوب صورت بودند.

آنان گفتند: این جنت العدن هست و این منزل توست، آن گاه چشمانم را بالا گرفتم و کاخی بسان ابر سفید مشاهده کردم، آنان گفتند: این منزل توست. من گفتم: خدا به شما برکت دهد، بگذارید در آن داخل شوم، آنان گفتند، الان خیر، ولی در آن داخل خواهی شد.

گفتم: تمام شب، صحنه های مختلفی را به من نشان دادید. هم اکنون آن صحنه ها را برایم توضیح دهید.

آن دو نفر، گفتند: بله، شخصی که دهان او پاره می شد، دروغگویی بود که مردم دروغ های او را گوش کرده به دیگران می رساندند، به طوری که دروغهایش به گوشه و کنار دنیا می رسید. و این مجازات دروغگو، تا روز قیامت است.

و کسی که سر او با سنگ کوبیده می شد، کسی بود که خداوند او را علم و معارف قرآن داده بود، اما او بدان، عمل نمی کرد. شب ها می خوابید و روزها را به غفلت می گذراند و به احکام الهی عمل نمی کرد. او تا قیامت، در همین عذاب، گرفتار خواهد بود.

کسانی را که برهنه در تنور دیدی، زنا کاران بودند.

شخصی را که در نهر خون دیدی، ربا خوار بود. و مرد کهنسالی را که با چند بچه زیر درخت دیدی، ابراهیم علیه السلام بود

و کودکانی که اطراف او جمع شده بودند، کسانی هستند که بر فطرت زاده شده اند.

در این هنگام صحابه پرسیدند: آیا فرزندان مشرکان نیز شامل می گردند؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری، کودکان مشرکان نیز شامل خواهند بود.^۱ و آنان که نصف چهره شان زیبا و نصف چهره شان زشت بود، کسانی هستند که عمل نیک و بد را با هم مرتکب شده اند و خداوند از آنان درگذر نموده است.^۲ از الله می خواهیم که ما را قرین رحمت خودش قرار دهد.

اندرز...

عذاب قبر سخت و دردناک است، اما عذاب آخرت، سختتر و پایدارتر است.

^۱ - یعنی فرزندان مسلمین که در سن کودکی و قبل از بلوغت قبل از سن ۱۵ سالگی می میرند، وارد بهشت می شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می گیرند، و منظور از فطرت، دین توحید، یکتاپرستی است از این رو صحابه از رسول خدا ﷺ در مورد فرزندان مشرکان پرسیدند و آن حضرت ﷺ جواب دادند که آنها نیز وارد بهشت می شوند و تحت کفالت حضرت ابراهیم قرار می گیرند.

^۲ - بخاری و ابن حبان و روایت از مجموع دو کتاب گرفته شده است.

اسباب عذاب قبر
عذاب قبر یا نعمتهای آنان اسبابی دارند و
خداوند حلال و حرام را برای ما با تفصیل بیان
کرده اند و اسباب گمراهی و هدایت را روشن
ساخته و بر هیچ کسی ستم روا نمی دارد.
بنابراین،

- اسباب عذاب قبر کدامند؟
- اسباب نعمت در قبر کدامند؟
- انسان چگونه خود را برای آنها آماده سازد؟

درآمد
هر کس در نصوص شریعت تأمل نماید، اعمالی را می
بیند که در انجام آنها به عذاب دادن در قبر
تهدید آمده و یا به نعمت در قبر وعده داده شده
است و این بدان جهت است تا انسان برحذر و
بیدار باشد.

از جمله:

شرک و کفر

شرک، بزرگترین گناه است و آن این که بنده
عباداتش از قبیل: نماز، دعا، قربانی، استغاثه
و یاری خواستن را متوجه کسی غیر از الله بگرداند.
رسول خدا ﷺ در میان سخنانش به هنگام سخن راندن
از کیفر کافر در قبر فرمود:

«آن گاه خداوند فردی کور و لال را بر او مسلط
می کند که گریز آهین بدست دارد که اگر آن را
به کوهی بزنند، خاک می شود، با آن گرز چنان
ضربه ای بر وی وارد می کند که جز جن و انس،
همه اهل مشرق و مغرب صدای آن را می شنوند و در
اثر آن خاک می شود و دوباره روح به وی باز می
گردد.»^۱

توضیح این گرز آهین، در حدیث دیگری این گونه
آمده است:

«اگر همه موجودات مشرق و مغرب جمع شوند، نمی
توانند آن را حمل کنند. قبرش از آن شعله می

^۱ - ابوداود با سند صحیح.

گیرد و چنان تنگ می شود که پهلوهایش درهم دیگر می روند.»^۱

پرهیز نکردن از ادرار یعنی توجه نکردن در نظافت به هنگام دفع ادرار که پس از ادرار اثر آن بر لباس باقی بماند. رسول خدا ﷺ فرمود: «اغلب عذاب قبر به خاطر پرهیز نکردن در ادرار خواهد بود.»^۲ بنابراین، بر مسلمان لازم است که در نظافت بدن، لباس و جایی که نماز می خواند دقت کند و نظافتش را رعایت کند.

سخن چینی

سخن چینی یعنی رد و بدل کردن سخنان مردم به خاطر فتنه انگیزی و ایجاد دشمنی و عداوت و به راه انداختن فساد و فتنه.

ابن عباس فرمود:

نبي اکرم ﷺ از کنار باغي از باغ هاي مدينه يا مکه، عبور مي کرد. (ناگهان) صدای دو نفر را شنید که در قبرهاي شان گرفتار عذاب بودند. رسول الله ﷺ فرمود: «این دو نفر، عذاب داده می شوند، اما نه بخاطر گناه بزرگی». سپس فرمود: «بلي، یکی از آنان، از ادرار خود، پرهیز نمی کرد و دیگری، سخن چینی می نمود».

آن گاه، رسول اکرم ﷺ شاخه تر درختي خواست. آن را دو قسمت کرد و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر، گذاشت.

از رسول الله ﷺ پرسیدند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «امید است تا زمانی که این دو شاخه، خشک نشده است، خداوند، عذاب آنان را تخفیف دهد».^۳

^۱ بیهقی در شعب الایمان. در سند این حدیث اشکال وجود دارد.

^۲ - مستدرک حاکم با سند صحیح.

^۳ - سؤال: آیا گذاشتن شاخه درخت در نجات از عذاب قبر دخالتی دارد؟

جواب: خیر، چون این کاری که آن حضرت ﷺ انجام دادند، از ویژگی های وی بود. چنان که امام مسلم روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: دوست داشتم که به خاطر شفاعتم در عذاب آنان تخفیف بیاید. نیز کسی که بر قبر شاخه تر می گذارد، گویا خود را تزکیه نموده و پاکی اش را به اثبات می رساند، زیرا او کیست که خداوند به

همچنین کسی که به بیماری غیبت مبتلا است، در عالم برزخ در قبرش عذاب می بیند. رسول خدا ﷺ فرمود:

«در شب معراج از کنار افرادی گذشتم که ناخن هایی از مس داشتند و با آن چهره ها و سینه های خود را می خراشیدند، گفتیم: ای جبرئیل! اینها چه افرادی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که گوشت مردم را می خوردند و آبروی مردم را می ریختند.»^۱

خیانت در اموال غنیمت

دزدی کردن از اموال غنیمت که مجاهدان آن را در جهاد بدست می آورند و قبل از تقسیم آن مورد دستبرد قرار گیرند، از جمله اسبابی است که منجر به عذاب قبر می شود. خداوند فرموده است: **(وَمَنْ يَغْدُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)**، [آل عمران : ۱۶۱]، «و هر کس (در اموال غنیمت) خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می آورد،»

بنابراین، خیانت در اموال غنیمت از اسبابی است که مرتکب آن در قبر عذاب می بیند.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می گوید: ما در فتح مکه هیچ طلا و نقره ای را به غنیمت نبردیم، بلکه غنیمت ما در خیبر، گاو، شتر، کالا و باغ بود، آن گاه با رسول خدا ﷺ به وادی القری رفتیم، و با وی برده ای به نام مدعم همراه بود که فردی از بنی ضباب آن را به آن حضرت رضی الله عنه هدیه کرده بود. در این میان که او رحل پیامبر رضی الله عنه را پایین می آورد، ناگهان تیری شلیک شد و به آن برده اصابت کرد. مردم گفتند: شهادتش مبارک باد. رسول خدا ﷺ فرمود: به خدا سوگند! پارچه ای که در روز خیبر برداشته و سهم وی نبوده و مسئول تقسیم غنائم به او نداده است، برایش آتشی شعله ور شده است. آن

وسيلة او در عذاب دیگران تخفیف بیاورد؟ همچنین زمانی رسول الله ﷺ بر قبر آنان شاخه گذاشت که متوجه شد که آنان عذاب می بینند، اما دیگران از کجا می دانند که صاحب این قبر عذاب می بیند؟

۱ - بخاری و مسلم.

۲ - ابوداود با سند صحیح.

گاه مردی که این سخن پیامبر^ﷺ را شنید، یک یا دو بند کفش را آورد و گفت: این چیزی است که من آن را برداشته ام، آن حضرت^ﷺ فرمود: یک بند کفش یا دو بند کفش نیز به آتش دوزخ تبدیل خواهند شد.»^۱

افطار کردن رمضان بدون عذر واجب است که مسلمان از طلوع فجر صادق تا غروب خورشید روزه بگیرد و بر کسی که روزه بر او واجب است، جایز نیست که قبل از غروب خورشید افطار کند، و گرنه گناه کار شده و مستحق کیفر می شود.

رسول خدا^ﷺ فرمود: «در آن حال که من خواب بودم، دو نفر آمدند و بازوهایم را گرفتند و مرا به کوهی بردند و گفتند: بالا برو، گفتم: نمی توانم بالا بروم، آنها گفتند: ما آن را برایت آسان می کنیم، من بالا رفتم و وقتی به وسط کوه رسیدم، سر و صد و جیغ داد به گوشم رسید! پرسیدم: اینها چه صداهایی هستند؟ آنان جواب دادند: اینها سر و صداهای دوزخیان اند، دوباره به راهمان ادامه دادیم و به نزد افرادی رسیدیم که بر عصب کلفت پاشنه پای شان آویزان اند و دو طرف دهانشان پاره شده و از آنها خون جاری است. پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: اینها کسانی هستند که قبل از رسیدن وقت افطار، روزه خود را می خورند.»^۲

اینها پاره ای از احادیث بودند که از اسبابی پرده بر داشته بودند که منجر به عذاب قبر می شوند.

فایده...

آشنایی مسلمان از احوال اهل قبور، باعث می گردد تا از اسباب عذاب پرهیز نماید.

^۱ - بخاری و مسلم.

^۲ - معجم طبرانی، مستدرک حاکم و صحیح ابن خزیمه با سند صحیح.

نجات از عذاب قبر
مسلمان وظیفه دارد تا از روی اطاعت و تقرب
الی الله، بر اموری که بر او واجب اند عمل نموده
و از آنچه نهی شده است، باز آید.
رسول خدا ﷺ نیز از اموری که انسان را از
عذاب قبر می رهانند، خبر داده است.
بنابراین،

- آن اعمال کدامند؟
- چرا این اعمال بر اعمال دیگر مقدم شده اند؟
- فضیلت این اعمال چیست؟

درآمد
عموما کارهای شایسته و نیک برای بنده
سودمند واقع شده و درجات وی را در دنیا و آخرت
بالا می برند و نیز اعمال صالح مراتب و درجاتی
دارند که برخی از برخی دیگر افضلتر است و رسول
خدا ﷺ اعمالی را که باعث نجات آدمی می شوند،
بیان نموده است که برخی از آنها عبارتند از:

نماز
نماز، بالاترین عبادت‌هاست و هر کس بر آن
محافظت نماید، دینش را حفاظت نموده و هر کس آن
را ضایع گرداند، اعمال دیگر را بیشتر ضایع
خواهد نمود. نماز صاحبش را از عذاب قبر نجات
می دهد.

زکات
زکات یکی از ارکان و ستونهای اسلام مهم
اسلام است، و این حق خداوند در مال است که اهل
آن که هشت موردند و در قرآن ذکر شده اند، صرف
گردد.

روزه
روزه نیز یکی از ارکان اسلام است و بزرگترین
آن، روزه فرضی رمضان است و پس از آن روزه های
نفلی است، مانند روزه دوشنبه و پنجشنبه، روز
عاشورا، عرفه و دیگر روزهایی که فضیلت دارند.
انجام کارهای نیک

انجام کار نیک یک مفهوم عامی است که بسیاری از عبادات را شامل می‌گردد، از قبیل: امر به معروف، نهی از منکر، ایجاد صلح و آشتی بین مردم و...

صدقه و صلة رحمی
صدقه، لفظ عامی است و شامل صدقه کردن مال، لباس، کالا و... می‌شود.
و نیز بالاترین نوع صلة رحمی، صلة رحمی با والدین، و نیکوکاری و نرمی و ملاحظت با آنان است.

کار نیک و معروف
کار نیک و معروف، لفظ عامی است و شامل هر عملی می‌شود که خداوند دستور داده است. بنابراین، لبخند، نصیحت و خیر خواهی، صدقه و... از جمله کارهای نیک و معروف به شمار می‌روند.

احسان و خوشرفتاری با مردم

این هم مفهوم عامی دارد و شامل دادن هدیه به مردم، خوشرفتاری با دیگران و... می‌شود.
رسول خدا ﷺ همه این فضایل را در حدیثی بیان فرموده اند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «سوگند به ذاتی که جانم در قبضة اوست، البته وی صدای کفشهای آنان را وقتی که پشت می‌کنند، می‌شنود، پس اگر مؤمن بوده است، نماز بالای سر، زکات قسمت راست، روزه سمت چپ، کارهای نیک، معروف و احسان و خوش رفتاری به مردم در قسمت پاهایش قرار می‌گیرند. وقتی عذاب از بالای سر می‌آید، نماز می‌گوید: از سمت من راهی برای عذاب نداری، وقتی از سمت راست می‌آید زکات می‌گوید: از طرف من راه نیست، چون از قسمت چپ می‌آید، روزه به دفاع پرداخته و می‌گوید: از سمت من نیز راهی برای عذاب نیست و وقتی از سمت پاها می‌آید، کارهای نیک و معروف

و احسان به مردم، می گویند: از طرف ما هم راهی برای عذاب دادن نیست.^۱

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «وقتی انسان وارد قبرش می شود، اگر مؤمن است، اعمالش از قبیل نماز و روزه او را احاطه می کنند، و وقتی فرشته عذاب از جانب نماز می آید، نماز او را بر می گرداند و چون از سمت روزه می آید، روزه نیز او را بر می گرداند و از صاحبش دفاع می کند.»^۲

پناه بردن به الله از عذاب قبر دعا و پناه بردن به الله، برای بنده مفید است و او را از عذاب قبر نجات می دهد. از جمله این که از الله بخواهد تا او را از عذاب قبر نجات دهد.

یکی از دعاهای آن حضرت این بود: «اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۳

«بارخدایا! من از سستی و کسالت، بزدلی و پیری، بخل و از عذاب قبر به تو پناه می برم.»

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلمات را به ما مانند آموزش نویسنده‌گی تعلیم **بِاللَّهِمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعَمْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا أَوْ هَوِّهَا مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.** یعنی خدایا! از بخل، بزدلی، فرتوت شدن که باعث ذلت گردد، فتنه دنیا (دجال) و عذاب قبر، به تو پناه می برم.»

حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: آن حضرت صلی الله علیه و آله به کثرت این دعاها را می خواندند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ**

^۱ - طبرانی، ابن حبان و حاکم که آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با وی بر حسن بودن این حدیث موافقت کرده است.

^۲ - مسند احمد و طبرانی با سند صحیح.

^۳ صحیح مسلم.

الْغِنَى». یعنی خدایا! از فتنه جهنم و عذاب آن، از آزمایش قبر و عذاب آن، از فتنه مسیح دجال، از شر فتنه فقر و از شر فتنه سرمایه داری، به تو پناه می برم». همچنین مشروع است که ما به هنگام نماز میت برای وی دعا کنیم که خداوند او را از عذاب قبر نجات دهد.

عوف بن مالک^{رضی} می گوید: من از رسول خدا^{صلی} شنیدم که به هنگام نیماز خواندن بر میتی این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنَّهُ وَ أَكْرِمْ نَزْلَهُ وَسِعْ مَدْخَلَهُ وَ اغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَ التَّلْحِجِّ الْبَرْدِ وَ نَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَبْدِلْهُ دَارَ إِخْيَرٍ أَوْ مِنْ دَارِهِ وَ أَهْلًا خَيْرًا أَوْ مِنْ أَهْلِ دَارِهِ وَ اجْعَلْهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ اعْزِهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ»^۱.

«خدایا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده، او را را عفو کن، و از وی درگذر و جای او را وسیع بگردان، او را گرمی بدار، و با آب و برف و یخ او را غسل ده، از گناهان چنان پاکش بگردان که پارچه سفید از چرکها پاک می شود، او را خانه ای بهتر از این خانه، خانواده ای بهتر از این خانواده، و همسری بهتر از این همسر عنایت فرما. پروردگارا! او را در بهشت داخل نما و از عذاب قبر و عذاب دوزخ نجات بده.» افرادی که از عذاب قبر نجات می یابند

رسول خدا^{صلی} از اعمالی خبر داده اند که باعث نجات از عذاب قبر می شوند. همچنین در برخی از نصوص شریعت آمده است که خداوند برخی از مردم را از عذاب قبر نجات می دهد. برخی از آنان عبارتند از:

شهید

شهید کسی است که برای جهاد فی سبیل الله و با اخلاص به سوی دشمن پیش رود و فرار نکند و آن گاه کشته شود.

از رسول خدا ﷺ پرسیدند: حال آن افرادی چگونه است که در قبرهایشان عذاب داده می شوند، جز شهیدان؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «آزمایشی که در درخشش شمشیرها وجود دارد، کافی است.»^۱

یعنی پایمردی و ثبات مجاهدی که در راه خدا جهاد می کند و به هنگام شدت نبرد، به عقب فرار نمی کند، بیانگر عظمت ایمان در قلبش است و تا دم مرگ بر ایمانش ثابت قدم است، پس نیازی نیست که در قبرش مورد آزمایش و امتحان قرار گیرد یا از ایمانش به الله و تصدیقش به پیامبر از وی سوال شود.

کسی که در راه خدا مرزبانی می کند کسی که در مرزهای اسلام، پاسداری می کند تا از دشمنان اسلام جلوگیری نماید. بنابراین، مرزداران مجاهدی که به خاطر دفاع از اسلام، اهل و فرزندانشان را رها کرده اند، از فضیلت بالایی برخوردارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پرونده عمل هر میتی مختومه می گردد، جز کسی که در راه مرزداری در راه الله جان دهد، زیرا عملش تا روز قیامت رشد می کند و از عذاب قبر نجات می یابد.»^۲

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «پاسداری یک شبانه روز، از روزه داشتن آن روز و عبادت شب آن بهتر و بالاتر است، و اگر بمیرد، عملی که آن را انجام می داد، برایش جریان می یابد، و رزقش برای او ادامه می یابد و از فتنه انگیزی در امان می یابد.»^۳

فردی که با بیماری شکم بمیرد خداوند، بلاها را باعث کفارة گناهان و رفع درجات قرار داده است، برخی از این بلاها، بیماری درد و یا مرگی است که به سبب این بیماری ها باشد.

۱ - سنن نسائی.

۲ - سنن ابوداود و ترمذی.

۳ - صحیح مسلم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کسی در اثر بیماری شکم بمیرد، در قبرش عذاب داده نمی شود.»^۱ بیماری شکم عبارت است از سرطان شکم، کبد و دیگر ...

و نیز این حدیث رسول الله ﷺ این مطلب را تایید می کند که فرمود: «کسی که در اثر بیماری شکم بمیرد، شهید است.»^۲ خواندن سوره ملک در هر شب

همة قرآن، مبارک است، ولی رسول خدا ﷺ فضیلت خواندن برخی سوره ها را به صورت ویژه بیان کرده است که از جمله آنها یکی سوره «تبارک الذی بیده الملك» است؛ زیرا این سوره انسان را از عذاب قبر نجات می دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «سوره ملک، از عذاب قبر جلوگیری می کند.»^۳

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: هر کس، در هر شب سوره «تبارک الذی» را بخواند، این سوره از عذاب وی در قبر جلوگیری می کند. ما در زمان رسول خدا ﷺ به این سوره، «مانعه» می گفتیم. همانا در کتاب خدا سوره ای است که هر کس آن را بخواند عمل زیاد و خوب انجام داده است.^۴ هر کسی که در قبر دفن شود، قبر به او می چسبد

چنان که رسول خدا ﷺ در مورد سعد بن معاذ رضی الله عنه فرمود: «این کسی که عرش رحمان برایش به لرزه در آمد و دروازه های آسمان برایش گشوده شدند و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه اش حضور یافتند، به سختی در آغوش قبر چسبیده شد و سپس از آن رهایی یافت.»^۵

۱ - سنن ترمذی و نسائی با سند صحیح.

۲ - صحیح بخاری.

۳ - ابن مردویه با سند صحیح.

۴ - سنن نسائی با سند صحیح.

۵ - سنن نسائی با سند صحیح.

۶ - اینک ۱۳۹۲/۱۰/۲۹ ش. که این مطالب را تصحیح می کنم و موضوع قبر و قیامت را پس از ترجمه ویرایش و بازنگری می کنم، که استاد بلند پایه حدیث، عالم ربانی، مخلص و مجاهد، استاد برجسته دارالعلوم حقانیه ايرانشهر، مولانا دوست محمد رئیسی، پس از عمری

نور...

هر کس، اعمال نجات بخش از عذاب قبر را بر
خود لازم بگیرد،
او خوشبخت بوده و از نعمت برخوردار خواهد
شد.

مخلوقاتی که از بین نمی روند
پروردگاران زنده و پاینده است و جز ذات او
هر چیزی نابود می شود و جز مُلک او همه مُلک ها
و فرمانروایی ها از بین می رود: **كُلٌّ مِّنْ لَّدَيْهَا فَآنِ**
***وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ الْإِكْرَامِ)**، [الرحمن :
۲۶ ، ۲۷]، «همه چیزها و همه کسانی که بر روی
زمین هستند، دستخوش فنا می گردند. * و تنها
ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و
بس.»

آری، همه موجودات روی زمین نابود و فنا می
شوند، می میرند و خاک آنها را می خورد، اما از
نصوص شرعی فهمیده می شود که برخی از این موارد
مستثنی هستند.

- این امور کدامند؟
- معنای عدم فنای آنها چیست؟

درآمد

خداوند هر چه را بخواهد از بین می برد و هر
چه را بخواهد باقی می گذارد، و پروردگارت هر
چه را بخواهد بر می گزیند و اختیار می کند؛
بنابراین، همه مخلوقات می میرند و از بین می
روند، جز هشت مورد که عبارتند از:

آخرین استخوان ستون فقرات (دنبالیچه)
زیرا کل جسد انسان فنا شده و از بین می
رود، جز همین قسمت از بدن که از بین نمی رود و
خداوند انسان را از نو از همین استخوان می
آفریند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همه بدن فرزند آدم را
خاک می خورد، جز آخرین استخوان ستون فقرات که
از آن آفریده شده و خلقتش تکمیل می گردد.»^۱

ارواح

علم طبیعت و حقیقت روح را فقط الله می داند، اما قوام و حیات جسد، به آن وابسته است. لذا هر گاه روح از جسد جدا شود، جسد می میرد و روح به آسمان می رود و اگر نیک باشد، درهای آسمان به رویش گشوده می شوند و اگر بد باشد، درهای آسمان به رویش بسته و گشوده نخواهند شد، اما در هر دو حالت، روح به جسد باز می گردد. اما ارواح از بین می رود. رسول خدا ﷺ در مورد شهدا می فرماید:

«ارواح شهدا در شکم پرندگان سبزی قرار دارد که درون قندیل هایی هستند که بر عرش آویزانند، هر موقع بخواهند در بهشت می چرند و سپس به آن قندیل ها باز می گردند.»^۱

اما رسول خدا ﷺ در مورد ارواح مؤمنین فرموده است: «همانا روح مؤمن پرنده ای می شود که در درختان بهشت قرار می گیرد تا این که خداوند در روز قیامت او را به جسدش باز می گرداند.»^۲

بهشت و دوزخ

خداوند آنها را برای اکرام و گرامی داشتن فرمانبرداران و تحقیر و ذلیل گردانیدن بدکاران آفریده است و برای همیشه باقی می ماند و از بین نمی روند. خداوند فرموده است: (خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا)، [النساء : ۵۷]، «در آنجاها جاودانه تا به ابد می مانند.»

عرش

عرش، در لغت به تختی می گویند که پادشاهان بر آن قرار می گیرد، و پروردگارمان نیز عرشی دارند که شایسته جلال و عظمت اوست. خداوند در هفت جا در قرآن کریم از استوای خویش بر عرش یاد کرده است.

چنان که در قرآن می خوانیم:

(الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى)، [طه : ۵]، «خداوند مهربانی است که بر عرش مستوی شده است.»

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - سنن نسایی با سند صحیح.

و نیز می فرماید: **(ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ)** [الأعراف : ۵۴]، «سپس بر عرش قرار گرفت.»
عرش، نخستین مخلوقی است که خداوند آن را برای بقا آفریده است، نه برای فنا؛ لذا عرش به هنگام دمیدن در صور دوم که همه مخلوقات نابود شده و از بین می روند، نابود نمی شود.

کرسی
کرسی، محل دو قدم پروردگامان است، آن گونه که بن عباس رضی الله عنهما گفته است. بنابراین، کرسی باقی است و از بین نمی رود.^۱

حورالعین
عبارتند از زنان بهشتی که برای بهشت آفریده شده اند و مانند سایر مخلوقات از بین نمی روند.

لوح
لوح، عبارت است از لوح محفوظ که خداوند در آن تقدیر بندگان را نوشته و از بین نمی رود.

قلم
قلم مخلوقی است که خداوند آن را آفریده و به آن دستور داده است تا اعمال بندگان را بنویسد. رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود و به آن دستور داد و فرمود: بنویس، گفت، خدایا! چه بنویسم؟ الله فرمود: تقدیر بندگان را تا روز قیامت بنویس.»^۲

سیوطی این هشت مورد را که از بین نمی روند، در این دو بیت شعر جمع کرده است:

ثمانية من الخلق
البقاء يعمها والباقون في حيز
هي العرش والكرسي العدم وعجب والارواح
نار و جنة كذا اللوح والقلم

«هشت موردند که از میان مخلوقات، حکم بقا شامل آنها می شوند و باقی از بین رفته و نابود می شوند.»

^۱ - صفات الله الواردة في الكتاب والسنة، العلوي للسقاف، ۲۲۳.
^۲ - ابوداود و ترمذی، با سند صحیح.

«و آنها عبارتند از: عرش، کرسی، بهشت، دوزخ، استخوان دنبالیچه (آخرین استخوان ستون فقرات)، ارواح، لوح و قلم.»

باور...

پروردگاران هر چه بخواهد، می آفرینند،
و هر چه بخواهد جاوید نگه داشته
و هر چه را بخواهد نابود می گرداند.

هفت مسأله در مورد قبر اشتباهات و باورهای غلطی در میان مردم رواج دارد که در جاهایی از کشورهای جهان گسترش یافته اند و دوست داشتم در پایان بحث قبور به آنها اشاره کنم.

- باورها و مسائلی در مورد قبر خطاها و اشتباهات مردم در این مورد
- علاج و درمان این اشتباهات چیست؟

درآمد

خداوند پیامبران را به عنوان معلم و خیرخواه به سوی انسانها فرستاده است، تا آنان را به سوی خیر و هدایت رهنمون شوند و از راههای غلط و اشتباه آنان را باز دارند. بنابراین، احکام و رهنمودهایی از پیامبران مربوط به قبور به اثبات رسیده است که برخی از این قرارند:

مسأله اول

دریافت عذاب و بهرهمندی در قبر از جمله امور غیبی هستند که با عقل و خرد قابل درک و فهم نیستند و ایمان به غیب یکی از صفات مهم و بارز مؤمنان است. چنان که خداوند می فرماید: **(إِلْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)**، [البقرة: ۱ - ۳]، «الف. لام. میم. * این کتاب هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است. * آن کسانی که به دنیای نادیده باور می دارند».

مناسب است بدانیم که مراد از عذاب قبر، همان عذاب برزخ است، بنابراین، هر کس بمیرد و مستحق عذاب باشد، قطعاً آن عذاب دامنگیر وی می شود، چه در قبر دفن شود یا این که درنده ای او را طعمه خویش سازد، یا بسوزد و خاکستر گردد و ذرات بدنش در هوا پراکنده گردند، یا به وسیله اعدام از بین برود یا در دریا غرق شود. لذا همان گونه که فرد در قبر گرفتار عذاب می شود، روح و جسد این افراد نیز عذاب می بینند.

مسأله دوم

یکی از امور حرام و ناجایز که اغلب مردم به ویژه زنان به آن گرفتار می شوند، سر و صدا و نوحه سرایی و گریه و شیون است.

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که (هنگام مصیبت) به سر و صورت خود بزند و گریبانش را پاره کند و سخن جاهلی بر زبان بیاورد، از ما نیست»^۱.
و نیز فرموده است: «زن نوحه خوان اگر قبل از مرگش توبه نکند، در روز قیامت در حالی بر می خیزد که پیراهنی از قطران و چادری از جرب خواهد داشت»^۲.

بنابراین، هر کسی که مصیبتی برایش روی داد و فرزند و عزیزی را از دست داد، باید صبر پیشه کند و از الله امید پاداش داشته باشد، و در قبال صبر و شکیبایی اش، از الله پاداش بزرگ را امید داشته باشد.

رسول الله ﷺ فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هرگاه، یکی از عزیزان بنده مؤمنم را در دنیا قبض روح نماید و او به نیت اجر و ثواب، صبر کند، نزد من پاداشی، جز بهشت ندارد»^۳.

مسأله سوم

زیارت قبور، امری مشروع است و باید آمدی به نیت پند و اندرز گرفتن بدانجا برود نه به قصد تبرک به قبر یا خاک قبر یا بهرمنند شدن از صاحب آن.

درست نیست که انسان یک روز را مشخص را برای زیارت قبور اختصاص دهد، زیرا از رسول خدا ﷺ ثابت نیست که آن حضرت ﷺ یک روز برای برای زیارت قبرستان اختصاص داده باشند.

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۴ «هر کس در دین ما

۱ - متفق علیه.

۲ - متفق علیه.

۳ - متفق علیه.

۴ - صحیح بخاری.

چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است.»

برخی از مردم، به هنگام زیارت قبرستان، سوره فاتحه را می خوانند، در صورتی که این بدعت هست و ثابت نیست که آن حضرت ﷺ به هنگام زیارت چیزی از قرآن را خوانده باشند، بلکه فقط برای مردگان دعا می کرد و برایشان آمرزش می طلبید.

سفر کردن برای زیارت قبور جایز نیست، چنان که آن حضرت ﷺ فرمود: «رخت سفر نبندید مگر برای زیارت سه مسجد: ۱- مسجد الحرام ۲ - مسجد النبی ﷺ ۳- مسجد الاقصی.»^۱

مسألة چهارم

برخی دیگر از بدعتها و مخالفتهای شرعی در جنائز.

- گذاشتن گل بر جنازه یا قبر، که این کار با عمل کفار شباهت دارد و از شعایر آنهاست. آن حضرت ﷺ فرمود: «**مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ**»^۲ «هر کس خود را به گروهی شباهت دهد، از همان گروه محسوب می گردد.»
- همچنین سیاه پوش شدن، توقف و سکوت برای ارواح شهیدان و ... برای ترحم کردن، چون این کار نوعی بدعت و هماهنگی با شعائر کفار است. بنابراین، کافی است که برایشان دعا و استغفار نماییم.
- همچنین جایز نیست که تصویر مردگان و حتی زندگان را به عنوان یادگاری در خانه های خود آویزان نمود. چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی فرمود: «**أَنْ لَا تَدْعَ صَوْرَةَ الْأَطْمَسَاتِهَا، وَلَا قَبْرًا مُشْرَفًا إِلَّا سَوِيْتَهُ**»^۳ «هر تصویری دیدی، آن را از

^۱ - متفق علیه.

^۲ - مسند احمد.

^۳ - صحیح مسلم.

- بین ببر و هر قبر برجسته ای را که دیدی
آن را با زمین یکسان نما.»
- بلند نمودن صدا با تکبیر و تهلیل به صورت دست جمعی، به هنگام تشییع جنازه، زیرا آنچه مشروع است، این است که انسان آهسته برای آن میت دعا کند.»
 - اذان گفتن در قبر یا پس از گذاشتن میت در آن، که این کار بدعت است و از آن حضرت علیه السلام و یارانش ثابت نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: **«مِنْ أَحَدَثٍ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهَرِّدُوا»**^۱ «هر کس در دین ما چیزی را که دستور ما نبوده است، وارد کند، آن امر مردود است.»
 - یکی دیگر از بدعتها، دعای دست جمعی برای میت پس از دفن آن است و اصل این است که مرده را در کفنش دفن نمایند، بدون این که او را در تابوت بگذارند، مگر این که نیازی برای گذاشتن آن در تابوت باشد، مانند این که جسد میت تکه و پاره شده یا قانون کشور دفن در بیرون تابوت را اجازه نمی دهد که در این صورت اشکالی نخواهد داشت.

مسأله پنجم

هر گاه فرد زنده، عمل نیکی را انجام داد و پاداش آن را برای مرده ای اهدا نمود، این کار جایز است و اشکالی ندارد، اما باید این کار وی فقط در چارچوب شریعت باشد، مانند این که برایش دعا نموده و حج و عمره بگذارد یا صدقه بدهد و قربانی کند، یا روزه هایی که بر او واجب بود اند را ادا نماید.

اما اگر به این قصد نماز نماز بخواند که پاداش آن به مرده برسد، این کار جایز نیست، چون این کار از پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت نیست.

یکی دیگر از بدعتها این است که قاری قرآن را اجاره نموده و برای میت قرآن بخوانند.
مسألة ششم

قبل از این که میراث میت تقسیم گردد، واجب است تا هزینه تجهیز و قرضهای وی پرداخت گردد و بر وصیت وی عمل کنند. آن حضرت علیه السلام فرمود: «نَفْسِ الْمُؤْمِنِ مَعْلُوقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يَقْضَى عَنْهُ»،^۱ «روح مؤمن به دیونش آویزان است تا این که از او پرداخت گردد.»

مسألة هفتم

این یک مسأله بسیار بزرگ و مصیبتی عظیم یعنی شرک در نزد قبور است، چنان که عده ای قبر را طواف می کنند و برخی نیازه هایشان را از آنها می خواهند و عقیده دارند که اولیا در قبورشان زنده اند و مصایب را از بندگان دور نموده و نیازهایشان را برآورده می سازند. خداوند می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُ الْكِبَادِ عَوْهٌ فَرِيدٌ تَجِيبُوا لَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) [الأعراف: ۱۹۴]، «همانا آنهایی را که به جز خدا فریاد می دارید، بندگانمانی همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جویید) اگر راست می گوئید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند (و نیاز شما را برآورده کنند).»
برخی از قبرپرستان، دور قبر طواف می کنند و بر گوشه های آن خود را می مالند و برای آن سجده و کرنش می کنند، و در حالت فروتنی و انکساری در برابر قبر می ایستند و نیازهایشان را از آن می خواهند، تا بیماری آنان را شفا داده یا به آنان فرزند عنایت کند. و چه بسا که افرادی صاحب قبر را این گونه به فریاد می خوانند و می گویند: ای سرورم! من از راه دور و کشوری دور به نزدت آمده ام، پس مرا دست خالی بر مگردان.

آن گاه از وی می خواهد تا بیماری اش را شفا دهد یا فرد غایبش را باز گرداند، اما فراموش کرده و غافل است از این که این دعا را در نماز از خدایش بخواند.

خداوند می فرماید: **(وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ عَنْ دَعَائِهِمْ غَافِلُونَ)** [الأحقاف: ۵]، «چه کسی گمراه تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را به فریاد بخواند و پرستش کند) پاسخش نمی گویند؟ (نه تنها پاسخش را نمی دهند، بلکه سخنانش را هم نمی شنوند) و اصلاً آنان از پرستشگران و به فریاد خواهندگان غافل و بی خبرند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاءَ دَخَلَ النَّارَ»،^۱ «هر کس بمیرد در حالی که به غیر الله کسی را به عنوان شریک خوانده است، وارد دوزخ می شود.»

نباید انسان فریب این گونه شایعات را بخورد که فلان نیازمند به نزد فلان قبر رفت و صاحب آن به فریادش رسید، یا فلان بیمار شفا یافت یا فلان فرد صاحب فرزند شد، بلکه آدمی با دعایش متوجه خداوند یگانه و بی انباز شود و او را در نماز، در مسجد، به هنگام ادای حج و عمره به فریاد بخواند نه این که از روی تبرک الله را به نزد قبر بخواند.

ساختن مسجد به نزد قبرها و مزارها جایز نیست

حتی گزاردن نماز در مسجدی که در داخل یا صحن و یا جهت قبله اش قبر وجود دارد، جایز نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود: «آگاه باشید، همانا امت های قبل از شما قبور انبیا و نیکان را به عنوان مسجد انتخاب می کردند، آگاه باشید،

^۱- صحیح البخاری.

قبرها را به عنوان مسجد انتخاب نکنید و من شما را از این کار نهی می کنم.»^۱
از این رو، ساختن بنا و ساختمان بر قبرها به هر شکلی که باشد، حرام و ناجایز است، زیرا رسول خدا ﷺ نهی فرموده اند از این که قبرها را با گچ درست کنند یا بر آنها بنشینند و یا بنا سازند.»^۲

بلکه آنچه مشروع است، این است که میت را در قبر بگذارند و سپس خاکی که از آن بیرون کرده اند، دوباره بر آن بگذارند و ارتفاع آن را از یک وجب بیشتر نکنند.

کما این که حرام است که بر قبرها قبه بگذارند، چنان که پیامبر ﷺ به حضرت علی دستور داد: «هر تصویری دیدی، آن را از بین ببر و هر قبر برجسته ای را که دیدی آن را با زمین یکسان نما.»

و نیز رسول خدا ﷺ نهی فرموده اند از این که قبرها را با گچ درست کنند یا بر آنها بنشینند و یا بنا سازند.»^۳

پرووردگارمان، فرمانروای هستی می فرماید:
(اِشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلِقُونَ * وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ * وَ إِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِلَهِي الْهَدَىٰ لَا يَتَّبِعُكُمْ سِوَايَ اللَّهِ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادَ أَمْثَلِكُمْ يَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ * أَلَمْ يَأْرَ جَلِي يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَدِطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أُذُنٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلَادَعُ وُشْرِكَاءَ كَمْ تَم كِيدُونَ فَلَا تُنظِرُونَ * إِن وِلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابُ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ * وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ * وَ إِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِلَهِي الْهَدَىٰ لَا يَسْمَعُونَ وَ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكُمْ هُمْ لَا يَبْصُرُونَ) [الأعراف : ١٩١ - ١٩٨]،

۱ - صحیح مسلم .

۲ - صحیح مسلم .

۳ - صحیح مسلم .

«آیا چیزهایی را انباز خدا می سازند که نمی توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده می شوند؟ * انبازهای آنان نه می توانند ایشان را یاری دهند و نه می توانند خویشان را کمک نمایند. * شما اگر انبازهای خود را به فریاد خوانید تا شما را هدایت کنند، نمی توانند شما را پاسخ دهند و خواسته شما را برآورده کنند. برای شما یکسان است، خواه آنها را به فریاد خوانید، و خواه خاموش باشید * معبودانی را که به جز خدا فریاد می دارید و می پرستید، بندگان همچون خود شما هستند. آنان را به فریاد خوانید (و از ایشان استمداد جویید) اگر راست می گوید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند. * آیا این معبودان دارای پاهایی هستند که با آنها راه بروند؟ یا دارای دستهایی هستند که با آنها چیزی را بگیرند (و دفع بلا از شما و خویشان کنند؟) یا چشمهایی دارند که با آنها ببینند؟ یا گوشهایی دارند که با آنها بشنوند؟ (پس آنها نه تنها با شما برابر نیستند، بلکه از شما هم کمتر و ناتوانترند. در این صورت چگونه آنها را انباز خدا می کنید و آنها را می پرستید؟). بگو: این بتهایی را که شریک خدا می دانید فراخوانید و سپس شما و آنها همراه یکدیگر در باره من نیرنگ و چاره جویی کنید و اصلاً مرا مهلت ندهید (اما بدانید که اینها موجودات غیرمؤثری هستند و کمترین تأثیری در وضع من و شما ندارند) * بی گمان سرپرست من، خدایی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است، و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می کند. * چیزهایی را که شما به جز خدا فریاد می دارید و می پرستید، نه می توانند شما را یاری دهند و نه می توانند خویشان را کمک کنند. * و اگر از آنها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی شنوند (و به ظاهر پیکره) آنها را می بینید که (انگار با چشمان خود) به شما نمی نگرند، و لیکن چیزی را نمی بینند.»

سخنی راست...

مقتضای ایمان تو این است که الله یکی است
و شریکی ندارد
و تنها و بدون واسطه او را بخوانی.

پس از آن که آدمی مدّت زمانی را که خداوند مقدر نموده است، در عالم برزخ می گذراند، رستخیز که خداوند اجازه داده تا مردگان محشور گردند و در صور دمیده شود، فرا می رسد. بنابراین،

- قیامت کی برپا می شود؟
- دمیدن در صور یعنی چه؟
- بندگان چگونه از قبرها بیرون می شوند؟
- آنان که در قبور دفن نمی شوند، مانند غرق شدگان، سوخته شدگان، این افراد چگونه زنده می شوند؟
- آیا خداوند فقط بندگان را محشور می دارد، یا همه مخلوقات را؟
- حشر جنیان چگونه خواهد بود؟
- و ... سؤالات و پرسشهای فراوانی که دریچه ذهن آدمی را می کوبند که ما در مورد آنها در فصل های آینده با تفصیل بحث خواهیم کرد.

جایگاه ایمان به روز آخرت درآمد

ایمان به روز آخرت، یکی از ارکان ایمان است، چنان که خداوند فرموده است: **وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنْ آمِنِ بِاللَّهِ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ** [البقرة : ۱۷۷]، «بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد.»

آن حضرت ﷺ نیز در توضیح ایمان فرمودند: «ایمان آن است که به الله، فرشتگان، کتابها، رسولان و روز واپسین ایمان داشته باشی و به تقدیر خیر و شر باور داشته باشی.»^۱

معنای ایمان به روز آخرت

ایمان به روز آخرت این است که تصدیق قطعی و جازم داشته باشی مبنی بر این که قیامت و رویدادهای آن حتماً فرا می رسند و به مرگ و حوادث پس از آن باور داشته و علامات قیامت را تصدیق نمایی.»

و هر کس روز آخرت را انکار یا در آن شک و تردید داشته باشد، وی مرتکب بزرگترین کفر شده و این باور، او را از دایرة اسلام خارج می سازد.

چنان که خداوند می فرماید: **(وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا)** [النساء : ۱۳۶]، «و هر کس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.»

بنابراین، روز آخرت بدون تردید به وقوع خواهد پیوست و هر کس در وقوع آن تردیدی داشته باشد، مرتکب بزرگترین کفر شده است؛ زیرا وی الله و پیامبرش را تکذیب نموده است و الله بیان نموده است کفار روز آخرت را تصدیق نمی کنند و خداوند

بندگان را پس از مرگشان دوباره به حیات باز می گرداند.

خداوند اِزِ زِبَانِ كَفَارِ مِی فرماید: **(إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمَسْتَدِقِّينَ) [الْجَاثِيَةِ : ۳۲]**، «ما تنها گمانی (در باره آن) داریم و به هیچ وجه یقین و باور نداریم (که قیامت فرا برسد).» بنابراین، به وقوع قیامت ایمان قطعی و یقینی داشت، بدون آن که در آن شکی و تردیدی همراه باشد. خداوند می فرماید: **(وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ [البقرة : ۴]**، «آن کسانی که باور می دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.»

از این جهت رستاخیز آمدنی است و در آمدن آن تردیدی نیست. خداوند فرموده است: **(وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ) [الحج : ۷]**، «و (این که بدانید) بدون شک قیامت فرا می رسد و جای هیچ گونه تردیدی نیست، و خداوند تمام کسانی را که در گورها آرمیده اند دوباره زندگی می گرداند.»

روشنگری ...

هر کس به بعث و نشور، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد،

او نسبت به دین اسلام کافر شده است.

اوصاف و ویژگی های روز آخرت
خداوند کتابش را فرود آورده است تا هر چیزی
را بیان کند و پیامبرانش را به عنوان ترساننده
و مژده آور فرستاده است، از این رهگذر خداوند
امور اخروی را برای ما روشن ساخته و اوصاف و
ویژگی های آن را برای ما اظهار داشته است.

درآمد

روز آخرت، همان روزی است که در صور دمیده
می شود و قیامت برپا می شود و خداوند آن را با
چندین صفت برای ما توصیف کرده است که حالت آن
روز و مردمان را روشن می سازد. برخی از آن
صفات عبارتند از:

روزی که در برپایی آن تردیدی وجود ندارد
آری، سوگند به الله که در آن روز تردیدی نیست
و قطعاً خواهد آمد، همان گونه که خداوند در
قرآن وعده داده و فرموده است: **(يَا أَيُّهَا النَّاسُ
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا
يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ)** [فاطر: ۵]، «ای مردمان!
وعدۀ خدا حق است، پس زندگی دنیوی شما را گول
نزند و اهریمن شما را در بارۀ خدا نفریبید.»
و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: **«السَّاعَةُ حَقٌّ»**، «و
قیامت حق می باشد.»

برای کافران روزی دشوار خواهد بود
در آن روز اعمال قطع شده و اجلها به پایان
می رسد و هر عمل کننده ای، جزای عمل نیک و بد
خود را دریافت می کند و نمی تواند به اعمال
نیکش بیفزاید یا از اعمال بدش بکاهد. چنان که
خداوند می فرماید: **(فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى
الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ)**، [المدثر: ۹، ۱۰]، «آن
روز، روی سختی خواهد بود. * برای کافران آسان

نخواهد بود (و بلکه پر مشقت و دردسر خواهد بود).»

اما برای مؤمنان، آسان خواهد بود، زیرا نگرانی بزرگ آنان را غمگین نخواهد کرد و عده ای در زیر سایه عرش قرار می گیرند که در آینده از آنان سخن خواهیم گفت.

روزی که هر انسان جزای کامل عملکرد خویش را دریافت می کند

انسانها جزای کامل اعمالشان را دریافت می کنند، اگر عمل خیر بوده پاداش خیر، و اگر عمل بد بوده است، جزای بد را می بینند، چرا که همگی در دفتر اعمال که از تغییر و دروغ محفوظ است، ثبت شده اند.

خداوند فرموده است: **بِكَيْفٍ إِذْ جَمَعْنَا لَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ**، [آل عمران : ۲۵]، «پس (حال آنان) چگونه خواهد بود (و چه کار خواهند کرد) وقتی که ایشان را در روزی که هیچ شکی در (وقوع) آن نیست، جمع می آوریم و به هر کسی (پاداش و پادافره) آنچه کرده و فراچنگ آورده است به تمام و کمال داده شود و بر آنان ستم نرود.»

روزی که زمان وقوع آن از جانب الله مشخص شده است

هرگز از آن زمان جلوتر نیامده و مؤخر نخواهد شد. چنان که خداوند می فرماید: **(قَبْلَ لَكُمْ مِيعَادِ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَ لَا تَسْتَقْدِمُونَ)** [سبا : ۳۰]، «بگو: وعده شما روز مشخصی است که نه ساعتی از آن پسی می گیرید، و نه ساعتی از آن پیشی می گیرید.»

آن روزی نزدیک است

آری، قیامت نزدیک است، هر چند که ما آن را دور می بینیم، خداوند آن را به اتمهای پیشین وعده داده است و زمان آنان بسر رسیده و امت ما

آمده است، آن حضرت علیه السلام فرمود: «من و قیامت به اندازه‌ی این دو مبعوث شده‌ایم و انگشت سبابه و وسطی خود را با هم نزدیک کرد.»^۱ **﴿إِنَّمَا بَرَصِدْرًا جَمِيلًا * إِنْهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾** [المعارج : ۵ ، ۶]، «آنان آن روز را بعید و دور می‌دانند.* و ما آن را ممکن و نزدیک می‌دانیم.»

به صورت ناگهانی خواهد آمد هر چند که علم بشر پیشرفت کند و درک و فهمشان افزون گردد، اما باز هم محال است که بدانند، زمان وقوع قیامت کی خواهد بود؛ زیرا وقوع قیامت یکی از اسرار بزرگی است که خداوند آن را بر پیامبران گرانقدر و فرشتگان بزرگ پنهان نموده است و در مورد آن علم دانش سوال شده از علم سوال کننده بیشتر نیست.

﴿إِنَّمَا بَرَصِدْرًا جَمِيلًا * إِنْهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾ [المعارج : ۵ ، ۶]، «(قیامت به اطلاع قبلی فرا نمی‌رسد و) بلکه ناگهانی به سراغ ایشان می‌آید و آنان را مات و مبهوت می‌کند و توانایی دفع و برگرداندن آن را نخواهند داشت و دیگر مهلت و فرصت (توبه و معذرت) بدیشان داده نمی‌شود.»

و نیز خداوند فرموده است: **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرَسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ وَثَقُلْتِ فِي السَّمَاءِ وَاتُّو الْأَرْضَ لَا تَأْتِيكُم إِلَّا بَغْتَةً﴾**، [الأعراف : ۱۸۷]،

«در باره قیامت از تو می‌پرسند و می‌گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می‌رسد و) قیامت رخ می‌دهد؟ بگو: تنها پروردگارم از آن آگاه است، و کسی جز او نمی‌تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد (و از پایان این جهان و سرآغاز آن جهان مردمان را بیگانه‌اند. اطلاع از هنگامه قیامت) برای (ساکنان) آسمانها و زمین سنگین و دشوار است (و هرگز دانش ایشان بدان نمی‌رسد).

^۱ - متفق علیه.

قیامت ناگهانی به وقوع می پیوندد و برسرستان می تازد.»

روزی بزرگ است

آن بزرگترین روزی است که بر آفریدگان می گذرد، نه قبل از آن چنین روز بزرگی را دیده اند و نه بعد از آن شاهد چنین روزی خواهند بود. در آن روز، حوادثی هولناک و حالتهایی بزرگ روی خواهد داد.

خداوند می فرماید: (يَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ)، [المطففين : ۵ - ۶]، «در روز بسیار بزرگ و هولناکی (به نام قیامت). * همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) برپا می ایستند.»

خورشید به بندگان نزدیک می شود

در روز قیامت همه چیز به هم می خورد و امور هستی متغیر شده و دگرگون می شوند، آسمان سرخ و شعله ور می شود، و خورشید به مخلوقات نزدیک می شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر گاه قیامت فرا رسد، خورشید به بندگان نزدیک می شود و به اندازه یک یا دو میل قرار می گیرد.»

سَلِّمِمْ می گوید: نمی دانم که مراد از میل کدام است، میلی که آله سنجش مسافت زمین است یا میلی که با آن در چشم سرمه می گذارند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «پس خورشید آنان را ذوب می کند، و به میزان اعمالشان در عرق فرو می روند. چنان که عده ای تا قدمها و برخی تا زانو و گروهی تا زیر ناف، در عرق فرو می روند و برخی تا دهانشان غرق در عرق خواهند بود.»^۱

^۱ - یعنی در آن روز بندگان بر حسب اعمال نیکشان در سختی و عرق قرار می گیرند، برخی تا قدمهایشان در عرق فرو رفته اند و عده ای تا زانو ها و برخی تا ناف و جمعی سر تا پا غرق عرق هستند.

^۲ - احمد و ترمذی با سند صحیح.

روزی که هیچ کس بدون اجازه خداوند سخن نمی گوید

آری، همه مخلوقات، اعم از جن و انس، نیک و بد، فرشتگان بزرگوار و پیامبران گرانقدر، به خاطر عظمت و جلال پروردگار با عظمت و باشکوه خاموش اند و سخن نمی گویند.

کسی سخن نمی گوید جز آن که خداوند فرمانروا به او اجازه دهد. چنان که الله تعالی می فرماید: **(يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ)** [هود : ۱۰۵]، «روزی که آن روز فرا می رسد کسی یارای سخن گفتن و دم برآوردن ندارد، مگر با اجازه خدا. (در چنین روزی) دسته ای از آنان (به انواع عذاب گرفتارند و) بدبختند، و دسته ای (غرق در نعمتهای گوناگونند و) خوشبختند.»

و نیز خداوند فرموده است: **(يَوْمَ مِئِدٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُو خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِرَحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا)**، [طه : ۱۰۸]، «در آن بدون کمترین سرپیچی، از منادی (الهی) پیروی می کنند و صداها به سبب (جلال و شکوه خداوند) مهربان فروکش می کند، و جز صدای آهسته (چیزی) نمی شنوی.»

روزی که شاهی فقط از آن خداوند خواهد بود در آن روز، شاهی شاهان سقوط می کند و کمر فرمانروایان کسرا در هم می شکند و آرزوهای فرمانروایان قیصر فروکش می کند.

در آن روز جاه و منزلت، فرمانروایی و دیوان، و حکم و داوری، فقط مخصوص فرمانروای دیان خواهد بود.

آری، فرمانروایی فقط از آن الله قهار خواهد بود. الله تعالی می فرماید: **(لِمَنْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ)** [غافر : ۱۶]، «ملک و حکومت، امروز از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای چیره و تواناست.»

و نیز خداوند می فرماید: **(الْمَلِكُ يَوْمَ يَمِئِدُ الْحَقُّ لِرَحْمَنِ وَكَانَ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا)**

[الفرقان : ۲۶]، «در آن روز حکومت واقعی و ملک حقیقی، از آن خداوند مهربان است، و آن روز برای کافران روز سختی خواهد بود.»

روزی که روی گردانان و اعراض کنندگان پشیمان می شوند
هر کس که روی گردانده و طغیان پیشه کرده و از راه های بد پیروی نموده است، روز قیامت پشیمان و شرمنده می شود و عذاب برایش محقق می شود.

از این که با رفیقان بد همراهی کرده و از پیامبر روی گردانده است، نادم می گردد. چنان که خداوند فرموده است:

﴿يَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمِ اتَّخَذْ فَلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا *﴾ ، [الفرقان

: ۲۷ - ۲۹]، «و در آن روز ستمکار، هر دو دست خویش را (از شدت ندامت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش! با رسول خدا راه (بهشت را) برمی گزیدم * ای وای! کاش من فلانی را به دوستی نمی گرفتم. * بعد از آن که قرآن به دستم رسیده بود، مرا گمراه کرد. (آری!) شیطان انسان را (به رسوایی می کشد و) خوار خوار می دارد.»

نتیجه...

از اوصاف روز قیامت، وضعیت آن روز و حالت برخی مردمان برای ما واضح گردید.

قیامت کی برپا می شود؟

هیچ کسی از مخلوقات، از زمان برپایی قیامت خبر ندارد و جز خداوند یگانه، هیچ کس نمی داند که رستاخیز کی فرا می رسد. چنان که خداوند فرموده است: **(إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ حَامٍ)**، [لقمان : ۳۴]، «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می باراند، و آگاه است از آنچه در رحمهای (مادران) است.»

و نیز الله تعالی تعالی فرموده است: **(يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا * إلی ربك منتهاها * إنما أنت منذر من يخشاها)**، [النازعات : ۴۲ - ۴۵]، «از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ * تو چیزی از آن نمی دانی. * آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می گردد. * وظیفه تو تنها و تنها بیم دادن و هوشدار باش به کسانی است که از قیامت می ترسند.» بنابراین،

- آیا ممکن است کسی بداند که چه زمانی قیامت برپا می شود؟
- و آیا ما می دانیم چه روزی فرا می رسد؟

درآمد

جبرئیل از رسول خدا ﷺ پرسید: قیامت کی خواهد آمد؟ «رسول الله ﷺ فرمود: «در این مورد من دانایم از شما نیستم.»^۱

ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «کلیدهای غیب پنج مورد هستند و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: **(إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ حَامٍ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)**، [لقمان : ۳۴]، «آگاهی از فرارسیدن قیامت ویژه خدا است، و او است که باران را می

^۱ - متفق علیه.

بارانند، و آگاه است از آنچه در رحمهای (مادران) است، و هیچ کسی نمی داند فردا چه چیز فراچنگ می آورد، و هیچ کسی نمی داند که در کدام سرزمینی می میرد. قطعاً خدا آگاه و باخبر است.»^۱

آیا این که زمان برپایی قیامت را بدانیم، سودی به ما می رسد؟

پاسخ: هر کس بمیرد، قیامت او برپا می شود، بنابراین، زمانی که انسان نمی داند که مرگش کی فرا می رسد، پس چه سودی عاید وی شود که زمان فرا رسیدن قیامت را بداند؟ فرض کنیم که او می داند که سال آینده قیامت برپا می شود، اما چه کسی تضمین می کند که وی تا سال آینده زنده خواهد بود؟

از این رو، هر گاه کسی نزد رسول خدا ﷺ می آمد و در مورد زمان وقوع قیامت سوال می کرد، رسول خدا ﷺ سوال را متوجه وی می کرد که برایش مفید و سودمند بود، آن حضرت ﷺ می پرسید: چه چیزی برای قیامت و پس از آن آماده کرده ای؟

انس رضی الله عنه می گوید: مردی بادیه نشین نزد نبی اکرم ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! قیامت کی بر پا خواهد شد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر تو، چه چیز برای آن آماده کرده ای؟» گفت: هیچگونه آمادگی ای ندارم. فقط خدا و رسولش را دوست دارم. فرمود: «تو با کسانی خواهی بود که آنها را دوست داری». ما (صحابه) گفتیم: ما هم اینگونه خواهیم بود؟ فرمود: «بلی». در آن روز ما به شدت خوشحال شدیم.^۲

قیامت در چه روزی برپا می شود؟

احادیث فراوانی وارد شده است که فرا رسیدن روز قیامت را مشخص می کنند، در احادیث آمده است که قیامت در روز جمعه برپا می شود. چنان

^۱ - روایت از بخاری.

^۲ - صحیح بخاری.

که رسول خدا ﷺ فرمود: «قیامت جز در روز جمعه برپا نخواهد شد.»^۱

از این رو همه مخلوقات از این روز می ترسند. آن حضرت ﷺ فرمود: «روز جمعه بهترین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده است، در همین روز آدم آفریده شده و در همین روز از آسمان به زمین فرود آمده و نیز در همین روز توبه اش پذیرفته شده است و در همین روز وفات کرده و قیامت در همین روز برپا می شود. و جز جن و انس، هیچ جنبنده ای نخواهد بود، مگر این که در این روز از طلوع تا غروب از ترس قیامت منتظر است و گوش فرا می دهد.»^۲

طول آن روز

روز قیامت، روزی بزرگ و هولناک است، بلکه سخت ترین، با عظمت ترین و طولانی ترین روز خواهد بود.

طول آن روز پنجاه هزار سال خواهد بود، روزی که در آن بین بندگان داوری می شود و خصومت‌هایشان حل و فصل می گردد.

آن حضرت ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره ای که در دنیا حق آن را پرداخت نکرده است، روز قیامت صفحه هایی از آتش برای او گشوده می شود و بر آنها آتش گداخته می شود و با آن پهلو، پیشانی و پشتش داغ داده می شود و هر گاه سرد شود دوباره این عمل تکرار می شود آن هم در روزی که پنجاه هزار سال خواهد بود تا این که خداوند در میان بندگان داوری کند و آن گاه او مسیرش را به سمت بهشت یا دوزخ خواهد دید.»^۳

اما آن روز، با وجود سختی و طولانی اش، برای مؤمنان سهل و آسان خواهد بود و برای آنان به اندازه نماز ظهر و عصر بیشتر نخواهد بود. چنان که ابوهریره از رسول خدا ﷺ روایت می کند: «طول

^۱ - صحیح مسلم .

^۲ - ابوداود .

^۳ - صحیح مسلم .

روز قیامت برای مؤمنان به اندازه نماز ظهر تا عصر خواهد بود.^۱

^۱ - مستدرک حاکم با سند صحیح.

نامهای روز قیامت

روز آخر، بزرگترین، سخت ترین و هولناکترین روزی است که بر مخلوقات می گذرد. و به خاطر عظمت آن، نامهای فراوانی را به خود اختصاص داده است و این نامها، اوصاف و ویژگی های آن به شمار می روند؛ زیرا نام ها بیانگر اوصاف و ویژگی ها هستند.

بنابراین،

- نامهای قیامت کدامند؟
- دلیل کثرت نامهای قیامت چیست؟

درآمد

در میان عربها مشهور است که کثرت نامهای یک شیء، بیانگر عظمت شأن آن است و هر چند که به عظمت آن افزوده گردد، به نامهایش نیز افزوده می گردد. مانند شمشیر که به آن، مُهَنْد، حُسام، صارم و... می گویند و نیز شیر که به آن، هُزْبِر، لیث، غُضنفر و... می نامند.

در حالی که اشیای حقیر اسمای متعددی ندارند.

از این رو، روز قیامت، به خاطر عظمت و جلالتش نامهای متعددی دارد که یوم القیامة از مشهورترین نامهای آن به شمار می رود؛ زیرا بندگان در برابر پروردگار می ایستند. چنان که خداوند می فرماید: **(لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ)**، **[القیامة : ۱]**، «سوگند به روز قیامت.»

خداوند خبر داده است که در آن روز مردمان در برابر او می ایستند. چنان که فرموده است: **(یوم یقوم الناس لرب العالمین)**، **[المطففین : ۶]**، «همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای حساب و کتاب) برپا می ایستند.»

برخی دیگر از نامها قیامت عبارتند از:

اليوم الآخر (روز آخرت)

چون آن روزی است که روز دیگری بعد از آن از روزهای دنیا نخواهد بود. خداوند در این مورد می فرماید: **(من آمن بالله الیوم الآخر و عمل**

صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ) ، [البقرة : ۶۲] ،
 «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و
 کردار نیک انجام داده باشد، چنین افرادی
 پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ است.»
 یوم الدین (روز جزا)
 زیرا در آن روز خداوند جزا و پاداش بندگانش
 را می‌دهد. خداوند می‌فرماید: **(مَالِكِ يَوْمِ
 الدِّينِ) ، [الفاتحة : ۴] ،** «مالک روز سزا و جزا
 است.»

یوم الجمع (روز گردآوری)
 زیرا خداوند در آن روز اولین و آخرین
 بندگانش را در آن گرد می‌آورد. خداوند می‌فرماید:
**(يَوْمَ يَجْمَعُ كُمْ لِيَوْمِ الْجُمُعِ ذَلِكَ يَوْمِ
 التَّغَابُنِ) ، [التغابن : ۹] ،** «زمانی، خداوند شما
 را در روزهای گردهم آیی (جملگی پیشینیان و
 پسینیان) جمع می‌آورد. آن روز، روز زیانمندی
 (کافران) است.»

یوم الفتح (روز بازگشایی)
 زیرا در آن روز صحیفه‌های اعمال گشوده شده
 و کارهای بسته و پنهان برملا می‌شود. خداوند می‌فرماید:
**(قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ) ، [السجدة : ۲۹] ،** «بگو:
 در روز فیصله (کار) و قضاوت، ایمان آوردن کفار
 سودی به حالشان ندارد و (لحظه‌ای) بدیشان مهلت
 داده نمی‌شود.»
 واقعه

چون وجود قیامت حتمی است و حتماً واقع خواهد
 شد. خداوند می‌فرماید: **(إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ) ،
 [الواقعة : ۱] ،** «هنگامی که واقعه (ی عظیم
 قیامت) برپا شود.»

یوم الفصل (روز قضاوت و فیصله)
 چون خداوند در آن روز بین بندگانش قضاوت و
 فیصله می‌کند. خداوند می‌فرماید: **(لَا يَوْمَ أَجَلْتِ
 لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمِ الْفَصْلِ)**
 [المرسلات : ۱۲ - ۱۴] ، «(این کارها) برای چه
 روزی پس انداخته و در نظر گرفته شده اند؟ *
 برای روز قضاوت (در میان مردم) و جدایی

انداختن (میان حق و باطل). * تو چه می دانی
روز داوری و جدایی چیست؟»

الصاخه (گوش خراش)

چون در آن روز چنان صدای بلندی بر می خیزد
که نزدیک است، گوشها را کیر کند.

خداوند می فرماید: **(فَيَاذُ أَجَاءَ تِ الصَّاخَّةُ)** ،
[عبس : ۳۳] ، «هنگامی که صدای هراس انگیز گوش
خراش (نفخه صور دوم) بر آید.»

الطامة الكبرى (بلاى سخت و طاقت فرسا)

چون به هر هولناک و وحشتناک پایان می دهد.

خداوند می فرماید: **(فَيَاذُ أَجَاءَ تِ الطَّامَةِ الْكُبْرَى)** ،
[النازعات : ۳۴] ، «هنگامی که بزرگترین حادثه
(و بلاى سخت طاقت فرسای قیامت) فرا می رسد.»

قارعه (کوبنده و بلاى بزرگ)

چون حوادث را با هول و هراس هایش می کوبد:

[لِقَارَعَةٍ (۱) مَا الْقَارَعَةُ] ، [القارعة : ۱ ، ۲] ،
«بلاى بزرگ! * بلاى بزرگ چیست و چگونه است؟!»

حاقه (رخداد راستین)

زیرا به همه وعده و وعیدها تحقق می بخشد.

خداوند می فرماید: **(الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ)** ،
[الحاقه : ۱ ، ۲] ، «رخداد راستین! * رخداد
راستین چگونه رخدادی است؟!»

ساعه

چون به صورت ناگهانی بر مخلوقات پدیدار می

گردد. خداوند می فرماید: **(إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ**

السَّاعَةِ) ، [لقمان : ۳۴] ، «آگاهی از فرارسیدن

قیامت ویژه خدا است.»

يوم الاخره (روز آخرت)

چون آخرین روزهای دنیاست و پس از آن روزی

نخواهد بود. خداوند فرموده است: **(وَالْبِذِينَ**

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) ، [البقرة : ۴] ، «آن کسانی

که باور می دارند به آنچه بر تو نازل گشته و

به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز آخرت

اطمینان دارند.»

يوم التغابن (روز حسدورزی)

زیرا در روز قیامت، دوزخیان بر نعمتهایی که نصیب اهل بهشت شده است، برآنان حسد می‌ورزید. خداوند می‌فرماید: **(ذَلِكَ يَوْمَ التَّغَابُنِ)**، [التغابن : ۹]، «و آن روز حسدورزی است.»
 یوم الحسره (روز حسرت)

زیرا در آن روز فرد گناهکار و نافرمان به خاطر اعمال نیکی که از دست داده و اعمال بدی که مرتکب شده است، حسرت می‌خورد. خداوند می‌فرماید: **(وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)**، [مریم : ۳۹]، «(ای پیغمبر!) ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان. آن هنگامی که کار از کار می‌گذرد و ایشان در غفلت (عمر گرانیامیه را) به سر برده اند و (به بهشت و دوزخ) ایمان نداشته اند.»
 اینها پاره ای از اسمهای قیامت بودند که نامهای دیگری هم دارد و هر نامی، یکی از رویدادهای قیامت را به تصویر می‌کشد یا از احوال بندگان پرده بر می‌دارد که دارای چه وضع و حالی خواهند بود یا به عظمت و جایگاه آن روز اشاره دارد.

ایستگاههای روز قیامت

روز قیامت، روزی طولانی خواهد بود و مواقف و حالت‌های گوناگونی از اوضاع مردم را دربر خواهد داشت و با انواع و توده های مردم متفاوت خواهد بود و گاهی یک فرد مواقف و مواضع گوناگونی را پشت سر می‌گذارد.

در پاره ای از مواقف از هیچ کسی از عملش پرسیده نخواهد شد، بلکه با اعمالش مواجه می‌گردد بدون این که مورد مناقشه قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: **(فَلْيَوْمَئِذٍ لَا يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ)**، [الرحمن : ۳۹]، «در آن روز هیچ پری و انسانی از گناهش پرسش نمی‌گردد.»

در موقعی دیگر از عملکردشان پرسیده می‌شوند، اما نه از روی استفهام، بلکه از روی توبیخ، نکوهش، تحقیر، دلیل گردانیدن و اِعْتِرَافِ گرفتن. خداوند می‌فرماید: **(وَقِفْهُمْ أُنْهَاهُمْ)**

مَسْئُولُونَ [الصفات : ۲۴] ، «آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند.»

و نیز خداوند می فرماید: **فَلْيَدْعُ السَّالِّينَ الَّذِينَ أُرْسِلُوا إِلَيْهِمْ وَلْيَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ** ، [الأعراف : ۶] ، «(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می پرسیم.»

و در برخی مواقف خلاق مورد بازخواست قرار می گیرند و آنان به اعمال و کردارشان در دنیا اعتراف می کنند و از خداوند چیزی را کتمان نمی کنید. **اللَّهُ تَعَالَى مَعِيَ فِرْمَايِدُ: (وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا)** ، [النساء : ۴۲] ، «نمی توانند (کردار یا) گفتاری را از خدا پنهان سازند.»

و در پاره ای از مواقف کفار مورد سوال قرار می گیرند و آنان دروغ می گویند و منکر این مطلب می شوند که در دنیا کفر ورزیده اند؛ اما کجا این کارشان سودی برایشان خواهد داشت، در حالی که آنان در برابر خداوند ایستاده اند که از اسرار و خفایای آنان خبر دارد و نجوایشان را می شنود و پوشیدگی هایشان را برملا می سازد. خداوند می فرماید:

(ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ * انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ) ، [الأنعام : ۲۳ ، ۲۴] ، «سپس عاقبت کفر آنان چیزی جز این نیست که می گویند: به خداوند که پروردگار ما است سوگند که ما مشرک نبوده ایم! * بنگر که چگونه با خویشتن نیز دروغ می گویند، و نشانی از شرکا و انبازانی نماند که آنان به هم می بافتند.»

در برخی از صحنه های قیامت خبرها از یاد تکذیب گران تبهکار می رود و سخنانشان را فراموش می کنند و دچار اضطراب و استرس قرار می گیرند و مسایلشان را خلط می کنند. خداوند می فرماید:

(وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَّتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ) [القصص : ۶۵ ، ۶۶] ، «(خاطر نشان ساز) روزی را

که خداوند مشرکان را فریاد می‌دارد و می‌گوید:
به پیغمبران چه پاسخی دادید؟ * در این هنگام
(بر اثر حیرت و دهشت) همه خبرها از یادشان می
رود و نمی‌توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند.»
لذا دلیل و حجت را از یاد می‌برند و نمی
دانند به پروردگارشان چه می‌گویند و چه دلیلی
را عرضه می‌کنند و حرفی برای گفتن ندارند و
هیچ راه فرار و گریزی ندارند.

شفقت...

قیامت، با وجود طولانی و سختی اش،
بر مؤمنان آسان خواهد شد.

دمیدن در صور
دمیدن در صور، نخستین رویداد برپایی قیامت
و ایجاد دگرگونی در هستی و اضطراب جهان خواهد
بود.

بنابراین،

- صور چیست و در چه چیزی دمیده می شود؟
- چند بار در صور دمیده می شود و پس از
دمیدن در صور چه اتفاقی می افتد؟
- آیا همهٔ بندگان دچار بی هوشی می شوند؟

درآمد

صور شاخی است که در آن دمیده می شود. مراد
از شاخ همان چیزی است که بر سر گوسفند قرار
دارد.

بادیه نشینی به محضر پیامبر آمد و پرسید:
صور یعنی چه؟ فرمود: «شاخی است که در آن دمیده
می شود.»^۱

مسئول دمیدن در صور

اسرافیل فرشته ای است که مسئول دمیدن در
صور است و در هر لحظه منتظر فرمان پروردگار
است تا به او فرمان دهد تا در صور بدمد.

رسول خدا ﷺ به ما خبر داده است که اسرافیل
از زمانی که خداوند او را آفریده است، در
انتظار دمیدن در آن بسر می برد. آن حضرت ﷺ
فرمود:

«همانا فرشته ای که مسئولیت دمیدن در صور
به او سپرده شده است، چشمانش آماده اند و به
عرش می نگرند و چشمانش را باز و بسته نمی کند
تا مبادا قبل از آن که آنها را بگشاید، خداوند
به او فرمان دهد، از این رو چشمانش مانند دو
ستارهٔ درخشان هستند.»^۲

^۱ - احمد و ابوداود و حاکم با سند صحیح.

^۲ - مستدرک حاکم با سند صحیح.

در این زمان که ما در قرب قیامت بسر می بریم، اسرافیل بیشتر خود را برای دمیدن در صور آماده می کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چگونه شادمان باشم از نعمت برخوردار شوم در حالی که اسرافیل صور را به دهان گرفته و پیشانی اش را کج کرده و گوش به فرمان است تا به او دستور رسد تا به صور بدمد؟ آنان گفتند: پس یا رسول الله! در این هنگام ما چه بگوئیم؟ فرمود: «بگوئید **سَبَدْنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ** تو کلدنا علی الله ربنا».

دلایلی از قرآن و حدیث بر نفخ صور دمیدن در صور امری حقیقی و واقعی است که رعب و وحشت فراوانی دربر دارد و برای اثبات آن آیات و روایات فراوانی وارد شده است. از آن جمله:

خداوند می فرماید: **(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ)**، [الزمر: ۶۸]، «در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، به ناگاه همگی (جان می گیرند و) به پا می خیزند و می نگزند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد).»

و نیز خداوند فرموده است: **(يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنُزِعُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَمِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلًّا تَوَهُ دَاخِرِينَ)**، [النمل: ۸۷]، «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند.» و نیز فرموده است **(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ)** [یس: ۵۱]، «(برای

بار دوم) در صور دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «در این هنگام در صور دمیده می شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می کند و به آن گوش فرا می دهد. نخستین کسی که آن را می شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه ی شترش است. او بی هوش می شود و مردم نیز بی هوش می شوند.»^۱

تعداد دفعات دمیدن در صور اسرافیل دو بار به صورت وحشتناک در صور می دمند.

نفخه اول

در این نفخه اول، همه موجودات، اعم از انسانها، جنیان، حیوانات، پرندگان و حشرات و همه موجودات از بین می رود و صفحه جهان هستی پیچیده می شود و فقط پروردگار جبار و مقتدر باقی می ماند.

نفخه دوم

این نفخه بعث و نشور است که مردگان زنده شده و از قبرهایشان بر می خیزند. خداوند در قرآن از هر دو نفخه و آنچه در میان این دو نفخه روی می دهد را ذکر نموده و می فرماید:

(وَنفِخُ فِي الصُّورِ فَمِمَّعٍ مِّنْ فِي السَّمَاءِ وَاتِّ وَ مِّنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفِخُ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ) ، [الزمر : ۶۸] ، «و روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند.»

و نیز حالت مردم را توصیف کرده است که چگونه از قبرهایشان بر می خیزند. می فرماید: **(وَنفِخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ)**

يَنْسَلُون [يس : ٥١] ، «(برای بار دوم) در صور دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.»
 همچنین خداوند نفخه اول را «راجفه» و نفخه دوم را «رادفه» نامیده و فرموده است: **(يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (٦) تَتَّبِعُهَا الرِّادِفَةُ) ، [النازعات : ٦ ، ٧] ،**

«در آن روزی که (نفخه اول، در صور دمیده می شود و) زلزله ای در می گیرد (و دنیا خراب می گردد و همگان می میرند). * سپس (نفخه دوم، در صور دمیده می شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت.»
 در جایی دیگر خداوند نفخه اول را «صیحه = صدا و فریاد» و نفخه دوم را «صور» نامیده و فرموده است: **(مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهَمُّ يَخِصِّمُونَ * فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسَلُونَ) ، [يس : ٤٩ - ٥١] ،**

«انتظار نمی کشند مگر صدایی را که (ناگهان) طنین انداز می گردد (و ایشان را در بر می گیرد) (و نابودشان می گرداند) در حالی که با یکدیگر (به معامله و کار و بار روزمره زندگی، سرگرم و) درگیرند. * (این حادثه به قدری سریع و غافلگیرانه است که) حتی توانایی وصیت نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتی فرصت مراجعه به سوی خانواده و فرزندانشان را پیدا نخواهند کرد. * (برای بار دوم) در صور دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.»

مدت زمان بین دو نفخه

نص صریحی بین این دو نفخه نیامده است تا مدت بین دو نفخه را مشخص نماید، اما در حدیثی از طریق حضرت ابوهریره رضی الله عنه به صورت اشاره آمده است که آن حضرت رضی الله عنه فرمود: «فاصلة میان دو صور،

چهل است». گفتند: ای ابوهریره! چهل روز است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم. پرسیدند: چهل سال است؟ گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم. پرسیدند: چهل ماه است؟ باز هم گفت: در این مورد، چیزی نمی گویم.

ابوهریره رضی الله عنه فاصله بین دو صور را بیان نکرد، چون آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیده بود، آن گاه در تکمیل حدیث گفت: «آن گاه خداوند از آسمان آبی فرود می آورد و انسانها مانند گیاه می رویند.» آن حضرت صلی الله علیه و آله فرود: «تمام اعضای بدن انسان، از بین می رود مگر بیخ دُمَش که آفرینش، از آن شروع می شود»^۱.

در چه روزی در صور دمیده می شود؟ هر دو نفخة اول و دوم، یعنی نفخة اماته که همة خلایق از بین می روند و نفخة بعث و نشور که موجودات زنده می شوند و از قبرها بر می خیزند، در روز جمعه روی می دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین روزتان، روز جمعه است، در همین روز آدم آفریده شد و در همین روز وفات کرد، نفخة اول و دوم در همین روز انجام می پذیرد، پس در همین روز به کثرت برایم درود و سلام بفرستید، چون درود و سلامتان در این روز به من می رسد. اصحاب گفتند: یا رسول الله! چگونه درود و سلام ما به تو می رسد، در حالی که استخوانهایت به خاک تبدیل شده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده است که اجساد انبیا را بخورد»^۲.

و نیز در حدیثی آمده است: «قیامت جز در روز جمعه برپا نمی شود»^۳.

در روایت دیگری آمده است: «در روز جمعه هر جنبنده ای گوش به زنگ است و منتظر برپایی قیامت است»^۴.

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - نسایی، ابوداود و ابن ماجه. یعنی به خاطر عظمت و جلالت قدری که در نزد خداوند دارند، خداوند بر زمین حرام گردانیده است تا اجساد آنان را بخورد.

^۳ - صحیح مسلم.

نخستین کسی که نفخه اول را می شنود
نفخه اول در حالی انجام می پذیرد که مردم
به صورت عادی و طبق معمول مشغول زندگی و
گذرانیدن حیات عادی خودشان هستند. چنان که یکی
به بازار رفته و پارچه را می گیرد تا آن را
بخرد، دیگری شترش را دوشیده و در حال رفتن به
خانه اش است تا آن را بنوشد، فرد دیگری حوضچه
ای را در کنار چاهی درست کرده تا آب را در آن
جمع کند و به شترش بدهد، شخص دیگری در کمال
آرامش و امنیت سفره را پهن نموده تا یک لقمه
را پس از دیگری در دهانش بگذارد، که ناگهان در
این هنگام اسرافیل در صور می دمدم و ترس و وحشت
بزرگی، هستی را فرا می گیرد و دلهای مردم می
ترکند و ارواح از اجساد بیرون می جهند و
انسانها می میرند.

و قیامت، چنان ناگهانی فرا می رسد که دو
نفر، پارچه هایشان را بین یگدیگر پهن می کنند
ولی هنوز معامله ای انجام نداده اند و آنها را
جمع نکرده اند که قیامت برپا می شود.

و چنان ناگهانی است که شخصی، شترش را می
دوشد اما قبل از اینکه شیرش را بنوشد، قیامت
برپا می شود. و چنان ناگهانی است که فرد،
شکافهای حوض اش را می گیرد اما قبل از اینکه
دام هایش را آب بدهد، قیامت برپا می شود.

و حتی به اندازه ای ناگهانی است که شخصی،
لقمه اش را بسوی دهانش می برد اما موفق به
خوردنش نمی شود».

رحمت و شفقت خداوند بر مؤمنان

ترس و وحشت بزرگی در آن روز دامنگیر بندگان
می شود، از این رو خداوند با آرامی و نرمی جان
مؤمنان را می گیرد و فقط انسانهای بد و شرور
باقی می مانند.

رسول خدا ﷺ با تفصیل از حوادث قبل از نفخة اول و در اثنای آن پرده برداشته و می فرماید: «دجال در امت من ظهور می کند و میان آن ها تا چهل (نمی دانم چهل روز، ماه یا سال) خواهد ماند. آن گاه خداوند عیسی بن مریم را که به عروه بن مسعود شباهت دارد، فرو می فرستد. او دجال را فرا می خواند و او را نابود می کند. سپس هفت سال میان مردم می ماند. در میان دو نفر دشمنی و عداوتی وجود ندارد.

آن گاه خداوند باد خنکی از طرف شام می فرستد و هر کس که به اندازه ی ذره ای ایمان یا خیر در قلب او باشد، قطعاً این که این باد جان او را در زمین می گیرد، حتی اگر شخصی در دل کوه خود را پنهان کند، این باد در آن جا نیز می رود و جانش را می گیرد. آن گاه انسان های بد به سبکی پرنده و دشمنی و تجاوزگری درندگان (نسبت به گناه) باقی می مانند که هیچ معروفی را معروف و منکری را منکر نمی دانند. در این هنگام شیطان بر آنان ظاهر می شود و می گوید: آیا از من اجابت نمی کنید؟ آن ها می گویند: به چه چیزی دستور می دهی؟ آنان را به پرستش بتها فرا می خواند، در حالی که در وفور نعمت و زندگی خوب و مرفه به سر می برند.

در این هنگام در صور دمیده می شود. هر کس آن را بشنود گردنش را خم می کند و به آن گوش فرا می دهد. نخستین کسی که آن را می شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه ی شترش است. او بی هوش می شود و مردم نیز بی هوش می شوند. آن گاه خداوند بارانی بسان شبنم فرود می آورد و اجسادشان می روید.

سپس دو مرتبه در صور دمیده می شود که بناگاه مردم ایستاده و نگاه می کنند. آن گاه گفته می شود: ای مردم! به سوی پروردگارتان بشتابید. آنان را نگاه دارید که مورد بازخواست قرار گیرند. آن گاه گفته می شود: اعزامیان به دوزخ را بیرون آورید. می پرسند: تعداد آنان

چقدر است؟ می گویند: از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر! این، آن روزی است که کودکان پیر می شوند و روزی است که شدت هول قیامت نمایان می گردد.»^۱

دمیدن در صور، کاری وحشتناک است و حوادثی که پس از آن روی می دهند، بسیار هراس انگیز خواهند بود و رسول خدا ﷺ به ما آموخته اند که بگوییم: حسبنا الله و نعم الوکیل. یعنی کافی است که به الله پناه ببریم؛ زیرا اوست که افراد وحشتزده را امان می بخشد.

وقفه ...

اسرافیل، علی رغم خلقت عظیم و درجه بزرگ و عبادت پیوسته اش، در اثر خوف و عظمت آفریدگارش می لرزد.

بعث و نشور

پس از دمیدن دومین بار در صور، بندگان برای بعث و نشور بر می خیزند.
بنابراین،

- بعث چیست؟
- دلایل وقوع آن کدامند؟
- نشور یعنی چه؟
- کیفیت آن چگونه است؟
- حال آنان که در بیرون قبرها بوده اند، چگونه است؟

درآمد

بعث و نشر به معنای بیرون آوردن مردگان از قبرهایشان به صورت زنده، و زنده گردانیدن همه مردگان، حتی آنان که سوخته اند، یا غرق شده و ماهیان آنان را بلعیده اند، یا درندگان آنان را خورده اند، چرا که هیچ چیزی پروردگارمان را درمانده و ناتوان نمی گرداند.

دلایل وقوع بعث

ایمان به برانگیختن بندگان برای حساب و جزا، یکی از اصول ایمان است، و تکذیب و انکار آن به منزله تکذیب و کفر ورزیدن خداوند است. خداوند متعال می فرماید: **(بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا)** [الفرقان : ۱۱]. «واقع قضیه این است که آنان قیامت را دروغ می دانند، و ما برای کسی که قیامت را دروغ بداند آتش شعله ور و سوزانی را آماده کرده ایم.»

خداوند در آیات فراوانی از بعث و نشور یاد کرده است، از جمله:

- **(يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ)**، [الأنبياء : ۱۰۴]. «(این امر) روزی (تحقق می پذیرد که) ما آسمان

- را در هم می پیچیم به همان صورت که طومار نامه ها در هم پیچیده می شود. همان گونه که آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می دهیم. این وعده ای است که ما می دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می رسانیم.»
- **﴿قُلِيتُوفِيَاكُمْ مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَي رُبُكُم رَجَعُونَ﴾** [السجدة : ۱۱]. «بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، (به سراغتان می آید و) جان شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید.»
 - **﴿رِعِمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ أَن لِّن يَبْعَثُوا قَبْلَ بَلِي وَ رَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبِّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَ ذَلِكَ عَلَي اللَّهِ يَسِير﴾** [التغابن : ۷]. «کافران می پندارند که هرگز زنده و برانگیخته نخواهند گردید! بگو: چنین نیست که می پندارید، به پروردگارم سوگند! زنده و برانگیخته خواهید شد، و سپس از آن چیزهایی که می کرده اید با خبرتان خواهند کرد. و این کار برای خدا ساده و آسان است.»
 - **رسول خدا ﷺ فرمود: «يُبْعَثُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَي مَا مَاتَ عَلَيهِ»**.^۱ هر انسانی بر هر عقیده ای که مرده است، محشور می گردد.
 - «إِنَّمَا يُبْعَثُ النَّاسُ عَلَي نِيَّاتِهِمْ».^۲ مردم بر نیتهایی که داشته اند، برانگیخته می شوند.

دلایلی بر ممکن بودن بعث و برانگیختن خداوند در برابر دیدگانمان دلایل فراوانی را قرار داده است که این دلایل ما را وادار می کنند تا به بعث و نشور ایمان بیاوریم. پاره ای از این دلایل عبارتند از:

^۱- صحیح مسلم (۸ / ۱۶۵).

^۲- صحیح ابن ماجه، صحیح (۱۰ / ۲۴).

• فرود آمدن باران بر زمین، که پس از نزول آن به اجازة الله زنده می شود.

ما به سرزمینی خشک، بی حاصل و مرده گذر می کنیم که در آن نه گیاهی وجود دارد و نه کشت و حیاتی، و چون خداوند باران را فرود می آورد، به اهتزاز در آمده و زندگی و حیات به آن باز می گردد و سرزمینی زنده و سرسبز قرار می گیرد. پس همانگونه که زمین خشک و بی حاصل بود، سرسبز و خرم گردید، به همین شکل، خداوند مردگان را زنده خواهد کرد و به این استخوانهای پوسیده و اجساد خشکیده حیات خواهد بخشید. چنان که خداوند می فرماید: «هُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَيْنٍ يَدِيهِ رَحْمَتِهِ جِئْتِي إِذَا أَقْلَبْتِ سَحَابًا ثِقَالًا سَقْنَاهُ لِبَلَدٍ لَّيْلِيٍّ مِدَّتْ فَمَا نَزَلْنَا بِهٖ إِلَّا مَاءً فَيَاخِرُ جَزِيًّا بِهٖ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذٰلِكَ نَخْرُجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» [الأعراف : ۵۷]. «او کسی است که بادهای را به عنوان مژده رسانهای رحمت خود پیشاپیش می فرستد. هنگامی که بادهای ابرهای سنگین (بر دوش خود) برداشتنند، آنها را به خاطر زمینی (خشکیده همچون) مرده می رانیم و آب را در آنجا می بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را (از خاک تیره) پدید می آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را پرچنب و جوش و زنده می کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می آوریم (و زندگی دوباره می بخشیم. در باره این امثال که بیانگر نمونه معاد در این دنیا است بیندیشید) تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید.»

در حدیثی از طریق ابی رزین رضی الله عنه روایت شده است که گفتم: یا رسول الله! چگونه خداوند مردگان را زنده می کند؟ فرمود: آیا به سرزمین خشکی گذر نکرده ای؟ گفتم: بله، فرمود: آیا دوباره گذرت بر آن سرزمین نیفتاده است که سرسبز و شاداب باشد و دو باره گذر نمایی که خشکیده و بار دیگری آن را سرسبز و خرم ببینی؟ گفتم: بلی،

فرمود: خداوند این گونه مردگان را زنده خواهد کرد.^۱

استدلال به آغاز آفرینش بر اعاده آن ذاتی که ابتدا وقتی خواست، آفریدگان را آفرید و آنان را صورت بخشید، تواناست که باری دیگر، در چه وقت و چگونه آنان را زنده گرداند؛ زیرا اعاده کردن از آفرینش نخستین آسان تر است. چنان که خداوند می فرماید:

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ [الأنبياء : ۱۰۴]. «(این امر) روزی (تحقق می پذیرد که) ما آسمان را در هم می پیچیم به همان صورت که طومار نامه ها در هم پیچیده می شود. همان گونه که آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می دهیم. این وعده ای است که ما می دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می رسانیم.»

وَنِيْزِ مِي فِرْمَايِدُ: (وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ) [الروم : ۲۷]. «او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس او را باز می گرداند، و این برای او آسانتر است.»

زنده گردانیدن برخی از مردگان در دنیا در دنیا نیز برای برخی از بندگان مرگ صورت گرفته و خداوند آنان را زنده گردانیده است، مانند مانند زنده کردن فردی که در بنی اسرائیل کشته شد و وقتی پاره ای از گوشت گاو را به او زدند، زنده شد.^۲ چنان که خداوند می فرماید:

^۱ - مسند الإمام أحمد با روایت حسن (۲۰ / ۲۹).

^۲ - مردی در بنی اسرائیل وجود داشت که فرزندی نداشت و سرمایه فراوانی داشت و جز یک برادرزاده وارث دیگری نداشت. لذا برادرزاده اش در میراث عمویش شتاب نموده و او را به قتل رساند و شبانه نعشش را برداشت و بر دروازه فرد دیگری گذاشت و صبح آن روز ادعی نمود که او آن را کشته است. در نتیجه آن نبرد بزرگی بین آنان

فَلْيَلْدُنَا اِضْرِبُوهُ بِدَعِضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ [البقرة : ٧٣].

«پس گفتیم: پاره ای از آن (قربانی) را به آن (کشته) بزنی. (و این کار را کردید و خدا کشته را زنده کرد). خداوند مردگان را (در روز قیامت) چنین زنده می کند و دلایل (قدرت) خود را به شما می نمایاند تا این که (حقیقت و اسرار شریعت را) دریابید.»

همان گونه که فردی از روستایی گذر نمود که ویران شده و سقف خانه هایش بر زمین افتاده بود.

درگرفت، تا جایی که دست به اسلحه برده و در مصاف هم قرار گرفتند.

آنگاه خردمندان آنان گفتند: چرا به جان هم افتاده و اختلاف می کنید در حالی که پیامبر خدا، موسی در میان شماست.

لذا در نزد موسی آمدند و ماجرا را برای وی تعریف کردند. آن گاه خداوند برای موسی وحی فرستاد و فرمود: **لَا إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذِبُوا بَقْرَةَ قَالُوا أَنْتَجِدْنَا حَزْوا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ** [البقرة : ٦٧]. «و (به یاد آورید) آن هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما دستور می دهد که گاو را سرببرید، گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟ گفت: به خدا پناه می برم از این که جزو نادانان باشم.»

اگر آنان از موسی اطاعت کرده و اعتراض نمی کردند و گاو را می کشتند، این کار برای آنان کفایت می کرد، اما آنان سختی کردند و در نتیجه کار برایشان دشوار گردید تا این که به گاو که آن ویژگی ها را دارا بود، را پیدا کرده و صاحبش فقط همان یک گاو بود. گفت: به خدا سوگند آن را به کمتر از پری پوستش از طلا نخواهم فروخت. لذا آن گاو را به همان قیمت خریده و آن را ذبح نموده و پاره ای از آن را به مقتول زدند، آن گاه او برخاست. از او پرسیدند: چه کسی تو را به قتل رسانده است؟ به برادرزاده اش اشاره نمود و گفت: این. آن گاه دوباره به زمین افتاد و مرد. تفسیر ابن کثیر، سوره بقره، (١/١٤٥).

این ماجرا را خداوند در این آیه بیان فرموده است: **(أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طُعَامِكُمْ لَبِثْتُمْ فِيهَا وَانظُرْ إِلَى جِوَارِكِ لَبِثْتُمْ فِيهَا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

[البقرة: ٢٥٩]. «یا (آیا آگاهی از) همچون کسی که از کنار دهکده ای گذر کرد، در حالی که سقف خانه ها فرو تپیده بود و دیوارهای آنها بر روی سقفها فرو ریخته بود؛ گفت: چگونه خدا این (اجساد فرسوده و از هم پاشیده مردمان اینجا) را پس از مرگ آنان زنده می کند؟ پس خدا او را صدسال میراند و سپس زنده اش گرداند و (به او) گفت: چه مدت درنگ کرده ای؟ گفت: (نمی دانم، شاید) روزی یا قسمتی از یک روز. فرمود: (نه) بلکه صدسال درنگ کرده ای. به خوردنی و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (و ببین که با گذشت این

یا این داستان که خداوند از حضرت ابراهیم یاد آور نموده است: **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تَأْمِنُ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي** [البقره : ۲۶۰]. «و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی. گفت: مگر ایمان نیاورده ای؟! گفت: چرا! ولی تا اطمینان قلب پیدا کنم (و با افزودن آگاهی بیشتر، دلم آرامش یابد).»

از کمال قدرت الهی این است که چیزی را از ضد آن بیرون می آورد

یعنی خداوند تواناست که جسدی زنده و تر و تازه را از استخوانی خشک و مرده بیرون آورد، آن گونه که آتش را از درخت سبز بیرون می آورد.

چنان که خداوند می فرماید: (وَضْرِبْ لَنَا مِثْلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ * الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ) [یس : ۷۸ - ۸۰]. «برای ما مثالی می زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می کند و می گوید: چه کسی می تواند این استخوانهایی را که پوسیده و فرسوده اند زنده گرداند؟! * بگو: کسی آنها را زنده می گرداند که آنها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آنها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او بس آگاه از (احوال و اوضاع و چگونگی و ویژگی) همه آفریدگان است. * آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن، آتش روشن می کنید. (او که قادر بر رستاخیز انرژیها است، قادر به برانگیختن مردگان و بازگرداندن به زندگی دوباره ایشان است).»

زمان طولانی به اراده خدا) تغییر نیافته است. و بنگر به الاغ خود (که چگونه از هم متلاشی شده است. ما چنین کردیم) تا تو را نشانه (گویایی از رستاخیز) برای مردمان قرار دهیم. (اکنون) به استخوان ها بنگر که چگونه آنها را برمی داریم و به هم پیوند می دهیم و سپس بر آنها گوشت می پوشانیم. هنگامی که (این حقائق) برای او آشکار شد، گفت: می دانم که خدا بر هر چیزی توانا است.»

قدرت خداوند بر آفرینش آسمانها و زمین خداوند آسمانها و زمین با آن عظمت، شگفتی و استحکامی که دارند، را خداوند آفریده است، پس ذاتی که بر آفریدن این اشیای بزرگ و با عظمت تواناست، بر آفریدن چیزی کمتر و حقیرتر بیشتر قدرت دارد. چنان که خداوند می فرماید: **﴿وَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَاتِّوَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾** [یس : ۸۱]. «آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسانهای خاک شده را دوباره) به گونه خودشان بیافریند؟ آری! (می تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و دانا است.»

وضعیت کسانی که در قبرها قرار نگرفتند کسی که در آب غرق شده و ماهی ها وی را بخورند و در شکمشان متلاشی گردند، یا سوخته و خاکستر گردد، یا درندگان وی را بخورند، یا هر کسی که به مرگ طبیعی خویش نمیرد و مانند سایر مردم در قبر دفن نشود، قطعا بعث و نشور شامل این گونه افراد نیز خواهد شد.

رسول خدا ﷺ داستان فردی از گذشتگان را نقل کرده و می فرماید: «... خداوند به او مال و فرزند بخشید، وقتی زمان مرگش فرا رسید، رو به فرزندانش گفت: من چگونه پدری برایتان بوده ام؟ آنان می گویند: تو برایمان بهترین پدر بوده ای. می گوید: پس من هیچ عمل خیری را انجام نداده ام. لذا هر گاه مردم، مرا بسوزانید، و چون به زغال تبدیل شدم، آن گاه مرا خرد نمایید، و هر گاه طوفانی آمد، خاکسترهایم را به دریا بیندازید، سوگند به الله! اگر خداوند بر برانگیخته کردن من قدرت پیدا کند، چنان عذاب و کیفری به من دهد که به هیچ یک از جهانیان نداده است.^۱ از این رو از آنان پیمان گرفت که پس از مرگش چنین بکنند.

^۱ - یعنی این فرد از شدت دیدار خداوند چنین فرمانی را صادر نمود و چون هیچ عمل نیکی را برای آخرتش ذخیره نکرده بود، یا این کار می خواست از بعث و نشور فرار کند، تا سوخته و خرد گردد و

چون این فرد وفات کرد، فرزندان به وصیتش عمل کردند و در روزی طوفانی ذره های بدنش را به باد دادند. خداوند به زمین دستور داد: همه آنچه را که در درونت داری، گرد آور و زمین نیز به فرمان الهی عمل نمود، ناگهان آن فرد در بارگاه الهی حاضر شده و ایستاد. خداوند از او پرسید: ای بنده من! چه چیزی تو را وادار کرد که چنین کاری انجام دهی؟ گفت: خدایا! از ترس تو چنین کاری انجام دادم. از این رو خداوند نیز او را به خاطر این کارش بخشید.^۱

آری، همه آفریدگان زنده بر می خیزند، و به تجمع گاه رستاخیز سوق داده می شوند تا جزای اعمالشان را ببینند و در میانشان داوری صورت گیرد.

کیفیت و چگونگی بعث

امور غیبی فقط از طریق وحی گرفته می شوند و رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث ما را با تفصیل از کیفیت بعث و فاصله مدت زمان دو دمیدن در صور خبر داده است. چنان که در حدیثی فرموده اند:

فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می ریزد و آنان مانند گیاهان می رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می رود مگر بیخ دُمش که آفرینش، از آن شروع می شود.^۲

بنابراین، پس از دمیدن صور اول، همه موجودات در اثر آن زنده می میرند، و مدت زمانی که مقدار آن را جز خداوند کسی نمی داند، با همین حال باقی می مانند. آن گاه خداوند آبی می فرستد که در اثر آن اجسادشان می روید.

و چون اجسادشان کامل شود، چه در قبرها یا در دریاها و بیابانها، یا کوهها و دره ها، چنان که خداوند فرموده است: **(كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ**

خاکسترش در دریا متلاشی شود و خداوند نتواند دوباره او را زنده گردانده و برانگیزد.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

خَلَقْنَاهُ وَوَعَدْنَا عَلَيْهِمْ وَاعْتَدْنَا لَهُمُ الْجَنَّةَ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

[الأنبياء : ۱۰۴] ، «همان گونه که (نخستین بار) آفرینش را سر دادیم، آفرینش را از نو بازگشت می دهیم. این وعده ای است که ما می دهیم، و ما قطعاً آن را به انجام می رسانیم.»

آن گاه خداوند در صور دوم می دمدم و روحها به بدنها پریده و زندگی به آنها باز می گردند، و زمین شکافته شده و آنان زنده از قبورشان بیرون می آیند. چنان که خداوند فرموده است: **(يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكُمْ سُورَةُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَتْ تُرْمَدُ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَمَّا سُورِئَتْ فَخَلَّتْ إِلَىٰ رَبِّهَا بِأَعْيُنِنَا فَبِئْسَ الْمَالُ)** [سیر] [ق : ۴۴] «روزی زمین را روی مردمان می شکافد و کنار می رود، و ایشان به سرعت (از میان خاکها) بیرون می آیند. آن روز، روز گردهم آیی است و برای ما سهل و آسان است.»

و نیز خداوند فرموده است: **(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ)**، [یس : ۵۱] ، «(برای بار دوم) در صور دمیده می شود و به ناگاه همه آنان از گورها بیرون آمده و به سوی (دادگاه حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می گردند.»

بنابراین، آنان از قبرهایشان بیرون آمده و راهی قیامت می شوند.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمودند: «آن گاه در صور دمیده می شود، هرکس آن را بشنود، گردنش را خم می کند و به آن گوش فرا می دهد. نخستین کسی که آن را می شنود، مردی است که در حال درست کردن حوضچه شترش است. او بی هوش می شود و مردم نیز بی هوش می شوند. سپس خداوند بارانی را بسان شبنم فرود می آورد، و اجساد مردم از آن می روید، سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، به ناگاه همگی (جان می گیرند و) به پا می خیزند و می نگرند.^۱ سپس به آنان گفته می شود که به سوی

^۱ این دمیدن دوم است که در اثر آن مردم از قبرهایشان بر می خیزند.

پروردگارتان بشتابید و آنان را نگاه دارید که باید بازرسی شوند.»^۱

اجساد بسان گیاهان می‌رویند
 آری، همان گونه که گیاهان از بذرهایشان می‌رویند، اجساد نیز این گونه اند و خداوند بر آنها بارانی فرود می‌آورد و استخوان بیخ دمش می‌روید تا این که کامل می‌شود. خداوند این ماجرا را این گونه بیان داشته است: **وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا أَقْبَاهُ لِيُدَلِّدَ مِيتًا فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجَ حَبًا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**، [الأعراف : ۵۷]، «او کسی است که بادها را به عنوان مژده رسانهای رحمت خود پیشاپیش می‌فرستد. هنگامی که بادهای ابرهای سنگین (و پر آب را بر دوش خود) برداشتنند، آنها را به خاطر (آبیاری) زمینی مرده می‌رانیم و آب را در آنجا می‌بارانیم و با آن هر نوع میوه و محصولی را پدید می‌آوریم. و همان گونه (که زمین مرده را زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز از دل خاک) بیرون می‌آوریم (و زندگی دوباره می‌بخشیم). تا شما متذکر شوید و عبرت گیرید.»
 انسان از بیخ دمش که استخوانی سفت و گرد مانند است و در آخر ستون فقراتش از پایین قرار دارد، مانند گیاه می‌روید.

جلوتر نیز این جریان را در این حدیث بیان کردیم که آن حضرت ﷺ فرمود: فاصله میان دو صور، چهل است. سپس افزود: آن گاه خداوند بارانی از آسمان فرو می‌ریزد و آنان مانند گیاهان می‌رویند، تمام اعضای بدن انسان، از بین می‌رود مگر بیخ دمش که آفرینش، از آن شروع می‌شود.^۲
 و نیز آن حضرت ﷺ در حدیثی فرمودند: «زمین، فرزندان آدم را می‌خورد، جز بیخ دمش را که از آن آفریده می‌شود و اجزایش کامل می‌شود.»^۳

۱ - مسلم، (۲۰۱/۸ - ۷۵۶۸).

۲ - متفق علیه.

۳ - ابوداود، نسائی و مالک با روایت صحیح.

آیا بندگان از آفرینش نخستینشان متفاوت آفریده می شوند؟

آنچه از ظاهر آیات و روایت صحیح بر می آید این است که طبیعت بندگان پس از زنده شدن از مرگ، از نظر نیروی بدنی و تحمل و... از آفرینش نخستینشان متفاوت خواهد شد. این امر به معنای آن نیست که آنان که در روز رستاخیز برای حساب و دریافت جزا زنده می شوند موجودات یا اشخاصی دیگر، جز آنانی می شوند که در دنیا بوده اند، بلکه مقصود این است که خداوند خود همان بندگان را که در دنیا بوده اند، را می آفریند، بلکه در کیفیت ساختار و توانایی جسمی ای که در دنیا داشته اند، متفاوت آفریده خواهند شد. از جمله:

بخشیدن قدرت بینایی ای اموری که آنها را در دنیا نمی دیدند؛ چون آنان در روز رستاخیز فرشتگان، جنیان و موجوداتی که خداوند می داند را می بینید. چنان که خداوند می فرماید: **لَا تَكْفُرْنَا عَنْكَ غِطَاءٌ أَفَبِمَا رَكَّ الْيَوْمَ حَدِيدٌ**، [ق: ۲۲]، «پس ما پرده از جلو چشمان تو به کنار زده ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده اند.» و همچنین اهل بهشت آب دهان ندارند و از ادرار و مدفوع پاک هستند. و در عین حال که رستاخیز بسیار طولانی خواهد بود، اما از شدت گرسنگی و تشنگی نمی میرند و همچنین کفار و نافرمانان با این که در آتش می سوزند، اما نمی میرند. چنان که خداوند فرموده است: **(وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ)**، [ابراهیم: ۱۷]، «و (موجبات) مرگ از هر سود بدو روی می آورد و حال این که نمی میرد.»

نخستین کسی که زمین از وی شکافته می شود پس از آن که در صور دوم دمیده می شود، و قبرها شکافته می شوند تا مردم بیرون آیند، آن هم پس از آنکه خلقت آنان در داخل قبرها کامل می گردد، اولین کسی که زمین برایش شکافته شده و زنده می شود، پیامبرمان، حضرت محمد ﷺ است.

چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وَوَلَدِ
 آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوْلَ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرَ وَأَوْلَ
 شَافِعِ وَأَوْلَ مَشْفَعٍ»،^۱ «من سرور فرزندان آدم در
 روز رستاخیز خواهم بود، و اولین کسی هستم که
 قبر برایش شکافته می شود و نخستین سفارش کننده
 و سفارش پذیرفته من خواهم بود.»

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: دو نفر
 که یکی مسلمان و دیگری یهودی بود، یکدیگر را
 دشنام دادند. مسلمان گفت: سوگند به ذاتی که
 محمد صلی الله علیه و آله را بر تمام جهانیان برگزیده است. یهودی
 گفت: سوگند به ذاتی که موسی را بر تمام
 جهانیان برگزیده است. در این هنگام، مسلمان
 دستش را بالا برد و یک سیلی به صورت یهودی زد.^۲
 یهودی نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله رفت و آنچه را که پیش
 آمده بود، به اطلاع ایشان رساند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن
 مسلمان را بحضور طلبید و از او در این باره
 پرسید. مسلمان نیز ماجرا را تعریف کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مرا بر موسی ترجیح
 ندهید؛ زیرا همه مردم روز قیامت بیهوش می
 شوند. من نیز همراه آنها بیهوش می شوم. و
 اولین کسی هستم که بیهوش می آیم و موسی را می
 بینم که گوشه عرش را بدست گرفته است. ولی نمی
 دانم که او از کسانی است که بیهوش شده و قبل
 از او از من بیهوش آمده است یا از کسانی است که
 خدا او را استثنا نموده است».^۳

و در روایت دیگری این گونه آمده است: «در
 صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - چون آن یهودی حضرت موسی را بر رسول خدا ترجیح داد، از این
 جهت مسلمان وی را زد.

^۳ - یعنی نمی دانم که آیا حضرت موسی مانند سایر فرزندان آدم با
 دمیدن صور دوم بی هوش شده است، یا خداوند او را از سایر بندگان
 مستثنی قرار داده است. چنان که خداوند می فرماید: (وَنُفِخَ فِي
 الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ)، [الزمر: ۶۸].
 «در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین
 هستند می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد.» همچنان که قبلاً توضیح
 دادیم که از جمله آنان که بی هوش نمی شوند، روح، عرش و حور
 العین که در مبحث دمیدن صور با تصریح سخن گفتیم.

^۴ - متفق علیه.

آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد. باز دو مرتبه در صور دمیده می شود و من نخستین کسی خواهم بود که زنده می شود که ناگهان موسی خود را به عرش گرفته است. نمی دانم که آیا در بی هوش شدن طور مورد محاسبه قرار گرفته است یا قبل از من زنده شده است.»^۱

حکم کسی که زنده شدن پس از مرگ را انکار می کند

ایمان به روز آخرت و زنده شدن پس از مرگ، یکی از اصول ایمان است و کسی که زنده شدن و بعثت را انکار نماید، خداوند و قرآن را انکار کرده است.

خداوند می فرماید: «فرزند آدم مرا تکذیب کرد و این کار، شایسته او نبود. و فرزند آدم مرا دشنام داد حال آنکه این کار، شایسته او نبود. اما تکذیب، این است که می گوید: من نمی توانم دوباره او را زنده کنم. و دشنامش این است که می گوید: خداوند فرزند انتخاب کرده است، حال

^۱ - متفق علیه.

یعنی زمانی که در کوه طور بی هوش شده بود. زمانی که حضرت موسی در کوه طور بسر می برد و با خداوند سخن می گفت، از پروردگاش خواست تا به او بنگرد. خداوند به او خبر داد که او در دنیا نمی تواند خداوند را ببیند و او توان رؤیت خداوند را ندارد. آن گاه خداوند در آن کوه سخت تجلی یافت که در اثر آن کوه متلاشی شده و به صورت ریگها و شن هایی در آمد و صخره ها و تخته سنگهای درهم شکست. چون موسی این ماجرا را دید، از هول آن بی هوش بر زمین افتاد. لذا رسول خدا ﷺ در این حدیث برای ما بیان فرمودند که نمی دانم موسی با همین دمیدن صور که سایر مردم بی هوش شده اند، بی هوش شده و سپس قبل از آن حضرت ﷺ به هوش آمده است، یا بی هوشی اش را در کوه طور گذرانده و خداوند او را از این بی هوشی عمومی معاف کرده است. خداوند در قرآن این ماجرا را توضیح داده است.

(وَلَمَّا مَّ وَبِئْسَ مِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ أَنْظُرَ إِلَى الْجَبَلِ فَبِئْسَ مَكَانَهُ فَنُصِفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَاةً وَجَزَمُ مُوسَى صَعْقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ بَعْجَانِكَ بِمَنِّي لَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ)، [الأعراف : ۱۴۳].

«هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! به من بنمای تا تو را ببینم. (خدایش بدو) گفت: (تو) هرگز مرا نمی بینی. ولیکن به کوه بنگر، اگر برجای خود استوار ماند، تو هم مرا خواهی دید. اما هنگامی که پروردگارش خویشتن را به کوه نمود، آن را در هم کوبید و موسی بیهوش و نقش زمین گردید. وقتی که به هوش آمد گفت: پروردگارا! تو منزهی. من (از این پرسش پشیمانم و) به سوی تو بر می گردم و من نخستین مؤمنان (به عظمت و جلال یزدان در این زمان) هستم.»

آن که بی نیازی هستیم که نزاییده ام و زاییده نشده ام و برایم شریک و همسری نیست.»^۱ ایمان به بعثت، متضمن این است که خداوند مردم را پس از مرگشان زنده می گرداند و شامل ایمان به حساب، جزاء، بهشت و دوزخ نیز هست. در پایان...

همانا خداوند پس از دمیدن در صور و زنده شدن مردگان، از همه نقاط کره خاکی دستور می دهد تا در یک مکان گردهم آیند.

بنابراین،

- این مکان کجاست؟
- در آنجا چه اتفاقی می افتد؟
- دلیل این باور کدام است؟

دلیل

دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر زنده شدن پس از مرگ وجود دارد، بنابراین بر منکران تکذیب اتمام حجت شده است.

هول و هراس های روز قیامت

در روز قیامت، آسمان و زمین، به آسمان و زمینی دیگر تبدیل می شوند و حرکت نظام تمام جهان مختل می گردد و خداوند جبار برای داوری بین بندگان نازل می شود.

بنابراین،

- حال آسمانها چگونه می شود؟
- زمین چگونه تبدیل شده و چه وضعی به آن می گیرد؟
- در چنین وضعی بندگان در چه وضعی قرار می گیرند؟

خداوند ما را از هول و هراس قیامت خبر داده است، روزی که برای بندگان سخت شده و دلهایشان دچار استرس و آشفتگی می شوند.

زمین دچار زلزله شده و شکاف بر می دارد، کوها به حرکت در آمده و نابود می شوند، دریاها منفجر شده آتش می گیرند، آسمانها شکاف برداشته و به جنبش در می آیند، خورشید در هم پیچیده و بی نور می شود، ماه خاموش شده و تابش اش از بین می رود، ستارگان تیره شده و درخشش شان را از دست می دهند، و خداوند زمان را با دستش و آسمان ها را با دست راستش می گیرد.

وضعیت آسمانها و زمین در روز رستاخیز
نصوص قرآن و سنت بیانگر این مطلب هستند که
خداوند زمین را در دست گرفته و آسمانها را
درهم می پیچد.

خداوند در مورد آسمانها فرموده است: **(يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ)** ،
[الأنبياء : ۱۰۴]. «ما آسمان را در هم می پیچیم
به همان صورت که طومار نامه ها در هم پیچیده
می شود.»

(وَالسَّمَاءَ أَلْمَطُورَاتِ بَدِيمِينِهِ) ، [الزمر : ۶۷].
«و آسمانها با دست راست او در هم پیچیده می
شود.»

یعنی مانند نویسنده ای که در برگهایش می
نویسد، و چون از نگارش دست می کشد، آنها را با
دستش می پیچد، در روز قیامت همین اتفاق می
افتد و خداوند آنها را در هم پیچیده و در دستش
قرار می دهد.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله
می فرمود **يَقْدَحِيضُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَيَطْوِي السَّمَوَاتِ
بَدِيمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ، أَيْنَ مَلُوكِ
الْأَرْضِ؟** «(روز قیامت) خداوند، زمین را در
مشتاش می گیرد. سپس می فرماید: من پادشاه هستم.
پادشاهان زمین کجایند؟»

و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند آسمانها را
درهم می پیچد، و آنها را با دست راست خود می
گیرد، آن گاه می گوید: منم فرمانروا، کجایند

فرمانروایان؟ کجایند جباران؟ کجایند ستمگران؟
آن گاه زمین را با دست چپش می پیچد و می گوید:
منم فرمانروا، کجایند فرمانروایان؟ کجایند
جباران؟»^۱

وضعیت زمین

رسول خدا ﷺ در مورد وضعیت زمین فرموده است:
«زمین در روز قیامت به یک قرص نان، تبدیل می
شود و خداوند جبار آن را با دستش می گرداند و
بعنوان مهمانی به اهل بهشت، تقدیم می نماید
همانطورکه یکی از شما نانی را که در سفر می
پزد، از این دست به آن دست می کند و جمع و جور
می نماید».

پس از آن، مردی از یهودیان آمد و گفت: ای
ابو القاسم! خداوند تو را مبارک گرداند. آیا
از مهمانی اهل بهشت در روز قیامت، تو را مطلع
نسازم؟ فرمود: «بلی». آن مرد، همانگونه که نبی
اکرم ﷺ فرموده بود، گفت: زمین به یک قرص نان،
تبدیل می شود. نبی اکرم ﷺ بسوی ما نگاه کرد و
خندید تا جایی که دندانهای مبارک اش، آشکار
شد. آنگاه مرد یهودی گفت: آیا از خورش بهشتیان
تو را باخبر نسازم؟ خورش آنها بالام و ماهی
است. صحابه پرسیدند: آن، چیست؟ مرد گفت: ماهی
و گاوی هستند که از گوشه ی کبد آنها هفتاد هزار
نفر می خورند.»^۲

از بین رفتن کوهها

چون در روز قیامت در صور دمیده می شود،
زمین و همه آنچه بر آن قرار دارد از کوههای
سخت، درختان برافراشته، گیاهان و نباتات، به
یکباره برداشته شده و فاش فاش می شوند.
خداوند می فرماید: **(فَيَأْتِي نَفْخٌ فِي الصُّورِ نَفْخَةً
وَاحِدَةً * وَ حَمَلَتِ الْأَرْضُ الْوُجُوهَ الْجِبَالِ فِدَكْتًا دَكَّةً وَاحِدَةً *
فَيَدُومُنُّو قَعَتَالِوِ اقِعَّة)**، [الحاقة: ۱۳ - ۱۵].
«هنگامی که یک دم در صور دمیده شود.* و زمین و
کوهها از جا برداشته شوند و یکباره در هم

^۱- متفق علیه.

^۲- متفق علیه.

کوبیده و متلاشی گردند. * بدان هنگام است که آن واقعه (بزرگ قیامت در جهان) رخ می دهد (و رستاخیز برپا می شود).»

بنابراین، کوهها بسان ریگها و شنهای نرمی در می آیند. چنان که خداوند فرموده است: **(یوم تَرَجَفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا)** [المزمل : ۱۴]. «روزی، زمین و کوهها سخت به لرزش و جنبش در می آید و (چنان کوهها در هم کوبیده می شود که) کوهها به توده های پراکنده و تپه های ریگ روان تبدیل می گردند.»

حتی که کوهها در اثر شدت هول و هراس و اضطراب، مانند پشمهای نرم و پشم رنگارنگ حلّاجی شده در می آیند، پس از آن که سخت و سفت و ثابت بودند. خداوند می فرماید: **(وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ)**، [القارعة : ۵]. «و کوهها، همسان پشم رنگارنگ حلّاجی شده می شوند.»

و خداوند کوهها را از جایشان بر می کند و هیچ کوهی در زمین باقی نمی ماند. چنان که خداوند می فرماید: **(وَسَيَذَرُ الْجِبَالُ مَكَاثِرَ سَرَابٍ)**، [النبأ : ۲۰]. «و کوهها به حرکت انداخته می شوند (و روان می گردند و در فضا به شکل غباری در می آیند) و یک سراب بزرگی را تشکیل می دهند.»

آری، کوهها به شکل سرابی در می آیند که برای بیننده بسان آبی می ماند که چون انسان به آن نزدیک می شود، چیزی نمی یابد، سپس کوهها از بین رفته و به خاکی تبدیل می شوند که باها با آن بازی می کنند. چنان که خداوند فرموده است: **(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا * فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا)** [طه : ۱۰۵ - ۱۰۷]. «(منکران رستاخیز) از تو در باره کوهها می پرسند (که به هنگام پایان گرفتن جهان چه سرنوشتی خواهند داشت؟). بگو: پروردگار آنها را از جا می کند و (در هوا) پراکنده می دارد (و بر باد می دهد). * سپس زمین را به صورت فلات صاف و هموار و بی آب و

گیاه رها می سازد. * در آن هیچ گونه پستی و بلندی نمی بینی.»

به هنگام برپایی قیامت، وضعیت کوهها این گونه خواهد بود، اما دریاها که سه چهارم کره خاکی را به خود اختصاص داده اند، وضعیتی شگفت انگیزتر از کوهها خواهند داشت. منفجر شدن و آتش گرفتن کوهها

دریاهای بزرگ و هواناک، بسیار عمیق و رعب آور، که در درون خود وضعیتهایی هولناکتر از زندگان دارند، در روز قیامت منفجر شده و آتش می گیرند. چنان که خداوند می فرماید: **وَ إِذَا الْبِحَارُ رَفَجَت** [الانفطار : ۳]. «و هنگامی که دریاها شکاف برمی دارند و به هم می پیوندند.» منفجر شدن دریاها به معنای پر شدن آنها و پوشیدن قسمتهای خشکی است، یا این که به معنای منفجر شدن آب آن است، چون از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن تشکیل یافته است که آتش زا هستند.^۱ و آتش گرفتن آنها به معنای شعله ور شدن آتش آن است، و این ممکن است در اثر زلزله و شکاف برداشتن بخشها و قسمتهای درون دریا روی دهد که آب دریا در آن داخل می شود که مواد آتش زا آن با مایعات درون زمین برخورد کرده و در نتیجه دریاها آتش گرفته و بر سطح دریاها پدیدار می گردد.

جنبش و شکاف برداشتن آسمان در روز قیامت آسمان سخت تکان خورده و دچار اضطراب می شود، چنان که خداوند می فرماید: **(يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا)** [الطور : ۹]. «روزی آسمان سخت به تکان و جنبش می افتد و تند در هم می لولد.»

از این رو آسمان به حرکت افتاده و مانند آسیا در جای خودش به چرخش می افتد و شکاف برداشته و پاره پاره می شود. خداوند می فرماید: **(إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ)** [الانفطار : ۱]. «هنگامی که آسمان شکافته می گردد.» و نیز می

^۱ - آن گونه که امروز بمبهای اتمی و هیدروژنی منفجر می شوند.

فرماید: (وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ)، [الفرقان : ۲۵]. «روزی را که آسمان به وسیله ابر پاره پاره می گردد.»

ما نمی دانیم شکاف برداشتن آسمان به چه کیفیتی خواهد بود، اما در حقیقت حالتی بسیار وحشتناک و دشوار خواهد داشت. چنان که خداوند می فرماید: (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ * وَأَذْنُتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ) [الانشقاق : ۱ ، ۲]، «هنگامی که آسمان می شکافد. * و فرمان پروردگارش را می برد، و چنین هم می سزد و حق هم همین است.»

و نیز خداوند می فرماید: (وَ انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَ مَثْوٍ اهْبِئَةٌ) [الحاقة : ۱۶]، «و آسمان از هم می شکافد و می پراکند، و در آن روز سست و ناستوار می گردد.»

بنابراین، آسمان شکاف برداشته و سست و ضعیف می گردد، پس از آن که مستحکم و استوار بود.

در آن روز آسمان چه رنگی خواهد داشت؟ رنگ آبی و نیلگونی و زیبای آسمان در آن روز متغیر شده و به رنگهای مختلف در می آید، گاهی زرد شده و گاهی سرخ و گاهی تیره می گردد. چنان که خداوند می فرماید: (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ رَدَّةً كَالدَّهَانِ)، [الرحمن : ۳۷]، «بدان گاه که آسمان شکافته شود، و گلگون گردد همچون روغن گداخته.»

درهم پیچیده شدن خورشید به هنگام برپایی قیامت نور خورشید خاموش شده و روشنایی اش از بین می رود. لذا جمع شده و پیچیده می گردد و نورش از بین رفته و پیچیده می گردد. چنان که خداوند می فرماید: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) [التکویر: ۱]، «هنگامی که خورشید درهم پیچیده می شود.»

ممکن است مراد آیه چیزی دیگر باشد، والله اعلم.

وضعیت ماه

ماه نیز بی نور گشته و روشنایی اش از بین می رود. چنان که خداوند می فرماید: (فَإِذَا بَرِقَ البدر * و خسف القمر * و جمع الشمس و القمر *)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ * كَلَّا لَا وَزَرَ * إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ» [القيامة : ٧ - ١٢] ،
 «هنگامی که چشمها سراسیمه و آشفته می شود. * و ماه بی نور و روشنایی می گردد. * و خورشید و ماه گردآوری می گردد. * انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟ * خیر! (اصلاً گریزگاهی در میان نیست و) هیچ گونه پناهگاهی وجود ندارد. * در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است.»

و نیز مراد از آیه: **﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾** این است که جهت ماه و خورشید یکی خواهد بود و بدون این که نوری داشته باشند، از سمت مغرب طلوع می کنند.

سیارات و ستارگان

ستارگان آسمان با وجود اشکال و اجرام گوناگونشان، و علی رغم روشنایی و زیبایی شان، به هنگام برپایی قیامت، نورشان از بین رفته و تیره می گردند و جاذبه خود را از دست می دهند. چنان که خداوند می فرماید: **﴿إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾** ، [التکویر : ٢] ، «و هنگامی که ستارگان تیره و تار می گردند و فرو می افتند.»
 و نیز فرموده است: **﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾** ، [المرسلات : ٨] ، «هنگامی که ستارگان محو و تاریک می گردند.»

و در نتیجه فرو ریختن ستارگان، با جاذبه آنها دیگر ستارگان و سیاره ها نیز از هم می پاشند و فرو می ریزند. چنان که خداوند می فرماید: **﴿إِذَا الْكُوْكِبُ انْتَثَرَتْ﴾** [الانفطار : ٢] ، «و هنگامی که ستارگان از هم می پاشند و پخش و پراکنده می شوند.»

و در جایی دیگر فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاءَ وَاتُّرِضَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّه كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾** ، [فاطر : ٤١] ،

«خداوند آسمانها و زمین را نگهداری می کند و نمی گذارد (از مسیر خود) خارج و نابود شوند. هرگاه (هم بخوانند از مسیر خود) خارج و نابود

شوند، جز خدا هیچ کس نمی تواند آنها را نگاه و محفوظ دارد. خداوند بردبار و آمرزنده است.»
کدام ستارگان گرفتار این فاجعه خواهند شد؟
والله اعلم، معلوم نیست ستارگان کهکشانی ما گرفتار این فاجعه خواهند شد، یا این که همه ستارگان آسمان، و تعداد ستارگان و مواضع آنها را کسی چیز خداوند نمی داند. خداوند می فرماید:
(فَلَا أَقْسِمُ بِمَوْأِقِعِ الذَّجَرِ * وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ) ، [الواقعة : ۷۵ ، ۷۶] ، «سوگند به جایگاههای ستاره ها، و محل طلوع و غروب آنها * و این قطعاً سوگند بسیار بزرگی است.»
اما ما ایمان داریم که ستارگان بی نور شده و روشنایشان از بین می رود.
همه این حوادث و رویدادها قبل از حشر و گردآوری مخلوقات و بندگان روی می دهد و قبل از این که در میدان محشر جمع شوند. اما چگونه محشر می گردند و چه اتفاقی در سرزمین محشر روی خواهد داد؟

باور...

کرسی پروردگاران از آسمانها و زمین وسیعتر است
و هر طور که بخواهد در جهان و هستی انجام می دهد.
حشر
حشر، کلمه ای کوچک است، اما معانی بزرگی را در خود جای داده و به کثرت در قرآن و احادیث تکرار شده است.

بنابراین،

- حشر یعنی چه؟
- مردم چگونه و کجا حشر می شوند؟
- سرزمین محشر کجاست؟
- انواع و اصناف مردم در محشر چگونه خواهد بود؟

درآمد

حشر به معنای گرد آوردن اشیای متفرق و قرار دادن آنها در یک جاست. و حشر قیامت به معنای جمع آوری مخلوقات در یک مکان برای محاسبه و داوری در میان آنان است.

خداوند روز قیامت را «یوم الجمع» نامیده است. زیرا خداوند همه بندگان را در آن روز گرد می آورد. چنان که می فرماید: **(ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ)** ، [هود : ۱۰۳] ، «آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می آورند، و روزی است که مشاهده می گردد.» خداوند همگی موجودات، و اولین و آخرین آنها را گرد می آورد، چنان که می فرماید: **(قُلْ إِنَّ الْأُولَئِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ)** ، [الواقعه : ۴۹ ، ۵۰] ، «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جمعی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می شوند.»

و هیچ چیزی خداوند را عاجز و ناتوان نمی گرداند، هر جا که بندگان بمیرند و از بین بروند، خداوند آنان را از اطراف فضا، تاریکی های آب، اعماق زمین، شکم پرندگان، حیوانات و ماهیان گرد می آورد و همه ای این موارد برای الله یکسان است. چنان که خداوند می فرماید: **(أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)** [البقرة : ۱۴۸] ، «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می آورد (و به حساب همگان رسیدگی می کند). خدا بر همه چیز تواناست.»

علم خداوند، همه جا را فرا گرفته است و هیچ کسی را فراموش نمی کند، چنان که خداوند می فرماید: **(إِنَّ كُلَّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا * لَقَدْ أَحْصَاهُ وَعَدَّهُمْ عَدًّا * وَ كَلَّمَهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا)** [مریم : ۹۳ - ۹۵] ، «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده خداوند مهربان (و فرمانبردار یزدان) می باشند.»

* او همهٔ آنان را سرشماری کرده است، و دقیقاً تعدادشان را می‌داند. * و همهٔ آنان روز رستاخیز تک و تنها در محضر او حاضر می‌شوند.»

آری، خداوند مخلوقات را سرشماری کرده است، نر و ماده، بزرگ و کوچک آنان را می‌داند، کردار، گفتار و نفسهای آنان را شمار کرده و همگی در تحت قهر و سلطهٔ او قرار دارند و هر کدام به تنهایی به بارگاه الله حاضر می‌گردد و هر طور که بخواهد در میان مخلوقاتش حکیم و داوردی می‌کند. چنان‌که می‌فرماید: **وَجُشِرْنَا هَم فِلم** (نخادرمنهم أحدا) [الكهف : ٤٧]، «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم».

هر گاه رستاخیز برپا شود، خداوند همهٔ مخلوقات را در یک مکان محشور می‌گرداند.

دلایل حشر

در جاهای متعدد قرآن کریم آیاتی وجود دارد که حشر را به اثبات می‌رسانند، ما در اینجا چند مورد را ذکر می‌کنیم: **و حَشْرُنَا هُمْ فَلَمْ نَعَاذِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا** [الکھف : ۴۷]، «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می‌آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی‌گذاریم». **قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ**، [الواقعة : ۴۹ ، ۵۰]، «بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می‌شوند.» **و نَفِخْ فِي الصُّوفِ جَمْعَنَا هُمْ جَمْعًا**، [الکھف : ۹۹]، «و در صور دمیده می‌شود، و ما ایشان را به گونه‌ی شگفتی (برای حساب و کتاب در یکجا) گرد می‌آوریم.»

رسول خدا ﷺ فرمود: **يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ**، یسمیعهم الداعی وینفذهم البصر^۱، «خداوند، اولین و آخرین انسانها را در یک میدان، جمع می‌کند طوریکه صدا به همه آنها می‌رسد و چشم، همه آنها را می‌بیند.»
صفت سرزمین محشر

مخلوقات، در روز قیامت در سرزمینی سفید و صاف گرد آورده می‌شوند.

رسول خدا ﷺ فرمود **يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ أَرْضٍ بِيضَاءٍ عَفْرَاءٍ**، کقرصة نقي، لیس فیها معلوم لأحد^۲، «روز قیامت، مردم روی زمینی کاملاً سفیدکه مانند نان آرد بدون سبوس است، حشرخواهند شد. در آن زمین، هیچ کس، خط و نشانی ندارد.»

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

محل سرزمین محشر

سرزمین محشر در شام خواهد بود، زیرا آن حضرت ﷺ به سمت شام اشاره نموده و فرمود:

«به این سمت، سواره و پیاده و در حالت کشیده شده به صورتهایتان به این سمت محشر می گردید، در روز قیامت دهانتان بسته می شود و هفتاد امت خواهید بود، و شما بهترین و گرامی ترین آنها قرار خواهید گرفت، و اولین چیزی که زبان می گشاید و سخن می گوید، ران پا خواهد بود.»^۱

مقدار زمان روز قیامت

در روز قیامت بین مخلوقات داوری شده و حقایق برملا خواهد شد و در میان خصومتها و دادخواهی های بندگان قضاوت خواهد شد. آن روز، روزی بسیار طولانی، یعنی پنجاه هزار سال خواهد بود. چنان که خداوند فرموده است: **تَلْعَجُ رِجَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ** [المعارج : ۴]، «فرشتگان و جبرئیل به سوی او (پر می کشند و) بالا می روند و در مدتی که پنجاه هزار سال (معمولی برای انسانها) طول می کشد.»

در آن روز مردم همچنان در ترس و اضطراب بسر می برند، جز کسی که الله بر او رحم نموده و در امانش قرار دهد.

در اثر طول مدت آن روز، مردم مدت زمانی را که در دنیا زیسته اند، از یاد می برند، زیرا هیچ چیزی با مقدار آن روز برابری نمی کند، از این رو مردم گمان می برند که به نسبت طول روز قیامت و هول و هراس آن، جز یک ساعت از روز، در دنیا درنگ نکرده اند.

^۱ - سنن نسایی. مولف محترم به بخاری حواله داده بود ولی من آن را در بخاری نیافتم.

چنان که خداوند می فرماید: **﴿يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَبَانٍ لَّمْ يَلِدْتُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ تَتَّعَارَفُونَ فِيذِهِمْ قَد خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مَهْتَدِينَ﴾** [یونس : ۴۵]، «روزی که آنان را گرد می آورد، انگار جز ساعتی از روز نمانده اند که با همدیگر آشنا شوند به راستی کسانی زیانبارند که رویارویی با خدا را تکذیب کرده اند و راهیاب نبوده اند.»

و نیز می فرماید: **﴿يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لِيئْتُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ﴾** [الروم : ۵۵]، «روزی که قیامت برپا می شود، گناهکاران سوگند یاد می کنند که جز ساعتی در (دنیا و جهان برزخ) ماندگار نبوده اند! این چنین آنان (در دنیا توسط شیاطین) بازداشته شده اند!».

در آن صحنه، هیچ کس به دیگری توجه نمی کند، بلکه هر کس در فکر نجات خودش هست، انسان از برادر، مادر و پدر، زن و فرزندان و قبیله ای که خود را به آن نسبت می داد، و از همه اهل زمین می گریزد، تا نجات یابد، اما کسی نیست که او را نجات دهد!

وای بر هول و هراس آن روز، دوست، دوستش را از یاد می برد، و مادر، فرزند و زن حامله، بارش را فراموش می کند!

چنان که خداوند می فرماید: **﴿وَيَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِّنْ أَخِيهِ * وَإِمَةٍ وَّأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يَخْنِيهِ﴾** [عبس : ۳۴ - ۳۷]، «در آن روز که انسان فرار می کند از برادر خود. * و از مادر و پدرش! * و از همسر و فرزندان. * در آن روز هر کدام از آنان وضعی و رفتاری بزرگی دارد که او را به خود سرگرم می کند و از هر چیز دیگری یاز می دارد.»

و نیز می فرماید: **﴿يَلْبِصُونَ وَهُمْ يَوْمَئِذٍ لَو يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِنِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ *﴾**

وَفَمِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَ مَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ
يُنْجِيهِ) [المعارج : ١١ - ١٤]، «(دوستان صمیمی
و خویشاوندان نزدیک) به همدیگر نشان داده می
شوند و معرفی می گردند (اما هرکس گرفتار کار
خویشتن است) شخص گناهکار آرزو می کند کاش می
شد برای رهایی خود از عذاب آن روز، پسران خود
را فدا سازد. * همچنین همسر و برادرش را. *
همچنین فامیل و قبیله و عشیره ای که او را در
پناه خود می گرفتند. * و حتی تمام کسانی را که
در روی زمین هستند (همگی را فدا کند) تا این
که مایه نجاتش شود.»

انسان مجرم و تبه کار آرزو می کند که مادر
و فرزندانش را فدا سازد، برایش مهم نیست که
آنان هلاک شوند، بلکه مهم این است که او نجات
یابد. قطعاً روزی بسیار سخت و طاقت فرساست.
چنان که الله می فرماید: (يَوْمَ مَاءٌ بَدُوسٌ لِّمَطْرِيرٍ ا)
[الإنسان : ١٠]، «روزی بس ترشرو و سخت اخمو
خواهد بود.»

انواع حشر

قبلاً توضیح دادیم که حشر به معنای جمع کردن
و گرد آوردن است و انسانها به هنگام برپایی
قیامت بر دو دسته خواهند بود: گروه اول،
کسانی هستند که مرده اند و در قبرهایشان بسر
می برند، و دسته دوم زندگانی هستند که قیامت
بر آنان برپا می شود و با دمیدن اول در صور
می میرند.

و مسلماً قیامت بر بدترین انسانها برپا می
شود؛ زیرا قبل از برپایی قیامت، خداوند باد
پاکیزه ای را می فرستد که در اثر آن جان
مؤمنان گرفته می شود و آن گاه حشر انسانهای
زنده آغاز می گردد.

در قرآن و احادیث، کیفیت حشر و گردآوری
آنها با تفصیل بیان شده است و خداوند هیچ
راهی را برای گمان و تخمین بندگان نگذاشته
است.

بنابراین، حشر بر دو نوع است:

• نوع اول، حشر زندگان

این نوع، حشر زندگان است که از همه دنیا به سرزمین محشر، یعنی شام گردآوری می شوند که آتشی که از «**قعره العدن**» آنها را سوق می دهد و به سمت شام می برد.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: «تا زمانی که هفت نشانه بزرگ از نشانه های قیامت ظاهر نشود، قیامت برپا نمی شود، ... و آتشی که از «**قعره العدن**» بیرون می آید و مردم را به سمت محشر گرد می آورد و هر جا که آنان شب یا روز بخوابند، در آنجا توقف می کند و منتظر می ماند.»^۲

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین علامت قیامت، آتشی است که مردم را از سمت مشرق به سمت مغرب سوق می دهد.»^۳

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «شما سواره و پیاده محشر می شوید و به این سمت - و با دستش به سوی شام اشاره فرمود - بر چهره هایتان کشانده می شوید.»^۴

منظور این است که این آتش مردم را از اطراف و اکناف گیتی در یک جا و در سرزمین شام گرد می آورد، و آن گاه صور اول دمیده می شود که در نتیجه آن انسانها می میرند.

آخرین افرادی که حشر می شوند وقتی این آتش به سمت مردم می آید و آنان را سوق می دهد، طبق معمول خودشان، مشغول امور زندگی و کار و بارشان هستند که ناگهان این

^۱ - این مطلب را در کتاب پایان جهان با تصویر و نقشه توضیح داده ام.

^۲ - مسلم.

^۳ - این آتش از قعره عدن بیرون می آید و شعله ور می شود و دامنه آن در زمین امتداد پیدا می کند، لذا مردم از دست آن فرار می کنند و به سمت شام می آیند، و چندین شبانه روز این آتش آنان را دنبال می کند و هر جا که آنان جهت استراحت و خوابیدن توقف نمایند، آن آتش نیز توقف می کند.

^۴ - صحیح بخاری.

^۵ - احمد، ترمی و حاکم با سند صحیح، مراد سرزمین شام است که بندگان به سوی آن گردآورده می شوند.

آتش به سراغشان می آید. رسول خدا ﷺ از آخرین افرادی که حشر آنان انجام می پذیرد، خبر داده و می فرمایند:

«و آخرین کسانی که حشر می شوند دو چوپان از طایفه مزینه خواهند بود که با گوسفندانشان به سوی مدینه می روند و گوسفندانشان را فریاد می زنند ولی آنها را وحشی می بینند، و هنگامیکه به ثنیه الوداع می رسند، به چهره، بر زمین می افتند و بیهوش می شوند»^۱.

بنابراین، رسول خدا ﷺ توضیح دادند که این دو چوپان مشغول چرای گوسفندان هستند و آنها را فریاد می زنند، ولی متوجه می شوند که آنها وحشی شده اند و از صاحبشان فرار می کنند در حالی که قبلاً با آنان مانوس بودند و به حرفشان گوش می دادند. لذا این دو چوپان به سمت شمال و شام می روند و از کنار مدینه منوره عبور می کنند و وقتی به ثنیه الوداع^۲ می رسند، بر زمین افتاده و بیهوش می شوند.

این نوع اول از حشر بود که زندگان محشور گشته و به سمت محشر سوق داده می شوند، اما مردگانی که در قبورشان بسر می برند، آنان نوع دیگری از حشر دارند.

• نوع دوم، حشر مردگان

^۱ - بخاری، مزینه یکی از قبایل عربی است که تاریخشان در جاهلیت و اسلام مشهور است و بسیاری از صحابه و تابعین و شعرا به این قبیله منتسب هستند.

^۲ - مترجم محترم مختصر صحیح بخاری جمله: فَيَجِدَانَهَا وَحَشًا، را ترجمه کرده اند: آن را پر از جانوران وحشی می بینند، در صورتی که دکتر عربی می گویند: مراد از حدیث این است که گوسفندانشان به صورت وحشی در می آیند. مترجم

^۳ - ثنیه، به مکان مرتفع می گویند. مورخان در حقیقت این مکان اختلاف دارند؛ چون ثنیه در لغت راهی را می گوید که در کوه باشد و اماکن زیادی در مدینه منوره وجود دارد، چنان که یکی در جبل السلع وجود دارد و مسافرانی که از سمت خیبر، تبوک و شام به سوی مدینه می آیند، از آنجا رد می شوند و نیز کسانی که به سمت دانشگاه اسلامی مدینه و دانشکده تربیت می روند، از آنجا می گذرند، و قابل تشخیص نیست جز ارتفاعات اندکی که در اطراف آن وجود دارد و امروزه که آن منطقه آسفالت شده، خیلی کم برای مردم واضح می گردد؛ چون زمین مسطح شده است؛ اما در عین حال آن منطقه برای مردم مدینه به ثنیه الوداع مشهور است، هر چند که دیگران آن را با این نام نمی شناسند.

پس از آن که در صور اول دمیده می شود، و مدت زمانی به مقدار چهل، می گذرد، آن گاه خداوند بارانی را از زیر عرش فرود می آورد، در اثر آن اجساد بندگان که در اطراف و گوشه های دنیا در زمین دفن هستند، می رویند.

و آن گاه که رشد اجساد آنان کامل می گردد، در صور دوم دمیده می شود، آن وقت مردگان از قبرهایشان بیرون می آیند، و به سرزمین محشر سوق داده می شوند تا با زندگانی که با صور اول مرده اند، ملاقات کنند.

کیفیت حشر مخلوقات

همه موجودات، اعم از انسانها، حیوانات، پرندگان، آبزیان، بزرگ و کوچک، مسمان و کافر، همگی محشور شده و برای روزی که در آن تردیدی نیست، گردآوری می شوند.

خداوند می فرماید: **(ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ)** ، [هود: ۱۰۳] ،

«آن روزی که مردمان را در آن (برای حساب و کتاب) گرد می آورند، و روزی است که (از سوی مردمان و فرشتگان و پریان) مشاهده می گردد.»
و نیز خداوند می فرماید: **(قُلْ إِنْ الْإُولَئِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ)** ، [الواقعة: ۴۹ ، ۵۰] ،

«بگو: پیشینیان و گذشتگان، و پسینیان و آیندگان. * قطعاً جملگی در وعده گاه روز معین (رستاخیز) گرد آورده می شوند.»

و خداوند عزوجل ذات بزرگ و با عظمتی است و چیزی او را ناتوان نمی کند، و هر کجا بندگان بمیرند و نابود شود، خداوند می تواند آنان را گرد آورد. چنان که می فرماید: **(إِئْتِنَا مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَدْلِيٌّ كَلِّشِيءٍ قَدِيرٌ)** ، [البقرة: ۱۴۸] ، «هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می آورد (و به حساب همگان رسیدگی می کند). خدا بر همه چیزی توانا است.»

خداوند متعال انواع حشر را توضیح داده است که برخی از آنان عبارتند از:

• محشور ساختن همه مخلوقات

خداوند متعال می فرماید: **وَإِشْرَافَهُمْ فَلَمْ تُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا**، [الكهف: ٤٧]، «و همگان را (برای حساب و کتاب) گرد می آوریم و کسی از ایشان را فرو نمی گذاریم.»

• محشور ساختن حیوانات و وحوش

خداوند می فرماید: **وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ**، [التكوير: ٥]، «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می شوند.»

• محشور شدن مجرمان و جنایت کاران

نافرمانانی که انواع گناه و جنایت را مرتکب شده اند، چه آن گناهشان به حد کفر رسیده باشد، یا خیر، اما در هر صورت حشرشان سخت و دشوار خواهد بود و از هول آن صحنه چشمانشان کبود و نیلگون خواهد بود.

خداوند می فرماید: **وَإِنَّ حَشْرَ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا**، [طه: ١٠٢]، «و گناهکاران را کبودرنگ در آن روز (در گستره رستاخیز) گرد می آوریم.»

• حشر ستمگران و امثال آنان

چنان که در آن روز زناکاران با زناکاران، و رباخواران با هم نوعان خودشان و... محشور خواهند شد، خداوند در این مورد می فرماید: **إِجْشِرُوا الْبِذِينَ ظَلَمُوا أَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ * مِنْ دُونِ الْأَفْئِدَةِ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ**، [الصافات: ٢٢، ٢٣]، «(ای فرشتگان من!) کسانی را که به خود ستم کرده اند، به هم کیشانان، و به همراه آنچه غیر از خدا می پرستیده اند، جمع آوری کنید. آن گاه آنان را به راه دوزخ راهنمایی کنید (تا بدان در آیند).»

• آیا حیوانات هم محشور خواهند شد

پاسخ: آری، حیوانات نیز در روز قیامت، مانند سایر مخلوقات محشور می گردند. خداوند می

فِرْمَايِدُ: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ)، [الأنعام: ٣٨]،

«و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند وجود ندارد مگر این که گروههایی همچون شمايند، هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم، پس آنان در پیشگاه پروردگارشان جمع آورده می شوند.»

و نیز خداوند در مورد حشر حیوانات وحشی فرموده است: ﴿إِذَا الْوَحْشُ حَشَرَ﴾، [التکویر: ٥]، «و هنگامی که ددان و جانداران گرد آورده می شوند.»

و نیز فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءٌ قَدِيرٌ﴾، [الشوری: ٢٩]، «برخی از نشانه های (پی بردن به خدا و قدرت) او، آفرینش آسمانها و زمین و همه جنبندگانی است که در آن دو پدیدار و پراکنده کرده است، و او هر وقت که بخواهد می تواند آنها را گرد آورد.»

لازم نیست که در گرد آوردن حیوانات، مانند انسانها، کیفر و پاداشی در کار باشد، یا وارد بهشت یا دوزخ شوند، بلکه حشر آنان صرفاً جهت قصاص گرفتن از همدیگر در میدان محشر خواهد بود، مانند این که گوسفند شاخ داری به گوسفند بی شاخ حمله کرده و به او ضربه زده است که قصاص می شود، و آن گاه به آنها گفته می شود: خاک شوید و آنان به خاک تبدیل می شوند.

رسول خدا ﷺ می فرماید: لَتَتَوَدَّنِ الْحَقِيقُ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجِلْدَاءِ، مِنْ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ^١ «حق هر صاحب حقی به صورت کامل به آن داده می شود، تا جایی که قصاص گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار گرفته می شود.»

^١ - صحیح مسلم (٤ / ١٩٩٧).

- مراد از وحشت بزرگتر (الفرع الاكبر) چیست

پاسخ: مراد مصیبتی است که بندگان به آن گرفتار می آیند، اما نیکوکاران مانند دیگران گرفتار آن مصیبت نخواهند بود؛ زیرا آنان آمادگی آن روز را گرفته اند و خود را برای دیدار الله آماده کرده اند.

چنان که خداوند می فرماید: (إِنِّي نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمَ إِدْوِاسِ قَمَطِرٍ يَبْرِئُ الْيَدِومِ لِقِيَاهِمْ نَضْرُقُ سُرُورًا وَ جَزَاهُمْ بِمَلَكٍ وَ جَذْوِ حَرِيرٍ) ، [الإنسان: ۱۰ - ۱۲] ،

«ما (از عذاب) پروردگاران می ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشرو و سخت احمویی (که قیامت نام دارد). * به همین خاطر، خداوند آنان را از شرّ و بلاى آن روز محفوظ می دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می رساند. * و در برابر صبری که نموده اند، خداوند بهشت و جامه ابریشمین را پاداششان می کند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: (خداوند فرموده است: سوگند به عزت و جلال من! هیچ گاه برای بنده ام، دو امنیت یا دو خوف و ترس را جمع نمی کنم. اگر او در دنیا از من در امان باشد، در روزی که بندگانم را گرد می آوردم، او را می ترسانم. و اگر او در دنیا از من بترسد، در روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را در امن و امان قرار می دهم.»^۱

پرچم پیامبر ﷺ در میدان محشر یکی از گرامی داشت های خداوند نسبت به پیامبران ﷺ در میدان محشر این است که سایر پیامبران در زیر لوی او قرار خواهند گرفت، بنابراین، پیامبر ما ﷺ امام و خطیب و صاحب شفاعت پیامبران در سرزمین محشر خواهد بود.

^۱ - مسند الشاميين (۴۶۲)، الصحيحه (۷۴۲)، صحيح الجامع (۴۳۳۲). این حدیث صحیح لغیره است.

چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُنَيْتُ إِمَامَ الذِّيذِيْفِ خَطِيْبِهِمْ وَصَاحِبَ شَفَاعَتِهِمْ ، غَيْرَ فَخْرٍ.»^۱ «چون روز قیامت فرا می رسد، من امام، خطیب و صاحب شفاعت پیامبران قرار خواهم گرفت و بر این امر افتخار نمی کنم.»

و نیز در روز رستاخیز، لوای حمد را به دست خواهد گرفت و تمام پیامبران تحت لوای او قرار می گیرند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «من سرور فرزندان آدم هستم و در این فخری نیستم، و لوای حمد به دست من خواهد بود و بر این افتخار نمی کنم، و هیچ پیامبری از زمان آدم تا آنان که پس از او آمده اند، نخواند بود، مگر این که زیر لوای من قرار می گیرند و در این هم فخری نیستم و من نخستین کسی خواهم بود که زمین از وی شکافته می شود و در این هم فخر نیستم.»^۲

حال و وضع انسانها در میدان محشر روز حشر، روزی طولانی، دشوار و بزرگ خواهد بود و مردم وضعیتهایی گوناگون و متفاوت خواهند داشت، اما همگی در وضعیتی که رسول خدا ﷺ آن را بیان کرده است، خواهند بود.

آن حضرت ﷺ فرمود: «شما پا برهنه، عریان و ختنه نشده، حشر خواهید شد.» سپس، این آیه را تلاوت کرد: (كَمَا بَلَلْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدَا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ) یعنی همانگونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده ای است که ما می دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت.»^۳

در احادیث آمده است که انسان با همان لباسهایی که از دنیا رفته است، مبعوث خواهد

^۱ - سنن الترمذی و مسند احمد.

^۲ - ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح.

^۳ - متفق علیه.

شد. چنان که روایت شده است که وقتی ابوسعید خدری در حالت احتضار قرار گرفت لباسهای جدیدی خواست و گفت: از رسول خدا ﷺ شنیده ام که فرمود: «مرده با همان لباسهایی که در آنها مرده است، مبعوث می شود.»^۱ و در حدیث قبلی آمده بود که لخت محشور می گردند.

بنابراین، چگونه این دو حدیث متعارض با هم جمع می شوند؟

پاسخ این است که خداوند آنان را لخت و عریان محشور می کند و سپس وقتی خداوند آنان را در روز قیامت لباس می پوشاند، نخستین لباسی که می پوشند، از جنس همان لباسی بود که به هنگام مرگ آن را پوشیده اند.

و نیز در جواب این سؤال گفته شده است که منظور این حدیث شهیدان هستند، چنان که رسول خدا ﷺ دستور دادند: آنان را در همان لباسهایی که جان داده اند، دفن کنید، زیرا با همان لباسها حشر می شوند تا از دیگران تشخیص داده شوند.

و نیز برخی گفته اند: این اجتهاد حضرت ابوسعید در فهم این حدیث بوده است، زیرا مراد از لباس در این حدیث اعمال نیکی است که در دنیا انجام داده است. چنان که خداوند می فرماید: **(ثِيَابُكَ فَطَهِّرْ)**، [المدثر: ۴]، «و جامه خویش را پاکیزه دار».

یعنی اعمال را پاکیزه نگه دار، زیرا انسان بر هر عملی که جان داده است، محشور می گردد، و اگر عملش نیک بوده است، عاقبتش نیز خیر خواهد بود و اگر عملش بد بوده است، سرانجامش نیز بد خواهد بود.

^۱ - روایت از ابوداود با سند صحیح.

این فرمودهٔ نبوی این گفتهٔ ما را تایید می کند: **«يَدْعُ كُلُّ عَبْدٍ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ»**^۱، «بنده بر همان چیزی که مرده است، زنده می شود.» از این رو مستحب است که کسی که در حالت احتضار قرار دارد، کلمه **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»** تلقین داده شود تا آخرین کلمه اش از این دنیا باشد و با همین کلمه زنده شود.

وقتی انسانها عریان حشر می گردند، آیا می توانند به همدیگر بنگرند یا خیر؟

پاسخ: وقتی حضرت عایشه رضی الله عنها این حدیث را از آن حضرت ﷺ شنید، گفت: یا رسول الله! همهٔ زنان و مردان این گونه خواهند بود؟ آیا به همدیگر نگاه نمی کنند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «ای عایشه! در آن روز وضعیت سختتر از این خواهد بود که به همدیگر بنگرند.»^۲

یعنی چنان ترس و وحشتی بر دلهای آنان حکمفرما خواهد بود، که هر کس به خودش مشغول بوده و به دیگری می نگرد.

شدت وحشت مردم

رسول خدا ﷺ در آن روز حال و وضع مردم را این گونه بیان داشته و می فرماید:

«در روز رستاخیز، خورشید به مخلوقات به اندازهٔ یک میل نزدیک می شود و مردم به میزان اعمالشان در عرق فرو می روند، برخی تا پاشنهٔ پاها، و گروهی تا زانوها، عده ای تا کمر، و جمعی سرتا پا غرق در عرق خواهند بود.»^۳

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: **«يَعْرِقُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَذْهَبَ عَرَقُهُمْ فِي الْأَرْضِ سَبْعِينَ ذِرَاعًا، وَيَلْهَمُ حَتَّى يَبْلُغَ أَذَانَهُمْ»**^۴. «روز قیامت، مردم

^۱ - صحیح مسلم (۴/ ۲۲۰۶).

^۲ - صحیح مسلم.

^۳ - صحیح مسلم. سلیم بن عامر که یکی از راویان حدیث است، در توضیح مقدار میل می گوید: به خدا قسم که من نمی دانم، مراد از میل مسافت زمین و آسمان است یا میلی است که با آن چشمها را سرمه می کنند.

^۴ - بخاری / ۶۵۳۲.

به اندازه ای عرق می کنند که عرق به گوشه‌هایشان می رسد و هفتاد ذراع در زمین فرو می رود».

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «بعضی از مردم، چنان بر می خیزند که تا بناگوش خود، عرق در عرق خواهند بود».^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز رستاخیز خورشید به اندازه یک میل یا دو میل نزدیک می شود، و آنان را ذوب می کند».^۲

در آن روز مؤمنین چه وضعیتی خواهند داشت

با وجودی که ترس و وحشت شدیدی در میدان محشر حکمفرماست و هر کدام از دیگری اظهار بی‌زاری می کند، اما با این حال مؤمنان وضعیت متفاوتی خواهند داشت، زیرا فرشتگان گرانقدر با آنان ملاقات می کنند و وحشت آنان را آرام می کنند و بر دل‌هایشان سکون و اطمینان می بخشند.

چنان که خداوند می فرماید: «لَا يَجْرُؤُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ كَمْ كُنْتُمْ تَوْعَدُونَ»، [الأنبياء: ۱۰۳]، «هراس بزرگ (رستاخیز نه تنها) ایشان را غمگین نمی سازد، و بلکه فرشتگان (و برای تبریک و شاد باش) پذیرایشان می گردند (و بدیشان می گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.»

آری، این بدان جهت خواهد بود که در دنیا دل‌های این افراد مملو از ترس و خوف خداوند بوده و از عظمت شأن خداوند ملامت بود و خود را برای ایستادن در بارگاه الله آماده کرده بودند.

و نیز خداوند می فرماید: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمَ مَاءٍ بَدُوسٍ أَمْطَرِيرًا»، [الإنسان: ۱۰]، «ما (از

^۱ - متفق علیه.

^۲ - سنن ترمذی، یعنی خورشید چنان به آنان نزدیک می شود که پی‌های بدنشان ذوب شده و در عرق، غرق می شوند.

عذاب) پروردگاران می ترسیم؛ از (عذاب) روز بس ترشو و سخت احمویی (که قیامت نیامد).»^۱ و نیز می فرماید: «**وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنُّوا**»، [المعارج: ۲۷، ۲۸]، «کسانی که از عذاب پروردگارشان بیمناک و ترسانند. * آخر، عذاب پروردگارشان امان نمی دهد (کسی را که در آن بیفتد).»

و نیز می فرماید: **فَوَقَّاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرًا وَسَرُورًا**، [الإنسان: ۱۱]، «به همین خاطر، خداوند آنان را از شر و بلاي آن روز محفوظ می دارد، و ایشان را به خرمی و شادمانی می رساند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند می فرماید: به عزت و جلال سوگند که من دو ترس یا امنیت را در بنده ام جمع نمی کنم. اگر او در دنیا از من در امان قرار گرفت، روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را می ترسانم، و اگر او در دنیا از من ترسید، روزی که بندگانم را گرد می آورم، او را امنیت و آرامش نصیب می گردانم.»^۱

چگونگی حشر کفار

هر انسان در روز رستاخیز، بر حسب اعمالش محشور می گردد، لذا حشر مؤمنان آسان و حشر کفار سخت خواهد بود، بلکه در اثر شدت خشمی که بر کفار طاری خواهد شد و دلهره شدید و سختی بزرگش که آنان را فرا خواهد گرفت، برخی از آنان چنان بر می خیزند که ذلت و رسوایی آنان نمایان است.

برخی از کفار بر چهره هایشان محشور می گردند. خداوند می فرماید: **وَنُلَاحِظُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ وَجُوهِهِمْ عَمِيًّا وَبَكْمًا وَصَمَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ كَلِمًا خَبِيثًا نَاهِمٌ سَعِيرٌ**، [الإسراء: ۹۷]،

^۱ - روایت ابونعیم با سند صحیح.

«و ما در روز رستاخیز ایشان را بر روی رخساره (کشانده و) کور و لال و کر (از گورها) جمع می گردانیم (و به صحرای محشر گسیل می داریم). جایگاهشان دوزخ خواهد بود. هر زمان که زبانه آتش (به سبب سوختن گوشت و استخوان ایشان) فروکش کند، (با تجدید گوشت و استخوانشان) بر زبانه آتششان می افزاییم.»

حضرت انس رضی الله عنه می گوید: مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله! آیا کافر بر چهره اش محشور می گردد؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، کسی که در دنیا قادر است او را بر پاهایش حرکت دهد، در روز قیامت قادر خواهد بود تا او را بر چهره اش به حرکت در آورد.»^۱

همچنین کفار در قیامت تشنه حشر خواهند شد. چنان که خداوند می فرماید: **وَأَسْوَقَ الْمَجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِثًا**، [مریم: ۸۶]، «و گناهکاران را (همچون شتران تشنه ای که به سوی آبشخور به سرعت بروند) تشنه کام به سوی جهنم می رانیم»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی شفاعت حال کفار و مشرکانی که غیر الله را می پرستیدند، این گونه بیان فرموده است:

«خداوند به آنان می گوید: چه می خواهید؟ می گویند: خدایا! تشنه ایم. آن گاه به آنان اشاره می شود: آیا آب نمی نوشید؟ و آن گاه به دوزخ که بسان سرابی است و آن را آب می پندارند، و خود را در هم می شکنند، محشور می گردند و آن گاه در آن فرو می افتند.»^۲

نخستین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

اولین کسی که در روز قیامت لباس پوشانده می شود، حضرت ابراهیم خواهد بود. چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «شما پا برهنه، عریان و ختنه نشده، حشر خواهید شد». سپس، این آیه را تلاوت کرد: **كُنَّا فَاعِلِينَ** یعنی: «همانگونه که در بدو آفرینش شما را خلق کردیم، بار دیگر شما را زنده خواهیم کرد. این وعده ای است که ما می دهیم. قطعاً ما این وعده را عملی خواهیم ساخت.» و اولین کسی که روز قیامت، لباس پوشانیده می شود، ابراهیم است.^۱

و نیز خداوند مؤمنان را لباس می پوشاند؛ زیرا آنان در نزد خداوند گرامی تر از این هستند که عریان باشند؛ لذا بر حسب اعمالشان از لباسهای گرانبایه پوشانده می شوند و سواری و مرکبهایی برایشان تدارک دیده می شود که هر کس را به جایگاه آرام و محل عزت و کرامت می رسانند.

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود

نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، پدرمان، آدم خواهد بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین کسی که در روز قیامت فرا خوانده می شود، آدم هست، آن گاه به فرزندانش نشان داده می شود و گفته می شود: «این پدرتان، آدم است. آدم می گوید: خدایا، حاضرم و خیر و خوشبختی از آن توست، الله تعالی می گوید: کسانی از نسل تو که به دوزخ می روند، بیرون کن، آدم می گوید: خدایا! چقدر از آنان را بیرون کنم؟ خداوند می گوید: از هر صد نفر، نود و نه نفر را بیرون کن! آن گاه صحابه پرسیدند: یا رسول الله! وقتی از میان هر صد نفر ما، نود و نه نفر راهی دوزخ شوند، پس چه چیزی از ما باقی می ماند؟ رسول

^۱ - متفق علیه.

خدا ﷻ فرمود: همانا امت من در میان امت های دیگر مانند موی سفیدی در گاو سیاهی خواهد بود.^۱

اعمالی که سختی محشر را آسان می کند

با وجود این سختی های در میدان محشر، انسانها به اموری نیاز دارند تا آن سختی ها و هول و هراس ها را برایش تخفیف دهد.

در روایات آمده است که برخی اعمال سبب ورود بهشت شده و ترازوی اعمال را سنگین می کنند، و در تخفیف سختی های میدان محشر نقش دارند.

اعمال مؤمنان متفاوت خواهد بود، چنان که در برخی نصوص آمده است که برخی از اعمال وقوف و ایستادن در میدان محشر را آسان می کنند. بنابراین، برخی از مؤمنان شامل این افراد خواهند بود:

برخی از مؤمنان کسانی خواهند بود که خداوند آنان را در آن روز سخت، طولانی، وحشتناک و بسیار گرم در زیر سایه خود جای می دهد، روزی که مردم سخت در عرق غرق شده اند، خداوند برخی از مؤمنان را جدا می کند و آنان را در زیر سایه عرش جا می دهد. در این مورد احادیث فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: «خداوند، هفت گروه را روزی که هیچ سایه ای جز سایه او وجود

^۱ - صحیح بخاری. یعنی چون آدم ابوالبشر قرار دارد، خداوند این دستور را به وی می دهد، و صحابه با شنیدن این سخن که از هر هزار نفر یک نفر نجات می یابد، سراسیمه و نگران شدند که آن یک نفر نجات یافته چه کسی خواهد بود. از این رو رسول خدا ﷺ فرمود که آنان در مقایسه با امتهای دیگر اندک خواهند بود.

برخی از اهل علم گفته اند: مراد کسانی هستند که بر اثر گناهانشان شایستگی آن را دارند تا وارد دوزخ شوند، اما برخی از آنان مورد آمرزش قرار گرفته و عده ای مورد شفاعت قرار می گیرند، یا برخی ابتدا وارد دوزخ می شوند و سپس برای همیشه به بهشت وارد می شوند.

ندارد، در زیر سایه خود، جای می دهد. ۱ -
فرمانروای عادل. ۲ - جوانی که در سایه اطاعت
و بندگی خدا، رشد یافته باشد. ۳ - کسی که
همواره دل بسته مسجد باشد. ۴ - دو مسلمانی که
صرفاً بخاطر خوشنودی الله با یکدیگر دوست باشند و
بر اساس آن، با هم جمع یا از یکدیگر جدا می
شوند. ۵ - کسی که زنی زیبا و صاحب مقام، او را
به فحشاء بخواند ولی او نپذیرد و بگوید: من از
خدا می ترسم. ۶ - کسی که با دست راستش طوری
صدقه دهد، که دست چپش نداند. ۷ - کسی که در
تنهایی بیاد خدا باشد و از ترس او، اشک
بریزد».

کسانی که فقط برای خوشنودی الله با هم دوستی و
رفاقت برقرار می کنند

آنان که صرفاً همدیگر را برای رضای الله دوست می
دارند، نه به خاطر مال، رنگ، پست و مقام یا
منفعت دنیوی.

رسول خدا ﷺ فرمود: «الله تعالی در روز قیامت می
فرماید: کجایند کسانی که به خاطر شکوه و جلال
من با همدیگر محبت می کردند؟ امروز آنان را در
زیر سایه ام که جز آن سایه ای نیست، جای می
دهم.»^۲

تاجری که به تنگدست مهلت می دهد یا قرضش را
می بخشد

ترحم بر فقیر و سخت نگرفتن وی، دارای فضیلت
است، و از جمله این ترحم، مهلت دادن آن و
مطالبه نکردن دین و قرض از اوست، تا این که

^۱ - صحیح بخاری، البته مقصود حدیث این نیست که فقط همین هفت نفر در زیر سایه عرش قرار می
گیرند و بس؛ زیرا احادیث فراوانی آمده است که خداوند افراد دیگری را نیز در زیر سایه عرش جای
خواهد داد و علامه ابن حجر صفات افرادی را که در زیر سایه عرش قرار می گیرند، در کتاب «معرفة
الخصال الموصلة الى الظلال» آنها را ذکر نموده است.

^۲ - صحیح مسلم.

فرستی برای پرداخت دینش بیابد و یا این که بخشی از آن را از عهده مستمند درگذرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس تنگدستی را مهلت دهد یا قرضش را ببخشد، خداوند در روز قیامت او را در زیر سایه قرار می دهد.»^۱

و نیز در روایت دیگری فرموده است: «هر کس دین مدیونش را فرو گذارد، یا آن را ببخشد، روز قیامت در زیر سایه عرش خواهد بود.»^۲

کسی که بر تنگدست آسان می گیرد

این فرد مشابه شخص قبلی است، وی فرد تاجری است که با فقرا ملاطفت و نرمی می کند، و در مطالبه دیونش سختگیری نمی کند، و بلکه بخشی از مالش را به آنان می بخشد.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می گفت: فرمود: «خداوند در روز قیامت فردی را می آورد که به او مال داده است، و به او می گوید: تو در چه کردی؟ می گوید: خدایا! من کاری نکردم، جز این که تو به من مال عطا کردی و من با آن با مردم خرید و فروش کردم، و اخلاق من این بود که من بر توانگر آسان می گرفتم و تهیدست را مهلت می دهم. خداوند می فرماید: من به این کار سزاوارترم، آن گاه فرماید از بنده ام درگذرید.»^۳

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مردی اصلاً کار نیک انجام نداده است، وی در دنیا با مردم معامله قرضی انجام داده و به قاصدش (منشی) گفته است: از هر کسی توانگر بود، بگیر و هر کسی را که تهیدست بود، رها کن و از او درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. وقتی از

^۱ - صحیح مسلم و احمد.

^۲ - مسند احمد.

^۳ - مستدرک حاکم با اسناد صحیح و اصل روایت در صحیحین موجود است.

دنیا می رود، خداوند می گوید: آیا کار خیری انجام داده ای؟ می گوید: خیر، مگر این که من برده ای داشته ام و با مردم معامله قرضی انجام داده ام و به او سفارش کرده ام که از توانگران بگیر و تهدستان را رها کن و از آنان درگذر، شاید خداوند از ما درگذرد. خداوند می فرماید: من هم از تو گذشته ام.»^۱

هر کسی که در صدد برآورده ساختن نیاز برادرش است

خداوند مردم را متفاوت آفریده است، برخی را توانگر و عده ای را تهیدست، برخی را نیرومند و جمعی را ضعیف قرار داده و برخی ارتباطات قویتری داشته و آشنایان فراوانی دارند و عده ای بر عکس.

بنابراین، هر کس را که خداوند به نعمتی برتری داده است، باید با کسانی که خداوند آنان را از این نعمت محروم ساخته است، مساعدت نماید، تا خداوند او را در زیر سایه اش جای دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس، یک سختی از سختی های دنیوی را از مؤمنی بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی های قیامت را از وی دور می سازد، و هر کس بر تهیدستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بنده اش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک برادرش باشد.»^۲

دادگران

^۱ - نسائی، ابن حبان و حاکم با سند صحیح.

^۲ - صحیح مسلم.

عدالت، صفت بزرگان، و اخلاق حکیمان است، و هر کس بدان عمل نماید، سودمندی همنشین و توفیق یارش خواهد بود، درونش در دنیا آرام بوده و منزلتش در آخرت بالا خواهد بود، دشمنان و بدخواهانش اندک و دوستان و محبانش فراوان خواهند بود.

اما ستمگری، صفت ابلیس، و زداینده پاکی و قداست است، سرانجامش وخیم و پایانش بی اساس است، صاحبش را نابود و انجام دهنده اش را از پای در خواهد آورد.

خداوند چنان با عدالت و دادگری محبت دارد که عادلان و دادگران را در روز قیامت از دیگران متمایز و جدا می گرداند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا دادگران در نزد خداوند، بر منبرهایی از نور، در جانب راست خداوند - که هر دو دست خداوند راست هستند - قرار خواهند گرفت، آنان که در داوری و اهلشان وقتی متولی آن قرار گیرند، عدالت می کنند.»^۱

آنان عدالت را پیشه می کنند در:

- داوری شان، وقتی در میان خصومتگران حکم و داوری کنند،
- خانواده شان، بر همسر و فرزند ستم نمی کنند،
- آنان که در تحت سرپرستی و تکفل آنان قرار دارند، از قبیل فرمانروایان، رؤسای دولتها، مدیران شرکتهای، مدارس، و...

^۱ - روایت مسلم.

بنابراین، این افراد اگر عدالت را پیشه کنند، خداوند آنان را بر منبرهایی از نور بالا خواهد بود.

فرو برندگان خشم

خشم صفت بد و مذموم است و سرانجام بدی خواهد داشت. رسول خدا ﷺ به یکی از یارانش توصیه می کرد و پیوسته به او می فرمود: «خشم نگیر، خشم نگیر، خشم نگیر». ^۱ چون از عاقبت خشم خبر داشت.

زیرا چقدر مشاهده شده است که خشم، دوستان را از هم جدا کرده، و جانها را نابود ساخته، و درگیری و اختلاف را رواج داده است!

و تردیدی نیست که انسان خردمند و شجاع کسی است که نفسش را کنترل کند و به هنگام خشم و غضب بر آن تسلط داشته باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «پهلوان آن نیست که طرف را بر زمین بزند، بلکه پهلوان کسی است که به هنگام خشم نفسش را مهار کند.» ^۲

بنابراین، آنان که خشمشان را فرو برده و درون خود را کنترل می کنند، خداوند در روز آخرت آنان را جزا می دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که خشمش را فرو می برد، در حالی که می تواند، آن را به اجرا در آورد، خداوند در روز رستاخیز در جمع تمام خلائق او را فرا می خواند، و به او اختیار می دهد که هر کدام از حوریان عین را برای خود انتخاب نماید.» ^۳

مؤذنان

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - سنن ترمذی.

اذان گفتن، نوعی عبادت و تقرب الی الله است، و اگر مردم فضیلت اذان را می دانستند به سوی آن می شتافتند و حتی برای آن قرعه می انداختند؛ چرا چنین فضیلتی نصیب مؤذن نباشد، در صورتی که او ندای توحید را بلند می کند و آن را در میان مردم آشکار می سازد؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت گردن مؤذنان از دیگران درازتر خواهد بود.»^۱

دراز بودن گردن در جمال و زیبایی می افزاید، و این زیبایی برازنده کسی است که عمل شایسته اذان را بر عهده دارد، چنان که کلمات توحیدی اذان را به گوش مردم می رساند و آنان را به سوی نماز فرا می خواند و در روز قیامت، هر موجود تر و خشکی در دنیا که اذان را شنیده است، برای مؤذن گواهی می دهد.

حضرت ابوسعید خدری رضی الله عنه به عبدالرحمن بن صعصعه گفت: «من می بینم که تو با گوسفند و بیابان دوستی و علاقه داری، پس هر گاه با گوسفندان یا در بیابان بودی و برای نماز اذان گفتی، صدایت را بلند کن؛ زیرا هر جن و انس و هر چیزی که صدای مؤذن را بشنود، در روز قیامت برای او گواهی می دهد.»^۲

کسانی که در اسلام پیر شوند

ثبات و پایداری بر اسلام و مردن بر آن، سعادت بسیار بزرگی است؛ خداوند می فرماید: **إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**، [آل عمران: ۱۰۲]، «ای کسانی که ایمان آورده اید، آن چنان که باید از خدا ترسید، از خدا بترسید و شما (سعی کنید که) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید.»

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - صحیح بخاری.

خداوند دستور داده تا سالخوردگان را گرامی داشته و جایگاهشان را پاس داریم.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر جوانی، سالخورده ای را به خاطر سنش گرامی دارد، خداوند کسی را می گمارد که در سن پیری او را گرامی دارد.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مسلمان پیر، حافظ قرآن که در آن زیاده روی و کوتاهی نکرده است، و پادشاه عادل را گرامی بدارد، خداوند را گرامی داشته است.»^۲

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر کوچکان ما رحم نکند و بزرگان ما را احترام نکند، از ما نیست.»^۳

خداوند مسلمان پیر را در روز قیامت گرامی می دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مویش در اسلام سفید شود، در روز قیامت برایش نوری خواهد شد.»^۴

وضوگیرندگان

وضو، کلید نماز، تلاوت قرآن، طواف و بسیاری از عبادتهاست، و جز مؤمن کسی بر وضو محافظت نمی کند.

وضو گرفتن شعار امت اسلام است، و وضو گیرندگان زمانی که در پیشگاه پروردگارشان بایستند، اثر وضوی خویش را می بینند.

رسول خدا ﷺ در حالی که از احوال مردم در روز قیامت سخن می گفت: فرمود: «امت من روز قیامت فرا خوانده می شوند در حالی که اعضای وضوی

^۱ - سنن ترمذی.

^۲ - سنن ابوداود.

^۳ - سنن ترمذی.

^۴ - سنن ترمذی.

آنها بر اثر وضو می درخشد. لذا هرکس خواست این نور بیشتر گردد، آن را بیشتر کند»^۱.

و نیز آن حضرت^ﷺ فرمود: «زیبایی و جمال مؤمن تا جایی خواهد بود که وضو به آنجا می رسد.»^۲

منظور حدیث از جمال و زیبایی، نورانیتی است که در روز قیامت او را در میان مردم مزین جلوه می دهد.

بنابراین، در روز قیامت، آن گاه که امتهاموج می زنند، و کار بر آنان دشوار می گردد، و انسانها با همدیگر اختلاط می کنند، در آن لحظه امت محمد^ﷺ با یک ویژگی خاصی از دیگران شناخته و متمایز می گردند و آن ویژگی وضو و نماز است که آن، همان نورانی بودن و درخشندگی است.

رسول خدا^ﷺ فرمود: «در روز قیامت، من نخستین کسی خواهم بود که اجازه سجده داده می شوم، و من نخستین کسی خواهم بود که اجازه داده می شوم تا سرم را بردارم، آن گاه در پیشاپیش خود می نگرم و امتم را در میان سایر امتهامی شناسم، همچنین آنان را از پشت سر و سمت راست و چپ می شناسم.» آن گاه فردی گفت: یا رسول الله! چگونه امتت را در میان سایر امتهام از زمان نوح تا آخر می شناسی؟ فرمود: «اندامهای وضوی آنان در اثر وضو گرفتن می درخشد.»^۳

اهل قرآن

قرآن، مایه عزت در دنیا و نجات در آخرت است و هر کس شب و روزش را به حفظ و تدبر در قرآن صرف نماید، روز قیامت با انسان کسل و روی گردان یکسان نخواهد شد.

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - صحیح مسلم.

^۳ - مسند احمد با اسناد صحیح.

رسول خدا ﷺ تلاوت کننده سوره بقره و آل عمران را ستوده و فرموده است که این دو سوره، صاحب خود را در میدان محشر نجات داده و سختی آن را برایش آسان می کنند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «قرآن را بخوانید، زیرا این قرآن در روز قیامت برای صاحبش شفاعت می کند، دو سوره بقره و آل عمران را تلاوت کنید؛ زیرا این دو سوره در روز قیامت مانند ابر پربار خواهند آمد، یا مانند پرندگان به صف کشیده بوده و از تلاوت کننده خود دفاع خواهند کرد. سوره بقره را بخوانید؛ زیرا تلاوت این سوره مایه برکت و ترک آن سبب حسرت خواهد بود و کسی که پیوسته این سوره را می خواند، ساحران نمی توانند بر او تأثیر بگذارند.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، صاحب قرآن آورده می شود، قرآن می گوید: خدایا! وی را بپوشان، آن گاه لباس کرامت به او پوشانده می شود. باز قرآن می گوید: خدایا! به او بیشتر بده، آن گاه به او تاج کرامت پوشانده می شود. باز می گوید: خدایا! از او راضی باش و آن گاه خداوند از او راضی می شود.»^۲

نیکوکاران

نیکوکان، و سخاوتمندانی که خداوند به آنان مال، منزلت و علم عطا کرده است، به دنبال ضعیفان می گردند و به تهیدستان کمک کرده و به یاری ستمدیدگان می شتابند و داد محرومان می رسند و از سختی مصیبت زدگان می کاهند و اندوه افراد غمزده را تخفیف می دهند و خداوند نیز در روز رستاخیز در دشواری های آنان تخفیف آورده و سختی های آنان را آسان می کند.

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - سنن ترمذی و حاکم با سند حسن.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس یک سختی از سختی های دنیوی از مؤمن را بر طرف سازد، خداوند یک سختی از سختی های قیامت را از وی دور می سازد، و هر کس بر تهی دستی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت، و هر کس پرده داری مسلمانی را بکند، خداوند در دنیا و آخرت از او پرده داری خواهد کرد، و خداوند در صدد کمک بنده اش است، تا زمانی که بنده در صدد کمک بردارش باشد.»^۱

یاری دهندگان ضعفا

خداوند، انسانها را در مراتب گوناگونی آفریده و برخی را بر برخی برتری داده است، چنان که گاهی توانمندان بر ضعیفان تسلط یافته و با برداشتن اموال یا آزار دادن جسمی و یا بازداشتن حقوقشان، به آنان ستم می کنند.

و در عین حال در میان توانمندان، افراد مؤمن و پرهیزگاری یافته می شود که به یاری ضعیفان اقدام نموده و از حقوقش دفاع می کنند و رسول خدا ﷺ این گونه انسانها را مژده داده و می فرماید: «هر کس بردارش را در غیاب او یاری دهد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری می دهد.»^۲

در پایان...

اینها برخی از وضعیتهای مؤمنان و پرهیزگاران در آن روزی است که زن و فرزند برای انسان سودی نمی رسانند، جز آن کس که با قلبی سلیم به درگاه الله تعالی حضور یابد.

آری، قلبی که از شرک، حسادت و غش سالم بوده و از ایمان، صداقت و تقوا پر باشد.

حال نافرمانان در روز قیامت

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - مسند احمد و حاکم و دیگران با سند صحیح.

کسی که با عقیده توحید و بدور از شرک و پرستش غیر الله بمیرد، اما انواع گناهان صغیره و کبیره را مرتکب شده است، او تحت مشیت الله قرار دارد، اگر بخواهد، او را می بخشد و اگر بخواهد معافش می کند.

در احادیث فراوانی وضعیت نافرمانان در میدان محشر توصیف شده است که آنان احوال و اشکال گوناگونی خواهند داشت، و در برخی احادیث مژده و ترغیب و در پاره ای انذار و ترهیب آمده است، و آن حضرت ﷺ از اعمالی که مرتکبان آن وضعیت وخیمی خواهند داشت، برحذر داشته است. از آن جمله:

آنان که زکات مالشان را نمی پردازند

این افراد بر خطر بزرگی قرار دارند، زیرا حق خداوند را در مال نمی پردازند و حق فقرا و تهیدستان را نمی دهند؛ بنابراین این افراد در اثر بخل و آز شدید و ضعف ایمانشان، مانع حقوق شده و حالشان در میدان محشر آن گونه خواهد بود که رسول خدا ﷺ فرموده است.

آن حضرت ﷺ فرمود: «کسی که خداوند به او ثروت داده است اگر زکات مالش را پرداخت نکند، روز قیامت، مالش به شکل ازدهایی سمی که دارای دو نیش زهرآگین می باشد، در می آید و به گردن او می پیچد و دو طرف چهره اش (گونه هایش) را گرفته، می گوید: من مال و خزانه تو هستم. سپس، رسول الله ﷺ این آیه را تلاوت کرد: **وَيَلْحَسِبُنَ الَّذِينَ يَدْعُونَ بِمِآتِيَاهُمِ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ أَلَيْسَ لَهُمْ بَلَدٌ وَ شَرُّ لَهُمْ سَيِّدُ طَوْقُونِ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** یعنی: آنان که نسبت به آنچه خداوند به آنها عنایت کرده است، بخل می ورزند، گمان نکنند که این کار، برایشان خوب است. بلکه این کار، برای آنها بد است. و این مالی که نسبت به آن بخل

ورزیده اند وحق آنرا ادا نکرده اند، روز قیامت، طوقی بر گردنشان خواهد بود.^۱

و نیز خداوند فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْيَارِ الرِّهَابِيَّةِ الَّذِينَ كَانُوا لِيَدَاكِلُونَ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِئْسَ مَا كَانُوا يَكْنِزُونَ) * يَوْمَ يَجْمَعُ لِيَدِهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَيَتَكَلَّمُ بِهَا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ هُوَ جُنُودُهُمْ يُورِثُهَا مَا كَانُوا يَكْنِزُونَ، [التوبة: ۳۴، ۳۵]،

«ای مؤمنان! بسیاری از علما دینی یهودی و مسیحی، اموال مردم را به ناحق می خورند، و دیگران را از راه خدا باز می دارند و کسانی که طلا و نقره را اندوخته می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند، آنان را به عذاب بس بزرگ و بسیار دردناکی مژده بده. * روزی (فرا خواهد رسید که) این سکه ها در آتش دوزخ، تافته می شود و پشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان با آنها داغ می گردد (و) بدیشان گفته می شود: این همان چیزی است که برای خویشتن اندوخته می کردید، پس اینک بچشید مزه چیزی را که می اندوختید.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر صاحب طلا و نقره ای که حق آن را (زکاتش) نپرداخته است، در روز قیامت برایش تکه هایی از آتش ساخته شده و در آتش جهنم داغ داده شده، و با آن پهلو و پشانی و پشتش داغ داده می شود و چون سرد شود، دوباره داغ داده می شود، در روزی که به اندازه پنجاه هزار سال است تا زمانی که در میان بندگان داوری صورت گرفته و او راهش را به سوی بهشت یا دوزخ ببیند.»

گفته شد: یا رسول الله! آیا شتر هم همین حکم را دارد؟

^۱ - صحیح بخاری.

آن حضرت ﷺ فرمود: «و هر صاحب شتری که حق آن را ادا نکند و از جمله حق آن دوشیدن آن است روزی که به آب وارد شود، چون روز قیامت فرا رسد، در میدان فراخی در برابر شتران انداخته می شود در حالی که شتر به چاقترین حالت دنیایش در می آید، و هیچ بچه شتری را گم نمی کند، مگر این که وی را به کف پایش زده و با دهانش گاز می گیرد، و چون اولی بگذرد، دیگران این کار را انجام دهند، در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است و این کار ادامه دارد تا این که در میان مردم حکم و داوری شود و مسیر وی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص گردد.»

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! در باره گاو و گوسفند چه؟

رسول خدا ﷺ فرمود: «و هر صاحب گوسفند و گاوی که حق آن را نداده است، چون قیامت در رسد، در میدان فراخی در برابر آنها بر رویش انداخته می شود و هیچ یک از آنها را گم نمی کند، مگر شاخدار و بی شاخ و شاخ شکسته اش آمده و او را به شاخهایش زده و با نوک پایش او را درهم می مالد و چون اولی می گذرد، دیگران چنین می کنند، در روزی که طول آن پنجاه هزار سال است و او چنین وضعیتی خواهد داشت تا این که در میان مردم حکم گردیده و مصیر وی به سوی بهشت یا دوزخ مشخص می گردد.»^۱

متکبر

تکبر، بیماری بزرگی است و خداوند فرد متکبر را دوست ندارد و برایش ارزشی قایل نیست و بلکه هر کس که اندازه ذره ای در قلبش کبر باشد، او را وارد بهشت نمی کند.

^۱ - صحیح مسلم.

انسانها نیز از فرد متکبر بیزارند و خردمندان وی را منفور می دارند و بزرگ و کوچک او را ناخوشایند می دانند.

رسول خدا ﷺ حال متکبران را بیان نموده و می فرماید: «در روز قیامت، متکبران مانند مورچه های كودك حشر می شوند، در شکل و صورت مردانی که ذلت و حقارت آنان را فرا گرفته است.»^۱

بدان جهت از مورچه کوچک نام برد که مردم بدون آن که متوجه آنان شوند، آنان را در زیر پاهایشان له می کنند. متکبران نیز در روز قیامت این گونه خواهند بود که در اثر شدت ذلت و حقارت در زیر پاهای مردم له می شوند.

گناهانی که خداوند با مرتکب شوندگانسان سخن نمی گوید

آری، در روز قیامت افرادی با خداوند دیدار می کنند که مرتکب گناهانی شده اند که سزاوار آن هستند که در اثر شدت حقارت و زشتی اعمال و پستی مرتبهشان، خداوند با آنان سخن نمی گوید.

بنابراین، عذاب و کیفری که متوجه این گناهکاران تکذیب گران می شود، گوناگون می شود، از جمله این که خداوند از آنان روگردان شده و با آنان سخن نمی گوید و به آنان نمی نگرد.

خداوند برخی از آنان را در قرآن کریم ذکر فرموده و رسول خدا ﷺ نیز در احادیث از آنان یادآوری فرموده است تا انسانها از آن اعمال خودداری نموده و بر حذر باشند. برخی از این افراد عبارتند از:

علماء، دانشمندان و راهبان

آنان که علوم شرعی را کتمان نموده و فتوای شرعی را برای خشنود گردانیدن مردم یا تحقق

^۱ - سنن ترمذی.

منافع شخصی و یا اغراض دنیوی عوض می کنند و با وجود این که توانایی آشکار ساختن حق را دارند، آن را آشکار نمی سازند.

خداوند می فرماید: **(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)**، [البقرة: ۱۷۴]،

«کسانی که آنچه را خدا از کتاب (آسمانی) نازل کرده است، پنهان می دارند و آن را به بهای کم (و ناچیز دنیا) می فروشند، آنان جز آتش چیزی نمی خورند. و روز رستاخیز خدا (از آنان روگردان بوده و) با ایشان سخن نمی گوید و آنان را پاکیزه نمی دارد. و ایشان را عذاب دردناکی است.»

و نیز خداوند فرموده است: **(إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأِيمَانِهِمْ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)**، [آل عمران: ۷۷]،

«کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای کمی (از مادیات و مقامهای دنیوی) بفروشند، بهره ای در آخرت نخواهند داشت و خداوند با ایشان در آخرت (با مرحمت) سخن نمی گوید، و به آنان در قیامت (با محبت) نمی گردد، و ایشان را (از آلودگی های گناه) پاک نمی سازد، و عذاب دردناکی دارند.»

کسی که شلوارش از شتالنگ پایین تر است

آن حضرت ﷺ از اسبال ازار و دراز کردن شلوار پایین تر از شتالنگ پا نهی نموده و در حدیثی فرموده است: «هر کس، ازارش پایین تر از شتالنگ هایش باشد، در جهنم است»^۱

^۱ - صحیح بخاری.

همچنین رسول خدا ﷺ از این عمل برحذر داشته و افرادی را که مرتکب این عمل می شوند، آنان را به عذاب هایی در میدان محشر هشدار داده است.

کسی که کالایش را به سوگند دروغین می فروشد

عموما سوگند خوردن زیاد مکروه و ناپسند است؛ خداوند تبارک و تعالی می فرماید: **وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ**، [المائدة: ۸۹]، «و سوگندهایتان را پاس دارید»

پس چه برسد که سوگند خورنده، در سوگندش دروغگو باشد، که در چنین صورتی گناهش بزرگتر و مسأله سنگینتر خواهد شد.

بنابراین، کسی که کالایش را با سوگند دروغ می فروشد، و برای زیبا و مرغوب جلوه دادن کالایش به الله سوگند یاد می کند، تا مردم آن را بخرند، او بسیار دروغگوست.

مَنان

کسی که به مردم چیزی می دهد و سپس به آنان منت می گذارد و به خاطر تحقیر مردم پیوسته از نیکی هایش یاد کرده و آنها را به رخشان می کشد.

حضرت ابوذرؓ در رابطه با این هر سه مورد از رسول خدا ﷺ روایت فرموده است: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود.»

من عرض کردم: یا رسول الله! آنان چه کسانی خواهند بود؟ آن حضرت ﷺ تا سه مرتبه فرمود: «آنان زیان کرده و ناامید شدند! کسی که ازارش

پایین تر از شتالنگش است، و کسی که کالایش را با سوگند دروغین می فروشد و منتگر.^۱

کسی که به آب بخل می ورزد

معمولا بخل ورزیدن صفت زشتی است، و بیانگر پستی درون و خباثت نفس است، به ویژه زمانی که انسان نسبت به چیزی بخل ورزد که بذل و بخشش آن زیانی نداشته باشد و مردم نیز سخت بدان نیاز داشته باشند، از جمله این که انسان به آب بخل ورزد، آبی که رسول الله ﷺ فرموده است: همه انسانها در آن شریک هستند.

کسی که بیعت را می شکند

عهدها و پیمانها، توافقتها و قراردادهای بیعت با متولیان امور در امر طاعت و فرمانبرداری، دارای جایگاه بزرگی هستند، و بازی گرفتن عهدها و پیمانها یا بکار بردن حيله و مکر در آنها، خطری بزرگ و زیانی سترگ را به دنبال خواهند داشت.

رسول خدا ﷺ در مورد همه این افراد می فرماید: «سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و با نگاه رحمت به آنان نمی نگرد و آنان را تزکیه نمی کند و برایشان عذابی دردناک را مهیا کرده است؛ کسی که آب اضافی دارد و آن را از مسافر مانع می گردد، و کسی که کالایش را بعد از عصر با سوگند دروغین می فروشد، و مردی که با امامی بیعت کرده و اگر به او بدهد، به عهدش وفا می کند و اگر به او ندهد، عهدش را می شکند.»^۲

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - احمد، ترمذی و ابوداود. مفهوم حدیث این است که مسافری که در طول راه هزینه اش در طول سفرش تمام می کند و به نوشیدن جرعه ای آب نیاز پیدا می کند و از کسی که آب اضافی با خود دارد، می خواهد تا به او آب بدهد و او از روی بخل و آز، به او آب نمی دهد.

پیرمرد زناکار

مراد از پیرمرد، کسی است که پا به سن پیری گذاشته و در اثر کهولت سنی، قوای جسمانی اش ضعیف شده اند.

برخی از مردم در اثر خباثت درون و ضعف ایمان و جرأتشان بر معصیت خداوند و بی پروایی نسبت به امور دین، و در عین حال ضعف داعیه گناه، باز هم مرتکب گناه و معصیت می شوند.

این موضوع را با مثالی توضیح می دهیم:

مردی که پا به سن پیری گذاشته، استخوانهایش نرم شده، و نیروی شهوانی اش ضعیف و سست گشته است، چنین فردی با این اوصاف مرتکب زنا می شود، گناه این فرد از جوانی که نیروی شهوانی اش قوی است، بیشتر، بزرگتر و زشتتر خواهد بود.

با وجود این که زنا، یکی از گناهان کبیره به شمار می رود، و زنا کار پیر باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، پرده ای را که بین او و الله بوده است را دریده و خود را از مخلوق پنهان کرده اما و حرمت نگاه آفریدگار را پاره کرده است.

فرمانروای دروغگو

دوم کسی که بعد از عصر به خرید و فروش می پردازد و در اثنای معامله سوگند دروغین یاد می کند تا مشتری را به خرید آن قانع سازد. و نیز سوگند خوردن زیاد در معامله، اگر چه راست باشد، حرام است، و اگر از روی دروغ باشد، که گناهی بس بزرگ و عظیم دارد، و مراد از سوگند بعد از عصر به اعتبار اغلب است؛ زیرا بیشتر معاملات پس از عصر انجام می گیرند، وگر نه سوگند خوردن در معاملات در تمام اوقات حکم واحدی دارد.

سوم مردی که با امامی بیعت می کند و او را به عنوان امیر خود انتخاب می کند از او اطاعت نموده و به حرفش گوش فرا دهد، اگر امیر به او اموال و هدایایی بدهد به پیمانش وفا می کند و اگر امام به او چیزی ندهد، به او خیانت می کند و پیمانش را می شکند،

در مورد فرمانروای دروغگو وعید و تهدید آمده است، زیرا علاقه داشتن به بزرگی و مرتبه بلند در میان مردم، چیزی است که باعث می گردد تا انسان دورغ بگوید و داستانها و دلاورمردی های ساختگی را خلق نماید تا شأن و مرتبه اش در میان مردم بالا رود یا بدان جهت دروغ می گوید تا توجه مردم را به خود جلب نماید و یا با این کار دنیا و کالای دنیا را به دست آورد.

اما پادشاه و فرمانروا از این کار بی نیاز است، زیرا مردم بدون چنین کاری به او روی می آرند و بدون چنین کاری در میان مردم جایگاه دارد، و دنیا در برابر او حاضر است، بنابراین، چرا دروغ بگوید؟ جز این که خباثت درون، و بی اهمیت بودن شریعت در نگاه او و عدم توجه به عظمت پروردگار، او را به این کار وادار می کند.

اما این بدان معنی نیست که دروغ گفتن برای غیر پادشاهان جایز است، هرگز، زیرا دروغ انسان را به فجور می کشاند، و گناه و فجور انسان را به دوزخ می اندازد.

فقیر متکبر

همچنین انسان عیالمند که فقیر و تهیدست باشد، لباسهایی کهنه، رختخوابی ناملایم، سواری ای محقر و خانه ای فرسوده را داشته باشد، اما با این حال بر مردم فخر و غرور فروخته و در مقابل دیگران خودنمایی می کند، و از روی کبر و خودبزرگتر بینی با گوشه دستش با مردم سلام می گوید، و در زمین با ناز و خرامان راه می رود با وجودی که چنان مالی که او را به کبر و غرور بکشاند را نیز در اختیار ندارد.

با وجود این که تکبر به صورت مطلق حرام است، چه متکبر فرد تهی دستی باشد یا ثروتمند و سرمایه داری.

رسول خدا ﷺ در مورد هر سه مورد می فرماید: «سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و آنان را پاک نمی کند و به آنان نمی نگرد و برایشان عذاب دردناکی خواهد بود: پیرمرد زناکار، فرمانروای دروغگو و فقیر متکبر.»^۱

از آن جهت خداوند با آنان سخن نمی گوید که گناهشان بسیار سنگین است.

گناهانی که خداوند به انجام دهندگان نمی نگرد

همان گونه که خداوند در روز قیامت با افرادی سخن نمی گوید، افراد دیگری خواهند بود که خداوند از روی تحقیر و ذلیل گردانیدنشان، به آنان نمی نگرد.

رسول خدا ﷺ پاره ای از گناهان را بر شمرده است که خداوند به انجام دهندگان آنها نمی نگرد، و هر گاه خداوند از بنده اعراض نماید، به او نمی نگرد و او رسوا شده و دچار زیان و ضرر بزرگی می شود.

برخی از آنان آنها افرادی خواهند بود که رسول خدا ﷺ در برخی از احادیث از آنان یاد کرده است:

کسی که از روی تکبر شلوارش را از شتالنگ پایینتر می کند

اسبال ازار و پایین کردن شلوار از شتالنگ، از جمله گناهان بر شمرده شده است و باید مسلمان شلوارش را بالاتر از شتالنگ قرار دهد.

و هر گاه گناه پایین بودن شلوار با تکبر و غرور همراه باشد، گناهش بیشتر و بزرگتر می

^۱ - صحیح مسلم و سنن نسائی.

شود، از این رو خداوند از روی تحقیر و اهانت به وی، در روز قیامت به او نمی‌نگرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس، از روی تکبر، لباسش را بر زمین بکشد، خداوند، روز قیامت به او نگاه نخواهد کرد».^۱

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «اسبال در ازار، پیرآهن و عمامه، هر کس یکی از اینها را از روی تکبر و غرور دراز کند، خداوند در روز قیامت به او نمی‌نگرد».^۲

کسی که از پدر و مادرش نافرمانی می‌کند

نافرمانی والدین از جمله گناهان بزرگ و در واقع انکار خوبی هاست، و خداوند حقوق والدین را به دنبال حقوق خود ذکر نموده و می‌فرماید:

﴿قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾، [الإسراء: ۲۳]، «پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید.»

و نیز خداوند تشکر از ووالدین را قرین تشکر و سپاسگزاری از خود قرار داده و فرموده است: (أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ)، [لقمان: ۱۴]، «هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به سوی من است.»

خوشرفتاری با والدین راه سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت است. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس که می‌خواهد روزی اش زیاد گردد و عمرش طولانی شود، باید که صله رحم داشته باشد».^۳

^۱ - متفق علیه.

^۲ - سنن نسائی، ابودارود و ابن ماجه.

^۳ - متفق علیه.

و نیز رسول خدا ﷺ از حال نافرمان پدر و مادر خبر داده است که خداوند با نگاه رحمت به او نمی‌نگرد.

زنی که خود را با مردان شبیه سازد

شبهت دادن یکی از زن و مرد در نحوه لباس پوشیدن، سخن گفتن، رفتار و... امری بسیار زشت و ناپسند و نشانه عدم ثبات در شخصیت و دروازه‌ای برای فساد و فحشا در جامعه است.

این امر در زمان ما از طریق اینترنت، و برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای که ترویج‌دهنده فحشا و فساد است، نمایان گشته است، چنان که مردان لباس زنان، و زنان لباس مردان را می‌پوشند.

بزرگتر و شگفت‌انگیزتر از همه این است که زن و مرد تغییر جنسیت داده و خلقتی را که خداوند به آنان بخشیده است را عوض نمایند و از طریق جراحی‌های انجام شده و داروهای هرمونی و... زن تغییر جنسیت داده و مرد شود و مرد نیز خود را به جنس زن تغییر دهد.

رسول خدا ﷺ از تمام این نوع تغییرات بر حذر داشته و خبر داده است که خداوند در روز قیامت به این دسته از افراد نمی‌نگرد.

دیوث

دیوث کسی را گویند که خباثت و فحشا را در خانواده اش از قبیل: همسر، دختر و فرزندان مشاهده می‌نماید و به پاسداری آنان از فساد توجه نکرده و آنها را به حجاب و پرده دستور نمی‌دهد. حتی برخی از زنان به روابط نامشروع و امور ناشایست مبتلا شده، مرد غیرت به خرج نمی‌دهد و بر آنان به خشم نمی‌آید. چنین فردی فاقد مردانگی است و دیوث نامیده می‌شود.

رسول خدا ﷺ در توصیف این هر سه نفر می فرماید: «سه نفر هستند که خداوند در روز قیامت به آنان نگاه نخواهد کرد: نافرمان والدین، زن مردنما که خود را با مردان شباهت می دهد و دیوث. و سه نفر هستند که وارد بهشت نمی شوند: نافرمان والدین، شراب خوار و کسی که چیزی می دهد و سپس منت می گذارد.»^۱

کسی که از راه پشت با همسرش نزدیکی می کند

خداوند فطرت زن و مرد را چنان آفریده است که به همدیگر میل و گرایش دارند و روابط آنان را در چارچوب شرع ابراز داشته است و آنچه را که خارج از این چارچوب باشد را حرام ساخته است. و از جمله بزرگترین گناهان کبیره این است که انسان از راه پشت با همسرش همخوابی کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نفرین شده است کسی که با همسرش از راه پشت همخوابی کند.»^۲

همچنین رسول خدا ﷺ کسی را که مرتکب چنین عملی شود، وعید داده است که خداوند در روز قیامت به او با نگاه رحمت نمی نگرد. آن حضرت ﷺ فرمود: «آن کس که با همسرش از راه پشت جماع کند، خداوند در روز قیامت به او نمی نگرد.»^۳

گناهانی که انجام دهندگان خود را لگام می کند

لگام افساری است که بر دهان اسب گذاشته می شود.

آنان که در روز قیامت افسار آتش در دهانشان انداخته می شود - پناه بر خدا - کسانی هستند که مردم مسایل خود را از آنان پرسیده و استفتا

^۱ - سنن نسائی با سند صحیح.

^۲ - مسند احمد و ابوداود با سند صحیح.

^۳ - سنن نسائی با سند صحیح.

می کنند و آنان علم را کتمان می کنند و آن را به مردم نمی آموزند، آن هم با وجود قدرت بر نشر علم دارند و بدون آن که زبانی متوجه آنان گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس از او چیزی پرسیده شود و آن را کتمان کند، روز قیامت با افساری از آتش لگام می شود.»^۱

افرادی با خداوند ملاقت می کنند در حالی که الله نسبت به آنان خشمگین است

از خشم الله به خود او پناه می بریم، و از الله می خواهیم بردباری و رحمتش را شامل حال ما گردانند. رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس که با سوگند دروغ، مال مسلمان را تصاحب کند، در حالی خدا را ملاقات می کند که خدا بر وی، خشمگین است.»^۲

ثروتمندان در ناز و نعمت

برخوردار بودن از نعمتهای خداوند، در صورتی که اعتدال رعایت گردد و در آن اسراف صورت نگیرد، امری مباح و جایز است و چه بسا که آدمی در این کار ماجور می گردد اگر شکر نعمت را بجا آورده و خداوند را در قبال آن سپاس گوید.

اما مبالغه و زیاده روی در خوردن، نوشیده و اسراف کردن، امری ناجایز و نکوهیده است.

فردی در محضر رسول خدا ﷺ آروغ زد و آن حضرت ﷺ آن را شنید و چنین به نظر رسید که آن را ناگوار دانسته است، از این رو فرمود: «از آروغ زدن باز بپا؛ زیرا آنان که در دنیا بیشتر سیر هستند، در روز قیامت در گرسنگی طولانی تری بسر می برند.»^۳

^۱ - ابوداود و ترمذی با سند صحیح.

^۲ - متفق علیه.

^۳ سنن ترمذی و ابن ماجه با سند صحیح، آروغ زدن نشانه پری معده است.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که در دنیا از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از اجر و پاداش کمتری برخوردار خواهند بود، جز آن که خداوند به او مال عطا کرده و آن را به سمت راست، چپ، پیش رو و عقب پخش کرده و انفاق می کند و در آن به خوبی تصرف می نماید.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «آنان که از مال بیشتری برخوردارند، در روز قیامت از جایگاه پایینتری برخوردار خواهند بود، جز آن که به این شکل و به این شکل بدهد (و آن را در میان نیازمندان انفاق نماید) و کسبش پاک باشد.»^۲

حالت خیانتگر در روز قیامت

غدر و خیانت از صفات منافقین است و هر گاه فرد منافق وعده ای بدهد در آن خیانت می کند، و اگر مردم او را امین اموال خود بگردانند یا با او عهد و پیمان ببندند، او غدر و خیانت می کند، چنین فردی در روز قیامت رسوا شده و به شدت خوار و ذلیل می گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی خداوند در روز رستاخیز اولین و آخرین را در روز قیامت گرد می آورد، برای هر خیانت کننده ای پرچمی را بر می افرازد، و گفته می شود: این خیانت فلانی است، این خیانت فلانی است.»^۳

بنابراین، خیانتگر کسی است که وعده می دهد و به آن وفا نمی کند، وعده می دهد و خلاف آن عمل می کند.

پرچم چیزی است که فرمانده جنگ آن را در میدان جنگ برداشته و دیگر مردم به دنبال او رهسپار می گردند.

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - سنن ابن ماجه.

^۳ - صحیح مسلم.

روز قیامت برای خیانتگر پرچمی برافراشته می شود تا واضح گردد که او خیانتکار است و بدین شکل در روز قیامت رسوا می گردد و این پرچم در پشت او قرار می گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت هر خیانتکاری پرچمی خواهد داشت که در قسمت مقعدش قرار می گیرد.»^۱

و هر چند که خیانت بزرگتر باشد، به همان تناسب، پرچم نیز بزرگتر می شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت، برای هر خیانتکاری پرچمی خواهد بود که به میزان خیانتش برافراشته می شود؛ آگاه باشید! هیچ خیانتگری از امیر عامه مردم بزرگتر نخواهد بود.»^۲

منظور از امیر عمومی، حاکم و فرمانروای مردم است؛ چون ضرر او متوجه انسانهای زیادی می شود و از آن جایی که او صاحب قدرت و اقتدار می باشد، نیازی به خیانت نیست، و همچنین اگر او به کسی خیانت کند، آن فرد نمی تواند از او انتقام بگیرد، یا حقش را از او باز ستاند؛ چون او دارای قدرت و سلطه است.

این وعید شامل هر رئیسی می شود، اعم از این که آن فرد، رئیس کارگران شرکتی باشد، یا مدیر مدرسه یا دانشگاه باشد، یا هر صاحب سلطه ای که پس از عقد قراردادها در آنها دخل و تصرف نموده و آنها را به بازی بگیرد.

خیانتکار زمان جاهلیت

عربها در زمان جاهلیت در موسم حج و در محافلشان، پرچمی را برای خیانتکار بر می افراشتند و جنایتکار را با جنایتش در میان مردم می چرخاندند، مثلاً اگر کسی دزدی کرده بود

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - صحیح مسلم.

او را با آن چیزی که دزدیده بود، در میان مردم می چرخاندند، تا رسوا شده و دوباره این کار را انجام ندهد.

خیانتگر در اموال غنیمت

خیانت در اموال غنیمت این است که کسی قبل از تقسیم اموال غنیمت در میان مجاهدان، چیزی را بدزدد.

غنیمت، مال و کالایی است که مجاهدان اسلامی پس از پیروزی و غلبه بر دشمن آن را به دست می آورند.

خداوند کسانی را که در اموال غنیمت خیانت می کنند، تهدید کرده و می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا غَنِيمَتَ اللَّهِ بِمَا كَسَبْتُمْ وَلَا بِمَا كَسَبَتْ وَهُوَ أَكْبَرُ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا يظلمون)**، [آل عمران: ۱۶۱]، «و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می آورد، سپس به هر کسی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می شود، و بدانان ستم نخواهد شد.»

از آن جایی که خیانت در اموال غنیمت، گناهی بسیار بزرگ است، رسول خدا ﷺ به شدت یارانش را از این کار نهی می کرد.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ میان ما برخاست و از خیانت در غنیمت، سخن گفت و آن را گناه بزرگی برشمرد و بزرگ دانست و فرمود: «نبینم یکی از شما را در روز قیامت که گوسفندی، بر دوش دارد و آن گوسفند، بع بع می کند، یا اسبی بر دوش دارد و آن اسب، شیهه می کشد و آن شخص، می گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برایت انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.»

و نبینم که یکی از شما شتری بر دوش دارد و آن شتر، صدا می دهد. و آن شخص، می گوید: ای

رسول خدا! به دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برای انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.

و نبینم یکی از شما را که طلا و نقره بر دوش دارد و می گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برای انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم.

و یا نبینم یکی از شما را که قطعه پارچه ای بر دوش دارد و آن پارچه، به اهتزاز در می آید و آن شخص، می گوید: ای رسول خدا! به دادم برس. من می گویم: نمی توانم کاری برای انجام دهم. به تو ابلاغ نمودم»^۱.

زیرا همه این افراد دزد و خیانتکارند و هر کدام در حالی می آید که آنچه را دزدیده است، بر دوش خود حمل می کند و با حمل آن شکنجه می بیند و از سنگینی آن خسته می شود و از صدای آن وحشت زده می شود و با اظهار خیانتش در میان همه مخلوقات رسوا می گردد.

برخی از خیانتها عبارتند از:

- خیانت حکام در بیت المال مسلمین.
- خیانت کارمندان در اموال محل کارشان.
- خیانت متولیان امور و مسئولان اموال عمومی.

در این مورد وعیدها و تهدیدهای فراوانی وارد شده است.

رسول خدا ﷺ برخی از صحابه را به بادیه ها و قبایل می فرستاد تا اموال زکات را جمع آوری نمایند. فردی به نام ابن لثبیه را به سوی قبیله ازد فرستاد تا اموال زکات را جمع آوری کند. او به نزد صاحب شتر و گوسفند می آمد و

^۱ - متفق علیه.

مال زکات را از او دریافت می کرد، و صاحب شتر یا گوسفند سهم زکات را به او می داد تا آن را به نزد رسول خدا ﷺ ببرد تا آن حضرت ﷺ آن را بین فقرا و نیازمندان تقسیم کند و هدیه خاصی را به ابن لثبیه بدهد.

وی اموال زیادی از قبیل شتر و گوسفند جمع آوری نمود و مقداری هدیه برای خود نیز جمع کرد و آن گاه به مدینه آمد و گفت: اینها مال شما هستند و اینها متعلق به خود من می باشند.

در این هنگام رسول خدا ﷺ به خشم آمد که چگونه او برای خود هدیه بر می دارد در حالی که او کارمند است و از بیت المال حقوق دریافت می کند؟ و اگر دروازه هدیه به روی جمع کنندگان زکات باز شود، چه بسا که آنان در شغلشان تساهل و سهل انگاری نموده و چه بسا که رشوه بگیرند یا مرتکب خطای دیگری شوند. از این رو رسول خدا ﷺ کاری کرد تا دروازه دریافت هدیه مسدود گردد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «چرا ما برخی از جمع کنندگان زکات را برای کاری می فرستیم و آنان می گویند: اینها مال من هستند و اینها مال شما؟ پس چرا او در خانه پدر یا مادرش نشست تا ببیند که آیا برایش هدیه ای آورده می شود یا خیر؟ سوگند به ذاتی که جان محمد در قبضة اوست، هیچ چیزی را بر نمی دارد مگر این که در روز قیامت در حالی می آید که آن را برگردنش حمل می کند، اگر شتری بوده است، و یا گاو و یا گوسفندی، آن حیوان صدا می زند و فریاد بر می آورد.»^۱

این حدیث بزرگی است و هشدار است برای آنان که از مردم هدیه می پذیرند، از قبیل این که معلم از دانش آموز، استاد دانشگاه از دانشجو، کارمند شهرداری، بیمارستان، مسئولین امنیتی و

^۱ - بخاری و مسلم.

انتظامی از مراجع ذی ربط خود هدیه دریافت کنند.

چرا که همه این موارد رفاقت و دوستی را بین آن دو نفر جلب نموده و باعث ابتعاد و دوری دیگران می شود و در این صورت فرد ثروتمند و قدرتمند مورد اکرام و نوازش قرار گرفته و حق ضعیف و تهیدست اهمال می گردد.

بنابراین، به هیچ عنوان نباید هدیه را بپذیری در صورتی که تو در جایگاه مسئول و عهده بردار مقام و منزلت قرار داری، مگر این که در روز قیامت در حالی می آیی که آن را برگردنت حمل می کنی، و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می آورد.

زمین خوار

امروز ما گرفتار افرادی هستیم که با زور و قدرت زمین های مردم یا اراضی عام المنفعه را تصاحب می کنند و با مدارک بی اساس یا این که با مکر و حيله آنها را در تصرف خود در می آورند.

در مورد کسانی که چنین عملی را مرتکب می شوند، وعید و تهدید آمده است.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هرکس، زمین دیگری را به ناحق، تصرف کند، روز قیامت در هفت زمین، فرو برده می شود»^۱.

کسی که تکدی گری می کند، بدون آن که نیاز داشته باشد

تهیدستی که از روی کرامت نفس به خرج روزانه اش بسنده می کند و به خاطر آبرو و عزت خود از مردم چیزی نمی خواهد، و خود را در برابر

^۱ - صحیح بخاری.

دیگران ذلیل نمی گرداند، بهتر است از کسی که به سوی مردم دست دراز می کند و از آنان کمک می خواهد و شکایت فقر و ناداری اش را به نزد دیگران می برد.

اما زشتتر و قبیحتر این است که انسان با وجود برخوردار بودن از پوشاک، غذا و نوشیدنی اش به حد کافی، دست نیاز را به سوی دیگران دراز کند.

رسول خدا ﷺ این گونه افراد را از چنین کاری بر حذر داشته و می فرماید:

«هر کس بدون آن که نیازی داشته باشد، به سوی مردم دست دراز کند، در روز قیامت در حالی می آید که پوست چهره اش خراش برداشته است.» صحابه پرسیدند: یا رسول الله! چه مقدار داشته باشد که او را از پرسیدن بی نیاز می کند؟ فرمود: «پنجاه درهم یا قیمت آن از طلا»

کسی که پایبند نماز نیست

نماز یکی از ارکان و ستونهای مهم اسلام است، نماز خنکی چشمان موحدان و مایة لذت ارواح محبان است.

نماز عبادتی است که خداوند امر آن را بزرگ نموده و اهل آن را مفتخر گردانیده است.

نماز آخرین چیزی است که از احکام دین و شریعت از میان برداشته می شود و آخرین چیزی است که رسول خدا ﷺ توصیه فرمود و نخستین چیزی است که در مورد آن در روز قیامت در بارگاه پروردگار دانا و مقتدر پرسیده می شود.

پس ما سپاس می گوئیم پروردگار عظیمی را که به ما اجازه داده تا در پیشگاه وی بایستیم و با دلهای مان به سوی او روی آوریم و شکوة نیازهای مان را به درگاه او عرضه نماییم.

نماز، ارتباط و دیدار در میان بنده در زمین و خداوند در آسمان است.

و هر گاه امر مهمی برای آن حضرت ﷺ روی می داد، به نماز روی می آورد.

نماز به اهل خود در میدان محشر سود می دهد، چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «هر کس بر نماز محافظت کند، نماز برای او نور، برهان و مایه نجات می گردد و هر کس بر نماز محافظت نکند، نماز نه برایش نوری خواهد بود و نه برهانی و نه مایه نجات، بلکه حشر وی با فرعون، قارون، هامان و ابی بن خلف خواهد بود.»^۱

غیبت کننده و سخن چین

غیبت آن است که کسی را پشت سر چنان یاد کنند که او ناراحت می شود.

سخن چین کسی است که اخبار و سخنان بد مردم را به قصد اختلاف و ایجاد فتنه رد و بدل می کند.

اینها اموری هستند که عموماً مردم به آنها مبتلا هستند و به سبب آنها فتنه های بزرگی برخاسته است.

این افراد از جمله بدترین انسانها هستند و بیشترین سهم ایجاد فتنه و فساد را بر عهده گرفته اند؛ چون زبان دورویی دارند که بر حسب هوا و شهوت می چرخد و سخن می گوید.

این افراد در میدان محشر وضعیتی وحشتناک خواهند داشت، چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا گوشت برادرش را بخورد، در روز قیامت نزدیک کرده می شود و به او گفته می شود: همان گونه که مرده بود او را می خوردی، اکنون که زنده است نیز او را بخور، و او وی را می خورد

^۱ - مسند احمد و ابن حبان با اسناد صحیح.

در حالی که چهره اش عبوس و ترش است و داد و فریاد می زند.»^۱

دورو

انسان دو رو و ذوالوجهین، کسی است که با گروهی با یک رنگ و چهره و با گروهی دیگر با رنگ و چهره ای دیگر ملاقات می کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در دنیا دو رو باشد، در آخرت، دو زبان از آتش خواهد داشت.»^۲

تصویربرداران

تصویر، انواع و اشکال گوناگونی دارد، و علما بنابر انواع و اشکال گوناگون آن اختلاف دارند، اما همگی بر حرمت مجسمه سازی اتفاق نظر دارند، به ویژه زمانی که مجسمه بزرگان و رهبران باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: کسانی که این تصاویر را درست می کنند، روز قیامت عذاب و کیفر داده می شوند. به آنان گفته می شود: زنده کنید، آنچه را که آفریده اید.»^۳

و نیز آن حضرت ﷺ فرمود: «هرکس، تصویر و مجسمه ای بسازد، او را عذاب داده و به او دستور می دهند تا در آن، روح بدمد و لی او نمی تواند.»^۴

در پایان ...

نجوای قلب... .

عمل انسان در دنیا، مسیرش را در قیامت مشخص می کند.

^۱ - ادب المفرد بخاری و معجم الاوسط طبرانی با اسناد حسن.

^۲ - ابوداود با سند صحیح.

^۳ - متفق علیه.

^۴ - متفق علیه.

گشایش صحیفه ها

در روز رستاخیز نامه اعمال هر فرد به خود او سپرده می شود که در آن اعمالی که در دنیا مرتکب شده است ثبت شده اند و به او گفته می شود: **هَذَا كِتَابِنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**، [الجاثية : ۲۹]. «این (نامه اعمال که دریافت می دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می دادید.»

بنابراین،

- نامه اعمال چیست؟
- در آنها چه چیزی ثبت شده است؟
- بندگان آنها را چگونه دریافت می کنند؟

در آمد

هر انسانی نامه ای دارد که اعمال نیک و بدش در آن ثبت می شوند، و این نامه، چنان صحیفه ای است که هیچ عمل بزرگ و کوچکی را ترک نمی کند مگر این که آن را ثبت می کند و این نامه در روز محشر به او داده می شود تا آن را بخواند به آن بنگرد.

بندگان در شیوة دریافت این نامه متفاوت خواهند بود، چنان که مؤمن پس از حساب و کتاب، نامه اعمالش را از جلو و به دست راست دریافت می کند و شاد و خندان به نزد اهلس باز می گردد، اما گناهکاران و منافقان، نام اعمالشان را با دست چپ و از پشتشان دریافت می کنند که در این هنگام، برای خود دعای نابودی و هلاکت می کنند.

از این رو، پس از آن که بندگان از عملکردشان مورد سؤال و بازپرسی قرار می گیرند، نامه اعمالشان چه نیک یا بد گشوده می شود. چنان که خداوند می فرماید: **﴿ إِذَا الصَّحُفُ نُشِرَتْ ﴾**، [التکویر : ۱۰]، «و آنگاه که نامه های اعمال گشوده می شود.»

در آن روز هر انسانی مسئول عمل خود بوده و جزای آن را می بیند، چه نیک باشد یا بد. چنان که خداوند می فرماید: **﴿ كَلِمَاتٍ نَسِئَانِ الزَّمَانِ طَائِرِهِ فِي عُنُقِهِ وَنُخِرَ لَهْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ﴾** (۱۳) **﴿ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴾**، [الإسراء : ۱۳ ، ۱۴]،

«ما اعمال هر کسی را به گردنش آویخته ایم و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می آوریم که گشوده به (دست) او می رسد. * (در آن روز بدو گفته می شود:) کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی.»

بنابراین، هر انسانی خود نامه اعمالش را می خواند و سرانجامش را می داند و از نتیجه و انجام کارش باخبر می شود. گروهی نامه اعمالشان را با دست راست دریافت می کنند

این افراد به آسانی مورد محاسبه قرار می گیرند و نجات یافته و شادمان به نزد اهل و خانواده شان باز می گردند، در حالی که قلبش شادمان و در میان مردم سربلند است. چنان که خداوند می فرماید: (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أَدْرَأُ * وَإِذَا بَدِئُهُ حَسْبَاهُ * فَيَلْوُ فِي عَيْشِهِ رِزْقًا * فِي حِزْبٍ عَالِيَةٍ * قُطُوفِهِ إِذْ أُنزِلَتْ * كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ)، [الحاقة : ۱۹ - ۲۴]،

«و اما هر کس که نامه اعمالش به دست راست او داده شود، (فریاد شادی سر می دهد و) می گوید: (آهای اهل محشر بیایید) نامه اعمال خود مرا بگیرید و بخوانید! * آخر من می دانستم که (رستاخیزی در کار است و) من با حساب و کتاب خود رویاروی می شوم. * پس او در زندگی رضایت بخشی خواهد بود. * در میان باغ والای بهشت، جایگزین خواهد شد. * میوه های آن در دسترس است. * در برابر کارهایی که در روزگاران گذشته (دنیا) انجام می داده اید. بخورید و بنوشید، گوارا باد!»

گروهی نامه اعمالشان را با دست چپ و از پشت سرشان دریافت می کنند

این افراد، انسانهای ذلیل و خوار، نابود شده و بدکاری خواهند بود که عمرشان را تباه کرده و آخرتشان را به باد داده اند، در این روز در تنگنا قرار گرفته و رویشان در برابر مخلوقات سیاه می شود. خداوند می فرماید: (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ رِءُوسًا ظَهْرًا * فَيَسُوفُ يَدْعُو ثُبُورًا * وَيَصْلَى سَعِيرًا)، [الانشقاق : ۱۰ - ۱۲]،

«و اما کسانی که از پشت سر نامه اعمالشان بدو داده شود. * مرگ را فریاد خواهد داشت و

هلاک خود را خواهد طلبید. * و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت. ﴿
 وَ نِيزِ خَدَاوِنِدِ مِی فِرْمَايِد: (وَ اَمَّا مَنْ اَوْتِي
 كِتَابَهٗ بِشِمَالِهٖ فَيَقُولُ يٰلَيْتَنِي لَمْ اُوتِ كِتَابِيَهٗ *
 وَلَمْ اَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ * يٰلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ *
 مَا اَغْنِي عَنِّي مَالِيَهٗ * هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ) ،
 [الحاقة : ۲۵ - ۲۹] ،

«و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود، می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی شد! * و هرگز نمی دانستم که حساب من چیست! * ای کاش پایان بخش عمرم، همان مرگ بود و بس! * دارایی من، مرا سودی نبخشید، و به درد (بیچارگی امروز) من نخورد. * قدرت من، از دست من برفت.»

رسول خدا ﷺ حال و وضع مؤمن را در آن روز توصیف نموده و می فرماید: «آن گاه نامه نیکی هایش به دست راست او داده می شود، اما منافق و کافر در حضور همه مخلوقات فریاد می زند: ﴿يٰٓاَيُّهَا الظّٰلِمِيْنَ كَذَبُوْا عَلٰی رَبِّهِمْ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی خُوْدِ دَرُوْغٍ بَسْتَهٗ اَنْد. هان! نفرین خدا بر ستمگران باد!﴾

عدالت...

«این (نامه اعمال که دریافت می دارید) کتاب ما است و اعمال شما را صادقانه بازگو می کند. ما (از فرشتگان خود) خواسته بودیم که تمام کارهایی را یادداشت کنند و بنویسند که شما در دنیا انجام می دادید.» جاثیه : ۲۹.

عرض و حساب اعمال
هرگاه بندگان نامه اعمالشان را دریافت
کنند، آن گاه عرض اعمال و حساب آن آغاز می
گردد، و به دنبال آن وزن اعمال و گذشتن از پل
صراط، و راهی شدن به سمت بهشت یا دوزخ روی می
دهد. در این لحظه عرضه داشتن صورت می گیرد.

بنابراین،

- عرضه داشتن یعنی چه؟
- چه چیزی عرضه می شود؟
- بنده در هنگام عرض چه حالتی خواهد داشت؟

گاه حساب (و کتاب و سروکار) ایشان با ما خواهد بود.»

معنای حساب

حساب یعنی شمار کردن، و عدالت خداوند متقاضی است که بندگان در روز رستاخیز مورد محاسبه قرار گیرند؛ از این رو کسی که عمل نیک انجام داده و خود را به الله نزدیک کرده است، با کسی که نافرمانی نموده و طغیان پیشه کرده است، یکسان نخواهند بود، اعمال همگی شمرده شده و کردارشان رصد می شود.

انواع حساب در روز رستاخیز

مردم در نوع محاسبه شان متفاوت خواهند شد، چنان که برخی بدون حساب وارد بهشت می شوند، و عده ای به آسانی از آنان محاسبه خواهد شد و حساب برخی سخت خواهد شد.

• برخی از آنان،

کسانی خواهد بود که بدون حساب راهی بهشت می شوند و تعداد آنها هفتاد هزار نفر خواهد بود، این افراد برگزیدگان این امت در صبر، تقوا، ایمان و جهاد خواهند بود.

رسول خدا ﷺ در مورد این گروه می فرماید: امتها در محشر بر من عرضه شدند، و من امتم را دیدم که کثرت و هیئت آنان مرا در شگفتی داشت، آنان دشتهای و کوههای را پر کرده بودند. خداوند فرمود: ای محمد! راضی شدی؟ من گفتم: بله ای بار خدایا! الله متعال فرمود: با اینها هفتاد هزار نفر دیگر خواهد بود که بدون حساب وارد بهشت می شوند، آنها کسانی هستند که تعویذ (دم) نمی خواهند، داغ نمی کنند.»

عکاشه بن محسن گفت: ای رسول خدا! از الله بخواه تا مرا از آنان قرار دهد، آن حضرت ﷺ فرمود: «خدایا! او را از آنان قرار بده.»

مردی دیگر برخاست وگفت : از الله بخواه تا مرا
از آنان قرار دهد، رسول خدا ﷺ فرمود: فرمود:
«در این باره، عکاشه از تو سبقت گرفت»^۱.
لذا اینها هفتاد هزار نفر خواهند بود که
بدون حساب وارد بهشت می شوند و مانند دیگران
مورد مذاقه و بازپرسی قرار نمی گیرند، از الله می
خواهیم تا ما را از آنان قرار دهد. آمین.

^۱ - متفق علیه.

• برخی دیگر از آنان،

گروهی خواهند بود که در اعمالشان مورد محاسبه قرار می‌گیرند، اما حسابشان آسان خواهد بود بدون این که در آن مناقشه و مذاقّه ای باشد، بلکه فقط اعمالشان به آنان عرضه خواهد شد و خداوند از آنان درگذر می‌فرماید.

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت خداوند مؤمن را نزدیک می‌کند، و الطاف و عنایاتش را متوجه او می‌گرداند و پرده اش را می‌پوشاند و آن گاه به او می‌گوید: آیا این گناه را می‌شناسی؟ می‌گوید: بلی ای رب! تا این که از گناهانش از او اعتراف می‌گیرد، مؤمن در قلبش گمان می‌برد که نابود شده است، اما خداوند می‌فرماید: من در دنیا پرده ات را پوشیدم، امروز نیز تو را می‌بخشم، آن گاه نامه‌ نیکی‌ هایش را به او می‌سپارد.»^۱

مؤمن باید در دعایش از الله بخواهد تا خداوند حسابش را بر می‌سبک بگرداند و بگوید: خدایا! حسابم را آسان بگردان.

چنان که مادرمان عایشه می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در نمازش این گونه دعا می‌کرد: «خدایا! به آسانی از من حساب بگیر»، وقتی آن حضرت ﷺ از نمازش فارغ شد، من عرض کردم: ای پیامبر خدا! حساب آنان چیست؟ فرمود: «این که به کتابش نگاه شود و سپس از او در گذر شود.»^۲ از الله می‌خواهیم تا حساب ما را آسان بگرداند و با بخشش و حلمش با ما معامله کند. آمین.

• برخی دیگر از آنان،

این افراد کسانی هستند که حسابشان سخت بوده و مورد توبیخ قرار می‌گیرند و نامه اعمالشان

^۱ - متفق علیه.

^۲ - مسند احمد با سند صحیح.

مورد مناقشه و مذاقه قرار می گیرد؛ چرا در نماز کوتاهی کردی؟ زکات مال را چگونه پرداختی؟ نافرمانی والدین، حقوق بندگان و... در این نوع حساب بنده عذاب می بیند و گرفتار استرس و ترس و واهمه می شود.

چنان که رسول خدا ﷺ می فرماید: «هرکس که محاسبه شود، هلاک می گردد». عایشه می گوید: من گفتم: یا رسول الله! مگر نه این است که خداوند فرموده است: **(فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا)**، [الانشقاق: ۷، ۸]، «در آن وقت، هرکس نامه اعمالش به دست راستش داده شود. * با او حساب ساده و آسانی خواهد شد.»

رسول خدا ﷺ فرمود: این عَرْضَةُ اعمال است، ولی اگر حساب دقیق به عمل آید، هلاک می گردد.^۱ منظور از عذاب در این حدیث، عذاب دوزخ نیست، بلکه مراد ترس و وحشتی است که دامنگر وی شده و رسوایی رویت گناهان و ذلت یادآوری اعمال بدش است.

• برخی دیگر از آنان،

کسانی اند که به سبب کثرت و سنگینی گناهان، یا اصرارشان بر گناه و ارتکاب آشکارشان به معصیت، یا به سبب نیت های فاسد، حسابشان طولانی و سخت خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین کسی که در روز قیامت بر او حکم می شود، مردی است که شهیده شده و آورده می شود و خداوند نعمت های خود را به او می شناساند و او هم آن را می شناسد.

الله تعالی می فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می گوید: در راه تو جنگیدم تا شهید شدم.

الله تعالی می فرماید: دروغ گفتم، بلکه تو جنگیدی تا گفته شود که او با جرأت است و گفته

^۱ - متفق علیه.

شد. پس در مورد وی دستور صادر شده و وی چهره اش کشانده شده به دوزخ انداخته می شود.

و دوم مردی که علم آموخته و آن را تعلیم داده و قرآن خوانده است. او آورده می شود و الله نعمت هایش را به او می شناساند و او هم آنها را می شناسد. خداوند می فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می گوید: علم آموختم و آن را تعلیم دادم و برای رضای قرآن خواندم.

الله تعالی می فرماید: دروغ گفتی، بلکه تو بدان جهت علم آموختی تا گفته شود که عالم هستی و قرآن خواندی تا گفته شود، قاری هستی، چنین نیز گفته شد. سپس در مورد وی دستور داده می شود تا به چهره اش کشانده شده و به دوزخ انداخته می شود.

سوم مردی که خداوند به وی روزی فراخ داده و از انواع مال به وی ارزانی داشته است، وی آورده می شود و الله آنها را به وی می شناساند و او هم آنها را می شناسد.

الله تعالی می فرماید: در برابر آن چه کردی؟

می گوید: هیچ راهی را که دوست داشتی در آن خرج شود، نگذاشتم، مگر اینکه در آن برای رضای تو خرج کردم.

خداوند می فرماید: دروغ گفتی! بلکه تو بدان جهت چنین کردی تا گفته شود که سخی است و گفته شد و در مورد وی دستور داده می شود و بر چهره اش کشیده شده و به دوزخ انداخته می شود. «آیا همه مؤمنان مورد محاسبه قرار می گیرند؟ خداوند یک گروهی را استثنا نموده و آنها را مورد محاسبه قرار نمی دهد.

رسول خدا فرمود: هفتاد هزار نفر از امت من بدون حساب وارد بهشت می شوند، آنها کسانی

هستند که تعویذ (دم) نمی خواهند، فال نمی گیرند، و به پروردگارشان، توکل می نمایند.^۱ و در روایت دیگری آمده است: «با هر هزار نفر، هفتاد هزار نفر همراه خواهد بود.»^۲ قانون محاسبه بندگان

هنگامی که بندگان در برابر فرمانروای عالم در آن صحنه وحشتناک، پای لخت و بدون کفش، جمع شده و حضور می یابند، و با پای پیاده بدون این که سوار چیزی باشند، حرکت می کنند، و بدنهایشان بدون این که چیزی پوشیده باشند، لخت خواهد بود، و بدون این که ختنه باشند، همان گونه که از مادر زاییده شده بودند، به بارگاه الله می رسند.

صحنه ای بسیار وحشتناک خواهد بود، چشمان نافرمانان خیره شده و دلهای گردنکشان مضطرب و مستکبران ذلیل می گردند، چشمانشان به این سمت و آن سمت نمی نگرد و دلهایشان آرام نمی گیرد. چنان که خداوند فرموده است: **وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُ هِمْلِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ**

^۱ - منفق علیه. تعویذ و دم خواستن جایز است، اما در حدیث به این مطلب تشویق شده است که انسان خودش را با اوراد و وظایف دم کند، زیرا این کار افضلتر است، چون بنده با این کارش به الله توکل می نماید و چون هر گاه رسول خدا ﷺ دچار بیماری می شد، خودش را دم می کرد، و وقتی بیماری اش شدت یافت، عایشه دعا می خواند برای حصول برکت با دستان آنحضرت ﷺ می مالید.

مراد از این که فال بد نمی گیرند، یعنی به هیچ چیزی اعم از دیدنی، شنیدنی، چشیدنی و بوییدنی فال بد نمی گیرند؛ زیرا عربها عادت داشتند که با پرنده فال می گرفتند و اگر چنان چه مرغ به سمت چپ پرواز می کرد، فال بد و شوم می گرفتند، در حالی که فال گرفتن حرام است و جایز نیست که کسی به روز، ماه یا چهره فال بگیرد.

مراد از این که بر پروردگارشان توکل می کنند، یعنی در تمام کارهایشان بر خداوند یکتا و یگانه اعتماد می کنند و هر کس بر الله توکل نماید، خداوند او را کفایت می کند و هر کس را که الله کفایت کند، او را در برابر هر چیزی حفاظت می کند و برایش کافی می شود.

^۲ - مسند احمد و ترمذی با سند صحیح.

الْأَسَارِ *مُهْ طِعِينَ مُقْنِعِرُءٌ وَسِهِمٌ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ
طَرَفَهُمْ وَأَفْنَيْتَهُمْ هُوَ أءٌ، [إبراهيم : ٤٣ - ٤٢]،

«گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می کنند بی خبر است. (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالت میکند که چشمها در آن (از شدت خوف و هراس) باز می ماند. * (ستمگران در اثر هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندا دهنده) می شتابند و چشمانشان (از مشاهده عذاب) فرو بسته نمی شود و دلهایشان (فرو می تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می گردد.»

آری! چشمانشان فرو بسته نمی شود و دلهایشان (فرو می تپد و از عقل و فهم و اندیشه) تهی می گردد.»

چه هول و هراس بزرگی!!

بلکه دلها به حنجره می رسد. چنان که الله تعالی می فرماید: **وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَافَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظَلْمِينَ**، [غافر : ١٨]، «آنان را از روز نزدیک بترسان (که قیامت است). آن زمانی که دلها (از شدت وحشت) به گلوگاه می رسند (و از شدت بغض)، خاموشند و چیزی نمی گویند.»

این زمین عوض می شود، کوها از بین می روند، آسمان (همچون پوست حیوان) برکنده می شود، ستارگان تیره شده و از هم پاشیده و پراکنده می شوند، دریاها آتش می گیرند، خورشید بی نور می گردد، فرشتگان با عظمت در رعب و وحشت بسر می برند، و برای پیامبران تعیین وقت می گردد (تا برای ادای شهادت بر ملت خود، حاضر شوند).

همگی در دادگاه بزرگ، محکمه قیامت می ایستند، آن گاه که دلها به گلوگاه می رسد، و خورشید به انسانها نزدیک می شود، و وضعیتی بسیار سخت و دشوار در برابر الله تعالی خواهند داشت!.

دادگاهی که در آن دشمن کینه توز حضور می یابد، و گواهان نیز حاضر می شوند، نامه های اعمال گشوده می شود، و عذرها و بهانه های

بیکار می مانند، دلها به وحشت افتاده و زبانها اعتراف می کنند.

خداوند متعال می فرماید: **وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ**)، [البقرة : ۲۸۱]، «و از (عذاب و عقاب) روزی پرهیزید که در آن به سوی خدا بازگردانده می شوید؛ سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می شود، و به آنان ستم نخواهد شد.»

به هنگام اندیشیدن در آیات قرآن و احادیث پیامبر به اصول و قواعد عمومی ای دست پیدا می کنیم که از خلال آنها بنده مورد محاسبه قرار می گیرد.

قاعده اول: عدالتی کامل که هیچ ستمی با آن همراه نخواهد بود

زیرا پروردگار کریم ما عادل است و به کسی ستم روا نمی دارد.

خداوند می فرماید: **ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ**)، [البقرة : ۲۸۱]، «سپس به هر کسی آنچه را فراچنگ آورده است به تمامی بازپس داده می شود، و به آنان ستم نخواهد شد.»

و نیز می فرماید: **(إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ)**، [النساء : ۴۰]، «خداوند هرگز به اندازه ذره ای ستم نخواهد کرد.»

و نیز می فرماید: **(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ هُوَ مَوْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)**، [النساء : ۱۲۴]، «کسی که اعمال شایسته انجام دهد و مؤمن باشد - خواه مرد و خواه زن - چنان کسانی داخل بهشت شوند و کمترین ستمی بدانان نمی شود.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند تعالی فرمود: ای بندگانم من ظلم و ستم را بر خویش حرام کردم، آن را نیز در میان شما حرام ساختم، پس به یکدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگانم همه شما گمراهید، جز آن که من او را هدایت کرده ام، پس از من هدایت بطلبید تا شما را هدایت کنم!

ای بندگانم همه شما گرسنه اید، مگر آن که من او را غذا بدهم، پس از من بخواهید تا به شما غذا بدهم.

ای بندگانم! همه شما برهنه اید، مگر کسی که من او را بپوشانم، پس از من بخواهید تا من شما را بپوشانم!

ای بندگانم! شما شب و روز خطا می کنید و من همه گناهان را می آمرزم، از من آمرزش بخواهید، تا شما را بیامرزم!

ای بندگانم! شما به من قدرت ضرر رساندن ندارید تا به من ضرر برسانید و هم شما قدرت نفع رساندن به من را ندارید تا به من نفع برسانید!

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر پرهیزگارترین قلب یک مرد جمع شوید، این امر به ملک من چیزی نمی افزاید! و اگر اول و آخر و انس و جن شما بر عاصی ترین قلب یک مرد جمع شوید، این هم به ملک من نقصی وارد نمی کند!

ای بندگانم! اگر اول و آخر و انس و جن شما بر یک جا بایستند و از من درخواست کنند و آنگهی به هر فرد، خواسته اش را بدهم از آنچه در نزد من است، کم نمی کند، جز به اندازه ای که یک سوزن که در دریا فرو شود و از آب دریا کم نماید!

ای بندگانم، همانا این اعمال شماست که آن را بر می شمارم و شما را به نتایج آن می رسانم، پس کسی که خیری یافت، باید حمد و ثنای حق تعالی را بجا آورد، و اگر کسی غیر از این را یافت، باید جز خویش کسی را ملامت نکند!»^۱

قاعده دوم، هیچ کس به گناه دیگری مواخذه نمی شود

آری، مقتضای عدالت آن است که هر فرد مسئول عملکرد خودش باشد، و هیچ کس به گناه و ستم دیگری مواخذه نگردد.

^۱ - صحیح مسلم.

خداوند می فرماید: **وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى**، [الأنعام : ۱۶۴]، «هیچ کسی جز برای خود کار نمی کند، و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.»
 و نیز فرموده است: **(مِنْ أَهْتِدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)**، [الإسراء : ۱۵]، «هر کس (به راه حق) هدایت یابد، راهیابی اش به سود خودش است، و هر کس (از راه حق) گمراه شود، گمراهی به زیان خودش است. و هیچ کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.»

و نیز فرموده است: **(أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ * وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ * أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ * وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَىٰ [النجم : ۳۶ - ۴۱]**،

«آیا بدانچه در تورات موسی بوده است، مطلع و باخبرش نکرده اند؟ * یا از آنچه در صحف ابراهیم بوده است، مطلع و باخبرش نکرده اند؟ ابراهیمی که (وظیفه خود را) به بهترین وجه ادا کرده است. * (در صحف ایشان آمده است) که هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی کشد. * و این که برای انسان پاداش و بهره ای نیست جز آنچه خود کرده است و برای آن تلاش نموده است. * و این که قطعاً سعی و کوشش او دیده خواهد شد. * سپس (در برابر کارش) سزا و جزای کافی داده می شود.»

وقتی انسان فقط در قبال عملکرد خودش مؤاخذه نخواهد شد، پس پاسخ این آیه چیست که خداوند می فرماید: **لِيُجْزِيَ الَّذِينَ يَضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلْسَاءَ مَا يَزُرُونَ**، [النحل : ۲۵]، «آنان باید که در روز قیامت بار گناهان خود را (به سبب پیروی نکردن از پیغمبر) به تمام و کمال بر دوش کشند، و هم برخی از بار گناهان کسانی را حمل نمایند که ایشان را بدون (دلیل و برهان و) آگاهی گمراه

ساخته اند. هان! (ای مردمان! بدانید که آنان) چه بار گناهان بدی را بر دوش می‌کشید! «**وَ اَثْقَالًا مَعَ اَثْقَالِهِمْ**»، [العنکبوت: ۱۳]، «آنان بارهای سنگین خود را بر دوش می‌کشند، و بارهای سنگین دیگری را افزون بر بارهای سنگین خودشان.»

بنابراین، خداوند در این آیات خبر داده اند که آدمی با وجود گناهان خود، بار گناهان دیگران را نیز بر خود حمل خواهد کرد، پس راه حل این تعارض چیست؟

پاسخ: هر گاه انسان برای گمراه ساختن دیگران تلاش نماید و عمداً سبب گردد تا فردی را فاسد نموده و آن فرد شراب بنوشد، یا راه فساد را برایش هموار سازد، یا ارتباط و همنشینی با زنان بیگانه را برایش زیبا جلوه دهد، این فرد در قبال این تشویق‌ها و به فساد کشیدن‌های آن انسان مواخذه می‌گردد و مانند بار گناه انجام دهنده نیز بر دوش خود گناه حمل می‌کند.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مردم را به سوی هدایتی فرا خواند، برای او مانند پاداش کسانی که از او پیروی می‌کنند، داده می‌شود بدون این که از پاداش آنان چیزی کاسته شود. و هر کس مردم را به سوی گمراهی فرا خواند، برای او مانند گناه کسانی که از او پیروی کرده اند، خواهد رسید بدون این که از گناه آنان چیزی کاسته شود.»^۱

آری، هر کس مردم را به گمراهی و فساد بکشد، گناه خود و آنان را بر دوش خواهد کشید، همان گونه که اگر کسی مردم را به سوی خیر و خوبی فرا خواند، مانند پاداش آنان را دریافت خواهد کرد، و این جزایی کامل است. پس پاک است دادگر عدالت‌گستر و ذات با شکوه و با عظمت.

^۱ - متفق علیه.

قاعدة سوم: آگهی یافتن بندگان از اعمالی که از پیش فرستاده اند

هیچ چیزی بر پروردگار با عظمت و جلالمان مخفی نمی ماند، و نامه های اعمال، همه اعمال نیک و بد را در خود ثبت می کنند، و آنان همه عملکردشان را در نزد خود حَاطِر می بینند. **خِذَا وَنَبِّئِ مِی فِرْمَیْدُ: (یَوْمَ تَجِدُ كُلِّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مَّحْضِرًا وَّ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تُوَدِّ لَوْ أَنْ بَیْدَهَا وَّ بَیْدَهَا أَمَدًا بَعِیْدًا)**، [آل عمران: ۳۰]، «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می بیند (و مایه سرور او می شود) و دوست می دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می بود.»

و نیز خداوند می فرماید: **(عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَّ اٰخِرَتِ)**، [الانفطار: ۵]، «آن گاه هر کسی می داند چه چیزهایی را پیشاپیش فرستاده است، و چه چیزهایی را واپس نهاده است و بر جای گذاشته است.»

و نیز خداوند می فرماید: **(وَوَجَدُوا مَّا عَمِلُوا حَاضِرًا وَّ لَا یُظَلِّمُ رَبُّكَ اٰحَدًا)**، [الکف: ۴۹]، «آنچه را که کرده اند حاضر و آماده می بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی کند.»

زمانی بندگان از عملکرد خود اطلاع می یابند که نامه های اعمالشان را دریافت می کنند و محتوای آنها را مطالعه می نمایند.

که خداوند می فرماید: **(كُلِّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنَاهُ طَآئِرَهُ فِی عُنُقِهِ وَّ نَخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ كِتَابًا یَلْقَاهُ مَنْشُورًا * اَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفٰی بِنَفْسِكَ اَلِیَوْمِ عَلٰیكَ حَسِیْبًا)**، [الإسراء: ۱۳، ۱۴]،

«اعمال هر کسی را (همچون گردن بند) به گردنش آویخته ایم (و او را عهده دار رفتارش ساخته ایم) و در روز قیامت کتابی را برای وی بیرون می آوریم که گشوده به (دست) او می رسد. * (در آن روز بدو گفته می شود:) کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی.»

این کتاب، که همان نامه اعمال باشد، همه اعمال بزرگ و کوچک را بر شمرده و در خود جای داده است، چنان که خداوند می فرماید: **(وَرَضِعِ الْكِتَابِ فِتْرَى الْمَجْرِمِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا)**، [الكهف : ٤٩]،

«و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می شود (و مؤمنان از دیدن آن شاد و خندان می گردند) و بزهکاران (کفر پیشه) را می بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می شوند و می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و آنچه را که کرده اند حاضر و آماده می بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی کند.»

قانون چهارم: نیکی ها افزوننده می گردند، اما بدیها خیر

از فضل فرمانروای کریم و محسن نسبت به بندگان این است که رحمتش بر خشمش سبقت برده است، و عفو و بخشش اش بر کیفرش غالب شده است و بردباری و گذشت از بندگان، در نزد وی از کیفر و عذاب محبوبتر و پسندیده تر است.

از این رو خداوند به انجام نیکی بنده شادمان شده و آن را چندین برابر افزایش می دهد و از بدی ناراحت می شود، اما آن را افزایش نمی دهد، بلکه آن را می آمرزد.

خداوند متعال می فرماید: **(إِنْ تَقْرَضُوا أَللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ)**،

[التغابن : ١٧]، «اگر به خدا قرض الحسنه ای بدهید، آن را برایتان چندین برابر می سازد، و شما را می آمرزد. خداوند سپاسگزار و بردبار است.»

کمترین افزایشی که در نیکی انجام خواهد گرفت، ده برابر خواهد بود: خداوند می فرماید: **(مَنْ عَمِلَ بِحَسَنَةٍ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا)**، [الأنعام :

[۱۶۰]، «هر کس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست کم) ده برابر دارد»
 اما جزای بدی به همان اندازه خود بدی خواهد بود. چنان که الله تعالی می فرماید: **(وَمِنْ آيَاتِهِ بِالْأَنْعَامِ : ۱۶۰)**، «و هر کس کار بدی کند، پادافره او (به سبب عدل و داد یزدان) جز همسنگ و همسان آن داده نمی شود و به ایشان ظلم و ستم نمی گردد.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا پروردگارتان ذات مهربانی است، هرکس، اراده نماید که کار نیکی انجام دهد ولی آن را عملی نکند، خداوند برای او نزد خودش، یک نیکی کامل، ثبت می نماید. و اگر آن انجام دهد، خداوند نزد خود، ده تا هفت صد نیکی و چندین برابر بیشتر از این، برایش ثبت می نماید. و هرکس، قصد انجام عمل بدی را بکند و آن را عملی نسازد، خداوند، یک نیکی کامل، نزد خود، برایش ثبت می کند. و اگر مرتکب آن شود، خداوند برایش یک بدی، ثبت می نماید یا آن را محو می گرداند و جز فرد نابود شونده کسی در برابر الله تباه و هلاک نخواهد شد.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند عزوجل می فرماید: هر کس عمل نیکی انجام دهد به او ده برابر یا افزونتر پاداش کی دهم و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس جزای بدی برابر آن برای اوست، و یا او را می بخشم، و هر کس یک وجب با من نزدیک شود، من به او یک دست نزدیک می شوم و هر کس به اندازه یک دست به من نزدیک شود، من به اندازه دو دست به او نزدیک می گردم، هر کس پیاده به سوی من بیاید، من شتابان به سوی او می روم.»^۲

و نیز الله تعالی گاهی از فضل خودش برخی نیکی ها را به هفتصد برابر و یا بیشتر افزایش می

^۱ - متفق علیه.

^۲ - صحیح مسلم و ابن ماجه.

دهد. خداوند می فرماید: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ
فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ)، [البقرة : ۲۶۱]،

«مثل کسانی که دارایی خود را در راه خدا
صرف می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه
بر آرد و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند
برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می
گرداند، و خدا (قدرت و نعمتش) فراگیر (و از
همه چیز) آگاه است.»

قاعده پنجم: اقامه شهود

در دادگاه حسابرسی و دریافت جزای قیامت،
گواهان حضور می یابند، این گواهان افرادی
هستند که در دنیا با بندگان همراه بوده و هرگز
از او جدا نبوده اند، در حالی که انسان متوجه
آنها نیست و آنها را با خود احساس نمی کند.
آن گواهان، فرشتگان محافظ و نویسندگان و
اعضای بدن انسان خواهند بود که در روز قیامت
به نفع او یا علیه وی گواهی می دهند. آری، اگر
عمل نیکو انجام داده است، به نفع او و اگر عمل
بد انجام داده است، بر علیه او گواهی می دهند.
خداوند می فرماید: (وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا
تَتَلَوْنَهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا
عَلَيْكُمْ شُهَدَاءَ إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ
مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ
ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ)، [یونس : ۶۱]،

«(ای پیغمبر!) تو به هیچ کاری نمی پردازی و
چیزی از قرآن نمی خوانی، و (شما ای مؤمنان!)
هیچ کاری نمی کنید، مگر این که ما ناظر بر شما
هستیم، در همان حال که شما بدان دست می یازید
و سرگرم انجام آن می باشید. و هیچ چیز در زمین
و در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی ماند، چه
ذره ای باشد و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن،
(همه اینها) در کتاب واضح و روشنی (در نزد
پروردگارتان) ثبت و ضبط می گردد.»

و نیز خداوند می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيَّ كُلِّ
شَيْءٍ شَهِيدًا)، [النساء : ۳۳]، «بی گمان خدا بر هر

چیزی حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و کردار شما) بوده است.»

و خداوند از رسولان و از مخلوقاتش، هر کسی را که بخواهد، بر بندگانش می فرستد، چنان که خداوند از گواهی پیامبران بر اقوامشان خبر داده و می فرماید:

(فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا)، [النساء : ۴۱] ، «(ای محمد! حال اینان) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملّتی گواهی (از پیامبران برای شهادت بر قوم خود) بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم؟»

و نیز خداوند می فرماید: **(وَلَنُزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَفَلَنذَاهُ تَوَابِرَهُ أَنْكُمْ)**، [القصص : ۷۵] ، «(در آن روز، ما) از هر امتی گواهی (از میانشان) بیرون می کشیم و (به پیش خود احضار می کنیم، و خطاب به مشرکان) می گوییم: دلیل خود را (بر شرک و کفر دنیوی) بیاورید.»

و در جایی دیگر فرموده است: **(وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ)**، [ق : ۲۱] ، «در آن روز هر انسانی همراه با راهنما و گواهی می آید.»

و نیز اشیای دیگری که گواهی می دهند زمین: هر آنچه بر روی آن انجام گیرد، بازگو خواهد کرد: **(يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا)**، [الزلزلة : ۴] ، «در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می کند.»

شب و روز: چنان که هر چه در آنها انجام گیرد، گواهی خواهند داد.

مال و سرمایه: بر علیه صاحبش گواهی می دهد که آن را از چه رهای به دست آورده و کجا خرج نموده است.

فرشتگان: هر آن چه را که بندگان انجام می دهند، گواهی می دهند.

اگر چنانچه بنده چیزی از اعمالش را انکار نماید،

در روز رستاخیز، بندگان برخی از اعمالی را که در نامه های اعمال درج شده اند انکار نموده

و چنین می پندارند که آن اعمال را مرتکب نشده اند و هر گاه آدمی در انکارش اصرار ورزد، و گواهانی را که علیه او گواهی می دهند، انکار نماید، خداوند بر دهانش مهر می زند و به اعضا و اندامهایش دستور می دهد تا سخن گویند و آنان از اعمالی که انسان مرتکب گشته است، خبر می دهند! آن لحظه، لحظه ای بسیار دشوار و شرم آور خواهد بود!

دست می گوید: من به چیز حرام دست زده ام و پا می گوید: من به سوی حرام حرکت کرده ام، چشم می گوید: من به سوی حرام نگریسته ام و گوش می گوید: من به حرام گوش داده ام و به همین ترتیب، بینی، پوست و... آآه، خدایا، بر ما لطف نموده و سترهایمان را بپوشان.

خداوند می فرماید: (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)، [یس: ۶۵]، «امروزه بر دهانهایشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که انجام می داده اند و) چیزهایی که فراچنگ می آورده اند، گواهی می دهند.»

ابوموسی اشعری می گوید: در روز قیامت انسان کافر و منافق برای حسابرسی آورده می شود و خداوند عملش را بر وی عرضه می داد و او آن را انکار می نماید و می گوید: خدایا! به عزت و جلالت سوگند که این فرشته چیزی را علیه من ثبت نموده است که من آن را انجام نداده ام، آن گاه فرشته می گوید: آیا تو در فلان روز در فلان جا، فلان عمل را انجام ندادی؟ می گوید: خدایا! به عزت تو سوگند که من آن عمل را انجام نداده ام، وقتی چنین انکار می کند، بر دهانش مهر زده می شود و آن گاه اعضایش به سخن در می آیند، آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ)^۱

^۱ - تفسیر ابن جریر در ذیل این آیه.

رسول خدا فرمود: «بنده می گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی دهی؟ الله می فرماید: بلی، بنده می گوید: خدایا! من جز گواهی خودم، گواهی کسی دیگر را نمی پذیرم، خداوند می فرماید: امروز گواهی خودت برای خودت و گواهی فرشتگان گرامی قدر کافی است، آن گاه بر دهانش مهر زده می شود و به اعضایش گفته می شود: سخن بگویید: آنها نیز اعمالی را که مرتکب شده اند، بازگو می کنند. آن گاه دهانش گشوده می شود تا سخن بگوید و در این هنگام او به اعضایش می گوید: دوری و نفرین بر شما باد، من به خاطر شما دفاع می کردم!»^۱

و نِيزِ خِدَاوَنِدِ مِي فِرْمَايِد: **اِذَا مَا جَاءَ وَهِيَ شَهِدَتْ لِي مَعَهُمْ اَبْصَارُهُمْ جَلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**، [فصلت: ۲۰]، «هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوشها و چشمها و پوستهای ایشان بر کارهایی که (در دنیا) می کرده اند، گواهی می دهند.»

اموری که بندگان از آنها سؤال خواهند شد خداوند می فرماید: (وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)، [الصفات: ۲۴]، «نگاهشان دارید که اینک مورد بازخواست قرار می گیرند.»
آری، بندگان از اعمال، نیتها و گفتارهایشان مورد بازخواست قرار می گیرند، و نیز در نصوص از اشیایی ذکر شده است که بندگان از آنها مورد مؤاخذه قرار می گیرند.
۱. بزرگترین گناه، شرک

بزرگترین گناه نزد الله تعالی این است که بنده برای خداوند شریک قرار دهد و خداوند هرگز شرک را نمی بخشد، چنان که در این آیه فرموده است: **(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا)**، [النساء: ۴۸]، «بی گمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان جز آن را از هر

کس که خود بخواهد می بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است.»

و در آن روز معبودان عبادتگزارانشان بیزاری می جویند و خداوند مشرکین را توبیخ نموده و آنان را تفریح می کند. چنان که الله می فرماید:

وَقِيلَ لَهُمْ إِنَّا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ * مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُم أَوْ يَقْتَصِرُونَ، [الشعراء : ۹۲ ، ۹۳] ،

«و بدیشان گفته می شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آنها را عبادت می کردید؟ * (معبودهای) غیر از خدا. آیا آنها (در برابر این شدائد و سختیهای که اکنون با آن روبرو هستید و هستند) شما را کمک می کنند تا خویشتن را یاری می دهند؟»

و نیز الله تعالی می فرماید: **(يَوْمَ يَنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ)** ، [القصص : ۷۴] ، «روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می دارد و می گوید: انبازهایی که برای من گمان می بردید کجایند؟!»

و نیز آنان که به نام غیر الله، از قبیل بت یا قبر، حیوان را ذبح می کنند، مورد سؤال و بازخواست قرار می گیرند. الله تعالی می فرماید:

لَوْ يَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتَسَأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ، [النحل : ۵۶] ،

«(کافران) برای بتهایی که چیزی نمی دانند (زیرا که جمادند)، بهره ای (از حیوانات) که ما بدیشان داده ایم قرار می دهند، به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتانها بازپرسی خواهید شد.»

۲. بنده از هر عملی که در دنیا انجام می دهد، پرسیده می شود

بنده از اعمال نیک یا بدی که در دنیا انجام می دهد، سوال خواهد شد. خداوند می فرماید:

(قَوْلَ رَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ) ، [الحجر : ۹۲ ، ۹۳] ، «به پروردگارت سوگند! که

حتماً از جملگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد. *
از کارهایی که (در دنیا) می کرده اند.»
آری، همگی مورد باز خواست قرار می گیرند،
فقیر و ثروتمند، فرمانروا و امیر، عرب و عجم،
سیاه و سفید، برده و آزاد، همگی از عملکردشان
سؤال خواهند شد.

حتی پیامبران در مورد پیروان، و پیروان در
مورد پیامبرانشان سؤال خواهند شد. چنان که الله
تعالی می فرماید: **فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ
وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ * فَلَنَقْصُنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا
غَائِبِينَ * وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا
يَظْلِمُونَ)**، [الأعراف : ۶ - ۹]،

«(در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که
پیامبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم
(که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا
خیر؟) و حتماً از پیامبران هم می پرسیم (که
آیا پیام آسمانی را رسانده اید؟). * مسلماً
(اعمال همه را) آگاهانه برای آنان شرح می
دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده ایم * سنجش
درست (و دقیق اعمال) در آن روز انجام می گیرد.
پس هر که (کفه حسنات) ترازوی او سنگین شود (و
برکفه سیئات او رحجان پذیرد) این چنین کسانی
رستگارند. * و کسی که (کفه حسنات او از کفه
سیئات) ترازوی او سبک شود، این چنین کسانی که
به سبب پیوسته انکار کردن آیات ما (سرمایه
وجود) خود را از دست داده اند.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت تا لحظه
ای قدمهای بنده میخکوب است که از عمرش پرسیده
شود آن را در کدام راه صرف نموده و از علمش که
چگونه بر آن عمل کرده و از مالش که آن را از
کدام راه به دست آورده و به کدام راه صرف

نموده و از بدنش که آن را در کدام راه پیر کرده است.^۱

۳. از نعمتهایی که برخوردار بوده است،
پرسیده می شود

خانه های وسیع، ماشینهای فاخر، خوردنی ها و نوشیدنیها، لباسهای نرم، خدمتگزاران و زیردستان، شکمهای پُر، آب سرد، سایه های منازل، اندامهای زیبا، لذت خواب، و حتی از نوشیدن عسل.

الله تعالی می فرماید: (ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ)، [التكاثر : ۸]، «سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین سوالی که در روز قیامت از بنده می شود، این است که آیا ما به تو جسم سالم و تندرست عطا نکردیم و تو را از آب سرد برخوردار نکردیم؟»^۲

بنابراین، برای بنده مناسب نیست که چیزی از نعمتها را تحقیر نماید.

فردی از عبدالله بن عمرو پرسید: آیا ما از فقرای مهاجرین نیستیم؟ عبدالله گفت: آیا همسری نداری که در کنارش آرام می گیری؟ گفت: بلی، پرسید: آیا خانه ای نداری که در آن سکنی می گزینی؟ گفت: بلی، عبدالله گفت: پس تو از ثروتمندان هستی؟ آن فرد گفت: من خدمتکاری هم دارم، عبدالله گفت: پس در این صورت تو از شاهان هستی.^۳

۴. آدمی از نعمت چشم، گوش و قلب پرسیده می شود

انسانها در نوع نعمتها، توانایی ها و حواسشان متفاوت هستند، و هر چند که توانایی

^۱ - سنن ترمذی.

^۲ - سنن ترمذی.

^۳ - عمدة التفسیر احمد شاکر با اسناد صحیح، ۱/۶۵۷.

بنده بیشتر باشد، حسابش دقیقتر و پاریکتر می شود. **اللَّهِ تَعَالَى مِي فِرْمَايِدُ: (وَلَا تَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ اِنْ السَّمْعُ الْبَصَرُ وَالْفَوَادُ كُلُّ اُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهٗ مَسْئُولًا)**، [الإسراء : ۳۶]، «از چیزی دنباله روی مکن که از آن ناآگاهی. بی گمان چشم و گوش و دل همه مورد پرس و جوی از آن قرار می گیرد.»
 قتاده می گوید: وقتی ندیده ای، مگو: دیدم، و وقتی نشنیده ای، مگو: شنیدم، و ندانسته ای، مگو: دانستم؛ زیرا الله تو را از همه این موارد بازخواست می کند.^۱
 کدام امت قبل از همه مورد محاسبه قرار می گیرد

پس از آن که در روز قیامت انتظار مردم طولانی شده و همگی در ترس و وحشت بسر می برند، و دوزخ را در جلو خویش می بینند، انبیا نیز در رعب و وحشت قرار داشته و اولیا سراسیمه و نگران، و مؤمنان حیران و پریشان، و نافرمانان و گناهکاران غرق در عرق هستند، انتظارشان بسر رسیده و حساب و کتاب شروع می شود.
 از رحمت و محبت خداوند فرمانروا نسبت به پیامبرمان ﷺ، این است که قبل از همه امتها، امت آن حضرت ﷺ مورد حساب و کتاب قرار می گیرد.
 رسول خدا ﷺ فرمود: «ما آخرین امت هستیم، ولی اولین امت خواهیم بود که مورد محاسبه قرار می گیریم، لذا گفته می شود، کجاست امت امی و پیامبرشان، پس ما آخرین امت (از نظر وجود بر کره زمین) و اولین (امت از نظر حساب و کتاب در میدان محشر) هستیم.»^۲
 اولین گناهی که در میان مردم انجام شده و محاسبه آن انجام می گیرد

یکی از بزرگترین گناهان، ریختن خون ناحق است، و با کمال تأسف، امروز در عصر ما با گسترش سلاح و اسباب قتل و کشتار و بکار گیری

^۱ - تفسیر ابن کثیر، ذیل آیه: **وَلَا تَقِفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ**.

^۲ - ابن ماجه با سند صحیح.

آسان آنها، برخی مردم تساهل نموده و راحت و سریع مرتکب این گناه می شوند، در حالی که رسول خدا ﷺ خبر داده اند که این امر از علامات قرب قیامت به شمار می روند.

آن حضرت ﷺ فرمود: «قیامت برپا نخواهد شد تا زمانی که هرج زیاد شود.» پرسیدند: یا رسول الله! هرج یعنی چه؟ فرمود: «قتل و کشتار، قتل و کشتار»^۱.

و از آن جایی که ریختن خون نا حق کاری بسیار سنگین است، رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین چیزی که در روز قیامت در مورد حقوق مردم، داوری خواهد شد، خونها خواهند بود.»^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت فردی را می آورند، در حالی که دست دیگری را گرفته است و می گوید: خدایا! این مرا کشته است، الله تعالی به قاتل می گوید: چرا او را کشته ای؟ او جواب می دهد: خدایا! او را کشتم تا عزت از آن تو باشد،^۳ الله می گوید: عزت و جلال از آن من است. باز کسی دیگر را می آورند در حالی که دست دیگری را گرفته و می گوید: خدایا این مرا کشته است، الله تعالی می پرسد: چرا او را کشته ای؟ می گوید: خدایا! به خاطر این که عزت و سربلندی از آن فلانی باشد. الله تعالی می گوید: عزت و سربلندی از آن فلانی نیست،^۴ آن گاه به گناهش گرفتار می شود.»^۵

بنابراین، باید انسان از ریختن خون ناحق بپرهیزد، و از درگیریها و خصومتها و مواضع اتهام بپرهیزد و به هنگام خشم و غضب خود را

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - یعنی بدان جهت او را کشتم که کافر بود و با مسلمانان می جنگید، یا مرتکب چنان عملی گردید که کشتنش را واجب می گردانید. مصنف ابن ابی شیبیه، ۲۲ / ۳۴۰، (مترجم).

^۴ - یعنی او را با انگیزه غلبه فلانی بر مردم یا بنابر دستور فلانی کشته ام. المصنف ابن ابی شیبیه، ۲۲ / ۳۴۰، (مترجم).

^۵ - سنن نسائی با سند صحیح.

کنترل نماید و از خداوند سلامتی و عافیت بخواهد.

حال و وضع بندگان در روز داوری و محاسبه روز محشر و داروری، روز فیصله و قضاوت، روزی بس دشوار و سخت خواهد بود، جز کسی که خداوند آن را برایش آسان بگرداند. در آن روز مردم حالت‌های گوناگونی خواهند داشت.

زیرا به هنگام عرضه شدن در محضر خداوند کریم، در آن ایستگاه مخوف و سراسیمگی گناهکار، انسانها از همدیگر اعلام بی‌زاری و برائت می‌کنند، و هر فرد نسب و قرابت خویش را فراموش می‌کند. چنان که الله تعالی می‌فرماید: **(فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا تَسَاءَلُونَ)**، [المؤمنون : ۱۰۱]، «هنگامی که (برای بار دوم) در صور دمیده شود، هیچ‌گونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هر کسی در اندیشه نجات خویش‌تن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند.»

هر چند که دو نفر در صداقت و رفاقت خویش رابطه ای قوی و محکم داشته باشند، اما در صحنه قیامت از همدیگر تبری می‌جویند و هر کدام، نفسی نفسی می‌گویند. چنان که الله تعالی می‌فرماید: **(وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا)**، [المعارج : ۱۰]، «و هیچ دوستی از دوستش نمی‌پرسد.»

بلکه انسان از اهل و دوستانش می‌گریزد و از برادران و یارانش فرار می‌کند و همگی گردنها در برابر فرمانروا ذلیل و خوار شده و دشواری‌ها نرم و ملایم گشته و صاحبان درک و خورد فروتن شده اند.

خداوند می‌فرماید: **(وَاعْتَلُوا جُوهَ لُحَايِ الْقَيْدِ وَمِ قَدْ خَابَ مِنْ حَمَلٍ ظَلَمًا)**، [طه : ۱۱۱]،

«در آن روز همه (چهره‌ها در برابر خداوند باقی و جاویدان، و گرداننده و نگهبان جهان (همچون اسیران) خضوع و خشوع می‌کنند و کُرَنِش می‌برند، و کسی که (در آن روز کوله بار) کفر را بر دوش کشد، (از لطف خدا) ناامید می‌گردد.»

چه صحنه ای بس وحشتناک خواهد بود!! خدایا
بر ما رحم بفرما!

مردم می لرزند، پیامبران تضرع و زاری می
کنند، زبانها بند آمده، خردها بیدار شده اند،
در حالی که اعمالی متنوع و مختلف انجام شده
است!

در آن روز، بندگان اعمالی را که انجام داده
اند، حاضر می بینند، چنان که الله تعالی می
فرماید: (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا
وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا
بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ)، [آل
عمران : ۳۰]، «روزی که هر کسی آنچه را از نیکی
انجام داده است حاضر و آماده می بیند (و مایه
سرور او می شود) و دوست می دارد کاش میان او و
آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می
بود، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش
برحذر می دارد، و خداوند نسبت به بندگان
مهربان است.»

بنابراین، در آن روز هیچ عملی که انسان در
حیاتش انجام داده است، پنهان نمی شود.

آثار به جای مانده

(إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
وَآثَارَهُمْ وَكُلِّشِي أَحْصِيْنَآه فِي إِمَامٍ مَّبِينٍ)، [یس :

۱۲]، «ما خودمان مردگان را زنده می گردانیم، و
چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده اند
و (کارهایی را که کرده اند، و همچنین) چیزهایی
را که (در آن) بر جای نهاده می نویسیم. و ما
همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری
می نماییم و می نگاریم.»

خداوند این گونه حال و عمل انسان را توصیف
می می نماید، هر آنچه را که قبل از مرگش از
پیش فرستاده و اعمالی که پس از مرگش برجا
گذشته که آثار او به شمار می آیند را ثبت می
کند.

آری، محاسبه دقیق انجام می شود، به طوری که
اعمالی که قبل از مرگ انجام داده و اعمالی که
پس از مرگش رها نموده است، همه حاضر می شوند.

پس از اگر قرآنی را برجا گذاشته، چاهی را حفر نموده، نهری را به جریان انداخته، یتیمی را سرپرستی نموده، علمی را نشر نموده، فرزندی صالحی را برجا گذاشته است، همه این موارد باقی می مانند و برایش صدقه جاری به شمار می روند. همین گونه خواهد بود حال کسی که چیزی حرام را ترک نموده است، مانند این که مرده و محل فروش شراب را برجا گذاشته، یا رقص خانه ای بنا نموده، یا شبکه ماهواره ای را راه اندازی نموده که فساد را نشر می کند، و یا کتابهای فاسدی از وی بر جا مانده است.

همگی را انسان در جلوش حاضر می بیند، چنان که الله تعالی می فرماید: **(يَذِبُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ * بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ * وَلَوْ أَلْقَاهُ لَازِيرَةً)**، [القيامة : ۱۳ - ۱۵]، «در آن روز انسان را آگاه می سازند از چیزهایی که پیشاپیش فرستاده است و از چیزهایی که برجا گذاشته است. * اصلاً انسان خودش از وضع خود آگاه است. * در حالی که (به زبان) عذرهایی برای (دفاع از) خود می آورد.»

هر چندت که انسان گناه را حقیر و ناچیز بداند، اما خداوند آن را در روز قیامت بزرگ می کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «از گناهان کوچک و حقیر بپرهیزید، زیرا گناهان صغیره مانند گروهی هستند که در دره ای جمع می شوند و هر کدام تکه چوبی را می آورد، تا این که آن مقدار چوب جمع می کنند که نانشان را می پزند، و هر گاه بنده از گناهان صغیره مورد مؤاخذه قرار گیرد، نابود می شود.»^۱

انواع حقوقی که در روز قیامت ادا شوند حق، به چیزی گفته می شود که از انسان خواسته می شود تا آن را به دیگران بپردازد، و خداوند برای انسان حقوقی را قرار داده و نیز

^۱ - صحیح ابن حبان و مسند احمد با سند صحیح.

حقوقی را برای بنده تضمین نموده و او را هشدار داده است تا اگر در این حقوق کوتاهی نماید، او را محاسبه خواهد نمود.

حقوق الله تعالی

حق خداوند بر بنده این است که او را عبادت کند و کسی را با او شریک نکند، نماز بخواند، زکات مالش را بپردازد و... بنابراین، نخستین سؤالی که از بندگان می شود، این است که شما در دنیا چه کسی را معبود خود ساخته اید و چه پاسخی به پیامبران داده اید؟

همچنین از حقوق الله بر بندگان این است که عباداتی را که بر آنان واجب گردانید، را به جا آورد.

بنابراین، نماز نخستین عبادتی است که خداوند او را در مورد آن بازخواست خواهد کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «اولین عملی که بنده در روز قیامت در مورد آن محاسبه می شود، نماز اوست، پروردگار عزوجل به فرشتگان دستور می دهد: در نماز بنده ام بنگرید، آیا آن را کامل کرده است یا ناقص؟ اگر آن را کامل کرده بود، کامل ثبت می گردد، و اگر در آن نقصی وجود داشت، بود، الله تعالی می فرماید: بنگرید، آیا نمازهای نفلی دارد؟ اگر نمازهای نفلی داشت، خداوند می فرماید: آن را از آنها کامل کنید، و سپس بقیه اعمالش بدین ترتیب می باشد.»^۱

حقوق بندگان

خداوند حقوقی را از برخی بندگان بر عهده برخی دیگر قرار داده است، چنان که پدر حقوقی بر پسر دارد و همچنین همسایه بر همسایه، زن و شوهر بر همدیگر، و نیز حیوانات، درختان و... حقوقی دارند. و برخی از این حقوق مباح و برخی حرام هستند.

نخستین سؤالی که از حقوق بندگان می شود، خونها هستند، بنابراین، کسی که کشته شده، یا

^۱ - سنن ترمذی.

مجروح شده و خورش ریخته شده ، یا سرش شکسته است، این نخستین موردی خواهد بود که در مورد آن داوری انجام می گیرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «نخستین داوری ای که در روز قیامت در مورد حقوق انجام می گیرد، خونها خواهند بود.»^۱

کسی که مردم را می زند کسی که با زدن مردم را مورد تجاوز قرار می دهد، به همین ترتیب در روز قیامت از او قصاص گرفته می شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که از روی ستم مردم را با شلاغ و تازیانه می زند، روز قیامت از او قصاص گرفته می شود.»^۲

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده ای را بزند، در روز قیامت از او قصاص گرفته می شود.»^۳

ام المؤمنین، ام سلمه رضی الله عنها گفت: رسول خدا ﷺ در منزل من بود و در دستش مسواکی داشت، آن گاه کنیزک خود یا ام سلمه را صدا زد تا جایی که آثار خشم بر وی نمایان بود.

ام سلمه در جستجوی وی به حجره های ازواج مطهرات رفت و او را در حالی یافت که با حیوانی بازی می کرد.

گفت: تو اینجا بازی می کنی، در حالی که رسول خدا ﷺ منتظر توست.

کنیزک آمد و عرض کرد: به خدا سوگند من صدای شما را نشنیده ام که مرا صدا بزنید.

آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «از ترس قصاص نمی بود، تو را با این مسواک تنبیه می کردم.»^۴

۱- متفق علیه.

۲- بیهقی و بخاری در ادب المفرد با روایت صحیح.

۳- مسند بزار با روایت صحیح لغیره

۴- مسند ابویعلی الموصلی.

وقتی رسول خدا ﷺ که پیامبر مقرب الله است، از قصاص می ترسد، پس حال دیگر بندگان چگونه خواهد بود؟

مدیون

حقوق مردم ضایع نمی شود، بلکه خداوند حق هر صاحب حقی را می دهد، اگر چه چیز اندکی باشد. رسول خدا ﷺ می فرماید: «هر کس که ظلمی به برادرش نموده باشد، خواه به آبروی او لطمه زده و یا حق دیگری از او پایمال کرده است، همین امروز (در دنیا) از او طلب بخشش کند قبل از اینکه روزی (قیامت) فرا رسد که در آن، درهم و دیناری، وجود ندارد. زیرا اگر اعمال نیکی داشته باشد، (در آنروز) به اندازه ظلمی که نموده است، از آنها کسر میگردد. و اگر اعمال نیکی نداشته باشد، گناهان مظلوم را به دوش او (ظالم) می گذارند»^۱.

بنابراین کسی که بمیرد و بر عهده اش دیونی است که در دنیا آنها را پرداخت نکرده است، در روز قیامت، طلبگاران، به میزان طلبشان از نیکیهایش بر می دارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس در حالی بمیرد که دینار یا درهمی از مردم بر عهده اش باشد، از نیکیهایش فیصله می شود، زیرا در آنجا درهم و دیناری نخواهد بود»^۲.

کسی که به مردم تهمت می زند کسی که زن یا مردی را به زنا یا این قبیل موارد، متهم نماید، در دنیا از او قصاص گرفته می شود، و اگر کسی برده اش را به زنا متهم نماید، و در این اتهام دروغ بگوید، در روز قیامت حد شرعی بر وی اجرا می شود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که برده اش را به زنا متهم نماید، در روز قیامت حد شرعی بر وی

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - سنن ابن ماجه با سند صحیح.

اجرا می شود، مگر این که در گفته اش راستگو باشد.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برده اش را تهمت بزند، در حالی که او از آن کار بری است، روز قیامت به او شلاق زده می شود، مگر آن که واقعیت همان گونه باشد که او گفته است.»^۲

سلطه گر بر ضعیفان هر کس از قدرت و جایگاه یا زیرکی اش، سوء استفاده کرده و با نیرو و سلطه اش بر ضعیفان ستم روا داشته و بر آنان غلبه کند، خداوند در روز قیامت از او انتقام می گیرد.

چنان که در حدیث حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است: «مردی به محضر آن حضرت ﷺ آمد و نشست و گفت: یا رسول الله! من دو برده دارم که با من دروغ می گویند و به من خیانت می کنند و از من فرمان نمی برند، من نیز آنان را ناسزا می گویم و آنان را می زنم، پس حال من با آنان چگونه است؟

خیانتها، دروغها و نافرمانیهای آنان با تو محاسبه می گردد، اگر کیفر دادن تو به آنان به اندازه گناهانشان بود، این برایت کفایت می کند و نه به نفع تو می شود و نه به زیانت، اما کیفر دادن تو نسبت به آنان کمتر بود، این برایت فضیلت است، و اگر کیفر دادن تو به آنان بیش از گناهانشان بود، به اندازه کیفر اضافی تو به آنان، از تو قصاص گرفته می شود. آن گاه آن مرد مقداری عقب رفت و گریه می کرد و فریاد می زد:

آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود: مگر آیه قرآن را بخوانده ای که الله تعالی فرموده است: **(نَضِيعُ الْمَوْءِئِنِ الْقِسْطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِلا تَظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ اُتِيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ)**، [الأنبياء : ٤٧]، «و ما ترازوی عدل و

^۱ - صحیح مسلم.

^۲ - صحیح بخاری.

داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی شود، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می سازیم و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر باشیم.»^۱

آن گاه آن مرد گفت: یا رسول الله! من راه بهتری بین خود و آنان از این نمی یابم جز این که از آنان جدا شوم، شما را گواه می گیرم که آنان آزادند.»^۱

بنابراین، وقتی ظلم و ستم چنین سرانجامی خواهد داشت، پس مناسب است تا ما از ستم روا داشتن بر دیگران بترسیم و از آن بر حذر باشیم. در عین حال که رسول خدا ﷺ فرموده اند که ستم روا داشتیم بر دیگران در روز قیامت برای ستمگر تاریکی هایی خواهد شد. آن حضرت ﷺ فرمود: «از ظلم و ستم بپرهیزید، زیرا ظلم و ستم در روز قیامت به تاریکی هایی تبدیل خواهد شد.»^۲

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس بر برادرش ستمی روا داشته، آبرویش را ریخته یا مالی از او برداشته، پس باید امروز از او حلالی بطلبد، پیش از این که برایش درهم یا دیناری باقی نماند، در آن روز اگر عمل نیکی داشته باشد، به عوض ستمش از آن برداشته می شود و اگر عمل نیکی نداشته باشد، از گناهان کسی که بر وی ستم روا داشته است، برداشته شده و بر او تحمیل می شود.»^۳

حقوق حیوانات و چهارپایان

از جمله عدالت خداوند و باریکی حکمتش در میان مخلوقات این است که نه تنها این که حقوق بندگان را از یکدیگر می گیرد، بلکه حقوق حیوانات را نیز از یکدیگر می گیرد و از آنها قصاص می گیرد.

^۱ - سنن ترمذی و مسند احمد با سند صحیح.

^۲ - صحیح مسلم.

^۳ - صحیح بخاری.

رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت حق هر صاحب حقی به اهل آن می رسد، حتی برای گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخ دار قصاص گرفته می شود.»^۱ حتی بین انسانها و حیوانات داوری می شود، چنان که اگر کسی در دنیا حیوانی را آزار داده است، در روز قیامت محاکمه شده و و به کیفر گناهش می رسد.

چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «زنی به خاطر این که گربه ای را زندانی کرده و تا این که مرده بود، عذاب داده شده و وارد دوزخ گردید، چون نه خود به او غذا و آب داده و نه او را رها کرده تا از حشرات زمین تغذیه کند.»^۲

بنابراین، این اوج عدالت و انصاف است، زیرا خداوند بین دشمنی های بندگان داوری می کند و حق ستمیده را از ستمگر می گیرد، و حق هر صاحب حقی را به او می دهد، حق کسی را که مالش دزدیه شده است را از دزد و سارق می گیرد و حق مستضعف را از ستمگر باز پس می گیرد.

گواهان دادگاه قیامت

در روز رستاخیز، زمین با نور پروردگارش می رخشد، آن گاه که خداوند برای داوری بین مخلوقاتش متجلی می گردد و آن گاه پیامبران و گواهان آورده می شوند. خداوند می فرماید: **وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ** **بِالذَّبِذِينَ وَالشَّهَادَةِ**، [الزمر: ۶۹]، «و زمین با نور (تجلی) خداوندگارش روشن می شود، و کتاب (و نامه اعمال به دست صاحبانش) گذاشته می شود و پیغمبران و گواهان آورده می شوند.»

آن گاه در آن محکمه و دادگاه قیامت در میان آفریدگان داوری می شود و خداوند بر بندگانش گواه است و از احوالشان آگاه است و چیزی بر او پنهان نمی ماند. چنان که الله تعالی می فرماید:

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه.

وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ، [آل عمران : ۹۸]، «و خداوند بر اعمال شما گواه است.»

پیامبر ﷺ و امتش بر دیگر امتها گواهی می دهند

خداوند پیامبران را برای انسانها به عنوان رحمت فرستاده است تا آنان را به رحمت الله مژده داده و از عذابش بترسانند. همچنین برخی از اقوامشان راه هدایت را پیشه کرده و برخی اعراض نموده و رویگردان شده اند.

وقتی در روز قیامت پیامبر با امتش گرد آورده می شود و همگی در برابر پروردگار مقتدر و حکیم می ایستند، آن گاه وضعیتشان آن گونه خواهد بود که **اللَّهُ تَعَالَىٰ فَرَمِيده است:**

فَلْيَنْسَأَلِ الَّذِينَ أُرْسِلُوا إِلَيْهِمْ وَلْيَسْأَلِ الْمُرْسَلِينَ * فَلْيَنْقِصُوا مِنْ عِلْمِهِمْ بِمَا كُذِّبُوا (غَائِبِينَ)، [الأعراف : ۶ ، ۷]، «به طور قطع از کسانی که پیامبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم و حتماً از پیغمبران هم می پرسیم. * مسلماً آگاهانه برای آنان شرح می دهیم؛ چرا که ما از آنان بدور نشده ایم.»

وقتی امتها راه تکذیب را پیش گرفته و منکر این امر می شوند که پیامبران چیزی را به آنان ابلاغ ننموده اند، آن گاه پیامبران ﷺ و امتش گواهی می دهند که پیامبران پیام الله را به آنان رسانیده اند، چنان که **اللَّهُ تَعَالَىٰ** می فرماید: **(لِتَكُونُوا لِهَدَاءِ عَلِيِّ النَّاسِ)**، [البقرة : ۱۴۳]، «تا گواهانی بر مردم باشید.»

رسول خدا ﷺ فرمود: «روز قیامت، نوح فراخوانده می شود. می گوید: لبيك اي پروردگارم! آماده خدمتم. خداوند می فرماید: آیا (آنچه را که به تو گفته بودم) ابلاغ کردی؟ می گوید: بلی. سپس از امتش می پرسند: آیا به شما ابلاغ کرد؟ می گویند: هیچ ترساننده ای نزد ما نیامده است. خداوند به نوح می گوید: چه کسی گواه تو است؟ می گوید: محمد و امتاش. آن گاه شما گواهی می دهید که او ابلاغ نموده است و پیامبر نیز گواه

شماست. اینجاست که خداوند بلند بلند مرتبه می‌فرماید **﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾**.^۱
یعنی شما را یک ملت میانه رو قرار دادیم تا روز قیامت، بر مردم، گواه باشید. و پیامبر اکرم ﷺ بر شما گواه باشد.»^۱

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: «در روز قیامت پیامبری می‌آید که یک نفر با او همراه است و پیامبری می‌آید که دو نفر همراه اند و پیامبری می‌آید که تعداد بیشتری با او همراهند، آن گاه قومش فرا خوانده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: آیا پیامبرتان پیام الله را به شما ابلاغ کرده است؟ آنان می‌گویند: خیر، آن گاه به پیامبر گفته می‌شود: چه کسی گواهی می‌دهد که تو پیام الله را به آنان رسانیده ای؟ او می‌گوید: محمد و امتش، آن گاه امت محمد ﷺ فرا خوانده می‌شود و از آنان پرسیده می‌شود: آیا این پیامبر پیام الله را به امتش ابلاغ نموده است؟ آنان جواب می‌دهند: بلی، الله تعالی می‌فرماید: شما از کجا می‌دانید؟ آنان می‌گویند: پیامبرمان ﷺ به ما خبر داده است که پیامبران پیام الله را به امت‌هایشان رسانیده اند و ما او را تصدیق کرده ایم.»^۲

پیامبرمان ﷺ بر ماتش گواهی می‌دهد رسول خدا ﷺ بر امتش گواهی می‌دهد که او پیام خدا را به آنان رسانیده و احکام الله را برایشان ابراز داشته و آنان را انذار و تبشیر نموده است، آنان را به هر کار خیر راهنمایی کرده و از هر کار بدی بر حذر داشته است. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: **﴿كَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾**، [النساء: ۴۱]،

^۱ - صحیح بخاری.

^۲ - مسند احمد با سند صحیح.

«(ای محمد!) چگونه خواهد بود بدان گاه که از هر ملّتی گواهی بیاوریم و تو را (نیز به عنوان) شاهدهی بر (قوم خود، از جمله) اینان بیاوریم؟»

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه: (يَوْمَئِذٍ تُجَدِّدُ خَبْرَهُمْ) ، [الزلزلة : ٤] ، «آن روز که زمین از اخبارش سخن می گوید» را تلاوت نموده و آن گاه فرمود: آیا می دانید: اخبار زمین چیست؟ صحابه گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: اخبار زمین این است که علیه هر برده و کنیزی آنچه را که بر پشتش انجام داده است، گواهی می دهد و می گوید: وی فلان و فلان روز بر پشت من این عمل و این عمل را انجام داده است، این است اخبار آن.»^۱

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از زمین خود را محافظت نمایید؛ زیرا زمین مادر شماست، و هیچ کسی هیچ عمل خوب یا بدی را انجام نمی دهد مگر این که زمین آنها را بازگو خواهد کرد.»^۲

پس وقتی بنده می داند که او با الله تعالی ملاقات می کند و خدایی که چیزی بر او پنهان نمی ماند، پس چگونه بر آن کار جرأت پیدا می کند؟»

گواهی اعضای بدن علیه انسان چشمی که با آن می نگرد، گوشی که با آن می شنود، دستی که با آن می گیرد و کسب می کند، پایی که با آن می رود، و حتی پوست بدنش از هر موضعی، علیه انسان گواهی می دهد و همچنین ساق دست، شکم، پشت و ران سخن می گوید.

چنان که الله تعالی می فرماید: (الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَعْيُنَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) ، [یس : ٦٥] ، «امروزه بر دهانهایشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان بر (کارهایی که

^۱ - سنن ترمذی و گفته این حدیث حسن و صحیح است.

^۲ - مسند احمد.

انجام می داده اند و) چیزهایی که فراچنگ می آورده اند، گواهی می دهند.»
 وَ نِيْزِ خِدَاوْنِدِ مِي فِرْمَايِد: (يَوْمَ تَشْهَدُ بَعْدَ اِيْدِيْهِمْ
 اَلْسِنَتُهُمْ وَ اَيْدِيْهِمْ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُوْنَ)،
 [النور : ۲۴]، «در آن روزی که علیه آنان زبان
 و دست و پای ایشان بر کارهایی که کرده اند
 گواهی می دهند.»

ای دریغا! از صحنه ای که اعضای بدن گواهی
 داده و به سخن در می آیند!

انس^۱ می گوید: ما در محضر رسول خدا^ﷺ نشسته
 بودیم که آن حضرت^ﷺ به خنده در آمد و آن گاه
 فرمود: «آیا می دانید: من چرا خندیدم؟ صحابه
 گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: من
 از خطاب بنده به پروردگارش به خنده آمدم، آن
 گاه که می گوید: خدایا! مرا از ستم پناه نمی
 دهی؟ خداوند می گوید: بلی، او می گوید: خدایا!
 من کسی جز گواهی خودم را قبول ندارم.^۱ خداوند
 می فرماید: امروز کافی است که خودت، گواه خودت
 باشی و نویسندگان گرانقدر گواهی دهند، آن گاه
 بر دهانش مهر زده می شود و به اعضای بدنش
 دستور داده می شود که سخن بگویند، آنها اعمالی
 را که انجام داده اند، بازگو می کنند، آن گاه
 به او اجازه داده می شود تا سخن گوید، او به
 اعضایش می گوید: دوری باد بر شما و گم شوید،
 من به خاطر شما دفاع می کردم.»^۲

آری، به اعضایش، از قبیل دست، پا و...
 دستور می رسد تا نسبت به آنچه انجام داده اند،
 سخن بگویند. آن گاه آنها زبان گشوده و آدمی
 رسوا می شود و از زشتی ها پرده بر می دارند و
 امور پنهان آشکار می شوند و انسانهای مغرور
 رسوا می شوند.

^۱ یعنی این انسان بر اثر شدت دروغگویی اش، شهادت هیچ کسی از فرشتگان و... نمی پذیرد، و می
 گوید: جز خودم گواهی کسی دیگر را قبول ندارم، من خودم به عملکردم گواهی می دهم، آن گاه
 دهانش قفل می شود و به اعضایش دستور می رسد که سخن بگویند.

وقتی اعضای بدن اعتراف نموده و سخن می گویند در حالی که آدمی می شنود و اختیاری ندارد تا زبان اعتراض بگشاید، چون زبان قفل شده و از سخن گفتن باز داشته شده است. آن گاه به او اجازه داده می شود تا سخن بگوید، آن گاه به نکوهش و سرزنش آنان می پردازد، و می گوید: من از شما دفاع می کردم و می خواستم شما را از آتش دوزخ برهانم!

رسول خدا ﷺ در میان سخنانش در مورد سؤال قرار گرفتن بندگان در روز قیامت فرمود: «آن گاه با نفر سوم ملاقات می کند و به او نیز چنین می گوید. وی می گوید: خدایا! من به تو و کتابت و پیامبرانت ایمان آوردم و نماز خواندم و روزه گرفتم و در راه تو انفاق کردم و تا می تواند از خیر و خوبی ها سخن می گوید. آن گاه به او گفته می شود: آیا گواهانمان را علیه تو بیاوریم؟ او در خودش می اندیشد که آن گواهان چه کسانی خواهند بود؟ چه کسی علیه من گواهی می دهد؟ آن گاه بر زبانش مهر زده می شود و به ران، گوشت و استخوانهایش گفته می شود: سخن بگویند و ران، گوشت و استخوان آنچه را که انجام داده اند، بر زبان می آورند، این بدان جهت است تا برایش عذری باقی نماند و این فرد منافق است و کسی است که خداوند بر او خشمگین می شود.»^۱

گواهی سنگها و درختان
درختان و سنگها به نفع یا زیان انسان گواهی دهند از جمله این که در روز قیامت بر مؤذن گواهی می دهند و این از فضیلت اذان است که هر کسی از جن، انسان، درختان و سنگها که اذان را بشنود، برای او گواهی می دهد. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «هیچ جن و انسان و چیزی دیگری

صدای اذان را نمی شنود، مگر این که در روز
قیامت برای او گواهی می دهد.»^۱

نجوا... .

خویشتن را محاسبه کنید قبل از آن که مورد
محاسبه قرار گیرید،
و اعمالتان را وزد نمایید، قبل از آن که
علیه شما وزن شوند،
و خود را بر عرضه بزرگ در نزد خداوند آماده
کنید.

^۱ - صحیح بخاری.



دکتر محمد بن عبدالرحمن العریفی

متولد ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۹۰ هـ ق)

دارنده‌ی مدرک دکترای در عقیده و مذاهب معاصر با رتبه‌ی ممتاز از دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض.

دارنده‌ی اجازة‌ی قرائت و روایت حدیث از شیوخ برجسته‌ی مصر و یمن و مغرب. عضو اتحاد جهانی علمای مسلمان.

عضو هیئت‌علیای توسعه‌ی انسانی، وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامي. عضو مجلس امنای در هیئت‌علیای رسانه‌ی اسلامی وابسته به سازمان رابطه العالم الإسلامي.

عضو تعدادی از دفاتر دعوت و هیئت‌های اسلامی.

مشاور پاره وقت در تعدادی از هیئت‌های اسلامی در سطح جهان.

استاد پاره‌وقت در دانشگاه‌های عربستان سعودی و جهان.

خطیب جمعه در مسجد جامع بواردی در ریاض از سال ۲۰۰۶ تاکنون.

عضو هیئت تدریس در دانشگاه ملک سعود از سال ۱۹۹۳ تاکنون.

امام و خطیب مسجد جامع دانشکده‌ی امنیتی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۶ م.

ایشان علاوه بر تحصیل آکادمیک از محضر شیوخ بزرگواری همچون دکتر عبدالکریم اللاحم، دکتر عبدالله بن جبرین، علامه عبدالعزیز بن باز، علامه ابن عثیمین، شیخ عبدالله بن قعود و تعدادی دیگر از شیوخ گرامی استفاده علمی برده است.

دارای نزدیک به سی عنوان کتاب و رساله‌ی علمی و دعوی به زبان‌های زنده‌ی دنیا.

دکتر عریفی همچنین از طریق شبکه‌های اجتماعی به امر دعوت مشغول هستند.

حساب کاربری تویتر ایشان رکورد بیشترین دنبال کننده را در کشورهای عربی دارا می‌باشد.



Arefe.Fa@gmail.com



facebook.com/ArefeFa
facebook.com/3refe



@ArefeFa
@MohamadAlarefe



youtube.com/user/Arefefa